

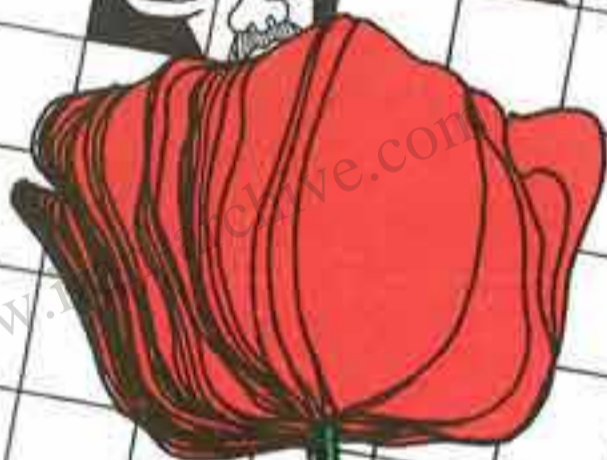
سال سوم شماره ۱۸
اسفند-فروردین ۱۳۶۳
مارس-آوریل ۱۹۸۴



نشریه دانش‌جویران هوادار سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران در خارج از کشور

ویژه‌نویز
۶۸ صفحه

نوروز خجسته باد



در این شماره:

- پیام کمیته مرکزی سازمان
- چریک‌های فدایی خلق ایران
- بسیج زنان: انقلاب در انقلاب
- انقلاب آقای رجوی در علم و فلسفه!
- بحران امپریالیسم و چشم انداز آن
- تجدید قرارداد نیروگاه‌های اتمی بوشهر
- شعر دوران مشروطه
- ❖ ❖ ❖

پیام کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

به کارگران و زحمتکشان ایران

بمناسبت پنجمین سالگرد قیام بهمن

و چهاردهمین سالروز حماسه سیاهکل



کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!

پنج سال تمام از قیام عظیم شوهدهای مردم ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ که ساط سنگین نظام سلطنتی را از ایران سر جید گذشت، هنگامیکه شوهدهای زحمتکش ستمدیده و استثمار شده مردم ایران در این روز تاریخی و فراموش نشدنی، با شور و آشکار زایدالوصف و با روحیه‌ای سرشار از قداکاری، فخرمآنی، جانفشانی و از خود گذشتگی به قیام مسلحانه برخاستند تا ستمگران را با قهر انقلابی سرنگون سازند، تمام وجود قیام کنندگان سرشار از امید و آرزو بود.

آنها به فردایی می‌اندیشیدند که نه تنها ساط ظلم و ستم و سیدادگری رژیم شاه بر افشاده باشد، بلکه بر ویرانه‌های کاخ ستمگران جامعه رفاه و خوشبختی، جامعه‌ای رسته از هر گونه ستم و استثمار سانهاده شده باشد.

اما اینک پس از گذشت پنج سال از قیام، هر کارگر و زحمتکش ستمدیده و استثمار شده‌ای به رأی العین می‌بیند که بحای رژیم ستمگر سلطنتی شاه، رژیم ستمگر جمهوری اسلامی که این نیز همانند رژیم شاه با سادار صنایع طبیفه سرمایه‌داران، مدافع تمامی شروتمندان، استثمارگران و ستمگران و دشمن سوگنده خورده کارگران و زحمتکشان است، فرار گرفته است. رژیمیکه قدم به قدم دستاوردهای عظیم شوهدها را در انقلاب از آنها با زبی گرفت و شمراآت آنهمه فخرمآنی و حماسه آمیزی شوهدهای مردم را لنگدمال کرد.

سران مرتجع رژیم جمهوری اسلامی که زمانی برای قریب شوهدهای مردم وعده رفاه و آزادی و خوشبختی را میدادند، اکنون دیگر نزدیک به سهال است که تمام برده‌ها را کتار زده‌اند و برای سرکوب کارگران و زحمتکشان ایران رژیم ترورو خفقان را برقرار نموده‌اند. مرتجعین حاکم با شوسل به دیکتاتوری تروریستی در ایران و عنان کسبخته حتی ابتدایی ترین حقوق مدنی و انسانی را از شوهدهای مردم سلطه نموده‌اند. اسعاد این اختناق و سرکوبه حدی رسیده است که حتی زندگی خصوصی مردم نیز از مداخلات پلیسی - جاسوسی رژیم در مان سمانده است. سیدادگری و خودکامگی این رژیم به مرحله‌ای رسیده است که اعتراض چنانیان را سیر نسبت به کشتار و تکیحه و زندان و بی‌حقوقی مردم برانگیخته است. هم‌اکنون زندانهای رژیم انسانته از مردان و زنان انقلابی است که جرم آنها دفاع از دموکراسی و آزادی و دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان ایران است. تعداد سازه‌اشندگان چندسال اخیر به مرز صد هزار رسیده است. تنها طی ستر اردو سال هزاران تن از انقلابیون ایران به حوضه‌های اعدام بقیه در صفحه ۵

۱۹ اسفند سالروز انتشار نشریه کار

ششمین سالروز انتشار نشریه کار، ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را گرامی میداریم و به رفقای رزمنده و مبارز فدائی درود میفرستیم که در منتهای خفقان، سرکوب و بیگرد ارتجاع حاکم، همچنان به انتشار "کار"، ارگان مرکزی سازمان و سایر نشریات، از جمله "ریگای - گل"، ارگان شاخه کردستان ادامه میدهند. "کار" بهترین بیانگر اندیشه‌های سرخ فدائیان خلق و نقشی است که فدائیان خلق در ارتقاء سطح شوریک - سیاسی جنبش کمونیستی ایران داشته‌اند. رفقای فدائی همواره تلاش کرده‌اند "کار" را به مثابه ارگانی سازمانده، مبلغ و مسروج آرمان پرولتاریا به جنبش دمکراتیک - ضد امپریالیستی و بویژه جنبش کمونیستی ایران، عرضه دارند. اگرچه فشارهای ضدانقلاب و محدودیت‌های متعدد حاصل از آن نگذاشته است که "کار" به تمامی اهداف و کارکردهای خود عمل نماید و در سالهای اخیر محتوای مطالب و میزان انتشار آن عمدتا محدود به هواداران سازمان و نیروهای پیشرو جنبش کمونیستی بوده است، لیکن تداوم انتشار "کار" که به قیامت از جان گذشتگی‌ها، تحمل خطرات و تلاش‌های خستگی ناپذیر رفقای فدائی حفظ گردیده است، خود عامل بسیار مهمی در تداوم حیات و بالندگی حرکت سازمان در زمینه‌های سیاسی، شوریک و تشکیلاتی بوده است. یک سازمان سیاسی انقلابی بدون انتشار نشریه و ارگان سیاسی که به تحلیل مسائل روز جنبش بپردازد، مفهوم واقعی خود را از بقیه در صفحه ۵

گرامی باد خاطره فدائی شهید رفیق کبیر مسعود احمدزاده



سالگرد کمون پاریس

اولین حکومت کارگری جهان

گرامی باد



برای تماس با جهان با آدرس زیر مکاتبه نمائید:

JAHAN جهان
P.O. BOX 540
N.Y., N.Y. 10185 U.S.A.

نوروز کارگران، زحمتکشان و مبارزان خجسته باد

بهاری دیگر فرا میرسد و زمین از خواب سنگین زمستانه برمیخیزد. چشم اندازی از طراوت و سبزی همه جا را میپوشاند و درختان به شکوفه می‌نشینند. آفتاب شرمناک بهاری بر دامان کوهساران می‌خندد و جاری بر قابه‌ها، رودخانه‌ها را می‌خورشانند. بهاران با سرما و یاس می‌شیزد و فرهنگی خاک را با سبزیگی و شکفتگی می‌آراید.

هر شقایق خونین بهار یادآور خون شهیدی است که برای شکوفاندن گل همیشه‌بهار آزادی و انقلاب، سرفرازانه در برابر گلوله‌های دژخیمان سینه سپر کرده است و نیم هر شکوفه سرخ یادآور زخمی است خونین بر اندام استوارزندانی مبارز.

سالی که گذشت سالی سنگین و تلخ برای کارگران و زحمتکشان و مبارزان بود. سال کار و زحمت. سال استثمار. سال اعدام و شکنجه و سال مقاومت و مبارزه مردم قهرمان کردستان. این سال چنان سخت و سنگین گذشت که زحمتکشان را توانی برای تماشای طراوت بهاران نیست و تلالو چشم اندازهای دلنواز بهاری، تنها بهار سرخ و شکوفان انقلاب را برایشان تداعی میکند. بهار خونین انتقام فردا را.

در سرزمینی که هر گوشه‌اش از خون هزاران شهید گلگون بیراهن سرخفام است، کدام شقایق خونین نوری پیام بهاران تواند گذارد؟ یالی که هر روزش با بهار خون مدها تن از رشیدترین جوانان آغشته است و در هر ساعتش دهها شکوفه خونین، لب‌به فریاد گشوده و پرپر شده‌اند، کدام لاله سوزان راتوان جلوه‌گری خواهد بود؟

بهار امسال ایران، تنها بهار طبیعت است. بهار انسان نیست، بهار هستی نیست. بهار خرم انسان، بهار شکوهند هستی زمانی می‌شکوفد که بنای بیداد و استثمار از بنیاد درهم شکنند و آفتاب آزادی و برابری بر سراسر فلات میهن بشکوفد.

لبخند آفتاب بهاری، خرامش نسیم مهربان، خروش نرمبار رودخانه‌ها و طراوت زمین، آغاز زندگی دوباره‌ای را نوید میدهد و این نوید بی‌گمان الهام بخش کارگران و زحمتکشان و مبارزان خواهد بود که در سال نو کوشا تر، پرتلاش‌تر و سر سختانه‌تر فرو شکستن دستگاه ستم و استثمار جمهوری اسلامی را دنبال کنند و با استقرار

جمهوری دمکراتیک خلق، دروازه‌های بهار آزادی و برابری را بروی خودبگشایند. بهاری که با فرا رسیدنش دیوارهای سنگین زندانها درهم شکنند و فقر و جهل و بیداد برای همیشه از جامعه رخت بپوشند. بهاری که در آن از جنگه گرسنگی و بی‌خانمانی نشانی نباشد.

هم‌اکنون مسیر حرکت جامعه و تحولات جاری، ظلمه بهاری سرخ را نوید می‌دهد. رژیم سنگین جهل و جنایت‌پر پرتگاه سقوط و نیستی گرد خود می‌گردد. بحران رو به تزايد اقتصادی، اساس این حکومت ارتجاعی را به لرزه درآورده است. مفایق عمیق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، جامعه را در آستانه انفجار قرار داده است. رژیم پایگاه خود را در میان توده‌ها، حتی متوهم‌ترین و عقب مانده‌ترین آنها نیز از دست داده است. بی‌کاری، بی‌خانمانی و درددری، گران و تورم، ناپایی اولیه ترین مابحتاج عمومی، گریز سربازان از جبهه‌ها، محومه مظلولین جنگه، تقاضاهای درونی هیئت حاکمه، هر یک زنجیر گران‌بای است که هر لحظه حلقوم این بیمار محترم را بیشتر می‌فشارد. از سوی دیگر تداوم مبارزات خلق قهرمان

فهرست مطالب

۲۸ ۱۳۶۰ اسفند ۲۵ سالگردشدهای	۵
	دیدگاهها: انقلاب آقای رجوی در علم	۸
۳۱ و فلسفه		عملکرد رژیم جمهوری اسلامی از نظر مردم
	بازتاب رویدادهای اجتماعی و تاریخی	۱۲ به روایات روزنامه‌های رژیم
	در شعر فارسی - بخش دوم شعر در دوران	۱۳ گزارشی از روستای موشی
۳۵ مشروطه		پیام سازمانها و نیروهای بین‌المللی به
	تجدید قرار داد نیروگاه اتمی بوشهر	۱۴ سچفا
۴۲ بحران امپریالیسم و چشم انداز آن	۱۵ اخبار جنبش دانشجویی
۴۹ چکیده انقلاب، حیدر عمو و غلی	۱۷ اخبار جهانی
۵۴ سه آلت‌رنا تیو حکومتی در مقابل رژیم ضد	۲۰ نا میبیا: مبارزه برای استقلال اوج میگیرد.
۶۰ انقلابی جمهوری اسلامی	۲۳ چگونه روز جهانی زن بوجود آمد
۶۲ از خوانندگان	۲۳ ۸ مارس روز جهانی زن را گرامی داریم
۶۴ شعر	۲۴ بسیج زنان: انقلاب در انقلاب (۱)
۶۷ کدهای مالی		معرفی کتاب: دیکتاتوری و تبلیغ
		۲۸ مسلحانه (قهر)

گرد، یکی از عمده ترین مشکلات رژیم جمهوری اسلامی است که این حکومت سنگین، با گسیل روزافزون نیروهای ارتشی، پاسداران، بسیج و غیره و حتی با فروریختن بمب های شیمیایی نتوانسته است آنها را درهم شکند.

اعتصابات و اعتراضات رو به گسترش کارگران و مبارزات قهرمانانه زحمتکشان از قبیل حرکت افسریه، حرکت مردم کسب و ... و نیز اعتراضات رو به گسترش خانواده های اعدام شدگان، زندانیان سیاسی، اعزام شدگان به جبهه های جنگ، هریک از رشد و فراروشی مبارزات زحمتکشان و سرنگونی رژیم حکایت میکند.

مبارزات قهرمانانه سازماندهی انقلابی علیرغم مشکلات زیاد همچنان ادامه دارد. بویژه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در زمینه تشکیل کمیته های مخفی اعتصاب، نشر و پخش مسخره نثریه کار (ارگان سراسری سازمان) و نشریه ریگای گله، (ارگان شاخه کردستان سازمان) و نشریات دیگر شاخه های سازمان و همراه با آن پخش شب نامه ها، اعلامیه ها، تراکتها و تبلیغ بزرگانه عمل سازمان، بمثابة محور خواستهای کارگران و زحمتکشان در جهت استقرار جمهوری دمکراتیک خلق، نقش برجسته ای در - افشاکگری و سازماندهی مبارزات ایفا میکند. واقعیت این است که چنانچه از قیام قهرمانانه توده ها و سقوط محضوم جمهوری اسلامی موجب شده است که نمایندگان طبقات و اقشار مختلف اجتماعی تکاپوی برداشته اند. بویژه در خارج از کشور، در جهت نامزدی خود برای جانشینی رژیم جمهوری اسلامی آغاز کنند و در این زمینه برنامه های مختلفی را ارائه دهند. اما به گواهی تاریخ و انقلاباتی که در عمر حاضر بوقوع پیوسته اند، پیروزی واقعی انقلاب و فراروشی بهار روشن آزادی و برابری تنها در صورتی حیزر است که پرولتاریا بتواند مهر و نشان خود را بر انقلاب بکوبد و برنامه های خود را در جهت تحقق جمهوری دمکراتیک خلق به پیش ببرد.

تجربه عظیم و خونین انقلاب بهمن و سرنوشت تلخ و دردناک آن، یکبار دیگر حقایق این واقعیت تاریخی را در عمق به ثبوت رساند. امروز گذشته از کمونیستها همه نیروهای واقعا انقلابی و نیز بخش عظیمی از کارگران و زحمتکشان میدانند که بدون رهبری پرولتاریا، مبارزات مردم به کجراه کشانده خواهد شد و قدرت سیاسی از این قشر بورژوازی به قشر دیگر آن منتقل خواهد شد. آنها میدانند ائتلاف پخشاشی از خرده بورژوازی و مؤلفان بورژوازی آن نیز گره کور مشکلات اقتصادی، اجتماعی و

سیاسی موجود جامعه ما را نخواهد گشود. اقدامات افشار مختلف بورژوازی و خرده - بورژوازی (شورای ملی مقاومت) در این زمینه یک شوخی خطرناک تاریخی - به خطرناکی حکومت اسلامی - است که در عمل نتوانی و ناکارآیی خود را نشان داده است. مشکلات جامعه فقط با یک انقلاب اجتماعی حل خواهد شد، انقلابی که انحلال ارتش پلیس، سپاه و کمیته ها و کلیه نیروهای مسلح حرفه ای و جدا از مردم را در بر داشته باشد، دستگاه بوروکراتیک و اداری را در هم شکند و قوای مقننه و مجریه را بر اساس اعمال اراده و حاکمیت مستقیم کارگران و زحمتکشان جانشین آن کنند و کنگره شوراهای نمایندگان کارگران و زحمتکشان را بعنوان عالی ترین مرجع تصمیم گیری در جامعه تثبیت کنند. یک انقلاب اجتماعی زمانی متحقق خواهد شد که طی آن اقدامات اساسی در راستای برانداختن کامل سلطه امپریالیسم و قطع وابستگی های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بعمل آید، قراردادهای اسارت بار امپریالیستی لغو و مفاد آن افشا شود. همه صنایع و موسسات متعلق به سرمایه داران وابسته و انحصارات امپریالیستی، نهادهای مذهبی، صنایع بزرگ و ... منسوخ و ملی گردد و حکومت انقلابی اداره آنها را در دست گیرد. کنترل کارگری نه تنها بر این مؤسسات، بلکه در صنایع و موسسات دیگر نیز اعمال شود. یک انقلاب اجتماعی زمانی متحقق خواهد شد که در - زمینه آن آزادی کامل برای کارگران و زحمتکشان و دیکتاتوری پرولتاریا استشاری کارگران اعمال شود و براساس آن رشد فعال و خلاق آگاهی کارگران و زحمتکشان و تشکیل آنان بویژه تشکیل پرولتاریا در راستای حرکت مستمر برای تحقق سوسیالیسم، فراهم آید.

هر کس که چشمی برای نگریستن واقعیتها، قلبی برای طپیدن برای آرمانهای شترک کارگران و زحمتکشان و مغزی برای درست اندیشیدن داشته باشد، به سهولت در مییابد که جنجال بر سر کسب قدرت سیاسی از سوی این با آن نیرو و با استناد به "سوابق درخشان ملی، مذهبی و مبارزاتی"، چنگالی بیهوده و عوامفریبانه است. امروز مسئله حیاتی در امر انقلاب ایران، این است که برنامه کدام طبقه اجتماعی مشخص متضمن تحقق یک انقلاب اجتماعی است و رسالت انجام آن به عهده کدام طبقه اجتماعی مشخص و نمایندگان اش گذار شده است. سرنوشت انقلاب آینده ایران، پیروزی یا شکست آن در گرو درک این مسئله حیاتی است. روند تحولات جامعه در ششمین بهار انقلاب حکایت از روزهای خروشان می کند که

کارگران و زحمتکشان ایران برای برپاشی انقلاب دمکراتیک توده ای، اسطوره های مقاومت و قهرمانی بیافرینند.

در آستانه ششمین بهار قیام، ایران گوزن خونینی است که با گلوی زخمین، فریاد میزند. ایران از میان کارخانه ها، شهرها، روستاها و از میان کوهساران خونین کردستان دوباره متولد میشود. ایران کارگران و زحمتکشان در راه است.

کارخانه ها آبدن طوفانی خونین اند. کارخانه ها سرود اعتصاب را زمزمه میکنند. شب کارخانه ها تندتر از همیشه می تپند. شب نامه ها در کارخانه ها دست بدست میگردد و مقاومت در حرکت چرخها رشد میکند و مبارزه میشود. کارخانه ها مبارزه را شکل میدهند و پیش می برند و سرانجام در روند اعتصابی سراسری و قیامی مسلحانه، بهار همینگی را در بستر خاموش این زمستان شکنجه گر، می شکوفانند. در ششمین بهار قیام، کارخانه مشت درشت انقلاب است که بر پیوزه استشاری کارگران کوبیده میشود.

در آستانه ششمین بهار قیام، ایران گوزن چالکی است در کوهستانهای سربلند کردستان بوی باروت با بوی گوشت سوخته می آمیزد و خاطر کوهساران را مکدر میکند. اما بهار در کردستان جوازه میزند، بهار آفتابی زحمتکشان. کردستان خونین است و پیشمرگان در خیابانها سرود میخوانند و صدای قدمهایشان بهاران را نوید میدهد. شاخه های سرخ زحمت در شهرها و دهکده ها قد میکشند، میبالیند و جنگل میشوند. جنگلی که در بهار فردهای ایران را خواهد پوشانید. در آستانه ششمین بهار قیام، ایران گوزن خونینی است که در ساحل اندوهگین خلیج ایستاده است. جنوب ویران است و آوارگی در نگاه کودکانش برپیر میزند. جنوب سراسر به خون نشسته است. آبهای ارونند خونین است. کارخانه ها ویران، دکلها شکسته و کارگران و جاشوان سرگردانند. در آستانه ششمین بهار قیام، ایران گوزن خونینی است در دامنه دامون. شمال مه آلود و نمگین آبدن طوفانی ناگهانی است. بارانش بوی خیزش دارد و کارخانه ها پیش بوی اعتصاب. خوزه های شالی پرچم اعتصاب برافراشته اند و پنجه زاران با وزش هر نسیم، در انتظار بهار نفس نفس میزنند.

در آستانه ششمین بهار قیام، ایران گوزن آزموده ای است که از بدرفه پنج بهار تلخ و دردناک می آید و می رود که این ششمین بهار را در فرآیند اعتصابی سراسری و قیامی مسلحانه به بهاری هفتگی میسدل سازد. مقدمش خسته باد.

چندخبر از "بامیستار"، نشریه

هواداران سچخا

در سیستان و بلوچستان

روز ۲۴ بهمن، نیروهای مسلح وابسته به "جنبش آزادیبخش بلوچ" در جاده قمرقند چهار ربهار به کمین مزدوران رژیم جمهوری اسلامی می‌نشینند. ساعت ۹/۴۰ دقیقه یکی از سه تپوتای حامل پاسداران، به کمین نیروهای انقلابی "جنبش آزادیبخش بلوچ" می‌افتد که طی این درگیری سه پاسدار بهلاکت می‌رسند و چند نفر نیز شدیداً مجروح می‌شوند. نیروهای انقلابی پس از بهوش آمدن، اعلامیه‌هایی بر علیه رژیم، سالم محصل درگیری را ترک می‌کنند.

۴۰۰ دلار دستمزد روزانه

مشممین ژاپنی را برای تعمیر هواپیمایگاه تهران آورده‌اند که روزانه ۴۰۰ دلار دستمزد برای هر یک از آنها در نظر گرفته شده است.

بهره شده‌اند. نه فقط توده‌های کارگر بلکه اقشار دیگر جامعه نیز هر یک به نحوی در معرض بیدادگریها و ستمگریهای رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند. تمام ملیت‌های ساکن ایران، همه اقلیت‌های مذهبی و قومی نیز از حقوق اجتماعی و انسانی محروم شده‌اند و هر لحظه و هر ساعت در معرض ستمگریهای این رژیم قرار دارند. شرایط زندگی مادی توده‌های مردم نیز هیچگاه مانند امروز رفت‌وافت با رواسفناک نبوده است.

کارگران ایران که در معرض استثمار شدید و بیگاری روزافزون قرار دارند، با فقر و فلاکت روزافزون روبرو هستند و شرایط زندگی آنها مدام وخیم تر و وخیم تر شده است. کمبودهای محتاج روزمره و زحمتکشان، افزایش روزافزون قیمت کالاها، تحمیل هزینه‌های جنگ به دوش توده‌ها، زندگی را بر عموم زحمتکشان دشوارتر کرده است.

رژیم جمهوری اسلامی در جهت مقاصد جاه طلبانه و توسعه طلبانه خود اهداف غارتگرانه امپریالیسم ادامه دهنده جنگی شده است که جز فقر و کشتار و آوارگی برای توده مردم نتیجه‌ای نداشته است. صدها هزار تن از فرزندان مردم زحمتکش ایران طی این جنگ کشته و یا معلول شده‌اند. همه روزه میلیونها تومان از ثروت جامعه، از ثمرات دسترنج کارگران ایران بر باد می‌رود و برای تامین هزینه‌های تسلیحاتی به جیب امپریالیست‌ها سرازیر می‌گردد.

مردم ایران باید در فقر و خانه خرابی و آوارگی بسر ببرند، باید فرزندان خود را به کشتار - گاه‌های رژیم جمهوری اسلامی بفرستند، تا جیب سرمایه داران ایرانی، و صاحبان صنایع نظامی در آمریکا، آلمان، اسرائیل و... بر شود. رژیم جمهوری اسلامی نه تنها رژیم تروری و اختشای را برقرار نموده، نه تنها به فقر و فلاکت عمومی دامن زده است، بلکه سطره امپریالیسم را در ایران بطور روزافزونی تقویت کرده است و بر وابستگی‌های متعدد به امپریالیسم افزوده است. قراردادهای اسارتی که این رژیم با دول امپریالیستی منعقد نموده است و گسترش مناسبات اقتصادی آن با این دولتها و نیز دولتهای وابسته مرتجع نظیر پاکستان و ترکیه و غیره نشان می‌دهد که شایه حد این رژیم در جهت مقاصد اهداف امپریالیسم گام بر می‌دارد. خلاصه کلام اینکه رژیم جمهوری اسلامی حافظ و حامی منافع سرمایه داران، پاسدار سطره امپریالیسم، مدافع دیکتاتوری و سرکوب و دشمن سوگند خورده کارگران و عموم توده‌های زحمتکش ایران است.

این رژیم طی پنج سال جز فقر و بدبختی، بخرابیهای مداوم، دیکتاتوری و سرکوب، کشتار، در بگیری و آوارگی صدها هزار تن از مردم ایران که از ستم ستمگریهای این رژیم به کشورهای دیگر پناهنده شده‌اند، شمری نداشته است و بر همین مناسبت که اکثریت عظیم توده‌های مردم از این رژیم رویگردان شده‌اند و خواستار برافتادن آن هستند. مجموعه وضعیت اقتصادی و سیاسی رژیم نیز که بطور مستمر با بحران روبرو بوده است، نشان دهنده سزلزل و نا پایداری این رژیم علی‌رغم سرکوب شدن و اغماز رگیخته و حمایت امپریالیست‌ها از آن است.

واقعیت امر این است که رژیم جمهوری اسلامی علی‌رغم فجایعی که به بار آورده است و با آنکه سرکوب و دست‌نهی راه حلالی خود را نداده است با این وجود نتوانسته است روحیه انقلابی، مبارزه جویانه، مقاومت و ایستادگی را در مردم از بین ببرد. رژیم هر جنبش اعتراضی توده‌ها را سرخمانه سرکوب نموده است. دهها هزار انقلابی را در زندانهای خود به بندگی کشیده است. هزاران انقلابی را به جوخه‌های اعدام سپرده است. به اعمال وحشیانه‌ترین شیوه‌های شکنجه، رب و جراحت متوسل شده است. اما اعتراض و مبارزه بی‌پایان و مداوم داشته است. کارگران ایران کارخانه‌ها را به سنگرمبارزه تبدیل کرده‌اند. اعتصاب و اشکال دیگر مبارزه بی‌پایان در کارخانه‌ها ادامه داشته است.

حرقه‌های خشم آتیش زده شده و مشتاکم شده توده‌ها که با رزترین نمونه آن طغیان مردم زحمتکش افسریه تهران بود، در نمونه‌های مشابه مردم در اینجا و آنجا می‌درخشند! خلق قهرمان و مقاوم کردیم چنان با استواری به مبارزه مسلحانه علیه رژیم ادامه می‌دهد. تمام این عقابان نشان دهنده این واقعیت است که رژیم نتوانسته است روحیه انقلابی توده‌ها را درهم شکنند و چیزی نتواند گذشت که شعله‌های خشم انقلابی توده‌ها زبانه کشد و طومار سنگین این رژیم را درهم بپزد.

اما توده‌های زحمتکش مردم ایران بی تردید اینبار با تجارب عظیمی که طی چند سال گذشته آموخته‌اند، و در سهای گراشیهایی که انقلاب به آنها داده است، به بامیخیزند. کارگران و زحمتکشان ایران به خوبی پی برده‌اند که اعتمادناشی از زودبآوری چه مصاشمی برای آنها به بار آورده است. انقلاب به آنها آموخت مادام که قدرت سیاسی در دست خود کارگران و زحمتکشان نباشد، و توده‌های مسلح از طریق شوراها و خود اعمال حاکمیت نکنند، ثمرات تمام قهرمانیهای، از خودگذشتگی‌ها و دست‌آوردهای انقلابی آنها سربا خواهد رفت. تجربه پنج سال گذشته با دیده توده‌های مردم ایران آموخته‌اند که اگر طبقه کارگر رهبری انقلاب را در دست نداشته باشد، هر تحولی که در ایران صورت گیرد باز هم تمام مناسبات و فجاجع رژیم شاه

۱۹ آبان

دست خواهد داد. با وجود ضعف و پراکندگی جنبش کمونیستی ایران، شادوم بقای رزمندگان سازمان و بویژه شادوم انتشار "کسار" الهام بخش مبارزان و پویندگی آن راه پرولتاریا و زحمتکشان ایران بوده است. امروزه وظیفه ارائه آخرین تحلیل‌ها، ارزیابی‌ها، رهنمودها، گزارش‌ها و اخبار مبارزات کارگران و زحمتکشان توسط نیروهای پیشاهنگ پرولتاری، عمدتاً بر دوش فدائیان خلق قرار گرفته است. برای ما هواداران در خارج از کشور، "کار" به مثابه شاهرگ سرخ ارتباطی با سازمان محسوب می‌شود که توانسته است در شرایط پراکندگی، پاسیفیسیم و انفعال حاکم بر بسیاری از نیروها، نقش مهمی را در حفظ تشکیلات و رشد سیاسی - شورویک و مبارزاتی شکل‌های هوادار، بازی کند.

با توجه به نقش تعیین کننده نشریه کار و مخاطرات موجود در تداوم انتشار آن، سنگینی وظیفه ما هواداران در بخش هرچه وسیعتر این نشریه و سایر ارگانهای سازمان بیشتر روشن می‌شود. این کوچکترین کاری است که ما هواداران در خارج از کشور باید از سهم و دین خود نسبت به انقلاب ایران و آزادی کارگران و زحمتکشان، انجام دهیم.

و خمینی تکرار خواهند شد. امروز کم نیستند کسانی که به توده‌های ستمدیده و زجرکشیده از رژیم جمهوری اسلامی به دروغ وعده رفاه و آزادی و خوشبختی می‌دهند. مطننت طلبان، این مزه‌وران دست‌نشانده امپریالیسم و مدافعین پیگیر طبقه سرمایه‌دار که سالها بر زحمتکشان میهن ماستم رو داداشند، دوباره از سوراخهای خود بیرون خزیده و به مردم وعده و وعید می‌دهند. اما گویست که در دشمنی این دارو دسته مرجع نسبت به کارگران و زحمتکشان تردید داشته باشد؟ کیست که از ایجاد جنایات اینان بی اطلاع باشد؟ و کدام اشان زحمتکشی است که به ماهیت کشف اینان آگاهی نداشته باشد؟

با مدافعین "شورای ملی مقاومت" رادرنظر بگیرید، که در رأس آنها جنایتکاری نظیر پنهی‌مدر این جلادمردم کردستان، ترکمن صحرا، دانشجویان و کارگران و زحمتکشان قرار گرفته‌اند و برنامه خود را دفاع از سرمایه داران و حفظ نظم موجود قرار داده‌اند اینان نیز به مردم وعده دمکراسی و آزادی می‌دهند. اما برخلاف ادعاهای تبلیغاتی‌شان هیچ اعتقادی به دمکراسی ندارند، چرا که به اولین و اساسی ترین اصل دمکراسی که همانا اعمال حاکمیت توده‌های مسلح از طریق شوراهاست اعتقاد ندارند و باز هم میخواهند یک جمهوری اسلامی برپا کنند.

اما انقلاب باید به توده‌های مردم آموخته باشد که تنها به کسانی اعتماد کنند که در برنامه خود و در عمل از منافع کارگران و زحمتکشان دفاع میکنند و خواهان برقراری یک دمکراسی واقعی هستند و بیگانه سازمانی که طی چهارده سال مبارزه مستمر پیوسته نشان داده است که لحظه‌ای از منافع و آرمانهای کارگران و زحمتکشان عدول نکرده و در مرحله کنونی نیز خواستار برقراری یک رژیم حقیقتا انقلابی و دمکراتیک است. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران است. سازمان چریکهای فدائی خلقی که چهاردهمین سالروز بنیادگذاری آن با ۱۹ بهمن یعنی سالروز حماسه آفرینی فدائیان خلق در سیاهکل فرارسیده است. در طول مبارزات بی‌امان و با برنامه و عملکرد انقلابی خود ثابتگی آنها دارد که مورد اعتماد توده‌های مردم ایران باشد. چهارده سال پیش رفقای مادریکی از ضابطترین و پورا شهای تاریخ اخیر ایران بمبارزه‌ای حماسه آفرین علیه رژیم شاه برخاستند و بین مبارزه انقلابی کمونیستهای ایران را احیا نمودند. از آن پس تا به امروز دفاع سازمان ما از منافع کارگران و مبارزه بخاطر دمکراسی و سوسیالیسم بر هیچکس پوشیده نیست. هزاران فدائی که طی این مدت در مبارزه علیه رژیم شاه و رژیم جمهوری اسلامی جان باختند و با هم اکنون در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی در بندیر می‌باشند، وفاداری خود را به آرمان کارگران و زحمتکشان ایران نه در حرف بلکه در عمل نشان داده‌اند. صحت و حقیقت گفتار و گردار، خط مشی و مواضع مادر تجربه توده‌ها خود را نشان داده است. سازمان ما از همان فردای قیام یعنی هنگامیکه هنوز اکثریت عظیم توده‌های مردم بی به ماهیت ارتجاعی و ضدانقلابی رژیم نبرده بودند، به افشای رژیم جمهوری اسلامی پرداخت و دوش بدوش توده‌های مردم از دست آورده‌های انقلاب دفاع کرد. از مبارزه مسلحانه ظنقهای تهران کرد و ترکمن که بدفاع مسلحانه از دستاوردهای انقلاب برخاسته بودند، همه جانبه حمایت کرد و پیگیرانه از خواستهای انقلابی کارگران و زحمتکشان دفاع نمود. سازمان ما ماهیت رسوای حزب توده و اکثریتی‌های خائن را که می‌کشیدند به فریب توده‌ها متوسل شوند و رژیم ارتجاعی حاکم را مشرقی و انقلابی معرفی کنند، افشا کرد. سازمان ما طی بیش از دو سال که از شکل گیری "شورای ملی مقاومت" گذشته است، مداوما ماهیت، اهداف، مقاصد و برنامه آنرا بر جلا نموده و نشان داده است که جمهوری دمکراتیک اسلامی اینان نیز هیچ تفاوتی اساسی با جمهوری اسلامی خمینی ندارد. سازمان مادر برنامه و در عمل نشان داده است که پیگیرترین مبارز راه رهایی، دمکراسی و سوسیالیسم است.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که اساسا اهداف و منافع جدا از اهداف و منافع طبقه کارگر ندارد و هدف نهایی خود را برانداختن نظام سرمایه‌داری توسط طبقه کارگر و برقراری یک جامعه سوسیالیستی برپا از هرگونه ستم و استثمار قرار داده است، هدف فوری خود را سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری یک جمهوری دمکراتیک توده‌ای قرار داده است که فوری ترین درخواستهای دمکراتیک - فدا امپریالیستی و رفاهی توده‌های مردم را برپا متحقق سازد.

مردم توده‌های مردم از نظام دیکتاتوری، اختناق و سرکوب رژیم جمهوری اسلامی بشنوه آمده‌اند و خواستار برقراری یک رژیم دمکراتیک در ایران هستند. برنامه حداقل ما خواهان برقراری یک رژیم حقیقتا دمکراتیک از طریق درهم شکستن تمام ارگانهای سرکوب و جاسوسی

اعتیاد

در زاهدان در دو سه ماه اخیر بیش از ۵۰ نفر بجرم اعتیاد به مواد مخدر و معتاد بودن اعدام میشوند. طبق اطلاعات موثق، خون این افراد نیز قبل از اعدام کشیده شده است و از خانواده‌های آنها برای تحویل جسد به ازای هر تیر، ۱۰۰۰۰ تومان گرفته شده است. این در حالی است که تعداد کثیری از پاسداران معتاد بسوده و پاسداران محلی آزادانه به خرید و فروش هروئین مشغولند. اعتیاد اینک در بنوچستان ابتاد و حشناکی پیدا نموده است.

ادعای خسارت

جهد سازندگی که زحمتکشان را بسزور وادار مینماید تا محصول خرما پیشان را به قیمتی ناچیز بآن (جهد سازندگی) بفروشند، امسال مقداری کارتن بسته بندی خرما تحویل ماحسان خرما میدهد، امسال بعلت باریندگی محصول خرما امسال می‌پوسد. جهد از خرید خرما سر باز می‌زند و ادعای خسارت نیز میکند و قیمت کارتن ها را از مردم طلب می‌نماید.

عقد قبل از اعدام

۱۷ نفر از دختران مبارز اسپر را رژیم اعدام کرده و بعد خبر آنرا با فرستادن ۲۰ تومان پول و یک جعبه شیرینی به در خانه آنها می‌برد و اعلام میکند که آنها به عقد برادران پاسدار درآمده بودند و این مهریه آنان است.

کانون و زحمتکشان
بیامی استار
تلفن ۰۲۱۱۱۱۱۱

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۶۷
بیمه‌بیت‌التشاور و مجله بیامی استار
موضوع: ...

مطالعه حاکمان دوا که توله
...
کلرز باخوانید

سومین بیست بلوچ هاله جیو مه پرت و اجبر و آزادی

نظامی و بوروکراتیک موجود و اعمال حاکمیت توده‌ای از طریق شوراهای کارگران و زحمتکشان و توده‌های مسلح است. برنامه ما خواهان رفع هرگونه تبعیض و ستم نژادی، جنسی، قومی و ملی، برسبب شناختن بی قید و شرط حق تعیین سرنوشت برای ملیت‌های تحت ستم ایران و اجرای اکتید آزادی‌های سیاسی است.

در برنامه ماقطعی‌ترین مبارزه علیه امپریالیسم و پابگاه داخلی آن بورژوازی وابسته، ملی کردن کلیه صنایع و موسسات متعلق به بورژوازی بزرگ و انحصارات امپریالیستی، لغو و افسای قراردادهای آمارشمار امپریالیستی و کنترول شوراهای کارگری بر تولید و توزیع خواسته شده است. کار نیست، نان نیست، فقر عمومی برجایه حاکم است. ماقطعی‌ترین برنامه را برای تامین کار و رفاه عمومی ارائه داده‌ایم. مردم میهن ما از جنگ به ستوه آمده‌اند. ما خواهان پایان بخشیدن فوری به جنگ از طریق یک صلح دموکراتیک هستیم. انجام این برنامه در گرو سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق است.

هیچ تردیدی نیست که توده‌های زحمتکش میهن ما و روشنفکران انقلابی پس از آن همه مبارزه و قهرمانی ننگ دوام و بقا، رژیم جمهوری اسلامی را تحمل نخواهند کرد. کارگران و زحمتکشانی که با قدرت لایزال خود رژیم سلطنتی شاه را با آن همه قدرت سرکوب و نظامی‌اش درهم کوبیدند، قادرند، می‌توانند و نباید رژیم جمهوری اسلامی را نیز سرنگون کنند و بگورن بپارند.

کارگران و زحمتکشان ایران! روشنفکران انقلابی! مردان و زنانی که همه روزه رژیم جمهوری اسلامی را با تمام وجود خود لمس می‌کنید برای شپردنهایی علیه رژیم بسا غمخیزید! و برای یک قیام مجدد علیه رژیم ستمگر و ارتجاعی جمهوری اسلامی آماده شوید. توده‌های مردم سراسر ایران! تحت رهبری طبقه کارگر، این طبقه مصمم و سازش ناپذیری که تاریخ رسالت دگرگونی‌های عظیم عمر ما و ایجاد جامعه نوین سوسیالیستی را بر عهده وی قرار داده است و به گردهم‌برنامه و پرچم‌سازمان چریک‌های فدائیان خلق ایران که همانا پرچم سرخ‌رهایی بخش کارگران ایران است، به نبرد قطعی علیه رژیم جمهوری اسلامی برخیزید! سر بازان و پرسنل انقلابی ارتش! نزدیک به چهار سال جنگ مداوم قطعا به شما ثابت کرده است که این جنگ ارتجاعی در خدمت مقاصد توسعه طلبانه و جاه طلبانه رژیم جمهوری اسلامی، و در جهت منافع سرمایه‌داران و امپریالیسم است. شننگهای خود را بسوی رژیم جمهوری اسلامی برگردانید!

کارگران انقلابی ایران! گردان پیش‌تاز مبارزه توده‌ها! کمیته‌های مخفی اعتماد را برای برپایی یک اعتماد عمومی سیاسی ایجاد کنید! کارخانه‌ها را به اعتماد بکنید و خود را برای یک قیام مسلحانه آماده کنید.

معلمین و محصلین انقلابی و مبارزان! مدارس را به سنگر مبارزه مداوم علیه رژیم بدل کنید! کمیته‌های مخفی اعتماد و هسته‌های مخفی مقاومت را سازمان دهید و نقش انقلابی خود را در جنبش ایفای نمایید!

دهقانان زحمتکش! تنها سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق می‌تواند پاسخگوی درخواست‌های انقلابی و دموکراتیک و رفاهی شما باشد. بعنوان متحد نزدیک طبقه کارگر در انقلاب علیه رژیم جمهوری اسلامی بسا غمخیزید!

اعضا و هواداران سازمان! مدافعین پیگیر منافع طبقه کارگر، مبارزین راه سوسیالیسم! همانگونه که تاکنون با قهرمانی و از خود گذشتگی در خط مقدم جبهه، علیه دشمنان طبقاتی پیکار کرده‌اید و پرچم سرخ آرمان‌های والای کارگران را برافراشتن نگاه داشته‌اید و افتخار آفریده‌اید با پیگیری تام و تمام به مبارزه ادامه دهید!

طبقه کارگر را متشکل و آگاه کنید. پیوند خود را با طبقه کارگر مستحکم‌تر نمایید. کارخانه‌ها را به دژ تسخیرناپذیر تبدیل کنید! عاشقین به‌آرمان کارگران، دوستان دروغین خلق و کلیه مدافعین پوشیده و آشکار نظم موجود را بپرحسانه افشاء کنید! برنامه انقلابی سازمان را وسیعاً به میان توده‌ها بپزید. بر فعالیتهای تبلیغی خود علیه نظم اقتصادی و سیاسی موجود بسا افزایش شمارهای سازمان را بر در و دیوارها بنویسید! فراموش نکنید که قدرت مادر متشکل و آگاهی کارگران نهفته است و هیچ نیرویی را برای مقابله و مقاومت در برابر کارگران و زحمتکشان نیست.

با قطعیت می‌گوییم که پیروزی ما و شکست مرتجعین حتمی است. افتخار به طبقه کارگر این مبارز ثابت‌قدم و استوار

افتخار به هزاران فدایی که قهرمانانه در زندان‌های رژیم و در برابر سرجوخه‌های اعدام به‌آرمان

طبقه در صحنه ۵۹

مقاله "لوموند" در مورد قیام میهن لوموند یکشنبه و دوشنبه ۵ و ۶ فوریه ۸۴؛ روزنامه لوموند در این شماره خود مقاله‌ای تاریخی در مورد ایران درج کرده است که عنوان آن چنین است: "پنج سال از بازگشت خمینی گذشته است". در این مقاله در مورد نقش فدائیان خلق در قیام میهن چنین گفته شده است: "فدائیان خلق که حماسه سهاکسل را آفریدند، در مقطع قیام در اقلیت بودند. فدائیان خلق و مجاهدین خلق تنها نیروهای رادیکال بودند. در روز ۲۲ بهمن فدائیان خلق حدود ۱۰۰۰۰ نفر را برای یک تظاهرات سیاسی در دانشگاه تهران گرد هم جمع آورده بودند و بمحض شنیدن خبر حمله گارد جاویدان به هم‌افران، این جمعیت به رهبری چریک‌های فدائی خلق قیام را آغاز میکنند. خیابانها را سنگر بندی میکنند و به مراکز سرکوب رژیم حمله‌ور میشوند و این در حالی بود که خمینی هنوز دستور جهاد نداده بود. وقتی رادیو بدست مردم افتاد بلافاصله اطلاعیه فدائیان خلق را خواند که در آن گفته میشد که فرودگاه نیز بدکنترول فدائیان درآمده است". در پایان مقاله به سیاست‌های ضد دموکراتیک و ضد خلقی خمینی پس از کسب قدرت اشاره شده است. آری، حتی بورژوازی نیز ناچار است واقعیت‌های تاریخی را دیر یا زود بپذیرد.

بی‌فکر حرف می‌زنید!

خمینی در سخنرانی خود در شوجبه این مسئله که در نمازهای جمعه شهرستان مطرح شده بود که چرا جمهوری اسلامی به‌سهم امام اکتفا نکرده و از مردم مالیات بگیرد، گفت:

"خبر شما ببینید بی‌اطلاعی چقدر آقا، ما امروز روزی نمی‌دانم چند صد میلیون ما الان خرج این جنگمان است. روزی چند صد میلیون خرج جنگ را با سهم امام میشود درستش کرد؟ حالا، حالا ما میتوانیم مردم همه را بشناسیم و به‌زور از آنها سهم امام بگیریم؟ سهم امام حالا به اندازه‌ای است که همین حوره‌ها را اداره کند. بیشتر از اینهم نیست. یک کمی اگر بیشتر باشد می‌دهند به دولت. یک دفعه آدم بگوید که خبر، می‌گوییم که دولت مالیات بگیرد، سهم امام بگیرد. چه بسور؟ از کجا بیاوریم، سهم امام، این قدر ما از کجا و سهم سادات پیدا کنیم، که دولت را اداره بکنیم. مملکت را اداره بکنیم. این همه اشغالی که ریخته‌اند به‌جان دولت و خرج دارند و چه دارند اداره بکنیم، خوب بی‌فکر حرف می‌زنند." بقیه در صحنه ۶

گشت و گذار

با عرض تسلیت نوروزی به خوانندگان گشت و گذار و امید آنکه در آینده‌ای نسه چندان دور، با سرنگونی رژیم قرون وسطایی و جنایتکار جمهوری اسلامی سفیهان بدست پیر توان خلفای ایران و محو ستم‌های طبقاتی و رهایی زحمتکشان از قید استثمار و بهره‌کشی، نوروز واقعی را جشن بگیریم. گشت و گذار نوروزی را همانطوریکه وعده دادیم، با بررسی قسمتهایی از نطق خمینی، رهبر جمهوری سفیهان که در آن با وحشتی بظیم نگرانی خود را از سقوط نظام پوسیده ولایت سفیه که سر جهل و غرافات و جناحست بنا شده است، آغاز کنیم.

امروزه، بغیر از گروهی که منافعشان با جمهوری سفیهان گره خورده و مسز دوران طرفه‌ای و حرب‌اللیبی، دیگر نه تنها کسی از این رژیم حمایت نمی‌کند، بلکه مردم انزجار و تنفر شدید و عمیق خود نسبت به آن را با شیوه‌های مختلف ابراز میدارند. چندی قبل در جمع پدر و مادران و افرادی که بنای زندگی جهت‌بیدار اقوام خود راهی خارج شده‌اند، بودیم و ساعتها به صحبت‌های جالب‌آنان گوش دادیم و نوشتیم که آنها مانند اکثریت قریب با اتفاق مردم ستم‌زده‌مان معتقدند که این رژیم ماندنی نیست. از طرفی امروزه مردم بطرق مختلف مشغول مبارزه با این رژیم سفاک هستند. از - نظاهرات و اعتمادیات گرفته تا مبارزات سلحمانه، از کم‌کاری در کارخانه‌ها و ادارات گرفته تا به مسخره گرفتن صحبت‌های سردمداران رژیم جمهوری سفیهان، همه و همه حاکی از مقاومت‌های قهرمانانه‌ای است که رهبر جمهوری سفیهان را به وحشت انداخته و او را وامیدارد که شاید با یک سخنرانی مشکلات را بحیال خودش اندکی تعدیل کند و کس یکبار چکی در رژیم پوسیده‌ای که گرفتار تظادهای داغلی‌اش نیز می‌باشد، ایجاد نماید. خمینی در ابتدای صحبت‌هایش و مثال تاریخی زده و به سایر سفیهان هشدار میدهد که چنانچه بخود نیابند سرنوشتی مانند سایر خاشنین تاریخ، در انتظارشان خواهد بود. خمینی می‌گوید: "در دوران مشروطه را که همه آقایان شنیده‌اید، یک عده‌ای که نمی‌خواستند که در این کشور اسلام قسوه داشته باشد و آنها دنبال این بودند که آنها را بسوی بطرف خودشان بشکند، آنها جو سازی کردند، بطوریکه مثل مرحوم آقا شیخ فضل الله که آنوقت یک آدم شاخصی در

ایران بود و مورد قبول بود، همه جو سازی کردند که در میدان علنی ایشان را بسدار زدند و باشم ابتدائید کف زدند و اسلام را شکست دادند. ما در زمان خودمان هم آقای کاغاسی را دیدیم و من از نزدیک ایشان را می‌شناختم. از این جهت شروع کردند به جو سازی. آنطور جو سازی کردند که یکسگی را هینک بهش زدند و آنطور که من شنیدم هینک زدند و از طرف مجلس آوردند این طرف و به اسم آیت‌الله و من خودم در یک مجلس بودم که مرحوم آقای کاغاسی وارد شدند. هیچکس پا نهد، من پا شدم و من جا دادم. به ایشان هم جا ندادند. این جو را درست کرده بودند برای آقای کاغاسی که دیگر از منزلش نمی‌توانست بیرون بیاید، در یک اطاقی محبوس بود در منزلش آنجا هم شکست دادند. مسلمین را شکست دادند."

خمینی جنایتکار با وحشت‌بیکر خویش و سایر سردمداران جمهوری سفیهان را در حلقه داری که شیخ فضل الله نوری مرتجع بان آویخته شده، در مقابل چشمانش تصویر کرده و با دست‌چاگی می‌گوید: "من حالا میخواهم یک هنداری بسه آقایان بدهم، مسئله الان به یک وضعی درآمده است که انسان می‌بیند که مشغول جو سازی هستند و بتدریج میخواهند این کار را عطفی کنند. من الان بشما آقایان و به ملت ایران این گزارش را میدهم که من من دیگر مقتضی این نیست که ببینم این چیزها را و میروم. اما شما توجه کنید. شما متوجه باشید، اینها شروع کردند که از اول یک جوی بسازند که این حکومت را بشکنند و بعد بروند سراغ رئیس جمهورتان، مجلستان و بعد بروند سراغ روحانیون و مسئله را از حالا از اینجوری شروع کردند و شما از حالا باید بیدار این مطلب باشید."

آنگاه خمینی فریبکار که خوب می‌واقف است که رژیم جمهوری اسلامی چه وضع اسفناکی برای مردم به ارمغان آورده است و از طرفی خود هر روزه شاهد تضادهای جدیدی در رژیم نیز میباشد، طبق معمول شروع میکند به نصیحت کردن که:

"الان وضع این شده است که انسان می‌نشیند در اینجا می‌بیند که همه چیز بادشان رفته، الا اینکه کمبود، گرانی. مگر کسی منکر این است که گرانی است. دولت با اینهمه کاری که می‌بشود کرده است، یعنی این مملکتی که هیچ عسورده است گذاشته که هیچ بخورد. البته همه قبول دارند، خود دولت هم قبول دارد که

گرانی هست. گرانی اولاً همه جا هست، اینجا تنها نیست، نانها وضع اقتصادی همچون افتضا، میکند. وضع جنگ‌آپتتوری است. نباید ما وقتی که وضع جنگ را می‌بینیم داریم، همه‌مان بریزیم سر دولت."

خمینی که اوضاع بحرانی که هر روز نیز وخیم تر میشود، می‌بیند، نصیحت‌گوشی خود را چنین ادامه میدهد:

"پس عقل افتضا، میکند که ما الان مشکلات را تحمل کنیم. خوب ما یک عده اینجا موندیم، خودمان هم بریزیم بجان خودمان چه خواهد شد؟ مجلس با دولت مخالف، دولت با مجلس مخالف، اینها چه خواهد شد؟ علمای بلاد باید توجه بکنند که هر که آمد یک نفی زد مورا باور نکشند و صحبت بکنند و به رادیو برسد و به نمیدانم چه برسد. این طور صحبت نکنند، به مجالس نبرند. به اشعه جمعه نبرند، به مجالس صحبتها را می‌توانند طش بکنند، نتوانستند حذف کنند، ما باید امروز تحمل کنیم، صبر باید بکنیم. این طور نباشد که هر روز یک وزیر را سیاورید اینجا بنشانید، با او دعوا بکنید و شعیف کنید دولت را. همه‌تان را دارند تضعیف میکنند. شما اگر دولت را تضعیف کنید، تضعیف شماست. این مقدمه است برای او و الان یک خطی در این کار هست. مشغولند الان و شما باید خیلی توجه بکنید. چشم‌پاخان را باز کنید. این دولت را، این مجلس را، این جمهوری اسلامی را حفظ کنید. مردم باید حفظ کنند، بازار باید حفظ کند اینها را."

ولی اوضاع نابسامان جمهوری سفیهان از یک طرف و مبارزات و مقاومت‌های مردمی بطرق مختلف از سوی دیگر، جدی‌تر از این چیزهاست که بتوان با نصیحت و پند و اندرز آنرا چاره کرد. نفرت و تنفر شدید مردم از روحانیون، کابوس حلقه دار شیخ فضل الله و یک هینک زده سبیل آیت‌الله کاغاسی را در نظر خمینی مجسم میکند و او را وامیدارد که بگوید:

"از همین اشخاص که میخواهند این کارها را بکنند در ایران فراوانند از این اشخاص. الان در ایران سلطنت طلب ما داریم، مخالف با جمهوری اسلامی در این طبقات بالایی که میخواهند عیاشی بکنند، حالا نمی‌گذارند عیاشی بکنند داریم، از منافقین موجودند، از اقلیت موجود است، از احزاب موجود است. هستند همه، زیادند. اما ما اساس را باید حفظ کنیم. اگر اساس را ما حفظ نکنیم، نه اداره برای ما باقی میماند، نه مجلس باقی میماند،

تور مکه جمهوری اسلامی!

صحنی، مسئول روابط بیناد شهید در مصاحبه‌ای گفت: با طر تبلیغاتی که معلولین جنگی در برنامه‌های سفر حج داشتند، این بنیاد در نظر دارد معلولینی که قطع نخاع داشته‌اند و یا از ناحیه پا و دست فلج و یا نابینا باشند، میتوانند همراه خانواده‌های اسرا، مفقودین، کشته شدگان در جنگ به بیت‌الله الحرام اعزام شوند. وی گفت: امسال ما حدود ده هزار نفر از خانواده‌های مزبور را به مکه اعزام کردیم و کلیه هزینه سفر آنها را سازمان حج و زیارات تماماً پرداخت نمود. این تورهای مذهبی شیوه‌های جدیدی است که رژیم با استفاده از احساسات مذهبی مردم در جهت تبلیغ اهداف سیاسی خودش بکار میگیرد.

مبارزه با گرانفروشی!

بدشبال گرانی مواد اولیه غذایی، مهاجرت سرسام‌آور روستائیان به شهرها و نطق زدن نمایندگان در مجلس مدتی است که دادگاههای امور منطقی پس از ایجاد گشت انصارالله و الشیما توم دادنیهای فسران به "محتکرین"، مبارزه با گرانفروشی را شروع کرده‌اند. روزی نیست که روزنامه‌های رژیم اسامی چند نفری را که به جرم گرانفروختن سیگار، زیرشلواری و پیراهن‌های گاروشیل و حمل و نقل غیرمجاز برنج، درج نکنند. از جمله بنا بر گزارش کیهان در ۸ بهمن، ۱۵ نفر "گرانفروشی" و "محتکر" به جرم گرانفروختن سیگار و ... به پرداخت جریمه‌های نقدی و ۲۰ - ۲۰۰ ضربه شلاق محکوم شدند.

این کشتی را دریا بید!

غفاری، سررسته فالانژها، در مجلس در نطق خود گفت: "مردم اینک بخوبی فهمیده‌اند که بار سنگین مسئولیت‌فرونی سرسام‌آور قیمت‌ها، احتکار و توزیع‌های نامتعادل بخصوص بازار سیاه کاذب که همه چیز را به ملیخ بول می‌برد و آنها ذبح شرعی و غیرشرعی میکند، اگر نه کلاه‌لاقل مقدار زیادی از آن بر دوش قوه قضائیه است. امید است که پاسخ به این حرفها با یک تیم ملیخ نباشد. مردان قضائی ما باید بدانند که اگر این کشتی فرق شود، دیگر به این زودیها نجات ممکن نخواهد بود و کار از کار خواهد گذشت."!

پیش بسوی خودکفاشی!

مرتضی الویری، نماینده نماینده نماینده و فیروز کوه و رئیس کمیسیون صنایع مجلس در مصاحبه‌ای با خبرنگار کیهان گفت: "الان زاندمان متوسط صنایع در کشور ما ۲۷ درصد است" (۱) وی در همین رابطه اضافه کرد: "ما باید در جامعه‌مان روحیه کار بوجود بیاریم. همان روحیه‌ای که در گذشته اعلان نبوده الان هم آن روحیه مناسب شأن جمهوری اسلامی نیست. وقتی روحیه کار باشد افراد سعی میکنند از هر وقت محدودی که دارند در زمینه تولیدی استفاده میکنند. مثلا یک زن وقتی سوار ماشین است سعی میکند با کار بافندگی چیزی تولید کند و یا فردی که در خانه است میتواند بوسیله نقشه‌هایی که در اختیار دارد و دستورالعملی که دریافت میکند رادیو و لیسوازم ترازیستوری بسازد. اقراها باید مینای کار را بر اساس پانزده و شانزده ساعت کار در روز قرار دهند تا با این کار موجب رشد اقتصادی شوند تا انشاءالله بطرف خودکفاشی پیش برویم."

کمبود روحانی در جبهه جنگ!

امام جمعه کرج در نماز جمعه گفت: "در بازدهی که اخیرا از مناطق جنگی داشتیم برادران روزمنده از کمبود روحانی کلبه داشتند و من به آقایان روحانی توصیه میکنم که با شرکت در جبهه‌های جنگ این کمبود را برطرف نمایند. از سوی دیگر جبهه‌های جنگ احتیاج به نیرو دارد (خطاب به حاضرین) شما عزیزان باید عازم جبهه جنگ شوید و هرچه زودتر کار مداوم را بکسره نماشید."

احساس خطر میکنم!

آیت‌الله چنتی در نماز جمعه قم گفت: "من احساس خطر میکنم از کسانی که انتظار تقوای بیشتری بود رگه‌های بی-تقوایی می‌بینم و احساس خطر میکنم. باید بدانید من زمانی این مسائل را مطرح میکنم که وقت گفتنش است. مبادا کسی فکر کند که تضعیف است. اگر کسی یک انشقاق نالم بکند این تقویت است تضعیف نیست. تضعیف حکومت با مسئولین وقتی است که هیچکس هیچ چیز نگوید و آنوقت که آواز سرگذشت، میگویند چرا چیزی نگفتید من میگویم این



نه مدرسه باقی میماند، هیچی. این دفعه اگر اینها تسلط پیدا کنند، بر ما هیچ چیز نمیگذارند. مثل زمان آقای کاشانی نیست. حالا مثل زمان مرحوم آقا شیخ قتل‌الله نیست، حالا. حالا یک زمانی است که اینها ادراک کردند که اگر این جمهوری رشد پیدا نکند خواهند گذاشت که اینها منافع خودشانرا ببرند و این را با همه جدیدت میخواهند ببرند و اسلام اگر اینجا سبلی بخورد، بدانید که دیگر تا آخر سرش بلند نمیشود. بدانند که ریشه این اسلام را بکنند و شما بدانید که اگر همه ما دست‌بندیم نهیم و همه‌مان با هم نباشیم، زمینمان خواهند زد. مجلس را زمین میزنند، دولت را زمین میزنند، روحانیت را زمین میزنند و همه زمین میخورند."

بیستگ دور نیست زمانی که این کابوس و ترس و حشت عینی رنگ تحقق پذیرد. با آرزوی رسیدن بهار زمختگان "گشت و گذار" این شماره را با بخشی از شعر "بر این کراخه خوف از فدائی شهید، سعید سلطانپور، به پایان می‌بریم: "بهار سوخته بر فرق ملتی مغلوب و یک ستاره

"... بهار سوخته بر فرق ملتی مغلوب و یک ستاره نارنج و یک دهان گل افشان که برگ برگ گل انقلاب فردا را شهن بهار در گشتزارهای سیاه برای بویوشانده‌یسه‌های تاریخی برای پرورش عشق برای گسترش سازمان "او" کالی است ..."



نق نژید!

خمینی در سخنرانی ۱۲ بهمن خود گفت: آنهایی که نق میزنند که اینجاش چه جوری است آنجاش چه جوری است اینها نمیفهمند که ما در چه حالی هستیم. آنها میخواهند که شب بخواهیم صبح که بیدار شدیم همه اذرا را ممنوع درست باشد و همه مملکتمون درست باشد و کشاورزیمون درست باشد و نمی دانیم چه و نمی دانند که ما در چه حالی هستیم. الان ما در حال جنگیم، وضعیت ما امروز این است. این وضعیت مشکلات دارد به این زودی ما درست نمیشد لکن صبر میشود کرد. جوانهای ما باید بروند جنگ. جوانهای ما اینطور نباشد که بگویند تمام شد و رفت سراغ کارش.

ادامه وابستگی

سید محمد مصطفی هاشمی وزیر صنایع در گفتگوش گفت: "هم اکنون حدود ۲۳ میلیارد دلار در سال صرف خرید انواع کالاهای مختلف و مواد غذایی از خارج میشود." وی سپس ادامه میدهد: "مشکلات وزارت صنایع در ارتباط با واحدهای تولیدی ناشی از وابستگی صنایع کشور به مدور نفت و ارز حاصله از آن است و متأسفانه ارزی نیز که در حال حاضر صرف ورود مواد اولیه واحدهای تولیدی کشور میشود، عموماً در جهت توانمندی و قطع وابستگی ای که در نظام گذشته ایجاد شده، نمیشود."

گزارش غفوبینا لملل در مورد اعدام و شکنجه در ایران

سازمان عفو بین المللی در بیانیه اراشه شده خود به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، گزارش داد که بیست و پنج هزار نفر از آغاز انقلاب در سال ۱۹۷۹ در ایران اعدام شده که این رقم نسبت گردیده است، ولی رقم واقعی اعدامها برآورد آن بیشتر است. در همین بیانیه همچنین گفته شده است که هزاران تن از مردم نیز بدلیل داشتن عقیده یا فعالیت های سیاسی در زندانهای جمهوری اسلامی بسر میبرند. همین بیانیه می افزاید که گزارشی های زیادی از اعدامهای سیاسی دریافت داشته که مقامات جمهوری اسلامی از اعلام خبر آنها خودداری کرده اند و در مواردی در یک شب حکم اعدام صدها تن را صادر کرده اند. سازمان عفو بین المللی

اظهار داشته است که شکنجه در ایران بسیار رواج داشته و با اغلب زندانیان بد رفتاری میشود.

خواب طلائی!

خامنه ای رئیس جمهوری اسلامی در پاسخ سؤال خبرنگار اطلاعات که از او - میخواهد خاطرات خود را از روزهای ۲۲ بهمن در سال ۵۷ بیان دارد، میگوید: "در آنروزها ما در یک حالت بهتی بودیم. در حالیکه در همه فعالیت های آنروزها طبعاً ما داخل بودیم، چون همانطور که میدانید عضو شورای انقلاب بودیم و بسک حضور دائمی تقریباً در آنجا وجود داشت. لکن یک حالت نا باوری و بهت بر همه ما حاکم بود. من چیزی بگویم که شاید شما تعجب کنید. من تا مدتی حتی بعد از آنکه ۲۲ بهمن گذشته بود، بارها به این فکر افتادم که ما خوابیم یا بیدار، و تسلط می کردم که از خواب بیدار نشوم که اگر خواب هشتم این رویای طولانی که لابد بعدش اگر آدم بیدار شود نخواهد بود، دیگر ادامه پیدا نکند. این قدر مسئله برای ما شگفت آورده بود."!!

کمکهای کره شمالی به جمهوری اسلامی

یک هیئت ۹ نفری اقتصادی - بازرگانی کره شمالی وارد تهران شد. سفر این هیئت بدنبال سفر هیئت سیاسی - اقتصادی جمهوری اسلامی به سرپرستی میرحسین موسوی، نخست وزیر به کره شمالی صورت میگردد. این هیئت در زمینه همکاری های بیشتر اقتصادی بخصوص در بخش صنایع، مذاکراتی را با مقامات جمهوری اسلامی انجام داده و مذاکرات نهایی قرار است با سفر معاون نخست وزیر کره شمالی به تهران که تا چند هفته دیگر صورت گیرد، انجام پذیرد. لازم به تفکر است که کره شمالی مقادیر زیادی تولیدات نساجی و نظامی و مواد غذایی به ایران صادر میکند و در عوض از ایران نفت وارد مینماید.

باز هم ضرر!

بهاالدین علم الهدا، نماینده مجلس ضمن مطرح کردن سؤال خود مبنی بر قرارداد دولت ایران و شرکت اورپسالتی شرکتی در مورد خرید بیمان اردبیل و کارخانه آهک آذرشهر گفت: "از آنجائیکه این شرکت قدرت انجام کار را نداشته و

بخصوص اینکه دولت از این شرکت هیچگونه تضمینی نگرفته بود، این شرکت حدود یک میلیون دلار ضرر متوجه کشور ما کرده است."

راه حل اسلامی!

پور سلطانیان، مدیر عامل واحد اتوبوسرانی اهواز اعلام داشت که طرح جدید استفاده از اتوبوسهای واحد در اهواز از روز ۲۵ آذر ماه در سطح کلیه اتوبوسهای شهر به اجرا درآمده است. وی افزود که برای این منظور درب و صندلی های جلو را برای برادران و درب و صندلی های عقب را برای خواهران اختصاص داده ایم و بوسیله میله هایی این دو قسمت از یکدیگر جدا شده اند. این طرح در وهله اول بمنظور ایجاد نظم در شاعر مذهبی و اسلامی و در وهله دوم فراهم کردن تسهیلات برای سوار پیاده شدن خواهران و برادران است!!

بیماری مهاجرت، سد معبرو، ...!

در جلسه مشترک مسئولان دادسرای عمومی تهران و شهرداری مقرر شد که قاطعانه با مسئله مهاجرت برخورد شود. دادستان تهران گفت: "یکی از مشکلات بزرگی که مهاجرت با آن مبارزه شود، مسئله مهاجرت، تخطفات ساختمانی و سد معبر است که بعنوان یک بیماری مهاجرت با آن برخورد شود. امیدواریم با پیگیری در سه ماه آینده، مسئله ای بنام سد معبر که بود عامل فساد، گران، احتکار و دیگر مضرات اجتماعی است، نداشته باشیم."

انقلاب چاندا را اسلامی!

آیت الله موسوی اردبیلی در جمع گروهی از فالانتهای حزب اللهی گفت: "با وجود این همه شهید و شهدای زنده (معلولین) چه کسی جرئت میکند بگوید که جنگ بیست است. جنگ با کفر است و کسی نمیتواند با کفر جنگ نکند. انقلاب مانند یک جاندار است. نمیتوان آنرا در یک محیط جغرافیایی حبس کرد، چنانچه انقلاب بایستد، میبرد و اگر محصور شود، ضربه میخورد."

مسابقه دیدار حضرت زینب!

بر اساس طرح جدیدی که از طرف وزارت راه به رانندگان که به ندای امام جماران جهت تخلیه جاز در بنادر تهران پاسخ داده اند، پیشنهاد شده است که

۵۰۰ نفر از رانندگان که بیشتر از ۱۰ هزار کیلومتر مسافت، از بنادر ورودی به داخل کشور بار حمل کنند، همراه یک نفر از اعضای خانواده شان، جهت زیارت حضرت زینب به سوریه اعزام میشوند!

افزافه جمعیت

فرماندار تهران گفت هر سالست ۱۵۰ نفر به جمعیت تهران اضافه میشود. وی از روستائیان کشور مصراحت خواست که از آمدن به تهران خودداری کنند. وی گفت "میدانیم که شما در شرایط سختی هستید، شرایط جنگ است ولی انشاء الله همانطوریکه امت شهبید پرور مشکلات را تحمل کرده است، این شرایط را از این بعد هم خواهد تحمل خواهد کرد."

عمده تقصیر

یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در رابطه با مشکل حمل و نقل در مجلس گفت: "کمترین تقصیری بمعده هیچکس از دست اندرکاران این صنف (کامیون داران) نمیباشد، بلکه عمده تقصیر به گردن دولت جمهوری اسلامی است که بازار داخلی را از لوازم و قطعات بدکی خالی نگه داشته و با اتخاذ سیاست های غلط و مفرطانه که شرح آن طولانی است هر روز سنگ جدیدی جلوی چرخ حمل و نقل قرار میدهند."

حسن شکستن دیوار صوتی!

مهدوی کنی، در نماز جمعه دانشگاه تهران در رابطه با پرواز هواپیماهای عراقی در آسمان تهران و شکستن دیوار صوتی گفت: "مردم دیگر از این بادبادک های هواپیما هراسی ندارند، این مسائل نباید موجب آن شود که عده ای از مردم که گرفتار مسائل جانبی شده اند، جنگ را فراموش کنند و به فکر کمیوها باشند." وی سپس افزود: "جنگ مخصوص یک قشر خاص نیست و اینطور نباشد که عده ای خوشگذرانی کرده و ظنیکار هم باشند، حسن شکستن دیوار صوتی در اینست که مردم تهران جنگ را فراموش نکنند!"

کاهش تولید پنبه در گنبد

در گزارشی که در روزنامه اطلاعات راجع به وضع کشت پنبه در گنبد انتشار یافته است، به کاهش تولید این محصول که زندگی یک میلیون تن را که با آن سر و کار دارند، بمخاطره انداخته است، اشاره میشود. در قسمتی از گزارش آمده است:

"کاهش تولید پنبه بدو صورت بوده است. کاهش در سطح زیر کشت و کاهش در میزان برداشت از واحد سطح." براساس این گزارش، سطح زیر کشت پنبه از سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۱ به کمتر از نصف رسیده است. در جدول زیر این کاهش مقدار زیر کشت پنبه نمایان است:

سال	مقدار زمین زیر کشت پنبه هزار هکتار
۱۳۵۶	۱۶۵
۱۳۵۷	۱۵۰
۱۳۵۸	۱۱۵
۱۳۵۹	۵۰
۱۳۶۰	۷۵
۱۳۶۱	۸۱

در رابطه با کاهش در میزان برداشت از واحد سطح، به فاکتورهای زیر اشاره شده است:

- ۱- مالکیت
 - ۲- کشت و برداشت غیر اصولی و غیر فنی
 - ۳- ایجاد مشکلات در برنامه ریزی
 - ۴- مسائل کارگری
 - ۵- مهاجرت ها
- این گزارش که حتی بسیار سعی شده است بصورت تخریف شده انتشار یابد، حاکی از ناتوانی رژیم جمهوری اسلامی در پاسخگویی به خواستهای مردم میباشد. این رژیم نه تنها در هیچ زمینه ای وضع اسفناک زندگی روستاگان را بهبود نداده است، بلکه آنچه را هم که داشته اند از آنها گرفته است.

میزگرد مسائل دانشگاهی

در میزگرد مسائل دانشگاهی در دانشگاه صنعتی شریف، دکتر علی اکبر مانهی، رئیس دانشگاه گفت: "هیچگونه تناسبی در حال حاضر در جامعه، از نظر تامین معیشت با نوع کار هر فرد وجود ندارد. بدینصورت که یک استاد دانشگاه میبیشم که از نظر تامین معیشت هیچگونه تناسبی با سایر اقشار ندارد." وی سپس ادامه میدهد: "بخصوص با توجه به قیمت های سنگین اجناس و اینکه ۴ تا ۵ سال است که نه تنها حقوق استادان، بلکه تمام کارمندان دولت هیچگونه تغییریری نگرفته و اضافه نشده است بار سنگینی را بدون میکشند."

دکتر حمادکی، سرپرست دانشگاه ریاضی و علوم کامپیوتر در اینمورد میگوید: "کمانیکه از خارج به همکاری دستورات شده اند، از نظر ادامه تحصیل فرزندان شان نیز با مشکلاتی مواجهند. مسئله دیگر، مسئله

صدای خاندان استادان است که بودن شناخت لازم و ملموس از این مسئله و مسئله کوپن، در این زمینه هم مشکلات بسیاری دارند." آنگاه حجت الاسلام مرطبی، نماینده آیت الله العظمی منتظری در دانشگاه صنعتی شریف رشته کلام را بدست گرفت و گفت: "در باب تسهیلات و اینکه آنها، یعنی استادان مرغه باشند، ما با رفاه به هر شکلش مخالفتیم." وی سپس افزود: "اصطفاذی را که از خارج می آورند، سه چهارم آنرا دنبال این میگردند که یک یکجا پیدا کنند، بعد شب میروند در صدکیلومتری تهران و در خانه یکی از اقوامش اشراحت میکنند و بعد ناراحتی دارد، مذهب فکری دارد، فراغت ندارد." وی سپس نتیجه میگیرد: "بنابراین او نمیتواند عنصر موافقی باشد."

دکتر مانهی، در رابطه با تعداد کادر علمی دانشگاه میگوید: "با پیروزی انقلاب اسلامی با کمیوهای در زمینه استاد مواجه شده ایم. کادر علمی دانشگاهها آنطور که آمار نشان میدهد قبل از انقلاب بالغ بر ۱۱ هزار نفر میشده است و آمار فعلی رقمی بین ۶ تا ۷ هزار نفر را نشان میدهد. مثلا دانشگاه ما حدود ۴۰ درصد افت از نظر کادر آموزشی داشته است." وی در مورد دانشجویان خارج از کشور و جذب آنان میگوید: "اکثر اینها هم مایل به بازگشت و خدمت در ایران هستند ولی متاسفانه آنقدر تبلیغ سو، علیه انقلاب اسلامی ما در خارج زیاد است که اینها نیز تمسک نادرستی از کشور پیدا کرده اند. برای جذب این افراد باید هیئت های متشکل از افراد فاضل و عالم و بخصوص به همراهی یکی از روحانیون ارجمند به خارج اعزام گردد که اگر نتوانند آنها را برای آمدن و خدمت در ایران تشویق و آماده نمایند، حداقل در شکستن جو موجود نقشی داشته باشند." دکتر مانهی در پایان صحبت هایش میگوید: "بهرحال کادر آموزشی دانشگاه صنعتی فعلا از ۱۴۰ نفر تشکیل شده است که از این تعداد، اغلب لیسانسیه هستند و تعدادی نیز فقط در کارهای خدماتی و تحقیقاتی فعالیت میکنند. یعنی کسب و واقعی آموزشی ما که باید از فوق لیسانس به بالا باشد، از صد نفر کمتر است و تنها از نظر کادر آموزشی در مضیقه هستیم و امیدواریم این کمیو هرچه زودتر جبران شود."

انبار رقصند و شکریا پارکینگ!

قند و شکر مصرفی مردم نهاوند در یکی بقیه در صفحه ۵۹

عملکرد رژیم جمهوری اسلامی از نظر مردم به روایت روزنامه‌ها رژیم

ساکتین نقشه بیست واقع در بلوار ابوالمظفر منطقه ۱۵ شهرداری آب آشامیدنی ندارند. چون داشتن آب آشامیدنی از لحاظ شرعی برای تمام کسانی که برابر ضوابط قانونی خانه ساخته‌اند حقی است مسلم و انکار ناپذیر لذا خواهشمند است مسئولین مربوطه هر چه زودتر نسبت به تأمین آب این منطقه ایستادن لازم و ضروری را بعمل آورند.

توضیح آنکه ساکتین این منطقه از رده مستضعفین هستند و همگی دارای اعتقادات دینی و مذهبی میباشند و داشتن آب برایشان واجب و ضروریست.

اعالی منطقه

فروشگاههای مگم هر روز شماره بدهند

فروشگاههای پارچه مگم در هفته فقط یک روز شماره میدهند و برای گرفتن شماره مردم مجبورند از نیمه شب در صف بایستند. با توجه به اینکه این پارچهها با دقت و بیعیب اقتصادی تحویل میشود، تقاضا داریم لائق این فروشگاهها همه روزه نوبت بدهند تا مردم دسترسی به پارچه پیدا کنند. عموماً اینکه نزدیک عید است و مردم احتیاج به پارچه دارند. از کلفتهای مگم به گیهان و شما

روزهای جمعه بیمه نیستیم!

روز جمعه فرزندانم را که همیشه شب دوازده به کلینیک ایرانمیر و آنجای آنجا با هم میمانیم و وقتی دقت کرده بیمه را ابراهیم دادم آقایان که ظاهراً مسئول آنجا بود گفت ما جمعه بیمه نیستیم! ناچار حق ویزیت پرداختیم و فرزندانم را میماند کردند و تسکین دادند، اما مسئول داروخانه‌ای که در طبقه زیرین کلینیک بود با مشاهده دقت کرده بیمه گفت ما جمعه بیمه نیستیم! بزرگوار پول دارو را هم پرداختیم. حالا بهتر نیست روی دقت‌های بیمه بنویسند: دقت‌های بیمه مخصوص روزهای جمعه به جز جمعه!

۳ سال است که پخیال نداریم

مدت ۳ سال است که پخیال منزلتان سوخته است تقاضای نوشتن و به مسجد محل دادیم. اما موفق نشدیم که از مسجد محل پخیال بگیریم به سبب اقتصادی تریز هم مراجعه کردیم گفتند که شما بروید و موتور پخیالتان را عوض کنید. همین کار را هم کردیم اما تعمیرکاران هم گفتند که موتور نداریم بهر حال مدت ۳ سال است که ما به پخیال مساندیم از مسئولین تقاضا داریم ترتیبی اتخاذ دارند که توزیع پخیال عادلانه باشد و پخیال ۱۰۰۰۰ بین آنها تقسیم کنند. منوچهر صادقی- تبریز

مشکل دریافت کارت نوبت برای بیمارستان

برای مراجعه به بیمارستان و زایشگاه امین ماه قمره واقع در خیابان ولیعصر، ایستگاه مختاری، بیماران باید ساعت یک بعد از ظهر نوبت دریافت کنند تا ساعت ۶ صبح به آن کارت نوبت مراجعه کنند. از آنجا که اکثر بیماران به این بیمارستان برای زایمان مراجعه میکنند حضور در ساعات فوق برای آنان بسیار مشکل و گاه غیرممکن است. از مسئولان ذیربط میخواهیم که با ترتیب دادن پذیرش صحیح و مناسب به این وضع نارضاحت کننده پایان دهند.

از کلفتهای زیاد به گیهان و شما

به وضع ناپسند توزیع گوشت در این محل رسیدگی کنید

تصاویر بالاتر از بیست‌متری دوم مسعودیه قابل به توزیع بدلاوه گوشت بین اهالی نیست و از این جهت برای مردم محل نارضایتی ایجاد میشود. از مسئولین امر تقاضای سرویس‌دهی و دادن به مساله توزیع گوشت در این محل را داریم.

اسفند داورزنی

در ستانه ششمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی مدظله‌العالی و بامیسه پیروزی نیروهای کفرستیز اسلام در جبهه‌های جنگ تحمیلی، با اطلاع امت شهبیدرود ایران خصوصاً کلیه داوطلبان خودروهای مزدا (امم از شخص حقوقی و حقیقی) میسراند نمایندگی‌های شرکت‌نهی و توزیع لوازم یدکی مزدا نو - تحت پوشش وزارت سازگاری - در شهرستانهای مشروح در ذیل دایر بوده و آماده همکاری میباشند:

بخاطر دوسه عدد مرغ ناقابل!

چندی است که خرید مرغ کوپنی هم فوز بالا فوز شده است و خودش را قاطعی خیلی از مشکلات روزمره کرده است.

چند روز پیش عیال از ما خواست برای خرید مرغ به مرغ فروشی محله بروم و مرغ سهیمه ای را بخرم. عیال می گفت: «کوپن ها دانه باطل می شه، اگر دیر بچینی این ماه از مرغ خوری نیس» زنبیل را دلدست من و گفتم برو توی صف زنبیل را برداشته از خانه بیرون آمدم و بکراست به سراغ مرغ فروشی محله رفتم ساعت ۵ صبح بود، هوا هنوز تاریک بود. کرکره مغازه مرغ فروشی محله، عباس آقا پائین بود و خیابان سوت و کور، البته عده‌ای توی خیابان تند تند با بطری های خالی شیر بطرف لپیناتی های محل می دویدند تا از قافله خرید شیر عقب نمانند. (یادم آمد که خریدن شیر هم این روزها دل شیر می خواهد!) با این اوصاف و احوال و با بررسی تماسی جوانب، خودم را به مرغ فروشی عباس آقا رساندم، چشم بد بدور، در دو طرف مغازه عباس آقا، دو صف طویلی از زنان و مردان تشکیل شده بود، مقابل هم، هر کس با زنبیلی در صف خریدار آهسته بود گروهی هم برای اینکه نوبتشان محفوظ باشد و کسی بد بان نگاه نکند، زنبیل ها را به نوبت در صف به نخ کشیده بودند، از شما چه پنهان که زنبیل ها هم در این دوره و زمونه برای خوششان سری توی سرها درآورده‌اند و خوششان را داخل آدم ها کرده‌اند اما خوب چاره‌ای برای زنبیل ها نبود مجبور بودند که اطاعت کنند. به هر حال زنبیل ها و آدم ها با این اوصاف در صف ردیف بودند.

همشید زنبیل ها را بردارید و بی کارتتان بروید. ما که نزدیک به انتهای صف بودیم، کمی با این حرف عباس آقا خرید مرغ بگنزم و زنبیل را بردارم و بروم اما حساب چند ساعتی را که توی صف مانده بودم چه میشد! از همه بدتر جواب عیال را باید چه می دادم! این بود که دل به دریا زدم و گفتم به جهنم، حالا که ایستاده‌ام یک ساعت هم روش، منتظر می مانم شاید برسد. ساعت ۸/۵ صبح بود و خیابان از رفت و آمد مردم شلوغ میشد، منتظران در صف دقیقه شماری می کردند و منتظر بودند که کی وانت مرغ فروشی از راه برسد!

چه میشود کرد، کار و کاسبی زنبیل فروش ها (مثل آن روزها که سبک را دانه‌ای می دادند و فروش جاسیگاری گل کرده بود) گل کرده است. ما که بخیل نیستیم، فعلاً خوشا به حال زنبیل فروش ها... اینگنیم به هر حال، ما هم زنبیل مربوطه را در انتهای صف داخل بستیم و به سراغ خرید شیر رفتیم، حالا خرید شیر بماند. پس از لحظاتی به سراغ صف مرغ آمدم، صف زنبیل از خیابان به کوچه مجاور امتداد یافته بود و زنبیل بود که می رسید و پشت زنبیل ردیف میشد.

عده‌ای که کار و باری ندارند، مثل مامورین سر پست کشیک زنبیل ها را می کشند، تا مرغ مادر مرده از راه برسد و آنرا از هوا قاپند. در صف گفته‌ها نماندیم و همیشه هر وانتی که از دور توی خیابان پیدا میشد نجوای دادیم، اومده هم در صف می پیچید.

عباس آقا هم مرتب از مشتاقان مرغ می خواست صف را خلوت کنند، بیخود در صف نایستند اما کسی گوشش بدنگار این حرف ها نبود، ساعت ۹ صبح بود که از دور یک وانت پیدا شد اصغر آقا که اول صف بود و کلی از این بابت خوشحال، حق هم داشت! پیش بینی کرد که این وانت دیگر وانت مرغ است. با شنیدن این حرف همه از سروکول هم سرک می کشیدند، تا در پیش گویی سهیم باشند. اما مواظب بودند از صف خارج نشوند، خوب معلوم است اگر کسی از صف خارج بشود دیگر چطور می تواند ثابت کند که توی صف بوده است؟ و حالا بباید شاهد ببار که من توی صف بودم.

حس اصغر آقا صحیح بود و همانطور که می گفت:

این آخری وانت مرغ فروشی بود، وانت با عزت و احترام و جلوی چشمهای مشتاقان خرید مرغ در مقابل مرغ فروشی پارک کرد همه توی صف محکم به هم چسبیدند، انگار با چسب دو قله بر دروازه هر چسبیده بودند!

عباس آقا به جلو وانت دوید و با سلام و صلوات چند کارتن مرغ را از راننده تحویل گرفت و به درون مغازه برد. مشتاقان خرید مرغ دو چشم که داشتند دو چشم هم فرس کردند و چهار چشمی به مرغها زل زدند. یکی می گفت: «شرط می بینم مرغها امریکایی است از بوش فهمیدم!» دیگری می گفت: «نه هلندی است» و حدسها دوروبر مرغ و اینکه چقدر مرغ داده‌اند دور می زد، تلقیق طولانی صرف این حرفها شد، عباس آقا پس از تحویل مرغ، این دست آن دست میکرد و معلوم نبود از این کارش چه هدفی را دنبال می کرد!

در این بین سرو صدای خانمها یکباره بلند شد و اعتراض پشت سر اعتراض، مگر ما در صف نبودیم چرا اول آقایان!

تا این دعوا هم حل بشود فشار بیش از حدی در صف وارد میشد، ولی خوب اگر مرغ می رسید تحمل کرنی بود. این تقاضای به عده‌ای مرغ رسید و به مراد مرغ بیل های پر به خانه رفتند تا آخر فتح و پیروزی خود را ابل و عیال بدهند.

کدفعه عباس آقا با صدای بلند و آمرانه‌ای گفت: آقایان! خانمها! مرغ تمام شد آقایان و خانمها تشریف ببرند و فردا تشریف بیآورند! انگار دنیا روی سرم خراب شد مشتاقان خرید مرغ دست از پا دوازتر راهشان را کشیدند و با زنبیل های خالی به خانه‌ها رفتند و من هم مثل بقیه، حالا مرغ به جهنم. اما غرولند عیال چه میشد!

که می گفت: «بی عرضه نتونستی مرغ بگیری! عرضه گیر آوردن یک مرغ بی قابلیت را ندانستی. دلت خوشه تو هم عرضه دلری!»

در راه همه‌اش به این فکر بودم که به عیال چه پاسخی دهم، تازه ساعت ۱۰ شده بود که پادم افتاد سه ساعت قیمت دارم ترسان لرزان خود را به یک تلقن عمومی رساندم و به آقای رئیس ماجرا را گفتم. آقای رئیس با عصبانیت گفت هیچ نگران دیر آمدن نباش، دوست عزیز، از فردا نیامدی هم نیامدی، چون مؤسسه ما به آدم های شکمو نیاز ندارد!

گزارشی از روستای موشی در استان کهگیلویه و بویراحمدی

این نوشته بر اساس گزارشی که در روزنامه‌های رژیم چاپ شده است (کپهان ۲۱ آبان ۱۳۶۲)، تهیه شده است:

روستای موشی قریب ۵۵۰ خانوار دارد. عمده ریتادی از آنها فاقد شناسنامه‌اند و در نتیجه جزو سرشماری محسوب نشده‌اند. چنانچه موردی پیش بیاید که احتیاج به ارائه شناسنامه باشد مثل تقسیم کوپن غذایی، اینان نمیتوانند وجود خود را به اثبات برسانند! شغل اصلی ساکنین منطقه بطور اعم کشاورزی و دامداری است. لیکن به علت عدم باروری زمین و در نتیجه کمبود معیشت، مردهای این روستا در حدود ۴ ماه از سال را در شهرهای مختلف به کارگری مشغول میشوند. در هر خانواده ۳ تا ۲۰ - راس گوسفند و بز نیز یافت میشود که بیشتر از شیر آنها جهت تغذیه استفاده میشود. بعد از بهار دیگر آب در این محل یافت نمیشود. چشمه و قنات در این محل وجود ندارد. یکی از منابع تغذیه اهالی از گیاهان خوراکی یا طبی است. مردم مقداری از این گیاهان را برای تغذیه خویش نگه میدارند و بقیه را در شهرها به فروش میرسانند. کشاورزی و دامداری برآمده زنان است، مضافاً بر اینکه شیر دوشی، آب آوردن از چشمه یا نخ ریسی و گلیم بافی و بخصوص جمع آوری هیزم که کار مشکلی است، بر عهده زنان است. در یک کلام بدون همکاری زنان در امر معیشت، زندگی غیر ممکن است.

درآمد سالیانه هر خانوار بین ۱۵ تا ۲۰ هزار تومان است. چنانچه افراد هر خانواده روستایی را بطور متوسط ۲ نفر حساب کنیم، ماهیانه ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ تومان میشود. این مبلغ وقتی بین کل افراد خانواده سرشکن میشود، درمی یابیم که هر فرد روستایی برای تهیه کلیه مایحتاج زندگی فقط ۱۹۰ تومان در ماه درآمد دارد. مردم این منطقه فاقد امکانات بهداشتی و درمانی هستند. در هیچکدام از روستاهای منطقه، حمام و توالت یافت نمیشود. عموماً از فضای باز و پشت تنگه سنگها برای توالت استفاده میکنند. آب آشامیدنی منطقه تنها در ۳ ماه فصل بهار از چشمه ها تامین میشود. لیکن همین آب به خاطر داشتن املاح معدنی، موجب بیماری سنگ کلیه میگردد. اکثر اهالی به خاطر نوشیدن از این آب مبتلا به کمر درد و سنگ کلیه هستند.

تزی دیگر از جناب آقای دکتر بنی صدر در مورد زنان!

س ۱ - در قرآن در سوره نساء آیه ۳۴ در باره زن صحبت کرده است که اگر زن خلاف کرد و سرپیچی کرد او را در خانه نگهدارید و برای دفعه دوم او را بزنید یکی از منافقین ایراد می کرد که چرا قرآن گفته بزنید!

ج: یکی از روشهای اسباب کار منافقین این است که یک جزئی را از مجموعه ای جدا می کنند که مثلاً بیا، اسلام چگونه ارزشی برای زن قائل شده؟ این است که خانم، آقا، صیغه در اسلام هست. اما در نظام اسلام معنی دارد نه در نظام شاهنشاهی. در این نظام می شود جرس را و این ربطی به اسلام ندارد. این آیه هم در نظام اسلام معنی دارد. بهر و انبزشکی مراجعه کنید فلسفه اش را به شما خواهند گفت: مثلاً بعضی زنان در رابطه با هم خوابگی خشونت پذیرند (من در رابطه با این مسائل نیستم از قول آنها می گویم) چون در طی قرون زن در موقعیت مادونی بوده و همیشه در حالت تحقیر و نوسری خور بوده یک حالت بیم و ترس در او هست و این حالت در بعضی زن ها شدید است متعادل به یک حمایتی می شوند و این حمایت به صورت خشونت طلبی در می آید و خشونت می طلبد این آیه در مورد تشوژ است و تشوژ به معنی نافرمانی است، اما نه به طور مطلق منظور از تشوژ همانطور که امام (خیمینی) تفسیر کرده نافرمانی جنسی است (نافرمانی در رختخواب) آن هم ممکن است در تمام مدت زندگی یک دفعه اتفاق بیفتد که یک خشونت جزئی لازم دارد اگر کلمات نکرد یک خشونتی می خواهد و موردش را روانپزشک یا حاکم شرع حل خواهد کرد یا دکتر باید تشخیص بدهد. این نافرمانی در آن مورد است نه هر موردی مثلاً نه این که مرد فرمان بدهد که نباید نماز بخوانی و زن خواند باید کتک بخورد. خداوند وقتی حقی برای خودش قائل شد برای شما هم حقی و حدی قائل است و به زن با شوهر زیاده از حد حقی را اجازه نمی دهد. امیدوارم که مسأله حل شده باشد.

پاسخ آقای بنی صدر به یکی از حاضران در سخنرانی مسجد امیرالمؤمنین - آباد - جنوبی

- عظیم مستون، هنوز جای اولش درد میکند ...



است. جمله نامفهوم است که برای آن ۱۵۰ تومان پول از مردم میگیرد. مردم از شرط ناچاری مجبور هستند با مرستی را نزد دعا نویس ببرند و با به امام زیاده متوسل شوند. به اعتراف اهالی هر سالی بخصوص در زمستان به علت فقدان جاده، تعدادی از بیماران این منطقه در میان راه میمیرند. بقیه در صفحه ۶۶

بیماری های دیگر نظیر سل، خصبه، مالاریا و جزام نیز مشاهده میشود. فقر فرهنگی اهالی را به نوعی مبارزه کفرانی با بیماری گشاده است. تنها کفا - دهنده ای که در این منطقه وجود دارد یک امامزاده گمنام و بی نشان و یک دعا نویس است که تنها دعائی که برای مداوا بلد

پیام سازمانها و نیروهای بینالمللی به سچفا به مناسبت

چهاردهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان خیزش ایران

پیام میر شیلی

پیام راه انقلابی ترکیه

رفقای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران،
دروغهای برادرانه و رفیقانه و انقلابی خود را به مناسبت
سیزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
ارسال میداریم.

چنانچه سیاهکل نقطه عطفی مهم در پروسه تاریخی رهاشایی
ایران میباشد.

با در شرایطی که شما دورد میفرستیم که مردم آمریکای
مرکز و شیلی بیباکانه، متشکل شده و وحدت کرده اند تا با
دشمن مشترکشان یعنی امپریالیسم و طبقه متحدش، یعنی بورژوازی
انحصاری به جنگ بپردازند.

بیانیم درسیهای گرانادا را فراموش نکنیم. بلعکس باید
چون سازمانیستهای نیکاراگوئه قهرمان و PMEN السالوادور،
UTRG گواتمالا و PDM شیلی را سرمشق قرار دهیم.

در شیلی، نیروهای انقلابی با هم متحد شده و جنبش
دمکراتیک خلقی (PDM) را متشکل از حزب کمونیست، حزب
سوسیالیست، میر، بخشی از مسیحیان چپ، بخشی از جنبش متحد
عملیات خلقی، جنبش کارگران - دهقانان (Laurto) و سازمان
اجتماعی، تشکیل داده اند.

برخلاف آپوزیسیون بورژوازی به نمایندگی Democratic
Alliance, PDM، یعنی جنبش دمکراتیک خلق، هم اکنون
درگیر مبارزه رو در رو علیه دیکتاتوری پینوشه میباشد.
"Democratic Alliance" خواهان دیالوگ و صحبت با رژیم و
خواستار یک راه حل مسالمت آمیز برای بحران سیاسی - اقتصادی -
اجتماعی شیلی میباشد. جنبش دمکراتیک خلق PDM به این
دیالوگ نیگوید **خیر!** بلعکس PDM برای براندازی کامل
دیکتاتوری و برقراری یک دولت انقلابی خلقی و دمکراتیک میجنگد.
ما میدانیم که شما، رفقای سازمان چریکهای فدائی خلق
ایران، مانند مردم شیلی از طریق وحدت با خلق و با اسلحه
پیروز خواهید شد.

رفقا، در این مبارزه بدون مرز همیشه به پیش! شما همراه
خلق قهرمان ایران میدانید چگونه ایرانی انقلابی و دمکراتیک
بسازید. خون قهرمانان شهید مثل گلهای سرخ زیبای صلح، عدالت،
و آزادی در ایرانی که بخاطر آن شهید شدند، شکوفا خواهد شد.

- آزادی برای تمام زندانیان سیاسی ایران و شیلی!

- مرگ بر پینوشه، خمینی و امپریالیسم آمریکا!

- زنده باد مبارزه خلق قهرمان ایران!

- زنده باد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران!

- زنده باد انترناسیونال پرولتری!

- زنده باد همبستگی انترناسیونال!

تنها راه رهاشایی، مبارزه است.

جنبش انقلابی چپ شیلی

(میر)

فوریه ۱۹۸۴

دروغهای انقلابی "راه انقلابی ترکیه" به سازمان چریکهای فدائی
خلق ایران به مناسبت پانزدهمین سالگرد قیام سیاهکل، سیزدهمین
سال بنیانگذاری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و پنجمین
سالگرد قیام بهمن ماه،
رفقا،

تعرضات امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا در منطقه
خاورمیانه و در سراسر جهان در اشکال مختلفی شدت یافته است.
حملات علیه جنبش آزادیبخش فلسطین، تجاوز مریان در لبنان
و توسعه نقش بورژوازی ترکیه در خاورمیانه بعنوان حامی
منافع امپریالیسم آمریکا، همه نشانههایی از این تعرض میباشد.
بازگشت به "دمکراسی" در ترکیه، که مدتیست از سوی
دیکتاتوری فاشیست در راه سازماندهی فاشیسم متشکل شده تحت
لوی رژیم غیرنظامی سیز باید از این دریچه، که این هم در
واقع بخشی از تعرض امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه است،
نگریست. این تعرض شامل سرکوب جنبش رهاشایی بخش کردستان،
و همچنین سرکوب مردم ایران و دیگر خلقهای تحت تسلط منطقه نیز
میشود.

از این رو، استحکام چهارچوب سازمانی بر مبنای رهنمود
مارکسیست - لنینیسم امری حیاتی برای پیروزی بر امپریالیسم
و دست نشاندهگان داخلی اش میباشد. همچنین، همبستگی بینالمللی
متحکم در راه رهاشایی خلقهای تحت تسلط ما، حاضر اهمیت بسزایی
است و این است پایه و اساس سازمان چریکهای فدائی خلق.
سیاهکل و قیام بهمن دوشنبه مهلک بر یک رژیم دست نشانده امپریالیسم و
دیکتاتوری شاه بود که باید سرمشقی شود برای نیروهای خلقی در
امر پیشبرد مبارزات به سطوح بالاتر و سرنگونی قدرت طبقات
حاکم و در عین حال غاصب دادن به زندگی امپریالیسم در کشورهای
ما و برقراری دمکراسی های خلقی در راستای سوسیالیسم با شعار
قاطعانه: **جنگ تا رهاشایی.**

- مرگ بر رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در ایران، مرگ بر
فاشیسم در ترکیه و مرگ بر امپریالیسم
- سیاهکل، روشکر راه ما بسوی انقلاب
- زنده باد همبستگی انترناسیونالیستی
- زنده باد فدائی، زنده باد "دوریمچی پول" ("راه انقلابی")

۱ فوریه ۱۹۸۴

نشره
کار
لرگان
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
را بخوانید

ا طریش - وین

بمناسبت فرا رسیدن چهاردهمین سالگرد حماسه سیاهکل و پنجمین سالروز قیام بهمن ماه، از سوی سازمان دانشجویان ایرانی در وین - ا طریش، هوادار سففا، مراسمی در تاریخ جمعه دهم فوریه در شهر وین برگزار گردید. برنامه با اعلام یک دقیقه سکوت بیهاد شهدای خلق آغاز شد. این برنامه شامل قطعات مختلف هنری - سیاسی از جمله سرود، دکلمه، تئاتر، فیلم، اسلاید شو و مقاله بود. این برنامه با موفقیت کامل به پایان رسید. لازم به توضیح می باشد که این گونه آکسیونها از طرف هواداران - سازمان، در شرایط جو پاسیو وین انجام گرفته و میگیرد و تنها آکسیون در قبال آکسیونهای ارتجاعی ضد انقلاب مغلوب (بختیاری ها) و ضد انقلاب فعلی (ملسارت) از سوی هواداران نیروهای انقلابی است.

رفقای هوادار سازمان در وین (ا طریش) همچنین در رابطه با سالروز رستاخیز سیاهکل و قیام پرشکوه بهمن، اعلامیه های پخش نمودند که بخشی از آنها در اینجا نقل میکنیم:

"سیاهکل سنت مبارزه قهرآمیز را در جامعه تثبیت کرد و بجای فرهنگ بی عملی و سازشکاری، فرهنگ نوین مبارزاتی را بارور نمود. سیاهکل نابودی رژیم وابسته پهلوی را در مبارزه قهرآمیز توده های میدانست و برخلاف دیدگاههای ایده آلگیتی با سرور عناصر متکور رژیم نمیتوانست تعادل نیروها را به نفع خود برهم زند. سیاهکل فصل نویسی در تاریخ مبارزاتی توده های منبهمان گشود..."

در قسمت دیگری از این اعلامیه میخوانیم:

"رفقا و دوستان: اگر آزادی و صلح میخواهیم، اگر دشمن امپریالیسم و رژیم وابسته به آن در ایران هستیم و اگر حامی توده های تحت تسلط ایران میباشیم، باید به نیاز جنبش که همانا همگامی و همکاری با آن میباشد، پاسخ دهیم. باید خواسته های طلبی امپریالیستها و سلطنت طلبان ضد - انقلابی را به کابوس تبدیل کنیم. باید مدعی بورژوا فریمیستی شورای ملی مقاومت را افشا نمائیم، باید قاطعانه با رویزپونیسیم مبارزه و از درون جنبش طرد نمائیم. باید انحرافات بسیار اساسی و ماهیت غیر پرولتری حزب با مصلح کمونیست و با مصلح سراسری را افشا کنیم. باید دیدگاه های ناسیونالیستی خرده بورژوازی این حزب جدید را که برای هر خلق "حسب اصولی" ویژه خاصی قائل است، افشا کنیم.



آکسیون نمایشگاه عکس و میز کتاب توسط رفقای هوادار سازمان در اینسبروک - اوشد

باید بگوئیم که تشکلات سیاسی منطقی های نمیتوانند مصوبات حزب با مصلح سراسری را به رای نمایندگان گذارده و بعدا اجرا کند. باید التقاط در برنامه اش را بر سر ملی و مادری کردن سرمایه های انحصاری افشا کنیم. باید بجای برخورد متافیزیکی، اود برخورد دیالکتیکی به پدیده ها بکنیم. باید حول برنامه عمل انقلابی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران گرد آئیم و به حمایت از این سازمان برخیزیم. باید به امکان پیروزی ایمان داشته و پیگیر اهداف این سازمان انقلابی را که به سلاح ایدئولوژیک پرولتاریا مسلح است و برای جامعه های فارغ ازستم طبقاتی مبارزه میکند، تبلیغ نمائیم."

آمریکا - میامی

انجمن دانشجویان ایرانی در میامی، هوادار سففا برنامه ای بمناسبت بزرگداشت قیام بهمن ماه و حماسه سیاهکل در روز ۲۲ فوریه برگزار نمود. در این برنامه تعدادی از ایرانیان مقیم میامی و برخی از هواداران دیگر سازمانهای انقلابی شرکت کردند. در ابتدای برنامه، رفقای هوادار میامی در مورد قیام بهمن ماه و حماسه سیاهکل قرائت نمودند. سپس ترانه سرودهایی اجرا شد و اشعاری نیز دکلمه گردید. در این برنامه رفقای هوادار برای اولین بار در آمریکا فیلم "حرف بزن، ترکمن" را نمایش دادند که طیفی از اشکالات تکنیکی، مورد استقبال فراوان واقع شد. همچنین رفقا با نمایش اسلاید شو توانستند به افشای سیاستهای رژیم پرداخته و جنبش نویسی انقلابی ایران را به حصار معرفی نمایند. رفقای هوادار همچنین با پخش اعلامیه و

گذاشتن میز نشریات، به تبلیغ مواضع سازمان پرداختند. این برنامه با موفقیت تمام به پایان رسید.

آمریکا - مینیا پولیس

انجمن دانشجویان ایرانی در مینیا پولیس هوادار سففا، برنامه ای جهت بزرگداشت قیام با شکوه بهمن و حماسه سیاهکل در روز شنبه ۲۵ فوریه برگزار نمود. برنامه بزرگداشت با قرائت مقاله ای در مورد قیام بهمن و چشم انداز آینده جنبش انقلابی شروع شد. رفقا با ارائه تحلیلی از قیام و دلایل به گمراه رفتن آن، بر ضرورت انجام بحثهای تشویریک و سیاسی حول مسائل سرم جنبش با هواداران دیگر نیروها، بخصوص هواداران مجاهدین که از شرکت کردن در هرگونه بحثی خودداری میکنند، تاکید کردند. در ادامه برنامه فیلم "حرف بزن، ترکمن" به نمایش گذاشته شد که مورد استقبال فراوان قرار گرفت. سپس رفقا برای معرفی جنبش نویسی کمونیستی ایران، مقاله ای در مورد تاریخچه مختصر سیاهکل قرائت کردند. اسلاید شو قیام و سیاهکل در این برنامه نشان داده شد. همچنین نمایشگاه عکس از جنایات مزدوران رژیم در فیلیپین به معرفی سابقه گذاشته شد.

آمریکا - نیویورک

مراسم بزرگداشت قیام و سیاهکل در شهر نیویورک در تاریخ ۴ فوریه برگزار گردید. این برنامه شامل سخنرانی به زبان فارسی و انگلیسی در مورد قیام و اوضاع کنونی جنبش اسلایدشو، سرود و فیلم سخنرانی رفیق سعید سلطانپور در بهشت زهرا

بود. در این برنامه نیروهای بین المللی از جمله هواداران مهر شیلی، فارابوندو - مارتی و راه انقلابی ترکیه شرکت نمودند که پیام همبستگی آنها نیز قرائت شد. هواداران نیروهای انقلابی ایرانی نیز در این برنامه شرکت کردند.

آمریکا - کلمبوس

در تاریخ اول مارس مراسمی از طرف هواداران سچفا به مناسبت بزرگداشت روز جهانی زن برگزار شد. این برنامه شامل مقاله‌ای در مورد وضعیت زنان در ایران به زبان انگلیسی، نمایشگاه عکس در مورد زنان ایران، فیلم تظاهرات زنان در سالروز ۸ مارس در سال ۱۳۵۷، بود. در پایان بحثی پیرامون مسئله زن در گرفت که شرکت کنندگان بطور خلاصه در آن شرکت کردند.

آمریکا - بوستن

در ۱۷ فوریه مراسم بزرگداشت قیام و سیاهکل توسط هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در بوستن برگزار گردید. این برنامه شامل سخنرانی‌ای در باره اهمیت رستاخیز سیاهکل و پیوند آن با جنبش خلق و کمونیستی، اسلایدشو در حمایت از زندانیان سیاسی و فیلم‌گا بود. این برنامه با استقبال شرکت کنندگان روبرو شد.

آمریکا - شیکاگو

از طرف شورای هماهنگی سازمانهای دانشجویان ایرانی در شیکاگو، برنامه بزرگداشت سیاهکل و قیام، در تاریخ ۱۲ فوریه برگزار شد. در این برنامه که پیش از حد نفر در آن شرکت کرده بودند، ابتدا پیام سازمانهای دانشجویی خوانده شد. همچنین نماینده‌های در افشای جنایات رژیم اجرا گردید. فیلمی در مورد انقلاب نیکاراگوئه نیز نشان داده شد. در فواصل برنامه‌های مختلف، آهنگ‌های محلی نیز اجرا گردید.

آمریکا - لس آنجلس

در تاریخ ۱۱ فوریه، مراسم بزرگداشت قیام و سیاهکل از طرف هواداران سازمان در شهر لس آنجلس، برگزار گردید. در این برنامه پیام نیروهای انقلابی (بیرا) محلی از جمله هواداران فارابوندومارتی و... قرائت گردید. سخنرانی‌های نیز تحت عنوان درسهای قیام بهمین انجام گرفت که در آن به وضعیت کنونی جنبش انقلابی و وظایف جنبش

کمونیستی اشاره شد. در پایان فیلمی در مورد السالوادور نشان داده شد.

کانادا - مونترال

برنامه بزرگداشت قیام و سیاهکل در تاریخ ۹ فوریه با شرکت بیش از ۲۰۰ نفر در مونترال - کانادا، برگزار شد. در این برنامه مقاله‌ای در مورد قیام و سیاهکل قرائت شد. هواداران نیروهای انقلابی خارجی از جمله هواداران فارابوندومارتی، میر شیلی و گروه "اقتضای بر علیه دیکتاتوری مارکوس" در فیلیپین نیز فعالانه در این برنامه شرکت کردند و هنرمندان گروه اخیر به اجرای ترانه‌های فولکلوریک فیلیپینی پرداختند. آنگاه پیام نیروهای بین المللی قرائت گردید. رفقای فارابوندومارتی نیز به اجرای رقص السالوادوری پرداختند. سپس گروه هنری انجمن دانشجویان ایرانی در مونترال، هوادار سچفا، رقص کوراوغلی را اجرا نمود. در این برنامه پیام همبستگی هواداران راه کارگر نیز قرائت گردید. سپس اسلاید شو قیام و سیاهکل نشان داده شد. در پایان پان تومیم کارگر، دهقان، دانشجویان اجرا شد که مورد استقبال حضار قرار گرفت.

هند

کنفرانس سراسری فدراسیون محصلین هند (S.P.I.) از تاریخ ۲۲ تا ۲۶ ژانویه بمدت ۴ روز و با شرکت نزدیک به هزار و دویست نماینده از سراسر هتم برگزار گردید. فدراسیون محصلین هند بزرگترین تشکل دانشجویی در این کشور است که دارای بیش از یک میلیون و صد هزار نفر عضو میباشد. در این کنفرانس علاوه بر نیروها و شخصیت‌های هندی، نمایندگان از سازمان آزادیبخش خلق جنوب غربی آفریقا (SWAPO)، کنگره ملی آفریقا (ANC)، سازمان جوانان انقلابی کامبوج، اتحادیه دانشجویان مرفی نیال، اتحادیه دانشجویان بنگلادش، سازمان جوانان افغانستان و سازمان دانشجویان ایرانی در هند هوادار سچفا شرکت داشتند.

از طرف سازمان دانشجویان ایرانی در هند، پیامی در محکومیت رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در این کنفرانس قرائت گردید. علاوه بر پیام، جزواتی در رابطه با خیانت‌های تاریخی حزب توده، مصوبات اولین کنگره سچفا، برنامه عمل سازمان، پوستر و تقویمی که از طرف سازمان دانشجویان ایرانی در هند تهیه شده بود، در سطح نمایندگان شرکت کنندگان توزیع گردید.

در پایان کنفرانس قطعنامه‌ای در رابطه با تجاوزات امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در گرانادا، کشورهای آفریقا، آمریکای لاتین، آمریکای مرکزی، کامبوج، افغانستان، بنگلادش، نیپال و غیره و همچنین محکومیت رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با کشتار، زندانی و شکنجه انقلابیون، از طرف سازمانهای شرکت کننده به تصویب رسید.

آلمان

برگزاری شبهای همبستگی با خلق قهرمان کرد در آلمان

جهت حمایت از مبارزات حق طلبانه خلق کرد و افشای هرچه بیشتر جنایات رژیم جمهوری اسلامی، سازمان دانشجویان ایرانی هوادار سچفا در آلمان، هواداران چریکهای فدایی خلق (ارتش‌هاشمی) و هواداران وحدت کمونیستی در آلمان تصمیم به برگزاری شبهای همبستگی در شهرهای مختلف آلمان نمودند. این مراسم که تاکنون در شهرهای ماینز هایدلبرگ - فرانکفورت - گوتینگن - کلن برگزار شده است مورد استقبال بی سابقه نیروها و عناصر مترقی ایرانی و خارجی قرار گرفت. شبهای فوق در برخی از شهرها به صورت یکپارچه به کمک دیگر نیروهای ایرانی موجود در شهر برگزار شد. بعنوان مثال در فرانکفورت هواداران کومله - راه فدایی - سازمان دانشجویان کردهای مقیم خارج از کشور نیز در برگزاری مراسم شرکت نمودند. این مراسم در شهرکلن با شرکت هواداران حزب دمکرات کردستان و ایرانیان مترقی شهر کلن برگزار شد. شبهای کردستان در آیتده نیز در شهرهای برنهایمبور نیز برگزار خواهد شد.

آهانگر
ترجمه

انگلستان
AHANGAR
C/O BOOKMARKS,
265 SEVEN SISTERS ROAD
LONDON N4 ENGLAND

آمریکا
AHANGAR
2265 WESTWOOD BLVD #256
L.A. CA. 90064 USA

سهای اشتراک

آمریکا - ۱۰ شماره ۱۵ دلار

انگلستان - ۱۳ شماره ۵ پوند

برای دریافت نشریه سیاسی - فکا هی آهانگر
با آدرس‌های فوق تماس یکم کنید

آمریکای لاتین

برزیل روز ۲۵ ژانویه حدود ۲۵۰ هزار تن از مردم برزیل در خیابانهای ساپولسو، بمنظور محکوم ساختن رژیم نظامی این کشور، دست به تظاهرات گسترده ای زدند. تظاهر کنندگان خواهان برکناری حکومت نظامی ۲۰ ساله و انتخابات آزاد شدند. ساپولو با ۱۲ میلیون جمعیت، یکی از مراکز صنعتی برزیل است. سال گذشته این شهر بر اثر اعتراض بیکاران، با بحران شدیدی روبرو گردید. اقتصاد برزیل که از جانب کشورهای امپریالیستی در سال ۱۹۷۰ اقتصاد معجزه-آمیز نام گرفته بود، هر روز با بحران عمیق تری روبرو میگردد. تولیدات ۱۵٪ کاهش یافته و تورم به مرز ۲۱۱٪ در سال رسید. بدهی های برزیل به صندوق بین المللی پول در حدود ۹۲ بیلیون دلار میباشد. این مسئله از یک طرف با تأمین سرمایه آور دستمزده کارگران و از طرف دیگر با بالا رفتن مواد غذایی و سایر مواد مورد نیاز روزانه مردم، همراه بوده است.

اروگوئه

روز ۱۹ ژوئن حدود ۱۰۰۰۰ تن از کارگران که از طرف ۱۵۰ اتحادیه کارگری بسیج شده بودند، در شهر مونته ویدئو، به خیابانها ریختند و دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات که در تاریخ اروگوئه بی سابقه بود، با عکس العمل شدید ارتش و پلیس ضد شورش اروگوئه روبرو شد. خواستهای تظاهری کنندگان شناسایی حقوق اتحادیه های کارگری آزادی زندانیان سیاسی، برقراری دیکراسی در کشور، مبارزه با کمبود اوراق و مواد اولیه روزمره مردم و کاهش آلودگی قلمرو شان بود.

السالوادور

دو فروند هلیکوپتر نظامی آمریکا در تاریخ ۱۸ فوریه در حین اجرای عملیات نظامی بر فراز یکی از ایالت های السالوادور که در کنترل چریکهای فارابوندو مارتینی بود، سقوط کردند. سخنگوی چریکهای انقلابی ضمن انتشار بیانیه ای اعلام کرد "یکی از هلیکوپترها بوسیله آتشبارهای چریکها مورد اصابت گلوله قرار گرفت که در حین سقوط به هلیکوپتر دیگر برخورد کرد و منجر به سقوط هلیکوپتر دومی شد. بنا به گزارش مقامهای دولتی السالوادور، این حادثه در چهار سال جنگ بین نیروهای دولتی و چریکهای فارابوندو مارتینی، سابقه نداشته است. در این حادثه ۲۸ تن از نیروهای نظامی دولتی کشته شدند.

روز ۶ فوریه، اتحاد جماهیر شوروی تشکیل کمیته همبستگی برای دفاع از مبارزه خلقهای آمریکای لاتین بر علیه تجاوز نظامی آمریکا را اعلام کرد. در همین رابطه، خبرگزاری تاس از قول یکی از اعضای کمیته همبستگی اظهار داشت که "تحرکات حاضر علیه نیکاراگوئه، دخالت آشکار آمریکا در السالوادور و اخیرا تجاوز نظامی آمریکا در گرانادا، همه مدارکی هستند دال بر اینکه، استقلال کشورهای آمریکای لاتین و دیگر نقاط جهان، بدلیل رشد بی سابقه نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی، در خطر است."

رابرت وایت، سفیر سابق آمریکا در السالوادور (بین سالهای ۸۰ و ۸۱)، در روز ۲ فوریه اعلام کرد که دولت آمریکا از سه سال پیش میدانست که اسقفان السالوادور را، رهبر اوپوایسون، رهبر راستیهای افراطی السالوادور به قتل رسانده است و در سال ۸۰، ۴ نفر را اجیر کرده بود که اسقف سان سالوادور، آقای اسکات آرئولفو رومرو را به قتل رسانند. سفیر سابق آمریکا در السالوادور همچنین اعلام کرده است که دولت آمریکا از سه سال پیش میدانست که این ثروتمندان السالوادوری هیچکس که از میامی "جوخه های مرگ" را سازماندهی میکنند، از لحاظ مالی تأمین میکنند و از لحاظ سیاسی رهبری میکنند. وی نام رهبران اصلی این جمعیت را افشا کرده است.

نیکاراگوئه

بدنبال اعلام برگزاری انتخابات آزاد از جانب رژیم انقلابی نیکاراگوئه و اعلام اینکه کلیه مخالفین دولت به جز طرفداران سامورا و اعضای گارد ملی سامورا حقوق شرکت در انتخابات را دارند، روز سه شنبه ۲۱ فوریه در تظاهراتی که با شرکت بیش از ۱۰۰۰۰۰ تن بهمناسبت سالگرد مرگ آگوستا - سزار سانچس، قهرمان انقلابی نیکاراگوئه در شهر ماناگوا برگزار گردید، ۵۰۰۰۰ نفر در رهبر دولت انقلابی سانچسها روز - برگزاری انتخابات را ۴ نوامبر اعلام نمود. اورتگا در سخنرانی خود حداقل سن برای رای دهندگان را ۱۶ سال اعلام نمود و گفت که رئیس جمهور و نائب رئیس جمهور و ۹۰ تن از اعضای مجلس قانونگذار تا روز ۱۵ ژانویه ۱۹۸۵ انتخاب خواهند شد. دولت انقلابی نیکاراگوئه تعهد نموده است که به کلیه کاندیداها و افرادی که مایل به شرکت در انتخابات سرتاسری باشند، وقت مساوی در

تلویزیون و سایر وسائل ارتباط جمعی بدهد.

گواتمالا

نقل از یوشایتندپرس و اینفوپرس: "یک واحد چریکی از سازمان انقلابی خلق صلح" (ORPA) با نارنجک به کالج ریاست جمهوری گواتمالا حمله کردند. مهاجمین موفق به فرار شدند."

هندوراس

لوموند ۴ فوریه: واینسگر، وزیر دفاع آمریکا اعلام کرد که پنتاگون قصد دارد یک نیروی ۲۰۰ الی ۸۰۰ نفری از ارتش آمریکا را بطور دائمی در هندوراس نگه دارد. از طرف دیگر مجلس نمایندگان آمریکا در یک گزارش منتشر شده، پنتاگون را متهم کرده است که بدون اجازه کنگره آمریکا، در هندوراس - تأسیسات نظامی ایجاد کرده است.

پرو

روز ۲ فوریه، در شهر لیما (Lima) پایتخت پرو، تظاهرات وسیعی با شرکت دانشجویان پروی برگزار شد. در این تظاهرات دانشجویان بر علیه بالا رفتن کرایه اتوبوسها دست به اعتراض زدند. دانشجویان با درست کردن باریکناها در خیابانهای شهر لیما، به مقابله با پلیس ضد شورش پرداختند. دو هفته قبل از این حادثه، اتوبوسها بوسیله دانشجویان منهدم شدند. که آنها را به محوطه دانشگاه بردند. دولت پرو کرایه اتوبوسها را ۲۰ تا ۲۵٪ افزایش داده است.

افریقا

مراکش

حدفا هزار تن از مردم مغرب در اعتراض به گران شدن قیمت نان، شکر و سایر کالاهای مورد نیاز در شهرهای مختلف مغرب از جمله تطوان، اوچادا، ناوره، صمیه - کسراکبیر، دست به تظاهرات وسیعی زدند. تنها در شهر صمیه ۱۰۰ هزار تن در تظاهرات علیه دولت سلطان حسن، پادشاه مغرب شرکت داشتند. در شهر تطوان ۵۰۰۰ نفر از نیروهای دولتی و ارتش برای سرکوبی و مقابله با تظاهر کنندگان به خیابانهای شهر ریختند. بطوریکه در زدو خورد بین مردم و نیروهای دولتی، حدود ۱۰۰ کشته و تعداد زیادی نیز مجروح شدند. این تظاهرات بدنبال اعتراضات و شورشهای اخیر مردم تونس بر علیه گرانسی نان صورت گرفت.

نگاهی به اوضاع مراکش

طبق آمار بانک بین المللی توسعه، بیش از ۴۵٪ جمعیت این کشور در فقر مطلق زندگی میکنند، یعنی حتی قادر به پرداخت حداقل پولی نیستند که از لحاظ جسمی زنده بمانند. در حدود ۲۰ تا ۴۰ درصد مردم بیگارند که ۸۰ درصد این تعداد از جوانان میباشند. بیگاران از هیچگونه کمک دولتی برخوردار نیستند و اگر کمک خانواده‌هایشان نباشد، از گرسنگی تلف میشوند. از سال ۱۹۷۰ هر ساله ۲۵۰ هزار کشاورز از زمین‌هایشان بیرون رانده شده‌اند. اقتصاد مغرب بدون حمایت صندوق بین المللی پول بیش از یکروز نمیتواند روی پای خود بیایند. بدهی های خارجی این کشور حدود ۱۰ بیلیون دلار است که ۸۰٪ درآمد ناخالص ملی را تشکیل میدهد. بخاطر بالا بودن درصد بهره، هر بار دولت مجبور است که زیر بار قروض جدیدتری رود تا قرض قبلی را پرداخت نماید تنها راه حلی که صندوق بین المللی پول برای این اقتصاد ورشکسته دارد، همان ادامه استثمار مردم زحمتکش است، چرا که این راه حل چاره را تنها در بالا بردن قیمت آن اجناس میداند که تنها زحمتکشان و کارگران آنها را مصرف میکنند. نان، شکر، حبوبات موادی هستند که بالا رفتن قیمت آنها موجب کاهش مصرفشان میگردد که این خود "راه حلی" است که دولت قروض خود را پرداخت نماید.

دولت سلطان حسن حدود ۸ سال است که در بحران فزاینده دست به جنگ توسعه طلبانه‌ای زده است. این جنگ روزانه ۱ بیلیون دلار یعنی ۴۵ تا ۵۰ درصد بودجه دولت را بخود اختصاص داده است. بدهی مغرب تنها بسه فرانسه در زمینه وسایل نظامی سنگین، ۲ بیلیون دلار میباشد. از طرفی مغرب وسایل نظامی پیشرفته تری که فرانسه قادر به تولید آنها نیست از آمریکا دریافت میکند. این ابزار جنگی شامل رادارهای جاسوس پیشرفته میباشد که آمریکا بخاطر نشان ناخفته است که مغرب کلیه وامهای مورد نیاز برای تهیه این وسایل را از صندوق بین المللی پول دریافت خواهد نمود و - درموضع آمریکا به ایجاد پایگاههای نظامی زیادی از جمله پایگاه نیروهای واکنش سریع، پستهای کنترل کننده، پایگاه بمنظور عملیات مشترک نظامی با همکاری مستقیم ارتش مغرب (که آشکارا علیه لیبی انجام میگردد) خواهد پرداخت. گذشته از این، سلطان حسن از دوستان بسیار نزدیک بزرگان راکفلر، ریگان و میخسران، رئیس جمهوری فرانسه میباشد. اگرچه سلطان

حسن بخاطر پشتیبانی امپریالیسم فرانسه و آمریکا، توانسته است موقتا صدای اعتراض توده‌ها را خاموش کند، ولی اعتراضات اخیر یک پیروزی برای مردم مغرب محسوب میشود زیرا سلطان حسن را مجبور ساخت تا در تلویزیون اعلام نماید که برای آخرین بار قیمت اجناس را بالا نمی‌برد.

الجزایر

لوموند ۵ و ۶ فوریه: در سال ۸۲ شرکت‌های فرانسوی با الجزایر مجموعاً ۲۵ میلیارد فرانک قرار دادهای مختلف منعقد کرده‌اند. میزان این قراردادهای در سال ۸۲، ۱۵ میلیارد فرانک بوده است.

آفریقای جنوبی

در اولین روزهای سال ۱۹۸۴، بزرگترین اتحادیه کارگری شیاهان در آفریقای جنوبی دست به اعتصاب گسترده‌ای زدند. این اعتصاب که با شرکت ۸۶۰۰ کارگر شروع شد، از جانب اتحادیه کارگری پتروشیمی کوه بزرگترین شرکت نفتی و تهیه مواد شیمی در آفریقای جنوبی میباشد، سازماندهی شده بود. در روز ۱۶ ژانویه در شهر ترانس-شول (Transvaal) حدود ۵۰۰۰ کارگر به منظور اعتراض به پاشین آوردن دستمزدها، دست از کار کشیده و محلکار خود را ترک نمودند. بدنبال این حرکت، ۲۵۰۰ کارگر دیگر نیز در یکی از نواحی این شهر بسه کارگران اعتصابی پیوستند. دو روز بعد از اعتصاب، کلیه کارگران یک شرکت دیگر بنام Umbogintwini به نشانه همبستگی و دفاع از خواسته‌های کارگران اعتصابی دست از کار کشیدند.

صحرا

جبهه پولیساریو اعلام کرد که اگر آمریکا و فرانسه به دولت مراکش اسلحه ن فروشند، دولت مراکش نخواهد توانست در مقابل مبارزات جبهه پولیساریو دوام آورد.

چاد

ارتش فرانسه منطقه تحت کنترل خود در چاد را تا ۱۰۰ کیلومتر بطرف شمال گسترش خواهد داد و نیروهای فرانسوی مجاز خواهند بود بدون اخطار قبلی به روی هر کسی که از این مرز ممنوعی عبور کند، شلیک کنند تا بتوانند از نفوذ نیروهای مخالف رژیم به منطقه تحت کنترل ارتش فرانسه جلوگیری کنند. دولت لیبی نیز اعلام کرده است که هیچگونه نیروی در چاد ندارد و این خود چادی‌ها هستند که با حضور ارتش فرانسه در چاد مخالفت می‌روزند و در نتیجه این دولت فرانسه است که در امور داخلی چاد مداخله میکند.

آسیا

پاکستان

صدما تن از دانشجویان پاکستانی با بستن باریگاد و آتش زدن لاینیک‌های ماشین در دو شهر بزرگ پاکستان، اعتراض خود را به حکومت نظامی اعلام شده از جانب دولت ارتجاسی ضیا الحق اعلام داشتند. این تظاهرات که بعدت ۲ روزی در پی ادامه داشت، به منظور اعتراض به لغو اتحادیه‌های دانشجویی و معادله اموال و بودجه این اتحادیه‌ها انجام گرفت. پلیس در شهر کراچی، با انفجار گازهای اشک‌آور بسه ۹۰ نفر از تظاهرکنندگان را دستگیر نمود. در همین رابطه در شهر لاهور نیز تظاهراتی برگزار شد که منجر به دستگیری ۱۲ دانشجو از جانب پلیس شد. این چندمین بار ظرف



Rally of 90,000 unemployed workers at Rio's Cathedral Plaza last September.

چند ماه گذشته است که اعتراضات اقشار مختلف مردم پاکستان بر علیه اعمال فشارهای روزافزون دولت ضیا الحق با سرکوب شدید پلیس روبرو گردیده است.

ویتنام

پس از گذشت سه سال از برنامه نریم اقتصاد در ویتنام، در بخش تولیدات کشاورزی، رکود تولید مواد غذایی که در نتیجه جنگهای پی در پی این کشور بوجود آمده بود، شکسته شد. بنا به گفته سان، سفیر جمهوری سوسیالیستی ویتنام در سازمان ملل متحد، "این برای اولین بار در تاریخ ماست که مجبور نیستیم مواد غذایی را از خارج وارد کنیم. تولیدات سالانه مواد غذایی ۲۹٪ از سال ۷۵ تا بحال افزایش یافته و ۶٪ نیز به این مقدار ظرف دو سال آینده اضافه خواهد گردید. این یک موفقیت بزرگ در ارتباط با اولویتهای تعیین شده از جانب حزب و دولت ما محسوب میشود."

سان، سفیر جمهوری سوسیالیستی ویتنام در سازمان ملل در مورد سیاستهای بین المللی ویتنام گفت: "ما خروج تدریجی نیروهایمان را از کامبوج برای سال ۱۹۸۲ برنامه ریزی کرده ایم، شبیه این برنامه نیز در سالهای ۸۲ و ۸۳ انجام شده است. از طرفی نیروهای ما بموجب درخواست جمهوری دموکراتیک کامبوج در آنها استقرار یافته اند. چرا که بعضی خروج نیروهای پل پوت مجددا در جهت تسخیر قدرت اقدام خواهند نمود و به سیاستهای ارتجاعی قبلی خود ادامه خواهد داد." سان در مورد روابط ویتنام با چین گفت: "روابط چین - ویتنام مسئله تازه ای نیست. گرچه ویتنام مدتهاست که خواهان برقراری روابط عادی با چین است، با این حال چین همواره سیاستهای خصومت

آمیز و دشمنی خود را علیه ویتنام ادامه داده و از ایجاد روابط عادی همسواره خودداری ورزیده است."

هنگ کنگ

روز ۱۲ ژانویه سال جاری هنگ کنگ که مستعمره انگلستان میباشد، با یکی از بی سابقه ترین تظاهرات عیونت آمیز خود طی ۱۷ سال گذشته روبرو شد. مأموران پلیس با گاز اشک آور و باتوم برای درهم شکستن شورش هزاران جوانی که در منطقه پرجمعیت نزدیک ساحل جنوب غربی شبه جزیره کولون، به غارت فروشگاهها و آتش سوزی دست زده بودند، وارد صحنه شدند. شورش در اوج - اعتصاب دو روزه تاکسی رانان روی داد که تقریبا عبور و مرور در هنگ کنگ را فلج کرده بود. رانندگان تاکسی به نشان - اعتراض به افزایش ناگهانی و زیاد هزینه های مربوط به گرفتن جواز و شماره، چهار راهها را مسدود کردند و اتوموبیل ها را از حرکت بازداشتند. هنگ کنگ جزه مستعمره انگلستان میباشد که تقریبا جزه خاک کشور چین محسوب میشود. در حال حاضر این کشور در رهن انگلستان است و در سال ۱۹۹۷ مدت رهن آن به پایان میرسد. در همین رابطه، دولت چین اعلام کرده است که قصد دارد اداره امور هنگ کنگ را در سال ۱۹۹۷ بار دیگر خود در دست گیرد.

فیلیپین

در تاریخ ۱۸ ژانویه، هزاران تن از مردم فیلیپین به منظور اعتراض به رژیم وابسته به امپریالیسم مارکوس در خیابان - مانیل به تظاهرات پرداختند. این اعتراضات بدنبال تظاهرات قبلی برگزار شد و در آن مردم خواهان کناره گیری مارکوس از حکومت شدند. مارکوس بعد از به قتل رساندن آکیشو، قانونی را مبنی بر دستگیری

افراد بدون حکم بازداشت، مادر نمود. تظاهرات ۲۸ ژانویه در نزدیکی فرودگاه بین المللی مانیل انجام گرفت.

اروپا

اسپانیا

در حدود ۲۰۰ هزار نفر کارگر در سراسر اسپانیا با دست زدن به اعتصاب و راهپیمایی نسبت به از بین رفتن مشاغل و حرفه های صنعتی، اعتراض خود را به دولت نشان دادند. این اعتصابات و اعتراضات که از جانب اتحادیه های کارگری که اکثرا بوسیله کمیونیتها رهبری میشوند در کارخانه ها کشتی سازی و در بنادر ترتیب داده شده بود. بنا به گفته خبرگزاری های جهان این بزرگترین اعتصابات بود که تا بحال بر علیه دولت به اصطلاح سوسیالیست اسپانیا ترتیب داده شده بود.

فامیبیا: ... بنیه از صفحه ۲۱.

کرده اند. حتی یک روز سم بدون درگیری نظامی بین نیروهای ما و اشغالگران سیری نمی شود. پلان (PLAN) نه تنها جای پای خودش را محکم کرده، بلکه قدرت خودش را در جنگ گسترده تر هم نشان داده است. نژاد پرستان آفریقای جنوبی نتوانستند از وسیع تر کردن و پیشروی نیروهای پلان در سراسر کشور جلوگیری کنند. مبارزان قهرمان موفق شدند که حدود ۱۰۰۰۰۰ نفر از نیروهای دشمن را متوقف کنند و کماکان شیز دشمن را مجبور کنند که بخاطر اشغال نظامی کشورمان، قیمت گزافشتری را بپردازد. اخیرا پیروزیهای بزرگی از جانب نیروهای پلان که منجر به خسارت فراوانی به نیروهای دشمن شده، نصیب ما گردیده است. رژیم پرتوریا امروزه مجبور است که روزانه بیش از سه میلیون دلار خرج نیروهای نظامی اش کند تا منطقه اشغال شده کشورمان را ننگه دارد. ●



Vietnam has become self-sufficient in food production.

نامیبیا: مبارزه برای استقلال اوج میگیرد



Invading South African troops in Angola. Pretoria's aggression is facilitated by expanded U.S. arms sales.

بدنبال حمله تجاوزگرانه نیروهای نژادپرست آفریقای جنوبی به بخشهای جنوبی خاک آنگولا و مقابله با چریکهای سواپو در اواخر دسامبر گذشته که منجر به کشته شدن تعداد زیادی از نیروهای دو طرف شد، اکثر کشورهای جهان خشم و تنفر خود را نسبت به حملات تجاوزگرانه رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی ابراز داشتند. سازمان ملل متحد نیز به دولت آفریقای جنوبی هشدار داد که باید هرچه زودتر مناطق اشغالی را ترک نماید. بدنبال این فشارها و انزجار مردم جهان، رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی اعلام کرد که تا اواخر ژانویه نیروهای خود را از این مناطق بیرون خواهد کشید. ولی این بار نیز به گفته‌های خود عمل نکرد و مجدداً حملات جدیدی را بر علیه چریکهای سواپو در نواحی نامیبیا، بمنظور از بین بردن این جنبش ادامه داد. چندی قبل با تهدید اتحاد جماهیر شوروی در مورد دخالت نظامی و حمایت از جنبش سواپو و دولت انقلابی آنگولا، نمایندگان سه کشور آنگولا، آمریکا و آفریقای جنوبی روز ۱۶ فوریه در کشور زامبیا بمنظور آتش‌بس جنگ و اتخاذ تصمیم نهایی در مورد استقلال نامیبیا، پای میز مذاکره رفتند.

کشور نامیبیا (آفریقای جنوب غربی) که بین آفریقای جنوبی و آنگولا واقع گردیده است، ابتدا جزء مستعمرات آلمان بود و در سال ۱۹۲۰ زیر نفوذ آفریقای جنوبی قرار گرفت. اکثریت این کشور را سیاهان تشکیل میدهند. این کشور همواره زیر نفوذ رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی قرار داشته است. چریکهای سواپو بعنوان تنها نماینده خلق نامیبیا، مدتهاست که برای سرنگون کردن این کشور و استقلالش به مبارزه خود ادامه میدهند که البته در این راه مورد حمایت کشورهای شرقی و سوسیالیستی منجمله کوبا، شوروی و آنگولا نیز بوده‌اند.

ما بمنظور آشنائی بیشتر خوانندگان "جهان" با جنبش خلق نامیبیا و شناختن از مواضع سواپو جنبش رهبری کننده این خلق، به بخشهایی از بیانات سام‌نا نیشونانا جوما، رئیس‌جمهور سواپو در کنفرانس بین‌المللی همبستگی با مبارزه خلق نامیبیا، که در تاریخ ۲۵ تا ۲۹ آوریل ۱۹۸۲ در ساختمان یونکو در پاریس و با شرکت بیش از ۵۰۰ نماینده از ۱۴۰ کشور، جنبش‌های

ما بمنظور آشنائی بیشتر خوانندگان "جهان" با جنبش خلق نامیبیا و شناختن از مواضع سواپو جنبش رهبری کننده این خلق، به بخشهایی از بیانات سام‌نا نیشونانا جوما، رئیس‌جمهور سواپو در کنفرانس بین‌المللی همبستگی با مبارزه خلق نامیبیا، که در تاریخ ۲۵ تا ۲۹ آوریل ۱۹۸۲ در ساختمان یونکو در پاریس و با شرکت بیش از ۵۰۰ نماینده از ۱۴۰ کشور، جنبش‌های

کار کمیته تشکیلات به کمیته مرکزی جدید ارائه داد.

در این گردهمایی اعضای شرکت‌کننده منشور و برنامه عملی را که برای ۵ ساله آینده طرح ریزی شده، به تصویب رساندند و رئیس‌جمهور دوره قبل سواپو را مجدداً انتخاب نمودند. همچنین ۱۱ عضو جدید به کمیته مرکزی اضافه شد.

جاه طلبی‌های امپریالیسم آمریکا در جهان

این کنفرانس در موقعیتی برگزار میشود که استقلال نامیبیا هنوز بدست نیامده است و دولت ریگان برای کسب خواسته‌های امپریالیستی‌اش در سراسر جهان، مردم محروم ما را بعنوان بخشی از این خواسته‌ها و منافع بیشتر، تحت‌استعمار و ستم فراوان قرار داده است. با این وجود، مردم مبارز ما مشتاقانه کنفرانس را زیر نظر دارند و امیدوارند که نتایج و قطعنامه‌های آن همبستگی و پشتیبانی عملی جامع بین‌المللی را برای مبارزه عادلانه در راه استقلال ملی، بدنبال داشته باشد. ما در سال ۱۹۸۰ در یکی دیگر از کنفرانسهای همبستگی با نامیبیا، امیدوار بودیم که تا سال ۸۳ کشورمان استقلالش را کسب کند. درست

عین همان امیدواری‌ها بعد از کنفرانس بین‌المللی برای تحریم آفریقای جنوبی که در سال ۱۹۸۱ در همین محل برگزار شد، مجدداً زنده گشت. عملکردهای تعرضی و تجاوزکارانه رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی (رژیم پرتوریا) نتیجه مستقیم حمایت امپریالیسم آمریکا در این منطقه است که به این رژیم کمکهای نظامی میکند. طرف

آزادبخت و شخصیت‌های بین‌المللی برگزار گردید، اشاره میکنیم. رئیس‌جمهور نامیبیا در این کنفرانس به گردهمایی اخیر کمیته مرکزی، جاه‌طلبی‌های امپریالیسم آمریکا در جهان، استفاده نیروهای ارتجاعی از مزدوران آنگولائی و مسائل دیگر اشاره کرد. گردهمایی وسیع کمیته مرکزی

"این گردهمایی با شرکت ۱۲۸ نماینده از بخشهای رهبری ملی سواپو، رهبران ارتش آزادیبخش نامیبیا (PLAN) مسئولین بخشها و شاخه‌های سواپو در خارج، اتحادیه ملی کارگران نامیبیا (MURW)، نمایندگان ما که با سازمانهای بین‌المللی همکاری میکنند، نمایندگان محلی از قبیل مناطق جنگی، مرکز آموزشی و بهداشتی نامیبیا در جمهوری خلق آنگولا و جمهوری نامیبیا، و کارکنان درجه اول از مراکز لوآندا، روسای سواپو و نمایندگان از مرکز ملی ونیدهوک، پایتخت نامیبیا برگزار شد.

دومین گردهمایی وسیع اعضای کمیته مرکزی عملکرد شش سال گذشته جنبش را که مرکب از تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های تصویب‌شده در اولین پلنوم کمیته مرکزی که در جولای ۱۹۷۶ در نامپوندو (Nampundwe) زامبیا برگزار شد را مورد بررسی انتقادی و تجزیه و تحلیل دقیق و همه‌جانبه قرار داد. برپاشی این گردهمایی از طریق تدارکاتی که بوسیله کمیته تشکیلات و زیر نظارت کمیته ملی سیاسی (امروز پلیت-بورو نامیده میشود) انجام گرفته بود، در روزهای ۱۲ و ۱۵ آوریل ۱۹۸۲ برگزار شد. بعد از آن، پلیت‌بورو عقایدش را در مورد

به سال گذشته ما شاهد نظامی کردن هر چه بیشتر نامیبیا از جانب رژیم پرتوریا بودیم که آنجا را به پایگاه نظامی خود بدل نمود. نتایج مستقیم این سیاست ظلم و ستم هرچه بیشتر بر خلق نامیبیا بصورت قتل، آدم ربائی، شکنجه، حبس قتل عام افراد بیگناه در دهکده‌ها، تجاوزات و - عملیات وحشیانه مکرر بوده است. رژیم نژادپرست پرتوریا دست به یکسری تبلیغات وسیع حساب شده به منظور خرابکاری و متزلزل نمودن دولت‌هایی از قبیل آنگولا، موزامبیک، سوتو، زمبیا، بوهو، زامبیا، بوتسوانا و دیگر دولت‌های آفریقایی زده است و برای خرابکاری به نژادگیزی، تعلیم و تسلیم مزدوران و افراد تعصبت تعقیب این کشورها پرداخته است.

اشغال بیخ‌های جنوبی آنگولا

رژیم نژادپرست پرتوریا و امپریالیست‌های حامی آن برای متزلزل کردن دولت جمهوری خلق آنگولا به سیاست‌های مختلف از جمله تحریم‌های سیاسی علیه آن، دست زده‌اند. با استفاده از منطقه اشغالی نامیبیا بعنوان پایگاه، رژیم آفریقایی جنوبی عملیات ضد انقلابی و خراب‌کننده و حملات نظامی بسیاری را داخل مرزهای آنگولا انجام می‌دهد. از طریق این حملات وحشیانه، رژیم نژادپرست از سال ۱۹۸۱ - منطقه جنوبی آنگولا را بشکل نظامی اشغال کرده است که بزودی با اشغال هرچه بیشتر این منطقه، ایجاد پایگاه‌های نظامی بیشتر در نامیبیا و بوجود آوردن منطقه سرور و وحشت، کلیه رژیم‌های مترقی این منطقه را در خطر قرار خواهد داد. با حمایت کشورهای امپریالیستی از تجاوزات رژیم نژادپرست، یکی از خواسته‌های برجسته مردم استعمار شده و ستم‌دیده این ناحیه، یعنی خودمختاری، آزادی و استقلال ملی زیر پا گذاشته شده است. از طرف دیگر این را نمیتوان نادیده گرفت که اردوگاه سوسیالیسم و دیگر کشورهای مترقی، مدافعین واقعی و دائمی ایده دمکراسی و پیشرفت واقعی خلق‌های استعمار شده و ستم‌دیده میباشند. آنها بر عکس دولتهای سرمایه‌داری که همواره حامی سیستمهای استعمار گرو و دولتهای ستمگر در سراسر جهان میباشند، عمل مینمایند.

نقش گروه‌های واسطه در مورد مسائل نامیبیا

میانگیری گروه‌های واسطه دیگر کافی است! ما این کشورها را بخاطر قانونهای جنایتکارانه محکوم میکنیم و قولهای پوچ و بیانات دروغین آنها را در زمینه پیشرفت نامیبیا و رهائی آن از یوغ استعمار، رد

میکنیم. حال نقد داریم کمی هم در مورد عمل کردن این گروه‌های باصطلاح واسطه صحبت کنیم. این گروه کشورها که همواره برعلیه ما و بنفع رژیم نژادپرست آفریقایی جنوبی نقش ایفا نموده‌اند، عبارتند از پنج قدرت غربی: کانادا، آلمان غربی، فرانسه، انگلیس و آمریکا که در شش سال گذشته، در موقعیت‌های مختلف عنوان کرده‌اند که حاضرند بعنوان گروه واسطه از طریق سازمان ملل برای خواسته اولیه نامیبیا، یعنی آزادی و استقلال واقعی، کمک کنند. تا بحال شورای امنیت یک برقا به اسکان مبتنی بر قطعنامه ۲۳۵ (در سال ۱۹۷۸) را به تصویب رسانده است. اما این برنامه که همانا ایجاد زمینه‌هایی به منظور بحث در مورد استقلال نامیبیا میباشد، بوده است. در این رابطه، سن از طرف کمیته مرکزی سواپو مامور شدم تا بطور واضح و مشخص اعلام کنم که جنبش ما تاریخچه تبادل نظرها و عملکرد "گروه‌های واسطه" سرکردگی امپریالیسم آمریکا را بررسی نموده است و به این نتیجه رسیده است که این گروه‌ها بواسطه تصویبات قطعنامه ۲۳۵ موافقتی ندارند. بخصوص کمیته مرکزی سواپو نشان داده است که دولت‌تاریگان با طرح این مسئله که استقلال نامیبیا با تخلیه نیروهای گوبائی از آنگولا عملی میباشد، باعث تحریک کردن نژادپرستان آفریقایی جنوبی و باعث تاخیر در استقلال و آزادی کشور ما شده است. کمیته مرکزی ما مشخصا این رابطه غیر عادلانه، مغرضانه و غیرمنطقی را که قابل شوال سیز هست، رد و شدیداً محکوم میکند. موضع سواپو این است که خلق ستم‌دیده نامیبیا بدون هیچگونه وقفه و بدون هیچگونه پیش شرطی حق استقلال دارد. از این رو سواپو به این نتیجه رسیده که هدف پنج قدرت غربی الفای قطعنامه ۲۳۵ (۱۹۷۸) شورای امنیت بطور عمده است. روی همین اصل است که این قدرتها بویژه دولت ریگان باید از عملیات تحریک‌کننده‌شان برای سوءاستفاده از گفتگوهای صلح نامیبیا، جلوگیری کنند.

بهمین خاطر ما از این مجمع عالی می‌خواهیم تا تصمیم‌های اخیر OAU کمیته آزادی و هفتمین گردهمایی سران کشورهای غیرمتعهد مبنی بر اجرای فوری قطعنامه ۲۳۵ مصوبه شورای امنیت را با استفاده از شوریه این سازمان در دستور کار خود قرار دهند. تصمیم‌های اخیر امپریالیست‌های اروپا اشکالات زیادی را برای مبارزه خلق نامیبیا

بوجود آورده است. با اتخاذ تصمیم‌های ارتجاعی و مغرضانه و با تهیه کمک‌های مالی مستقیم، تحت نام‌های دروغین، به نیروهای مزدور آنکولائی و خودفروختگان در نامیبیا اشغال شده، و با در پیشت گرفتن حمایت علنی از نیروهای پرتوریا، دست‌انها را در متزلزل کردن و تحریکات بر علیه رژیم آنگولا باز گذاشته‌اند. ما شدیداً کسانی که این تصمیم‌های ارتجاعی را گرفته‌اند، محکوم میکنیم و تصمیمات آنان را بعنوان عملیات مغرضانه بر علیه مردم آفریقا، رد می‌کنیم.

هیچ چیزی را نباید بفراموشی سپرد

قبل از اینکه صحبت را تمام کنیم، چنانکه متداول است و همینطور از صمیم قلب، از این فرصت استفاده کرده، همبستگی نظامی سواپو را با مردم در حال مبارزه آفریقایی جنوبی، تحت رهبری کنگره ملی آفریقا (ANC) که شاخه نظامی آن (Umkhonto Wesizwe) هر روزه ماشین نظامی رژیم نژادپرست را به مبارزه میطلبد، مردم صحرا (Sahrawi) تحت رهبری جبهه پولیساریو (Polisario Front)، مردم فلسطین تحت رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین (PLO) و شمام نیروهای فدا میریالیستی و دمکرات جهان که در حال مبارزه برای آزادی، عدالت و پیشرفت اجتماعی هستند، اعلام میدارم. در پایان اعلام میکنم که نیروهای مبارز نامیبیا به رهبری سواپو، تنها نماینده واقعی آنها، همیشه واقع بینانه و خونسرد با سختی‌ها در طول مبارزه برخورد کرده و سعی در حل کردن تمام مسائل تا استقلال کامل نامیبیا میکنند. یکبار دیگر در مقابل این مجمع محترم جهانی قول میدهم که ما در مبارزه مان برای آزادی نامیبیا هیچ چیزی را بفراموشی نخواهیم سپرد. ما تا وقتی که رژیم نژادپرست حاضر به مذاکره برای استقلال نشود، به مبارزه نظامی مان ادامه خواهیم داد. ما کاری میکنیم که فرار اشغال سرزمین مان بیشتر از نفعش برای رژیم نژادپرست آفریقایی جنوبی باشد.

مبارزان قهرمان ارتش آزادیبخش نامیبیا (PEAN) مقاومت در مقابل تجمع نیروهای نژادپرست آفریقایی جنوبی در نامیبیا را ادامه میدهند و نیروهای دشمن را مجبور به عقب‌نشینی به منطقه ای وسیع از رودخانه زامبیزی (Zambesi) در شمال شرقی کشور مان تا اقیانوس اطلس و از جبهه‌های شمالی تا محدود و بند هوک (Windhoek) و تا عمق مرکز نامیبیا،

چگونه روز جهانی زن بوجود آمد

در هفتم مارس ۱۹۰۸ زنان کارگر نساجی آمریکا طی تظاهرات وسیعی در نیویورک، خواهان پایان دادن به قوانین غیرانسانی ۱۲ ساعت کار روزانه برای زنان و کودکان شدند. در این تظاهرات خواستهای مانند عدم اشتغال کودکان در تولید، تقلیل ساعات کار در هفته و بدست آوردن حق رأی زنان مطرح شد. این تظاهرات نقطه عطف جدیدی را در تاریخ مبارزات زنان آمریکا تشکیل داد و به آن چهره‌ای نو ده‌ای و پیشرو بخشید که مورد استقبال سایر زنان انقلابی جهان قرار گرفت.

در سال ۱۹۱۰ در کنفرانس بین‌المللی زنان در کپنهاگ، به پیشنهاد کلارا زتکین، چهره درخشان سوسیال دموکراسی آلمان و از پیشروان جنبش زنان، تصمیم گرفته شد که برای گرامیداشت مبارزات زنان کارگر نساجی آمریکا و مبارزه کلیه زنان زحمتکش جهان، هفتم مارس بعنوان روز جهانی زن شناخته شود و همه ساله به این مناسبت، در این روز، جشنها، کنفرانس‌ها و جلسات آموزشی و تربیتی ویژه برگزار گردد.

در سال ۱۹۱۱، روز جهانی زن از طرف اینترناسیونال دوم رسماً پذیرفته شد و نخستین مراسم روز جهانی زن، در ۱۹ مارس ۱۹۱۱ برگزار گردید. انتخاب این روز به علت اهمیت تاریخی آن در مبارزات پرولتاریای آلمان بود. در چنین روزی در سال ۱۸۴۸ (در جریان انقلاب ۱۸۴۸) امپراتور پروس در برابر نیروی عظیم توده‌ها و شورش کارگران سرغرد آورده و تعهد کرده بود که خواسته‌های آنها از جمله حق رأی به زنان را برآورده سازد (که البته بدان عمل نکرد). اینترناسیونال دوم برای برگزینی روز جهانی زن، کوشش بسیاری نمود. در جریان تدارک مراسم این روز، مجله "رأی برای زنان" در آلمان و مجله "روز زن" در اطریش منتشر شد و میاچی در مورد "زنان و پارلمان"، رابطه زن خانه‌دار و سیاست و ... طرح گردید. و بدین ترتیب اولین مراسم بزرگداشت روز زن در کشورهای آلمان، اطریش، سوئیس و دانمارک با موفقیتی غیرمنتظره برگزار گردید و دامنه تظاهرات زنان به شهرهای کوچک و حتی روستاهای این کشورها کشیده شد. در بعضی نقاط پلیس به صفوف تظاهرکنندگان حمله نمود.

در سال ۱۹۱۲ مجدداً روز جهانی زن

به هفتم مارس انتقال یافت و از آن سال بعد این روز بعنوان روز جهانی زن در تاریخ خلقهای جهان ثبت گردید. زنان مبارز روسی برای اولین بار "روز زن" را در هفتم مارس ۱۹۱۲ جشن گرفتند و علیرغم اختناق شدید حکومت تزاری، زنان در سن پترزبورگ و مسکو، جلسه‌های بحث و سخنرانی تشکیل دادند. از آن پس تصمیم گرفته شد که مجله‌ای به نام "زن کارگر" از طرف زنان مبارز روسی انتشار یابد که البته پس از چندی تمامی اعفای شورای نویسندگان مجله به استثنای یک نفر، توسط پلیس تزاری دستگیر شدند. در روز هفتم مارس سال ۱۹۱۲ تنها عضو آزاد شورای نویسندگان مجله "زن کارگر"، آنا الیزا ووا، نخستین شماره مجله را به تنهایی انتشار داد و زنان را گرد شعار "حق رأی برای زنان کارگر" بسیج کرد.

در سال ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶ با آغاز جنگ جهانی اول، زنان پیشرو کوشش بسیار کردند که روز هفتم مارس "روز تظاهرات زنان بر ضد جنگ" اعلام شود اما به علت آشفتگی اوضاع اجتماعی و عدم درک اهمیت این مسئله و نیز خیانت برخی از گروه‌های سیاسی به مبارزات مردم، این تظاهرات انجام نشد. در سال ۱۹۱۵ "روز زن" تنها در نروژ برگزار گردید.

در روز هفتم مارس ۱۹۱۲، تظاهرات زنان روسی بر ضد جنگ و تزاریسم برگزار شد. توده وسیعی از زنان زحمتکش به خیابان‌ها ریختند تا بر ضد جنگ، گرسنگی، سرما و ... اعتراض کنند. کارگران مرد روسی با اعتصابات یکپارچه در پتروگراد از تظاهرات زنان پشتیبانی کردند. مجموعه این حرکات به تظاهرات سیاسی پرشوری علیه تزاریسم مبدل شد. این روز در تاریخ روسیه، روزی فراموش‌نشده‌ای است. انقلاب فوریه در این روز آغاز شد. یک هفته بعد، روزنامه برآودا در مقاله‌ای با عنوان "روز بزرگ" چنین نوشت: "اولین روز انقلاب، روز زنان است، افتخار بر زنان باد، افتخار به این روز جهانی باد، افتخار بر زنانی که در روز خود به خیابانهای پتروگراد گام نهادند."

در ایران نیز جنبش زنان پس از انقلاب مشروطه و بهروزی انقلاب اکتبر، در طی سالهای ۱۹۳۰ - ۱۹۱۹ گسترش و تکوین یافت. در این سالها جمعیت‌های گوناگون برای

کسب حقوق سیاسی و اجتماعی زنان در نقاط مختلف ایران تشکیل شد. در سال ۱۹۲۲ (۱۳۰۰ شمسی) جمعیتی بنام "بیک سعادت" در گیلان (رشت) با انتشار مجله "بیک سعادت نسوان" اعلام موجودیت نمود. مؤسین این گروه را جمیله مدیقی، سکینه شیرنگ، روشنگر نودودیت و اوزاتوس یاریاب تشکیل میدادند. هفتم مارس بعنوان روز جهانی زن برای اولین بار در ایران به دعوت این جمعیت جشن گرفته شد. مقارن همین ایام به مناسبت روز جهانی زن، جمعیت دیگری بنام "نسوان وطن خواه" برای اولین بار بنیادنامه‌ای افشاگرانه و اعتراضی بر علیه ستیکشیدگی زن به روی صحنه آورد. این بنیادنامه که "دختر قربانی" نام داشت، به کامی میرزاده عشقی، شاعر آزاده‌خواه و حامی جنبش زنان ایران تهیه و اجرا گردید.

با استحکام و استقرار حکومت رضا شاه همه‌جامع مبارز و مشرفی از جمله انجمنهای مختلف زنان نظیر "بیداری نسوان"، "جمع انقلاب زنان"، "انجمن نسوان" و ... منحل و سرکوب گشتند. پس از سقوط رضاشاه، بسا شکل گرفتن مجدد مبارزات زنان از جمله تشکیل "سازمان دموکراتیک زنان ایران" روز جهانی زن، جشن گرفته میشد و در شهرهای مختلف تلاش‌هایی در جهت بیداری و تشکیل مبارزات زنان علیه بیسوادی، فقر و ستم حاکم صورت میگرفت.

پس از کودتای ۲۸ مرداد و استقرار دیکتاتوری محمدرضاشاه، مبارزات اصیل زنان کاملاً سرکوب و منقرض گردید و بجای آن سازمانهای زنان ممنوعی و شش‌خانه به ریاست اشرف پهلوی، شکل گرفت. در این دوره بجای روز جهانی زن، یعنی هفتم مارس (۱۲ اسفند)، روز ۱۷ دی، "روز زن" در ایران اعلام گردید.

با آغاز انقلاب ۱۳۵۷ (۱۳۵۷) و بدنبال سرنگونی رژیم سلطنتی پهلوی، بار دیگر جنبش زنان مجال شکوفایی یافت. اولین مراسم بزرگداشت هفتم مارس (۱۷ اسفند) در "بهار آزادی" ایران، همراه با تظاهرات وسیع با شکوه زنان در دانشگاه تهران برگزار گردید. این تظاهرات در عین حال اولین حرکت اعتراضی مردم را علیه سیاستهای ارتجاعی و ضد دموکراتیک رژیم جمهوری اسلامی نظیر حجاب اجباری، قوانین اسلامی و ارتجاعی در مورد ازدواج و طلاق، محدودیت در اشتغال بقیه در صفحه ۵۹

۸ مارس روز جهانی زن را گرامی داریم و

برخورد به مسئله زن را محدود به گرامی‌داشت این روز نکنیم!

امروز هیچ نیروی شرقی و مردمی نیست که روز همبستگی جهانی زنان (۸ مارس) را به رسمیت شناخته و گرامی ندارد. بزرگداشت این روز بطور سمبلیک نمودار این واقعیت است که علاوه بر مبارزه دوش‌به‌دوش زنان و مردان زحمتکش علیه استعمار و استثمار، مبارزات ویژه زنان در راه برابری و رهایی از ستم جنسی و مردسالاری از حقایق تاریخی برخوردار است. امروزه مبارزات سیاسی و فرهنگی زنان پیشرو در کشورهای مختلف شواسته است توجه هر نیروی آگاه سیاسی و اجتماعی را به مسئله زن جلب نماید. اما این نکته نیز مسلم است که نیروهای اجتماعی و سیاسی گوناگون، فراخور جایگاه طبقاتی، بینش و ایدئولوژی خود، برداشت، جهت‌گیری، برنامه و سیاست‌های متفاوتی نسبت به این مسئله دارند.

اگرچه دموکراسیم بورژوازی و نهفت مساوات‌طلبانه زنان، که بعد از رشد بورژوازی شکل گرفت، از لحاظ تاریخی آغازگر مبارزات آزادیخواهانه زنان بوده است، اما مارکسیسم و سوسیالیسم علمی اولین فلسفه و جریان اجتماعی بود که بر خورده‌ی ریشه‌ای، جدی و انقلابی را نسبت به مسئله زن آغاز کرد. خواستهای پیشروان دموکراسیم بورژوازی و حامیان جنبش مساوات‌طلبانه زنان چه در غرب و چه در شرق و چه مرد و چه زن از جان استیوارت میل (John Stuart Mill) انگلیسی، سوزان بی. آنتونی (Susan S. Anthony) آمریکایی، آنا فیلسوفا (Anna Filosofova) روسی و... گرفته تا میرزا ملکم خان، میرزا جهانگیر صور اسرافیل، دهخدا، آخوندزاده، ایرج میرزا، بهار، بی‌بی‌خانم، صدیقه دولت‌آبادی، زندهخت شیرازی و... از حد خواستهای در مورد برخورداری زنان از یک سری حقوق بورژوازی و شهروندی نظیر حق رای، حق اشتغال و حق تحصیل و غیره فراتر نرفت. حامیان اندیشه‌های سوسیالیستی (غیرعلمی) نیز هیچگاه نتوانستند برخوردی صحیح و ریشه‌ای به‌شکستندگی زن داشته باشند. پروتین، پدر "سوسیالیسم انسانی" که مالکیت و ثروت را "مردگی و جنایت" میدانست در مورد زن نوشت: "زن را باید تابع نگاهداشت، زیرا زن انعکاس فد خلق است." (۱)

اما باید توجه داشت که اگر چه مارکسیسم برای اولین بار بطور علمی و

تاریخی ریشه‌های شکستندگی زن و مسئله ستم مغفرا طرح کرد و کتاب "منشا خانواده، مالکیت خصوصی و دولت" انگلس، پایه‌ی تئوریک و مبانی علمی مسئله را عنوان نمود لیکن جنبش کمونیستی چه از لحاظ نظری و چه در زمینه عملی و تشکیلاتی در مورد مسئله زن (در مقایسه با سایر مسائل اجتماعی) رشد و تکامل لازم و همه‌جانبه را نداشته است. ادبیات مارکسیستی-لنینیستی گروه‌ها و احزاب کمونیست در این زمینه دارای کمبودها و انحرافات و عقب‌ماندگی‌های بیش‌ازقابل ملاحظه‌ای هستند.

در ایران هم‌زمان با رشد و تعمیق جنبش‌های اجتماعی و مبارزات فدا می‌ریالیستی و دموکراتیک و گسترش اندیشه‌های سوسیالیستی جنبش زنان نیز از خواستها و ابعادهای پیشرفته‌تری برخوردار شده است. اما جنبش کمونیستی نتوانسته است به‌همان نسبت در برخورد به مسئله زن، چه در حوزه نظری و تئوریک و چه در زمینه تاکتیکها و برنامه‌های مشخص عملی، رشد و پختگی نشان دهد. البته فراموش نکنیم که جوانی و ناپختگی جنبش کمونیستی ایران، تنها دلیل این امر نیست چرا که جریان‌های نظیر حزب‌شده که خود را "کمونیست" میدانند و "جوان" ناپخته و کم تجربه" هم نیستند، کارنامه‌شان در زمینه جنبش زنان خاصه در طی انقلاب اخیر مانند سایر زمینه‌ها، شرم آور و سنگین است. جریانی که مدعی شده بود که: "قاید ما هرگز در تاریخ ایران شخصی را ندیده‌ایم که برای زن چنین ارزش مناسب و شایسته‌ای قائل شود که امام خمینی شده‌اند." (۲)!! بگذریم که خیانت‌های حزب‌شده بسیار فراشر از مباحث مربوط به زنان و غیره است. اصولاً بسیاری از نیروهای چپ‌برخورد به مردسالاری و مسئله زن راه‌بعد از انقلاب موکول میکنند و معتقدند که بعد از برانداختن نظام طبقاتی، مردسالاری و ستم جنسی نیز خودبخود از بین خواهد رفت. بر اساس چنین پیش‌فرض اکتومنیستی و یک‌جانبه‌ای است که امروزه بسیاری از نیروهای چپ‌ایران برخورد به مسئله زن را به چند مقاله کلیشه‌ای و شعارهای آتشین آنها فقط بمناسبت بزرگداشت روز جهانی زن و بصورت یک‌انجام وظیفه، خلاصه کرده‌اند. هنوز هیچ تلاش تئوریک و تشکیلاتی مشخص، متداوم و با برنامه‌ای در این زمینه نشده است.

البته بعضی از محافل روشنفکری و جریانات بورژوا - لنینیستی آزادیخواه از این نقطه ضعف سوء استفاده کرده، تلاش دارند جنبش زنان را در مقابل جنبش چپ و در قدیمت با آن و جدا از مبارزات طبقه کارگر و سازمان‌های کمونیستی قرار دهند. آنها با تکیه بر وجه جنسی ستم مغفرا و فلسفه "خواهر خواندگی" (Sisterhood)، وجه طبقاتی ستم‌کشندگی زنان را مخدوش و پستاً اساساً منکر میشوند. بعضی از زنان مبارز طرفدار زحمتکشان نیز یافت میشوند که بجای تلاش در جهت اصلاح ضعف‌ها و مبارزه با انحرافات موجود در درون جنبش کمونیستی نسبت به مسئله زن، با برخوردی منفصل و توأم با بدبینی و یأس و با عکس‌العملی جدایی طلبانه، به فدیت با گروه‌های چپ برخاسته و راه خود را از راه مبارزات طبقاتی و تشکیلاتی کمونیستی کاملاً جدا می‌سازند. امروز بخصوص در بین مبارزین ایرانی مقیم خارج از کشور، چنین گرایش‌هایی مشاهده میشود.

وجود حکومت ارتجاعی و قرون وسطایی کثونی و وسعت و عمق مردسالاری که با سطح رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان ایران عدم تناسبی سابقه‌ای دارد، احقاق حقوق دموکراتیک زنان را (حتی در حدود بورژوا - دموکراتیک آن) به یکی از مبرم‌ترین نیازهای جنبش و مهمترین مسائل دموکراتیک انقلاب ایران بدل کرده است. این مسئله وظیفه نیروهای پیشرو - پرولتاریا را نیز در این زمینه سنگین‌تر و جدی‌تر از گذشته کرده است. موقعیت زنان در برخی از کشورهای رها شده از یوغ امپریالیسم و نیز تجربه انقلاب اخیر به ما آموخته است که در کنار خواست سرنگونی و نفی نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی موجود، باید تبدیل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود را نیز تبلیغ و ترویج نمائیم. بنا براین وظیفه نیروهای پیشرو است که از همان اولین مراحل پروسه انقلاب، معیارها، ارزش‌ها و فرهنگ نوین سوسیالیستی را نیز ترویج نمایند. در همین رابطه مبارزه سیاسی و فرهنگی علیه مردسالاری و ستم جنسی جزئی لاینفک و مهم از بعد ایدئولوژیک - فرهنگی مبارزات سیاسی نیروهای پیشرو بر علیه نظام کهن را تشکیل میدهد. اگر کمونیست‌ها میخواهند ثابت

بسیج زنان: انقلاب در انقلاب (۱)

مقدمه

"مرکز اطلاعات کواتالا" در لوس آنجلس با مبارزین انقلابی کواتالا همکاری میکند و نیز در دانشگاه کالیفرنیا، در رشته تحقیقات زنان و انسان شناسی تدریس می نماید.

ما از خوانندگان "جهان" و رفقای هوادار می خواهیم که با ارسال مقالات و نظریات خود در این زمینه، ما را در تلاش در جهت ترویج و تبلیغ تفوریک، سیاسی و تشکیلاتی جنبش زنان، یاری رسانند.

علیرغم اشکالاتی که در این مقاله وجود دارد که مدتها ناشی از اختلافات فرهنگی و مراحل متفاوتی از مبارزه در جامعه آمریکا نسبت به جوامعی نظیر ایران میباشد، ما درج این مقاله را برای آغاز یک بحث جدی در این زمینه، مفید و مناسب تشخیص می دهیم. از اینرو چاپ این مقاله در "جهان" به معنی تأیید تمامی نکات و نظریات نویسنده آن نمی باشد.

"جهان"

رزمجویانه آنان را از قوه به فعل درآورد. الزامات متعددی برای دست یابی به چنین درکی وجود دارد. نخست یافتن ریشه های تاریخی و منابع معاصر ستم کشیدگی زنان است (Pee and Gonzalez, 1977: 3). ضرورت دیگر جمع بندی تفوریک و پراکتیک جنبش سوسیالیستی در رابطه با شرکت زنان در جنبش و جنبه های گوناگون مسئله زنان میباشد. هدف این مقاله کوششی برای ارائه چنین جمع بندی ای میباشد.

برای آنان که معتقدند که مبارزه انقلابی آنگاه به فرجام میرسد که با شرکت توده های استثمار شده و ستمدیده و بهره بری بگد حزب انقلابی انجام پذیرد، مسئله اساسی این است که چگونه رابطه بین استثمار و ستم کشیدگی را باید تفهیم نمود و چه نوع استراتژی و سازماندهی را باید حزب سوسیالیست بکار گیرد تا بر آنها غلبه نماید.

مسئله بسیج زنان از دیدگاه مارکسیست-لنینیستی دارای دو جنبه است: جنبه اول در باره چگونگی بسیج زنان به نمایندگی از طرف کارگران یا بعنوان بخشی از طبقه کارگر میباشد. جنبه دوم به چگونگی بسیج زنان به نمایندگی از طرف خودآنان و برای رهائی خود آنها به گونه ای که جنبش سوسیالیستی را نیز گامی به پیش براند، مربوط میشود. برای سوسیالیستها که نظام سوسیالیستی را به مثابه نظامی مینگرند که قاطعانه در پس رهایی زنان میباشد، هر دو سؤال بالا باید در ارتباط با هم و همزمان مورد توجه قرار گیرد.

هرگاه تنها یکی از این دو جنبه مورد حمایت و توجه قرار گیرد، توانایی کامل مبارزه زنان برای تغییر اجتماع هیچگاه از حالت بالقوه به حالت بالفعل در نخواهد آمد. لیبرال ها و رادیکال-فمینیست ها از ضرورت بسیج زنان در پیوند با طبقه کارگر چشم می پوشند. آنها به آزادی زنان در متن آزادی کامل توده های مردم باور ندارند و تشخیص نمیدهند که شرایط آزادی - زنان را تنها در روند مبارزه برای سوسیالیسم میتوان بنسباند نهاد.

از سوی دیگر، مارکسیستهای جزمگرا و اکوتومست ضرورت مبارزه زنان برای تحقق آزادی خود زنان و مبارزه حزب علیه ستم فقط استثمار اقتصادی سرمایه داری، بلکه جنبه های مختلف ایدئولوژی هائی که از سرمایه داری دفاع میکنند (مانند برتری طلبی مردان) را نفی میکنند. دیدگاههای جزمگرا ادعا میکنند که

بمناسبت روز جهانی زن، از فرصت استفاده کرده، آغاز به طرح جدی تر و تفوریک مسئله زن و ارتباط آن با مبارزات طبقاتی و بویژه جنبش کارگری و کمونیستی، در نشریه جهان میکنیم. مقاله زیر که در دو بخش ارائه میشود و توسط یکی از رفقا ترجمه شده است، نوشته ای است از تورما چین چیا که از زنان مبارز و مارکسیست-لنینیست آمریکا میباشد. او که جزء هیئت تحریریه نشریه تحقیقی و سیاسی Latin American Perspective میباشد، تحصیلاتش را در رشته اقتصاد و انسان شناسی گذرانده است. از تورما تحقیقات و نوشته هائی نیز در زمینه وابستگی (سرمایه داری وابسته) در مجلات سیاسی و علمی مختلف منتشر شده است. تحقیقی اصلی تورما در مورد جنبش های آمریکای لاتین و شرایط اقتصادی و سیاسی این جوامع، بویژه کواتالا است. در حال حاضر او در

تفوری مارکسیستی رهائی زنان در بستر مبارزه طبقاتی، موضوع بحث و جدلهای فراوانی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری بوده است. تغییرات چشمگیری که در موقعیت مادی و سیاسی گروه بزرگی از زنان در این کشورها بوقوع پیوسته است، بسیاری از نکات مهم را روشن نموده است. در معالک پیشرفته سرمایه داری انحصاری تعداد کثیری از زنان را به بازار کار جذب نموده بدون آنکه در جهت اجتماعی نمودن کارخانگی یا مراقبت از فرزندان یا تغییر در سیستم کار اجتماعی یا خانگی گام چندان مؤثری بردارد. "جنبش های زنان" در پاسخ به این تفادهای شکل گرفتند که از نظر ریشه داشتن در چپ، ماهیت انقلابی خواسته هایشان و پایه موجود و بالقوه ای که در بین زنان کارگر دارند، از جنبش های فمینیستی گذشته متمایز میباشد. برخلاف جنبش های پیشین که خواستار "برابری حقوق" بوده اند، جنبش های معاصر نوک حمله شان را متوجه تقسیم کار بر اساس جنسیت در زندگی اجتماعی و خصوصی که زائیده جامعه طبقاتی است، میکنند.

مسئله شرکت سوسیالیست ها و کمونیست ها در جنبه های متحد حول "مسئله زنان"، با در نقش رهبری جنبش های زنان، بویژه اکنون که لیبرالهای رفرمیست در ایالات متحده رهبری سازمانی بر جنبش زنان یافته اند که سرآغازی رادیکال داشته و هنوز هم اعضای سازمان نفاخته رادیکال چپ را در خود دارد، از اهمیت بیشتری برخوردار میگردد (Redstocking, 1975).

با پیدایش یک جنبش دست راستی که مخالف برابری زنان، همجنس بازان و حق زنان برای سقط جنین است، مسئله شرکت سوسیالیستها در بسیج مترقی زنان شکل عاجل تری یافته است. این فقط در معالک پیشرفته سرمایه داری نیست که رهبری مبارزه خود بخودی زنان و نبرد برای آنان اهمیت یافته است. در آمریکای لاتین آشکار است که عده ای از زنان به تاثیرات بحران امپریالیستی پاسخ دلاورانه ای دادند و نیز نقش بالقوه آنان در جنبش برای سوسیالیسم نیازمند توضیح و تفسیر آگاهانه و روشنی میباشد. این نیز مسلم است که بورژوازی قصد دارد تا در هر جا که ممکن است زنان را بر علیه کمونیسم بسیج نماید و عدم چاره اندیشی نیروهای چپ فقط کار آنان را آسان تر مینماید.

بنابراین چه در شمال و چه در جنوب آمریکا نیاز برای تدوین یک تفوریک عمومی، استراتژی و تاکتیک هائی که زنان را به مبارزه طبقاتی پیوند دهد، وجود دارد تا تمامی پتانسیل



"همبستگی" - ۱۹۳۲

رویزونیسم می‌باشد. اگرچه روابط بین ثوری و عمل و بین سخت‌گیری‌های عمومی و سخت‌گیری‌های خاص همواره کاملاً بهم پیوسته نمی‌باشد، اما ثوری‌نارسی و عمل‌ناکافی در مبارزه طبقاتی معمولاً بهم وابسته‌اند. اگرچه یک خط مشی ضعیف یا رشتید نیافته در باره هر مسئله‌ای (از جمله زنان) همیشه امکان تصحیح شدن و تکامل یافتن را دارد، یک جزمگراشی اکونومیستی کاملاً تثبیت شده یا یک خط رویزیونیستی تمام عیار بعیند به نظر می‌آید که بتواند خود را اصلاح نماید. اپورتونیسم یک حزب در رابطه با جنبش زنان، عموماً ناشی از گرایشات اپورتونیستی کلی حزب می‌باشد. بنابراین یک ثوری سوسیالیستی رهائی زنان در ارتباط تنگاتنگی با مفهوم سوسیالیستی انقلاب و خودسوسیالیسم قرار دارد.

جنبش‌های زنان و فمینیسم

جنبش‌های زنان، جنبش‌های اجتماعی هستند که همزمان با رشد سرمایه‌داری و امپریالیسم شکل یافتند. قبل از آن به ندرت کوششی سازمان یافته برای دستیابی به اهدافی نظیر برابری و با آزادی برای زنان وجود داشت. اکنون جنبشی آگاهانه سازمان یافته است که در آن نوعی درک ایدئولوژیک یا تجزیسه و تحلیل چگونگی دست‌یابی به این اهداف موجود است و در آن زنان حول خواسته‌هایی که به مثابه گامی بسوی هدف‌نهایی می‌باشند، بسیج می‌گردند (Omvedt, 1977:89). جنبش‌های زنان ممکن است در مسیر جنبش‌های طبقاتی شکل بگیرد و ممکن است بخشی از مبارزه طبقاتی یا مجزا از آن باقی بماند. اهداف این جنبش‌ها ممکن است منحصر بر مسائل مربوط به "برابری" (حقوق برابر در نظام موجود) یا "آزادی" (اعتراض و مبارزه علیه تقسیم کار در جامعه حاضر) دور زند، یا ممکن است آمیزه‌ای از برابری و آزادی، جدا یا در ارتباط با دیگر اهداف اجتماعی و اقتصادی باشد. جنبش‌های زنان شامل اهداف مشخص ایدئولوژی‌ها، درجه سازمان‌دهی، بسیج و همگونی آگاهی شرکت‌کنندگان است.

مسئله است که جنبش‌های زنان ایدئولوژی‌ها و پایگاه‌های طبقاتی متفاوتی دارند. اما فمینیسم چطور؟ آیا فمینیسم هم به یک ایدئولوژی یا جنبش اجتماعی وابستگی دارد؟ اگرچه فمینیسم معمولاً برای مشخص کردن زنان (اکثراً بورژوا و خرده‌بورژوا) اواخر قرن نوزدهم که برابری حقوق را تبلیغ می‌نمودند (حق رای و غیره) و با به رادیکال‌های دهه ۶۰ این قرن که مردان را دشمن زنان می‌پنداشتند، استناد می‌گردد، در حقیقت است. فمینیسم یک ایدئولوژی یکپارچه نبوده، بلکه یک جنبش اجتماعی برای حقوق برابر با آزادی می‌باشد که همواره با ایدئولوژی طبقاتی مشخصی همراه است (لیبرالیسم، رادیکالیسم، سوسیالیسم). جنبش‌های فمینیستی بر اساس خاستگاه و ایدئولوژی شرکت‌کنندگان آن، پایگاه‌های طبقاتی متفاوتی دارند. علیرغم اعضای برخی رفقای مرد، پایگاه طبقاتی این جنبش‌ها همیشه بورژوازی یا خرده بورژوازی نمی‌باشد. نخستین جنبش شکل گرفته فمینیستی در تاریخ جنبش زنان کارگر ماهر کارخانه‌های فرانسه در نالیهای دهه ۱۸۳۰ بود که در وقایع سال ۱۸۴۸ نیز نقش موشی ایفا نمودند. در دوره قبل از جنگ جهانی اول در لندن شرقی زنان بخش اعظمی از اتحادیه اجتماعی - سیاسی زنان انگلستان (The Women's Social and Political Union of England) را تشکیل میدادند تا اینکه تعصبات طبقاتی یکی از رهبران اتحادیه، کریستوبیل پانکهورست، منجر به اخراج آنان گردیدند. فلورا تریستان، فمینیست و انقلابی سوسیالیست فرانسوی که در راه مبارزه برای منافع زنان کارگر جان خود را فدا نمود، نوشت: "شرفیبا تمام جهان علیه من است. بدلیل درخواست

زنان کارگر فقط حول مسائلی میتوانند سازمان یابند که آن مسائل مورد توجه مردان کارگر نیز باشند و سازمان دهی زنان کارگر باید برای دفاع از منافع خانواده‌ها و شوهرانشان باشد، نه از منافع شخصی مادی خودشان در خانواده یا طبقه. دیدگاه جزمگرا این مسئله که "جنسیت تضاد ذاتی است" را به "جنسیت مشکلی ثانویه است" تبدیل میکند و از این مسئله که "خانواده پرولتری واحد رزمنده انقلاب است"، سود می‌جوید تا از حمایت مبارزات زنان برای برابری در خانواده، محل کار، و در خوب طفره رود. (بعنوان نمونه این گونه ثوری و پراگماتیسم می‌توان حزب کمونیست انقلابی (Revolutionary Communist Party) را نام برد که یکی از گروه‌های بنگالده بوده که فاند پایه شده‌ای در آمریکا می‌باشد.

مارکسیست اکونومیستی از دیدن اهمیت مبارزه ایدئولوژیک گروه‌های شمشیده و طبقات و اقشار شمشیده عاجز است. خصیصه اکونومیسم نقش اساسی دادن نه به خلاقیت کارگران، بلکه به جمع نیروهای تولیدی و دانش تکنیکی نوین می‌باشد (Betleheim, 1976) در انطباق با مسئله زنان، این دیدگاه از زنان می‌خواهد که مبارزه برای رهائی زن را تا زمانی که دولت سوسیالیستی بتواند کارگر را در فعالیت تولیدی شرکت دهد و کار خانگی را اجتماعی نماید، به تعویق بیندازد. آنها قادر به درک این موضوع نیستند که رهائی یونندی است که از طریق نبرد و سازمان‌دهی در هر دوره‌ای تحقق می‌یابد. از نظر تاریخی، اکونومیسم به احزاب کمونیست رویزیونیستی منتهی شد که توده‌ها را با عنوان نمودن اینکه تکامل سرمایه‌داری به سوسیالیسم از طریق گذار مسالمت‌آمیز ممکن می‌باشد، خلع سلاح میکند. موضع رویزیونیستی در رابطه با "مسئله زنان" به رفرمیسم منتهی می‌شود و به دنبال روی از آگاهی خودبخودی طبقه کارگر نسبت به زنان بسته می‌کند، بجای آنکه سعی کند چنین آگاهی‌های را به میان طبقه ببرد. از نظر تاریخی، موضع اکونومیستی در باره زنان ناشی از رویزیونیسم دوران حزب و آریستوکراسی کارگری در میان پرولتاریا بوده است.

ثوری رهائی زنان نمونه خاصی از ثوری عمومی تحول سوسیالیستی جامعه است. وقتی یک جنبش سوسیالیستی قادر به درک و عملی نمودن یک استراتژی برای سازمان‌دهی زنان با مبارزه علیه برتری طلبی مرد نباشد، این ضعف عموماً بازتاب‌گرایش به جانب برخی مسائل بنیادی تراز جمله جزمگراشی، اکونومیسم یا

رهايي زنان، مردان با من دشمنی ميورزیدو بخاطر درخواست رهايي
مزدگيران، سرمايه داران.

جنبش طبقه کارگر در طول تاريخ با جنبش فمینیستی همراهِ
بوده و بسیاری از نویسندگان کلاسیک مارکسیست، فمینیست
بوده اند. (اگر از فمینیست منظور ما کسی است که از ستم و
استثمار ویژه ای که زنان با آن روبرو هستند، آگاه می باشد و
خواستار سازماندهی و مبارزه علیه آن می باشد) اما در بین
جبهه های مارکسیست (چه در آمریکا لاتین و چه در ایالات متحده)
فمینیسم کلمه مشکوک و ناخوشایندی است که غالباً آن را بیجا
مبارزات بورژوا - دمکراتیک مرتبط می دانند تا با مبارزات
رهايي بخش و با آنرا با نوع خاصی از فمینیسم نظیر رادیکال -
فمینیسم یا فمینیسم جدائی طلب (Separatist Feminism) یکی
قلنداد میکنند. در بین مارکسیستهای معاصر "فمینیست" غالباً به
برچسبی تبدیل میشود و با همان لحنی که دشمن طبقاتی را
مورد خطاب قرار میدهند، فمینیستها را مورد خطاب قرار
میدهند. تا زمانی که این اتفاق نظر وجود ندارد که مارکسیستها
می توانند فمینیست باشند و بالعکس باید در باره لزوم بنیان
شاید یک جنبش سوسیالیستی زنان و دفاع کردن از خواسته های
که منجر به آزادی آنان میگردد، سخن گفت.

جنبش های زنان و احزاب مارکسیست

پیوندهای تاریخی نزدیکی بین جنبش های زنان و جنبش های
طبقاتی وجود دارد. چه در کشورهای پیشرفته سرمايه داری و چه در
کشورهای عقب مانده غیر سرمايه داری، جنبش های زنان با دوره -
های مبارزه شدید طبقاتی، رفرم های اجتماعی و جنبش های ملی
همزمان بوده است. برای نمونه میتوان هند (Omvedt, 1976, 77)
در اواخر قرن نوزدهم و آرژانتین پرونیست (Hollander, 1974)
(1977) را مثال زد. چنین جنبش های اغلب جنبش های وسیع و
مهمی بوده اند هر چند در کتب تاریخی به آنها اهمیتی داده نشده
است. مثلاً "جبهه متحد مکزیکی برای حقوق زنان" Frente Unico
Pro Derechos de la Mujer در دوره ریاست جمهوری کاردناس،
۱۹۳۰-۳۵ نفر عضو داشت و "کشافورزان" زنان عضو اتحادیه -
کاسیکاران خرد، ماشین نویسان، تلگرافچیها، روشنفکران،
متخصصین و مهمتر از همه معلمان روستاها را سازمان میداد
(Nascon, 1975: 160-161). برنامه این گروه از رفرمهای
جوشی گامی فراتر نهاد و معتقد بود که با طبقه کارگر هدفهای
"مشترک و در عین حال متفاوتی" دارد. زنان عضو حزب کمونیست
مکزیک در این جبهه شرکت نمودند تا اینکه شفیپر و تحولات
بین المللی ایجاب کرد که آنان از جبهه بیرون بیایند و از -
کاردناز در طول فعالیت جبهه های خلق سالهای دهه ۳۰ قرن
بیستم حمایت کامل کنند.

لازم است در باره تاثیرگذاری جنبش زنان و جنبش طبقاتی
بر یکدیگر مطالعه بیشتری کنیم. اگرچه برای جمع بندی کامل از
مشکله، مطالعات بیشتری لازم است، اما با توجه به نمونه های
که مورد مطالعه قرار گرفت، میتوانیم به نتایج زیر دست
یابیم: هر جا که جنبشهای زنان موجود نبوده و یا ضعیف بوده،
دست راستی های بورژوا با استفاده از نگرانی های زنان و توجه
آنان به خانواده، به آسانی از آنها سوء استفاده کردند (نمونه
شیلی). هر جا که احزاب سوسیالیست از حمایت انقلابی از جنبشهای
زنان خودداری کردند، نشان دهنده این بود که با گرایشهای
اکنونیستی و رفرمیستی موجود در حزب مبارزه نشده بود (نمونه
آلمان). هر جا که جنبش های زنان در متن جنبشهای ناسیونالیستی
و پوپولیستی بوقوع پیوستند، دست آوردهایشان محدود و موقتی



طرح ها از:
کتته کولویتز
Käthe Kollwitz
زن انقلابی و
هنرمند آلمانی
(۱۸۶۷-۱۹۴۵)

شان ۱۹۲۴

Book!

بود (آرژانتین بعد از دوره پرونیسم و انقلاب ۱۹۴۵ مکزیکی).
اما هر جا که این جنبشها در متن یک جنبش آزادیبخش ملی با
روابط محکمی با حزب کمونیست (چین، ویتنام، کامبوج) بیجا -
رهبری ای که کتابش تحت تاثیر سوسیالیسم بوده است (آنگولا،
موزامبیک، زیمبابوئه، کینه بیاشو) رخ داده اند، دست آوردهای
عظیمی داشته اند.

سرنوشت جنبش های زنان پیوند تنگاتنگی با سرنوشت
جنبش های طبقاتی و ارتباط متقابل این دو با یکدیگر دارد. -
فمینیستها و کمونیستها در چین، قبل از انقلاب، مورد پیگیری
وحشیانه کومین تانگ بودند. سیاست آگاهانه حزب کمونیست برای
جلب فمینیستهای مشرقی سبب گشت که بسیاری از آنها در سالهای
پس از ۱۹۲۷ به حزب پیوستند و تبدیل به رهبران مهمی گردیدند.
خانم چیانگ چینگو (که یکی از نظریه سبن های حزب و صاحب نظر
در باره مسائل زنان تا قبل از اعدامش در هاکو در سال ۱۹۲۸
بود) مسئول ایجاد چنین پیوندی بین حزب و بخشی از جنبش زنان
بود که وی از آن بعنوان "زنان استادکاری که میخواهند مستقل
(از خانواده) بمانند و حس مسئولیت دارند"، یاد میکرد.
جنبش زنانی که در آلمان در دهه ۹۰ قرن گذشته در گرفت
تحت تاثیر مستقیم جنبش سوسیالیستی بود که توسط حزب سوسیال -
دمکرات، قبل از انشعابش به دو بخش کمونیستی و روبریونیستی
قبل از جنگ جهانی اول، رهبری میشد. در میان عده ای از زنان
برجسته که در رهبری حزب بودند، از جمله روزالوگزامبورگ،
زتکین، و بادر، کلارازتکین بیش از دیگران برای تهیه یک نظری
سوسیالیستی برای رهايي زنان و جلب زنان به سوسیالیسم، کوشش
نمود. زتکین با گرایشهای شدید "انٹی فمینیسم پرولتاری" (Thonnessen, 1973)
که در مقاومت زنان کارگر در شرکت
کامل در کار حزب نمایانگر میشد، مبارزه کرد و حزب را به
مبارزه برای رهايي زنان در شوری و عمل تشویق می نمود.
زتکین از طریق انتشار روزنامه "برابری" (Die Gleichheit)
به پیشرفت کارهای زن کمک کاپانی نمود.

حزب سوسیال دمکرات این امکان را داشت که بر مبارزات
زنان تأثیری انقلابی برجای گذارد. تعداد زنان کارگر بین
سالهای ۱۸۸۲ و ۱۹۲۵ دو برابر شد و بسیاری از آنان در بخش های
صنعتی به کار اشتغال داشتند. زنان کارگر بدلیل حضور مداوم حزب
در جنبش زنان و وجود سازماندهان برجسته ای چون زتکین، نسبت به
حزب گرایش داشتند. علیرغم اینکه زنان دسته دسته و به تعداد

بی سابقه‌ای به حزب می‌پیوستند، به دلیل تفاد بین ثنوری و عمل و قدرت‌گیری گرایش‌های رادیکال‌تر، که بویژه پس از اشعباری که بدلیل حمایت از جنگ جهانی اول (جدا شدن زتکین و بیشتر کادرهای زن فعال و لیکنکنت، فرانسیس و مکریپنگ و چقیه از گروه اکثریت) صورت گرفت، شکل جریان تری بخود گرفت، حزب نتوانست زنان عضو را در جریان بحران سالهای ۳۰ بدور خود نگهدارد. حزبی که از مبارزه علیه سرمایه‌داری و مبارزه علیه آن دسته از روابط اجتماعی در خانواده و محل کار که مستقیماً بر وضعیت زنان تأثیر گذاشت، قاصر بود، نمی‌توانست پتانسیل انقلابی موجود در ثنوری سوسیالیستی رهاشتی زنان را بکار گیرد. همانگونه که تون سن این دوره را جمع‌بندی میکند: "شکست جنبش سوسیالیستی زنان با شکست سوسیالیسم در کل آن فرین بود." و شکست جنبش سوسیالیستی زنان، یکی از عوامل مؤثر در قدرت‌گیری فاشیسم در آلمان بود.

نمونه شیلی

نمونه حزب سوسیال دموکرات آلمان، شوال‌هایی را در ذهن مطرح میکنند که فقط از طریق بررسی دقیق تر و ثنوریسک و تاریخی میتوان پاسخ کامل آنان را یافت: چه چیز سبب تمایل دولت بورژوازی نسبت به گروههای زنان به‌ویژه زنان خانه‌دار میگردد؟ تا چه اندازه شکست یک حزب سوسیالیستی در شناخت موقعیت خاص زنان در خانواده و محل کار، در تقویت بورژوازی - برای بسیج بخش‌های مختلف زنان دخیل است؟ و با برعکس چگونه میتوان روابط مبتنی بر سلطه جوشی و فرمانبرداری را سرمایه‌داری به زنان تحمیل میکند، به یک حمله سیاسی واقعاً انقلابی تبدیل نمود که به مبارزه موفقیت‌آمیزی علیه روابط بورژوازی در درون سازمان‌های سوسیالیستی منجر شود؟

اینها مسائلی میباشند که بویژه برای درک سیاست شیلی پیش از آئنده و در مدت زمانمداری او، مفید می‌باشند. تعداد زنان کارگر، بزرگ و خرده بورژوازی که در دوران پیش از روی کار آمدن اتحاد خلق (Popular Unity) در سیاست فعالیت داشتند، نسبتاً کم بود. در شروع اتحاد سه ساله سوسیالیستها و کمونیستها، تعداد کمی از زنان مستقل شیلی، همانند زنان در بسیاری دیگر از کشورهای آمریکای لاتین، به کار خارج از خانه اشتغال داشتند. (بر طبق سرشماری سال ۱۹۷۰، ۱۱ درصد زنان بالغ کار میکردند، از این تعداد حدود ۲۰ درصد به‌کلفتی یا رختشویی اشتغال داشتند و ۲۰ درصد کارگر کارخانه بودند و تعداد قلیلی از آنها در اتحادیه‌های کارگری عضو بودند). زنانی که فقط به کار منزل اشتغال داشتند، از محیط اجتماعی دور افتاده بودند و برای دریافت آگاهی سیاسی شان بیش از هر چیز به وسایل ارتباط جمعی متکی بودند (حتی در بسیاری از موارد که همسر و یا هم‌خانه‌شان سوسیالیستها و یا کمونیستها بودند). زنانی که در مشاغل حاشیهای و فردی کار میکردند، از وضعیت تقریباً بهتری برخوردار بودند.

فرهنگ سیاسی غنی و سنت مبارزه طبقه‌کارگر در شیلی که زیانزد همگان است، بسیاری از زنان را دربر نمی‌گرفت. مسائلی که وضعیت زندگی زنان را مستقیماً تحت‌تأثیر قرار میدادند (کار منزل، نگهداری از فرزند، تعلیم و تربیت، مسائل اخلاقی و زندگی خانوادگی) از طرف هیچ حزبی از جمله احزاب سوسیالیست و کمونیست بعنوان مسائل سیاسی در مد نظر گرفته نمیشدند. اما با تحریک بورژوازی این‌ها رنگ سیاسی به خود گرفتند، چرا که بورژوازی در آنها امکان جلب زنان "حول مسائل جهانی مورد علاقه زنان" بدون توجه به ارتباط طبقاتی

آنها را میدید.

اجترائی دست‌راستی‌ها در باره زنان آگاهانه نبود و به عنوان مکانیسمی برای جلوگیری از به قدرت رسیدن یک دولت سوسیالیستی و یا تضعیف جنبش دولتی به‌کار گرفته شد. این اجترائی در پی آن بود که با بسیج زنان و آوردن آنها به خیابان‌ها و "بی اعتبار و شرمگین ساختن" و "تحت فشار قرار دادن" مقامات رسمی دولتی، جوی از غوغا و ترس بوجود آورد. هدف آن بخشهایی از زنان بود که احتمال میرفت بیشترین تأثیر را بر جای گذارند؛ زنانی که فقط در خانه کار میکردند، زنانی که در "مرکز مادران" شرکت می‌نمودند (که بجای آنکه تحت رهبری اتحاد خلق باشد، تحت رهبری دمکراتهای مسیحی بود که ارزش‌های سنتی و پدرسالارانه را تحکیم میکردند)، زنانی که به بخشهای محافظه‌کار کلیسای کاتولیک گرایش داشتند و زنانی که شوهرانشان در بخشهای کار میکردند که امکان استفاده از آنها در جهت منافع دست‌راستی‌ها وجود داشت (متخصصین مستقل و غیر کارمند، کامیون داران و کارگران حقوق بگیر معدن) اما همچنین تأثیر آن بر تعداد به مراتب بیشتری از آنچه که عملاً جذب شده بودید، بود.

مسائلی که قبلاً بهیچ وجه سیاسی نبودند، به یکباره توسط خود بورژوازی عمیقاً سیاسی گشتند:

"صان بورژوازی که تا سال ۱۹۴۹ سرخستانه از اعطای حق رای به زنان خودداری میکرد (حتی که از سال ۱۸۹۸ مورد درخواست زنان بود) و هیچگاه به تقاضاهای آنان برای حقوق مدنی واقعی نگذاشت، ناگهان برای تغییر نقش سنتی زنان به تکاپو افتاد. آشکارا، بورژوازی دیگر نمیتوانست تحمل کند که زنی هستی‌اش را منفعلانه محدود به مادر بودن، همسر بودن، و با خادم خانه بودن، که سنتاً بوجود آورنده ارزشهای اساسی سیستم بود، نماید. اکنون دیگر بورژوازی احتیاج داشت که او فعال شود، سازمان بدهد، برای دفاع از "دمکراسی" که او سمبل زنده آن می‌بایست باشد، مردم را بسیج کند."

بدیهی است که بسیج زنان توسط دست‌راستی‌ها برای آن نبود که آنان را برای همیشه وارد زندگی اجتماعی نماید، این فقط برای آن بود که "آبی بر آتش" ریخته شود. این بسیج نمایانگر کمینسم نبود، بلکه نشانه ارتجاع بورژوازی بود. سرمایه‌داری انحصاری در معالک پیشرفته امکان دارد به زنان در تولید اجتماعی "نیاز" داشته باشد و از اینرو اجازه قدری انعطاف در تبیین رابطه "بیولوژی" و "سرنوشت" را بدهد، اما یک اقتضای نو استعماری همانند اقتصاد شیلی نیاز به استحکام بخشیدن هرچه بیشتر نقش‌های اجتماعی سنتی دارد:

"عنصری که دست‌راستی‌ها روی آن حساب میکردند و قصد آن را داشتند که بی هیچ چشم پوشی از آن سود ببرند، فاعلهای بود که ایدئولوژی حاکم بین زنان و سیاست ایجاد نموده و از آن پشتیبانی میکرد. فاعلهای هرگاه در ضمیر ناآگاه فرد جایگزین میگشت، اجازه این را میداد که شیوه جدید رفتار زنان را به مثابه چیزی نهی از یک محتوای سیاسی به زنان عرضه نماید و مورد قیل آنان قرار گیرد."

در طول مدت حکومت اتحاد خلق که در آن مبارزه شدید طبقاتی جریان داشت، خط مشی همه احزابی که بنحوی در زیر چتر اتحاد سوسیالیست‌ها و کمونیستها قرار داشتند، حتی چپ‌ترین‌ها (یعنی میر MIER) نسبت به زنان ضعیف ماند. اشارات آئنده پس از بکیه در صفحه ۱۲۸

دیکتاتوری و تبلیغ مسلحانه (قهر)

بمناسبت بزرگداشت شهدای ۲۵ اسفند ۱۳۶۰

مقدمه:

یکی از مهمترین معیارهای شناخت از یک حزب یا سازمان کمونیستی این است که این حزب یا سازمان در هر مرحله از تکامل جنبش چگونه به گذشته خود برخورد میکند، با چه معیارهایی ثنوری و عمل مبارزاتی اش را به نقد میکشد و به چه ترتیب از این جمع بندی در جهت ارتقاء کیفیت ثنوری و پراتیک اش استفاده میکند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نیز در مقاطع مختلف از حیات پر فراز و نشیب ۱۲ ساله اش به نقد انقلابی جنبه های گوناگون ثنوری و عمل خود نشسته و در هر مرحله با تدقیق ثنوری انقلابی متناسب با شرایط متحول جامعه و کار بست آن در پراتیک مبارزاتی گامی بجلو برداشته است. پس از قیام بهمن ۵۷، با بجا ماندن بحران اقتصادی - سیاسی جامعه و جدا شدن روزافزون توده ها از رژیم قرون وسطائی جمهوری اسلامی، چپ انقلابی ایران و بویژه سازمان فدائی با وظائف مبرم جدیدی روبرو شد. این درحالی بود که چپ و در بطن آن سازمان فدائی خود از درون با بحران روبرو بود. با رشد نظرات روبریزیونستی توده های در بخشی از مرکزیت و کادرها و سلطه فزاینده آن بر مبنی سازمان، رفقای جناح انقلابی (اقلیت) به مقابله با آنان برخاستند و در یک روند چند ماهه مبارزه ایدئولوژیک حاد، کسبه انشعاب اپورتونیستی های راست از سازمان و از جنبش طبقه کارگر و توده ها منجر شد (بهار ۵۹)، موفق گردیدند گامی جدید در پالایش انحرافات غیر پرولتری از سازمان و در جهت پیشبرد وظائف انقلابی خویش بجلو بردارند.

دیکتاتوری و تبلیغ مسلحانه (قهر) از جمله آثاری است که در ماه های قبل از انشعاب در پاسخ به وظیفه مبرم افشای رفرمیست ها تدوین شد و در ۲۹ بهمن ۵۸ نشر درون سازمانی یافت. بگفته رفقای فدائی، این نوشته در مقطع برگزاری اولین کنگره سازمانی (پائیز ۶۰) از جمله نوشته های بود که مبنای عقیدتی رفقا نسبت به گذشته سازمان را روشن نمود. این کتاب در خرداد ماه ۶۲ نشر خارجی یافت. نظر به اهمیت این اثر برای جنبش کمونیستی بمناسبت دومین سالگرد شهادت رفقای کادر مرکزی سازمان، اقدام به معرفی آن میکنیم.

کتاب "دیکتاتوری و ..." شامل یک مقدمه و ۶ بخش است. در مقدمه این کتاب شرایط رشد جریان اپورتونیستی راست (موسوم به "اکثریت") در دوران پس از قیام تشویح میشود و به تبلور سیاست های اپورتونیستی در تاکتیک ها، برنامه ها و تشکیلات (بمورت فقدان استراتژی و هدف مشخص، پراگماتیسم، خرده کاری بی حد و حصر، اکونومیسم در فعالیت های کارگری، دنباله روی از این و یا آن جناح حاکمیت، آنارشیزم تشکیلاتی، فراموش کردن اصول انتقاد و انتقاد از خود، جایگزینی سانترالیسم بوروکراتیک بجای سانترالیسم دمکراتیک، نفی مبارزه عادلانه خلق ها و بویژه خلق قهرمان کرد، و ... اشاره میشود.

بخش اول کتاب، "اعمال قهر انقلابی و اشکال مبارزه مسلحانه" با تشریح مفهوم تاریخی قهر ضد انقلابی و انقلابی شروع میشود. با ذکر مثالهایی از مبارزات توده ها در ایران به دو نکته زیر اشاره میشود. اولاً هر قهری مسلحانه نیست چرا که قهر مسلحانه فقط عالی ترین شکل قهر است. ثانیاً هر قهری مضمون سرنگونی ندارد و الزاماً واژگونی طبقه حاکم و کی قدرت سیاسی را هدف مستقیم خود قرار نمیدهد. اما باید توجه داشت که "در کشوری که دیکتاتوری نظامی - فاشیستی بر آن حاکم است و هر گونه حرکت مسالمت آمیز توده ها با سرکوب قهرآمیز روبرو میشود، حرکات و اعتراضات توده ها غالباً خصلت قهرآمیز (و نه الزاماً مسلحانه) بخود میگیرند." این پدیده از نظر رفقای نویسنده کتاب یکی از زمینه های معنی اعمال قهر مسلحانه از سوی پشاهنگ است.

اما اشکال متفاوت و متنوع مبارزه توده ها خود تابعی از شرایط تاریخی جوامع گوناگون است. کتاب "دیکتاتوری و ..." با اشاره به تفاوت اشکال قدرت سیاسی در روسیه و چین (قیام در مقابل جنگ دراز مدت توده ای) و تجربه تبلیغ مسلحانه در انقلاب ویتنام و ... این نکته را روشن نموده و استدلال میکند که تعمیم دکماتیستی و مکانیکی تجربیات انقلابی دیگر همواره به جنبشهای انقلابی جوان لطمه وارد آورده است. سازمان سپس تجربه کوبا را بررسی کرده و

سالگرد شهادت رفقا هادی، نظام، کاظم اعضای کادر مرکزی سیفخا و دیگر شهدای ۲۵ اسفند ۱۳۶۰

گرامی باد



رفیق کبیر احمد غلامیان لشکروندی (هادی) کوهی،

که ایستاده کنار سپیده دم بر کاکلت هنوز نشسته

ستاره ای.

رودی،

که در هوای سحرگاه می تپد پیوسته و شکسته،

چو آتشینه وارهای.

چون رود،

مهربان

مانند کوهسار شکنی، زبیبایی ای دلاور،

زبیبایی!

"سعد"

خیزابهای خشمی که در نوزدهم بهمن ماه سال ۲۹ سبزیگی دامنه های سیا هکمل را گلگون کرد، در حرکت توفنده خود رودخانه خروشان را آفرید که موج آن از آمیزه خون و تبلور اندیشه فدائیان خلق مایه میگردد. رستاخیز سیا هکمل، نخستین سنگری بود که در دامان آن نسلی مبارز پرورده شد. نسل شداوم، نسل اندیشه و عمل، این نسل ماندگار، نسلی سرسخت است و نیز نسلی مهربان و نرمدل. نسلی که سرنوشتش بنیاد در صفحه ۳۰

بر این نکته تاکید میکند که انقلابیون "جنبش ۱۶ ژوئیه" در شرایطی "مستکارانه" مسلحانه را آغاز کردند که در کوبا اعتدالی انقلابی بوجسود آمده بود و با سرعت بسوی یک موقعیت انقلابی پیش میرفت. از اینرو برخلاف ویتنام که "عملکرد واحدهای تبلیغ مسلحانه و تاکتیک مسلحانه، نه در خدمت سرنگونی بلاواسطه دشمن، بلکه در خدمت پایه‌سازی سیاسی و ایجاد زمینه و جو مساعد برای کار سیاسی و تشکیلاتی در میان توده‌ها بود، در کوبا" بلحاظ آمادگی توده‌ها و بعلمت وجود اعتدالی انقلابی عمل تبلیغ مسلحانه همراه است با پیوستن سریع توده‌ها به مبارزه مسلحانه و توده‌ای شدن آن".

"دیکتاتوری و ... ضمن برخورد به نظرات نظامی گراشی و فرمالیستی رژی دیره و دیگر "تحریفات اپورتونیستی چپ و راست" از انقلاب کوبا سؤال میکند: "آیا پیشاهنگ تحت شرایطی در غیاب موقعیت انقلابی حق دارد تاکتیک مسلحانه را با مضمون تبلیغی و ... بکار گیرد؟" رفقا با ذکر جمبعی هاشی از الجزایر و تجربه رفقای مارکسیست - لنینیست سازمان F.P.I. در السالوادور و همچنین مثالهای آنگولا، موزامبیک، نیکاراگوئه و حتی کوبا (که در آن در آغاز عملیات مسلحانه "جنبش ۲۶ ژوئیه"، نه موقعیت انقلابی، بلکه اعتدالی انقلابی حکمفرما بود) عنوان میکنند که تحریفات متعدد مبارزات خلق‌های جوامع دیگر به سؤال بالا پاسخ مثبت میدهد و نفی کلی تاکتیک مسلحانه را از جانب پیشاهنگ در غیاب موقعیت انقلابی برخوردی دگماتیستی است.

آنگاه در بخش دوم کتاب "شرایط و زمینه‌های عینی که تبلیغ مسلحانه را امری ضروری ساخت"، مورد مطالعه قرار میگیرد. در این رابطه کتاب، سئوالات زیر را مطرح میکند:

"توسل به شیوه‌های قهرآمیز مبارزه، تاکتیک تبلیغ مسلحانه و کاربرد آن چه ضرورتی داشت؟" و "چرا پیشاهنگ تنها از راه‌های سالم‌آمیز و تنها به اتکای اشکال غیر مسلحانه تبلیغ نمیتوانست وظایف خود را انجام دهد؟" و "آیا تبلیغ مسلحانه بعنوان شکلی از اشکال تبلیغ با اصول عام مارکسیستی مغایر است؟"

در پاسخ به این سئوالات، کتاب "دیکتاتوری و ... با ناشد نظر رفیق جزی، عامل زیر را بعنوان عمده ترین عوامل تعیین اشکال مبارزاتی مشخص کرده و به ارزیابی شرایط سالهای پس از رفسم ارضی می‌پردازد:

۱- موقعیت اجتماعی و ترکیب طبقاتی جامعه ... ۲- موقعیت اجتماعی - سیاسی جامعه ... ۳- موقعیت روحی توده‌ها ... ۴- سنت‌ها و اشکال مبارزاتی گذشته مردم ... ۵- موقعیت سیاسی جهانی و منطقه‌ای ... پس از تحلیل مختصری از نتایج اصلاحات ارضی در تغییر ساختار جامعه ایران و همچنین اثرات کوتاه مدت رفسم در امت مبارزات توده‌ها، کتاب به نقش دیکتاتوری فاشیستی، بعنوان شکل اصلی حاکمیت سرمایه داری وابسته ایران، در سرکوب اعتراضات و مبارزات اقتضار خلق اشاره میکند.

مسئله دیگر تأثیر شکست‌های جنبشپس از مشروطیت و صدمات ناشی از بی کفایتی سستی و خیانت رهبران سنتی جنبش بورژوازی توده‌ها و ایجاد زمینه‌های نومبستی و سرخوردگی در آنهاست. بر این زمینه است که کتاب به نقش تسریع کننده پیشاهنگ انقلابی در زدودن این روحیه تسلیم و دلسردی اشاره نموده و با آنان که سهم روانشناسی اجتماعی مارکسیستی در تحلیل شرایط جامعه را بفراموشی می‌پارند، موزیندی میکند.

بنابراین با توجه به عوامل بالا، ادامه نشی‌های نادرست گذشته عملاً به تن نیست رسیده بکود و نیروهای پیشرو و مبارز در جامعه در سردرگمی و بلاتکلیفی بسر می‌بردند. شرایط نوبستی، اشکال سازمانی و مبارزاتی مشتاسب با قهر فاشیستی سرمایه‌داری وابسته را می‌طلبید. در این نکته که علمیرغم دیکتاتوری نظامی - فاشیستی شاه، انقلابیون به امر سازماندهی، تشکل و آگاهی توده‌ها می‌پردازند، اختلافی وجود نداشت. مشکل در یافتن تاکتیک‌ها و اشکال نوبستی از مبارزه بود که به پیشاهنگ امکان ادامه کاری و ایجاد زمینه‌های ارتباط توده‌ای را بدهد.

پس از تشریح نکات فوق، دیکتاتوری ... ضرورت کاربرد تبلیغ مسلحانه را، بعنوان یکی از اشکال تبلیغ در شرایط سالهای ۵۰ تا شید میکند و یادآورد میشود که بسر سراسری تبلیغ مسلحانه باعث شد، که علمیرغم اشتباهاتی که در نحوه اعمال این تاکتیک صورت گرفت، آن سازمان‌هایی که این تاکتیک را بکار گرفتند، از بهترین موقعیت در سطح جامعه برخوردار شوند.

بررسی "استراتژی و تاکتیک‌ها بطور عام - تاکتیک محوری بطور خاص" سومین بخش از کتاب را تشکیل میدهد. پس از بحث مختصری در باره استراتژی و تاکتیک و جدایی عمیق بین درک کمونیستی و اپورتو-

نیستی، رفقا به تشریح مقوله "تاکتیک محوری" و تفاوت آن با "تاکتیک عمده" می‌پردازند و در این زمینه به تجربیات جنبش کمونیستی بویژه به آثار گرانقدر لنین و تجربیات انقلابات روسیه مراجعه میکنند. "دیکتاتوری و ..." به درستی به این نتیجه میرسد که تاکتیک محوری "تاکتیک است که به مثابه ستون فقرات و محور تاکتیک‌های دیگر عمل میکند". برخلاف تاکتیک عمده که شکل برتر و عمده مبارزه توده‌هاست، تاکتیک محوری از جانب پیشاهنگ اتخاذ میشود و از این طریق "وحدت پیشرو جنبش توده‌ای، وحدت اشکال گوناگون مبارزه و سر به هدف استراتژیک" میسر میگردد. کتاب توضیح میدهد که چگونه عدم توجه به ارتباط تاکتیک‌ها با استراتژی و نفی تاکتیک محوری باعث میشود که اشکال فعالیت پیشاهنگ و توده‌یخی گرفته شود. تاکتیک‌ها لحظه‌ای و بدون هدف اتخاذ شوند و با پوشش "انعطاف پذیری تاکتیک" به دنباله‌روی از جنبش خودبخودی توده‌ها منجر گردد.

در بخش چهارم، "تبلیغ مسلحانه به مثابه تاکتیک محوری"، این مسئله بررسی میشود که آیا تبلیغ مسلحانه در مقاطعی از سالهای ۵۰ خلعت محوری داشته است یا نه. در صورت پاسخ مثبت، این مراحل چه بوده است. کتاب به درستی با تشریح زمینه‌های عینی و ذهنی سالهای آستانه دهه ۵۰ و بویژه "خلعت قهرآمیز مبارزات توده‌ها قهر ضد انقلابی رژیم، ناراضی‌دم افروز توده‌ها، بسته شدن تمام راه‌ها و شیوه‌های قانونی و علنی مبارزه" و همچنین وابسته بلاتکلیفی، سردرگمی و خردکاری در طبقات جریانات سیاسی، نتیجه‌گیری میکند که در آن شرایط به اشکال سازمانی نیاز بود که ضمن جذب مارکسیست - لنینیستهای انقلابی بتواند در برابر یورشهای پلیس‌تاب مقاومت داشته باشد و بعنوان نمونه‌ای از "مداقت، شهادت و ایمان انقلابی به توده‌ها" رنگار "هر گونه پاس و سرخوردگی از مبارزه و هر گونه بی‌اعتمادی توده‌ها را نسبت به پیشاهنگ" از بین برد. در مرحله اول فعالیت سازمان (یعنی تا زمان ششیت آن)، تبلیغ مسلحانه از آنرو خلعت محوری داشت که "کاربرد این تاکتیک، موجودیت، بقا و ادامه‌کاری این سازمان در شرایط دیکتاتوری تروریستی، در دوران یورشهای فاشیستی به سازمانهای سیاسی و پیگراهای مدام پلیسی را تأمین می‌کرد، زمینه‌های وحدت پیشرو و جنبش توده‌ای، وحدت تاکتیک‌ها و

سیر به هدف استراتژیک را میسر میساخت. البته پس از تشبیت نسبی سازمان در اوائل سال ۵۳ و گسترش جنبش‌های خودبخودی در این دوران، سازمان می‌بایستی، ضمن کاربند شدن تبلیغ مسلحانه بعنوان یکی از اشکال مبارزه، در جهت اهداف مرحله‌ای خود یعنی "بردن آگاهی بوسیالیستی و دمکراتیک به درون طبقه کارگر" و همچنین "توضیح برنامه انقلاب‌رهای بخش برای تمامی نیروهای خلق"، از انتشار یک نشریه سراسری بعنوان تاکتیک محوری مرحله نوین استفاده کند. امری که بنابر تحلیل کتاب در مرحله اول و پیش از تشبیت موجودیت سازمان امکان ناپذیر بود، و در مرحله دوم نیز سازمان به آن بهای لازم را نداد.

بخش پنجم کتاب به بحث پیرامون "تبلیغ و اشکال مختلف آن" می‌پردازد. در این بخش، تاکید میشود که بعلمت فسادان موقعیت انقلابی، در شرایطی که تاکتیک مسلحانه از سوی سازمان فدائی بکار گرفته شد، "نه توده‌ای شدن مبارزه مسلحانه نمیتوانست مطرح باشد و نه سرنگونی رژیم". سپس سؤال میشود "پس چرا ما بخود حقوق میدهم در غیاب موقعیت انقلابی و پرشرایطی که توده‌ها آماده سرنگونی رژیم نبودند، اعمال قهر انقلابی پیشرو را مجاز بدانیم و بر چه اساس تاکتیک تبلیغ مسلحانه را تبیین کنیم؟"

برای پاسخ دادن به این سؤال ابتدا مفهوم تبلیغ و ترویج بطور مختصر تشریح میشود و به شرایط کلی عمده شدن هر یک در مقاطع تاریخی معین حیات یک جنبش انقلابی، اشاره میگردد. بر این اساس "دیکتاتوری..." نتیجه‌گیری میکند که اگر چه در سالهای آخر دهه چهل، امکان تبلیغ وجود داشت اما تبلیغ وسیع توده‌ای به اشکال کلاسیک آن امکان پذیر نبود. برای روشن تر

ندن مطلب به تجربیات انقلابات روسیه، چین و ویتنام و شیوه‌ها و روش‌های متنوع تبلیغ در شرایط ویژه هر یک از آنها، اشاره میشود.

"بررسی و ارزیابی تبلیغ مسلحانه در ایران" عنوان آخرین بخش کتاب است. در این بخش با ارائه نقل قول‌هایی از رفقای بنیانگذار سازمان فدائی استدلال میشود که "رفقای تدوین‌کننده تئوری مبارزه مسلحانه، علیرغم برداشته‌های متفاوت خود از شرایط حاکم بر جنبش، همگی بر سرشت تبلیغی مبارزه مسلحانه تاکید داشتند." با اینحال رفقا به انحرافات موجود در دیدگاه‌های اولیه سازمان اشاره میکنند و ضمن رد اتهامات دگماتیست‌ها و فرمیسیت‌ها، که جوهر انقلابی تبلیغ مسلحانه را در دوران رکود توده‌ای نفی میکردند، بر کمبودها و نقطه نظرات نادرستی نیز که در آثار رفقای تدوین‌کننده تئوری مبارزه مسلحانه وجود داشت، انگشت می‌گذارند. بویژه این نکته تصریح میگردد که "از آنجا که رفقای سازمان از همان آغاز توده‌ای شدن سریع مبارزه مسلحانه را در نظر داشتند و تاکتیک مسلحانه را در تمام طول پروسه فعالیت سازمان بعنوان محور تاکتیک‌های خود پذیرفته بودند، این امر موانعی در جهت کار سیاسی - تشکیلاتی گسترده و اشکال متنوع مبارزه پدید آورده بود." بنابراین

این زمانی که حمایت معنوی حداکثری بخش‌هایی از توده‌های مردم بدست آمده بود و نیروهای آگاه به مبارزه‌ای فعال روی آورده بودند، لازم بود که با فعالیت‌های گسترده سیاسی این حمایت معنوی تبدیل به حمایت مادی گردد. سپس تشریح میگردد که بر چه زمینه‌هایی تبلیغ مسلحانه "که در یک مرحله آنچنان موثر بود و کارآئی داشت که نقش محوری پیدا کرده بود، در مرحله

دوم، در رابطه با اهداف و وظائف مرحله‌ای نوین، محدودیت‌های وسیعی بر سر راه - وظائف و فعالیت‌های سازمان فراهم می‌آورد." با اینحال رفقای نویسنده اذعان میکنند که رفقای سازمان در آن سالها بتدریج و در پراختیای انقلابی خود از این کمبودها و انحرافات جمع‌بندی می‌کردند و در جهت گسترش پایه‌های توده‌ای سازمان و بویژه در جهت پیوند با طبقه کارگر امکانات وسیعی را تخصیص می‌دادند که با ضربات سال ۵۶ و شهادت تمامی کارهای رهبری سازمان، قطع ارتباطات و از بین رفتن بخش وسیعی از امکانات، این امر نتوانست بنحو صحیح انجام گیرد. سرانجام کتاب "دیکتاتوری و تبلیغ مسلحانه (قهر)" با جمع‌بندی از نقش‌آرزان رفقای بنیانگذار جنبش نوین انقلابی و کمونیستی ایران و دره عمیقی که این عقابان بلند پرواز را از فرصت طلبان، این مرغان خانگی، که "از اشتباهات گذشته برای محو دست‌آوردهای عظیم تبلیغ مسلحانه و تاکتیک محوری سوء استفاده میکنند" و با تاکید بر لزوم پیگیری در انتقاد و انتقاد از خود و مبارزه‌ای - آشتی ناپذیر با فرصت طلبان پایان می‌یابد. کتاب "دیکتاتوری و تبلیغ مسلحانه (قهر)" اثر شوریک‌ارزنده‌ای است که به عمده‌ترین مشکلاتی که در مقابل جنبش کمونیستی ایران در اواخر دهه ۴۰ و اوائل دهه ۵۰ قرار داشت، برخورد میکند و با دیدی انتقادی نقطه‌های ضعف و قوت جنبش مسلحانه را جمع بندی میکند. بدون تردید چنین جمع بندی‌ها از گذشته میتواند جنبش کمونیستی را در انجام هر چه بهتر وظایفی که امروز در مقابل خود دارد یاری نماید. ما بنائنده این اثر ارزنده را به خوانندگان "جهان" توصیه می‌کنیم.

سالگرد شهادت رفقا

با سرنوشت مبارزه طبقاتی جاری در میهنمان تا درهم شکستن کامل زنجیرهای استعمار و ستم، پیوند دارد. نسلی که سبیل صداقت و مبارزه است، نسلی که در جنگل ریشه دارد، نسل صداقت و جرئت است. نسل فدائی، نسل کمونیست. این نسل مبارزه - نسل در سنگای حیات بارور خویش بلکه در فراغتهای پرفراز و فرود هستی و در زمینه سهمگین - تربیت مبارزات طبقاتی بشریت و در راستای تکامل تاریخ و انسان بپوش میکند و خود را با همه تلاش و پویندگی، خشتی استوار و خوشبخت می‌بیند در استقرار آزادی و - برابری انسان بالنده فردا.

یکی از معیارهایی که آرمان عنصر تاریخی - اجتماعی فدائی را مشخص میکند، مداومت و کوشندگی در حفظ دستاوردهای جنبش و حرکت در جهت اعتلای آنها و زدودن غبار اندیشه‌های ناپویا از سطح جنبش است. و آنان، آن سه رزمنده شهید فدائی، رفقا هادی، نظام و کاظم، اعضای کادر مرکزی سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران، جسم زنده این معیارها و نماد راستین عنصر تاریخی - اجتماعی فدائی بودند.

در مقطع انشعاب، زمانی که بینش منحنی "اکثریت" خاشن با دسیسه و تزویر، بلعیدن سازمان را آهنگ کرده بود و زیونانسه

می‌کوشید که اندیشه سازمان را از جوهر انقلابی، از خلاقیت و از رزمندگی و سازندگی تهی سازد، آن سه کمونیست رزم آور و - اندیشمند، همدوش و هم‌پیمان با رفقای خویش شجاعت سازمان را از ورطه هولناک فرامیسم کمر بستند. آنان حلقه‌های استوار زنجیره‌ای پولادین بودند که همه فدائیان راستین را از سباهکل تا امروز بهم پیوند می‌دهد. آنان از نسل تدوام و اندیشه‌بودند، از نسل مسعود و پویان، از نسل بیژن، مهرشوش، مرضیه، حمید، سعید، سیامک و... کارنامه حیات رفقا هادی، نظام و کاسیم کارنامه خونین عنصر فدائی

دیدگاهها



بمنظور پیشبرد امر مبارزه ایدئولوژیک و طرح مسائل مورد بحث در سطح جنبش انقلابی در هر شماره "جهان" مقاله با مقالاتی در این رابطه درج خواهد شد. بدیهی است که مواضع اینگونه مقالات الزاماً با مواضع "جهان" یکی نخواهد بود.

انقلاب آقای رجوی در علم و فلسفه! : نقدی بر کتاب تبیین جهان

صحبت کنیم. (۲)
توحید (خدای قادر و مطلق) در ادیان مختلف سامی وجود داشته است. در ادیانی که دارای خدایان متعدد بودند نیز ما با خدائی مواجه میشویم که خدایان دیگر را زیر هژمونی خود دارد. برای مثال اللّه (بت اعراب دوران جاهلیت) در مقایسه با بت‌های دیگر از آشوب‌ناک و احترام خاصی در بین مردم برخوردار بود و از همین رو در اسلام نام این بت بر خدای یگانه گذاشته شده است.

در آئین یهود توحید در جسم یک زعیف قبیله پدسالاری با اراده مطلق و قادر به کنترل انسانهای نافرمان آمده است.

در مسیحیت خدا بصورت یک پدر روحانی برای ارشاد انسانهای گناهکار ترسیم شده است و در اسلام خدا بصورت یک رئیس قبیله عرب‌سختگیر و جنگجوی است که انسانهای نافرمان را از آتش غضب خود می‌ترساند و گاهی نیز به انسانهای گناهکار رحم میکند. در قرآن قدرت الهی به دو شکل ظاهر میشود: ۱- نیروی متمركزی مبنی بر دستگماهی هیرایشی که در آن کنترل کامل بر شیاطین و اجنه از یک طرف و فرشتگان و ملائکه از طرف دیگر، وجود دارد. ۲- نیروی پراکنده ای که در همه جا، در همه چیز و در همه وقت حاضر است. شکل اول در سوره‌های زیر بعنوان مثال دیده میشود: "خدا از آنچه میکند، بازخواست نمیشود" (۲) و از عرشش حکومت میکند و "قلمرواش آسمانها و زمین را فرا گرفته" (۳) و برتر از هر چیز بوده و "فرشتگان و جبرئیل در روزی که اندازه آن پنجاه هزار سال است سوی او می‌گردند." (۵) شکل دوم در سوره‌های دیگر بطور نمونه دیده میشود: "به هر جا رو کنید، خدا همانجاست." (۶)، "خدا نیور آسمانها و زمین است" (۷) و اوست که در آسمان خداست و در زمین خداست" (۸).

آثار اغلب "الهیون" تحت تاثیر شرایط اقتصادی - اجتماعی کشورهای اسلامی و مشغول فرهنگ و علوم یونانی، ایرانی، هندی، یهودی، مصری ... قرار داشت. در عصر جدید بورژوازی هم کوششهای تجددطلبانه در "تعمیر" جدید از اسلام (مثلاً از طرف "نهضت آزادی" و سپس "سازمان مجاهدین") برای اثبات جنبه وحی شده الهیات اسلامی انجام داده است.

در الهیات مجاهدین، با استناد به برخی از سوره‌های قرآن و علوم جدیدی "تعمیرات" جدیدی از توحید، نبوت و معاد ارائه شده است. اما در بخش آخر این مقالات در باره جهان بینی و متدولوژی مجاهدین مفعلاً به الهیات و متافیزیک آنها برخورد خواهیم کرد. ولی در اینجا برای کمک به درک سیستم التقاطی مجاهدین، بهتر است اجمالاً با استناد به کتب مقدس سامی و متدولوژی علمی، توحید و نبوت را تشریح کنیم. زیرا این دو مقوله بعنوان منابع مجاهدین بطور مکرر مورد استناد قرار می‌گیرند. (در بخش ما تریالیسم تاریخی به مسئله معاد از دیدگاه مجاهدین خواهیم پرداخت). اگرچه این مقوله‌ها در الهیات قرار می‌گیرند، ممهذ آقای رجوی بسا "تعمیرات" جدید آنها را در فلسفه جای میدهد. ایشان بجای تقسیم‌بندی مقولات به مقولات علمی و به مقولات متافیزیکی (گویا ایشان از کلمه متافیزیک خوششان نمی‌آید) آنها را به "علمی و فلسفی" (۱) تقسیم - بندی میکنند و بدینگونه علم را در مقابل فلسفه قرار میدهد. آقای رجوی می‌گوید: "نکته بعدی فرق تشریح و تبیین است. در حقیقت فرق علم و فلسفه. پاسخ هائیکه از اسلام به مسائل ایدئولوژیک دادیم و بصورت ۱ (توحید)، ۲ (معاد) و ۳ (نبوت) فرموله کردیم، پاسخ هائی فلسفی هستند و نه علمی. یعنی اصلاً در حیطه فلسفه هستند و نه علم. اصلاً بایستی بعدها در باره علم و فلسفه معنی آنها و روشهاشان، قلمرو آنها و ...

در قسمت اول این مقاله، پس از ذکر مقدمه‌ای در مورد ضرورت مبارزه ایدئولوژیک با خالوده‌های عقیدتی مجاهدین خلق، به سیستم التقاطی آنها در مورد پیدایش جهان پرداختیم و همچنین نشان دادیم که تقاطی مجاهدین برای تلفیق علم و مذهب، کار تازه‌ای نیست. در این شماره ما برای آنکه سیستم التقاطی مجاهدین در مورد پیدایش جهان را هرچه روشن تر نشان دهیم، ابتدا به بحث پیرامون این مسئله خواهیم پرداخت که آنچه مجاهدین از آن - بعنوان فلسفه پیدایش جهان نام می‌برند، چیزی جز الهیات اسلامی نیست. آنگاه به توضیح افسانه آفرینش جهان در ادیان سامی خواهیم پرداخت و برای مقایسه، تشریح علمی پیدایش جهان را نیز مختصراً تشریح خواهیم نمود. در پایان این قسمت جمع‌بندی خود را در مورد سیستم التقاطی مجاهدین در مورد پیدایش جهان ارائه خواهیم داد.

الهیات مجاهدین بجای فلسفه

الهیات کوششی است برای اثبات خدا و رابطه اش با جهان و انسان. الهیات سامی از دو بخش عمده "وحی" شده (تسورات، انجیل و قرآن) و کسب شده (مطالعه خلقت جهان) تشکیل شده است. در اسلام قرآن در بخش اول و حدیث و سنت در بخش دوم قرار می‌گیرد. در هر عصر بخش "وحی" شده تحت تاثیر علوم معاصر، "تعمیر" میشود. ظرف ۳۰ سال اول صدر اسلام اصحاب محمد به جمع آوری نسخه‌های متعدد قرآن و سپس نوشتن یک نسخه رسمی قرآن پرداختند. در ۱۴۰۰ سال اخیر مفسرین و مورخین اسلامی مانند بخاراشی، طبری، غزالی، ابن سینا، جنیل، رازی - ابن خلدون، جرجانی، ابن اثیر، ابن کثیر، بلخی، ترمذی، فارابی و دیگران در جمع‌آوری - احادیث، تفسیر قرآن و تشبیهات و هیوارشی اسلامی برای اثبات جنبه "وحشی" شده الهیات اسلامی کوشیدند. در گذشته

در قرآن منشاء خلقت جهان توسط خدا دو گونه است. اول، سوره هاتیکه نشان میدهد خلقت از دگرگوشی ماده اولیه (آب و دود) بتوسط خدا حاصل شده است (۹). در اینجا فعل "خلق" به معنی "چیزی را شکل دادن"، آمده است. این تفسیر بیشتر مورد قبول تجدد طلبان مذهبی مانند مجاهدین است. دوم سوره هاتیکه اشاره به این میکند که خدا جهان را از هیچ Ex-Nihilo آفریده است (۱۰) که مورد قبول روحانیون و مذهبپون سنتی میباشد. بنا براین تناقض گوئی در مورد منشاء خلقت جهان در قرآن به روشنی دیده میشود. مکانسیم خلقت مبتنی بر فرمان خدا به ماده اولیه است که برای دگرگوشی مورد خطاب قرار میگردد (۱۱). مدت خلقت شش روز است که در آن آسمانها در دو روز، زمین در دو روز و موجودات زمین در دو روز آفریده میشوند. (۱۲) در اینجا "روز" بدون وجود زمین و نتیجتاً گردش آن بدور خود گویای "اشباهی" تاریخی در تورات است! در پیوسته خلقت بنظر میرسد که خلقت از آب شکل گرفت و آسمانها از دود، و آسمان و زمین از جسم جامد تشکیل شده بود که خدا آنها را از هم جدا کرد. (۱۳) هدف خلقت برای تفریح و "بازیکنانه" نبوده (۱۴)، بلکه برای سجده خدا بتوسط شیاطین، پریان، آدمیان، آسمان و زمین میباشد (۱۵). خدا را آنطور که در کتب مقدسه گانه سامی در رابطه با مقوله خلقت توصیف شده است، پیشوانیم در دو مرحله جمع بندی کنیم:

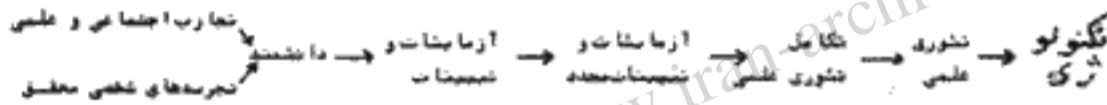
- مرحله اول: پیش از خلقت جهان که خدا مشغول تزیین و بعضاً انسانی را داراست:
- ۱- مبداء هستی است و مادی نیست.
 - ۲- روح داشته و نقشه کائنات را داراست.
 - ۳- صاحب مکانسیم تغییرات جهان است.
 - ۴- آفرینش را ابتدا در عرش و سپس در زمین شروع میکند.
 - ۵- خصوصیات انسانی دارد (تکلم، دیدن، استراحت)
- مرحله دوم: پس از خلقت انسان، رفتار خدا بیشتر جنبه انسانی پیدا میکند:
- ۱- به عبری و عربی تکلم میکند.
 - ۲- به فلسطین و عربستان نظری خاص دارد.
 - ۳- صفات کمالیه دارد.
 - ۴- صفات عارفه دارد.
 - ۵- مردگان را زنده میکند.
 - ۶- بر زمین و آسمان سلطنت میکند.
 - ۷- روز جزا تشکیل خواهد داد.
 - ۸- معجزه میکند.
 - ۹- برای هر امتی یک نبی میفرستد.
 - ۱۰- گاهی در جنگها شرکت میکند.

مسئله نبوت در مذاهب گانه سامی بدینگونه است که معمولاً طفلی یتیم (موسی، عیسی و محمد) که به سنین میانه رسیده، در حالتی عرفانی و اشراق (ما به جنبه های روانشناسانه این مسئله در اینجا کاری نداریم) در عالم غور فرو رفته و آیین "تجربه" فردی را در نشست های متعدد به اصحاب خود انتقال میدهد که بعد از مدتی در جامعه بصورت دگمهای تغییرنا پذیر ولی تعبیر پذیر تسکیت میشود. بدینگونه در ادیان سامی پیامبران از جانب خدا برای هدایت بشر مبعوث میشوند. بعثت نبوی، "تجربه" فردی، عارفانه، بدون تاهند و غیرقابل تکرار بوده که معمولاً مدتها بعد از اتفاقشان از طرف حواریون و اصحاب بصورت سیستمی اعتقادی تدوین میشوند. دیاگرام ۱، مقایسه بین پروسه تکوین "عنصر فلسفی - ادراکی" در الهیات و علم را عرضه میکند.

الف - الهیات



ب - علم



دیاگرام ۱ - مقایسه بین تکوین "عنصر فلسفی - ادراکی" در الهیات و علم

با احادیثی را ارثه میدهد. چون دگمهای مذهبی ایستایند، و پاسخگوی مسائل و مشکلات اجتماعی موجود نیستند، لذا پس از مدتی تاجر مذهبی بوقوع میپیوندد و تجدد طلبی از طریق تزریق علوم معاصر به مذهب ضرورت مینماید. این تجدد طلبی تشها از لحاظ شکل عاریتی علمی دارد ولی محتوایش همان متافیزیک است. تجدد طلبی مذهبی در حکم دایره بسته استدلالی است که بخاطر التقاطی بودنش، نمیتواند گریبان خود را از تناقض گوئی خلاص کند. برای مثال آقای رجوی بر اساس احکام اسلامی معتقد به جهت داری تکامل در جهان میشود و برای استدلال این جهت داری، با استفاده از ترمینولوژی علمی احکام دینی را شاهد می آورد! ایشان برای استدلال این حکم دینی که همه چیز در جهان بسوی خدا روان است، نقل قولی از سوره رعد، آیه ۱۵ با تفسیری به سبک خودشان می آور د: "بازگشت بجانسب

در الهیات منابع نبی اسطوره ها و ادیان محلی و نیز تجارب شخصی نبی و اصحاب وی میباشد. او در یک دوره تنهائی (مثلاً راه پیمائی ۴۰ روزه عیسی و یا به کسوه چرا رفتن محمد) و در حالتی اشراق آمیز بخش اول الهیات خود را در کردار و گفتار به اصحاب خود ارثه میدهد. چنانچه مذهبی بخاطر شرایط اقتصادی - اجتماعی و سیاسی مناسب، موفق به کتب تئوریه سیاسی شود، یعنی امپراتوری بزرگی را مسخر کند (مانند مسیحیت در امپراتوری روم بعد از قرن چهارم میلادی و اسلام پس از فتح ایران) بعد از گذشت نسلها و قرنها، این نظرات بصورت کتاب مقدس و احادیث کتبی و بسا تطبیق با شرایط اجتماعی بصورت سیستمی با دگمهای برای هیرارشی مذهبی تثبیت میشوند. "عنصر فلسفی - ادراکی" مذهبی از لحاظ تاریخی ایستا و منشاء آن در متافیزیک قرار دارد. نظرات نبی بصورت احکام بودن دلیل و بر اساس منطق فیهدایستی پذیرفته میشوند. بعدها برای اثبات این احکام، الهیات تعبیرات و

اوست. بلکه همه قطرات، چه بخواهند و چه نخواهند بجانسب روان، در سجده و سرسپار هستند." (۱۶) بدینگونه قوانین تکامل دستاویز قرار میگیرند تا ایده آلیسم اثبات شود!

برخلاف عنصر فلسفی - ادراکی در الهیات، عنصر فلسفی - ادراکی در علم بر اساس تجربیات اجتماعی و علمی موجود و تجربه های شخصی دانشمندان و همکارانش در آزمایشات و شبیهات عقلی یا دلیل و برهان بصورت یک تئوری تکامل پذیر مدون میشود. تجربه علمی از طرف دانشمندان دیگر قابل تکرار، آزمایش و ردیابی میباشد و بخاطر بویا شانی، با پیشرفت علوم کامل تر میشود. برخلاف نظرات نبی، نظرات عقلی وابسته به فرد عالم و در انحصار وی نبوده و تمام آن قابل آزمایش و ردیابی است.

بطور خلاصه آنچه که مجاهدین از آن بعنوان فلسفه پیدایش جهان نام میبرند، چیزی جز الهیات اسلامی نیست که توحید و نبوت اساس آنرا تشکیل میدهد. بعبارت دیگر مجاهدین نیز مانند روحانیون تشریح

معتقدند که خلقت جهان توسط "ذات اقدس" احدیت صورت گرفته که بعداً رسالت و هدایت انسان به عنوان بخشی از مجموعه آفرینش، به انبیا سپرده شده است.

حال بگذارید که افسانه آفرینش جهان در ادیان سامی بطور کلی و تئوری علمی پیدایش جهان را مختصراً مرور کنیم.

۲- افسانه آفرینش جهان در ادیان سامی

در حرکت دسته‌های انسان نواحی از آفریقا بسوی اروپا و خاورمیانه، مسیر آنها از جنگلها به دشتهای گرمسیر و سپس به غارها در مناطق نسبتاً سردسیر، با کاربرد ابزار در شکار حیوانات بزرگ و کوچ دسته جمعی توأم بوده است. براساس علوم باستانشناسی و انسانشناسی، نخستین پایه‌های دین در قبور و قارهای نشاندار - ناله‌های اروپا (۲۰۰ هزار سال پیش) دیده میشود. در این دوره تفاد عمده انسانها با طبیعت آشفته به خاطرات میهم از سرزمین‌های پشت سرگذشته، دلهره از افقهای روبرو، حضور مردگان عضو دسته در رویاها، دیدن تصویر خود در برکه‌ها، پیدایش سایه سیاهی از خود در روز و شب مهتابی از دورن منتهب زمین، رعد و برق غیرقابل پیش‌بینی در آسمان و شبخون سحرگامی گوشه‌خواران بزرگ بود. تیلور این تفاد در ذهن انسانها نخست در جادو - گران کیمیاگران و سپس در تعدد خدایان صاحب قدرت کنترل بر نیروهای قهار طبیعت و جنال بین آنها بهنگام پیدایش بلایای طبیعی در اسطوره‌های شفاهی و کتبی دیده میشود. اسکان انسانها در مجاورت رودخانه‌های نیل و بین‌النهرین با بسط کشاورزی و دامداری و در نتیجه حدود جغرافیایی و خویشاوندی قومی و قبیله‌ای منجر به پیدایش ارتشهای قبیله‌ای میشود. در این دوره تفاد عمده بین اقوام مجاور هم و انسانهای عضو یک قوم بوده است. بقای هر نسلی مطابق سنت قبیله‌ای، در گرو ایجاد یک پیر واحد برای قرابت اقوام تا داشتن منشا واحد میباشد. این نیاز به یک منشا واحد در پیدایش ادیان سامی توحیدی تبلور می‌یابد. شرح قهر گاهگسای طبیعت، وقایع قومی، منازعات اقوام مجاور شخصیت‌های قومی و اخلاقیات مدنی از طریق افسانه‌ها و فولکلور بطور شفاهی و گاهی در آثار مستظرفه انتقال می‌یافت، تا سرانجام با پیدایش شهرنشینی، مدنیت، خط و ابزار نوشتن، این داستانها و مراسم تدوین یافتند. هیرارشی قبیله‌ای تبدیل به دودمانهای بزرگ‌سومر، اکد، کلد، بابلس

(منشور حمورابی در ۲۸۰۰ سال پیش)، مصر (مذهب آمهوتپ در ۲۵۰۰ سال پیش) و سپس آرامی در دمشق، عبری در اورشلیم، فینیقی، مادی، پارسی (آزادی یهودیان از بابل توسط کوروش در ۵۲۵ ق.م.) شد که در کنارشان اقوام و قبائل کوچکتر (بویژه اعراب دوره جاهلیت) با چشاول کاروانها، تجارت، باغداری و شبانی در جاهلیت پسر می‌پردند. نخستین مجموعه تدوین یافته بصورت کتابی بنام عهد عتیق در ۳۰۰۰ سال پیش میباشد که پایه‌های یهودیت، عیسویت و اسلام قرار گرفت.

از نظر فلسفی، فرض بر وجود خدا و قدرت خلقتش میباشد. خدا در شش روز بنرشیب نور، افلاک و غیره را آفرید: "در ابتدا خدا آسمانها، زمین... تاریکی و آب" را آفرید (۲۱) و بعدها معاد (بهشت و دوزخ)، شیاطین و اجنه و فرشتگان، نبوت و معجزه‌ها را برای بشر آورد. (۲۲) روز هفتم خدا استراحت کرد. در این افسانه، فقط هفت مقوله که در فوق ذکر شدند، در زمان تدوینش نام برده شده‌اند. ولی بعدها، بخاطر ضرورت‌های زمان، مقوله‌های دیگری (که معلوم نیست در چه روز هفته با چند روز بعد از هفته اول خلقت) مانند معاد (بهشت و دوزخ)، فرشتگان (شیاطین و اجنه) می‌آیند.

بطور خلاصه افسانه سامی آفرینش جهان براساس مبداء غیر مادی، خلقت خلق الساعه و فقدان پدیده‌های میکرو میباشد. و اما جزء دوم سیستم التقاطی رجوی، تئوری پیدایش جهان است که در زیر تشریح میشود:

۳- تئوری پیدایش جهان براساس انفجار اولیه

از سالهای ۱۹۲۰ بعد، با پیشرفت نجوم و فیزیک اتمی، پروسه پیدایش جهان بصورت یک تئوری تدوین شد. در اینجا تئوری بمعنای یک سیستم منجم براساس فاکتورها برای توضیح یک پدیده و پیش‌بینی عملکرد آن میباشد. در علم، تئوری با مفروضات آغاز گشته و سپس آنها با فاکتورها و مشهودات توحیه میشوند. علم، دانش متکی بر مشاهدات و آزمایشات است که بطور دقیق و سیستماتیک تجربه شده‌اند و تحت اصول عام علمی برای توضیح طبیعت درآمده‌اند. بطور فرمولی تئوری پیدایش جهان را میشود در دیاگرام عرضه کرد:

دیاگرام ۲ - تئوری پیدایش جهان

حفره سیاه اولیه بختل عظیم جاذبه است که از آن هیچ چیز، حتی نور، نمی‌تواند بگریزد. لذا چون نور نمیتواند خارج شود، این قسمت از فضا سیاه است و چون ماده در آن سقوط میکند (جذب میشود)، حفره نامیده میشود. محتوای این حفره، نوترون‌ها هستند که بطور بسیار ممتراکم، غیر جامد و در درجه حرارت زیاد بوسیله نیروی جاذبه بهم چسبیده‌اند. البته هنوز هم حفره‌های سیاه (بقول دکتر هشترویدی، خورشیدهای نامرئی) در فضا وجود دارند. (۱۹) بین ۱۰ تا ۲۰ - میلیارد سال پیش، انفجار اولیه عظیمی در حفره سیاه اولیه رخ داد که ماده و انرژی بخاطر نیروی گریز از مرکز و فعل و انفعالات اتمی (اتمهای سبک و الکترون - پروتون - نوترون) بفضا پرتاب شدند. در هسته این اتمها، نوترون و پروتون با نیروی اتمی بهم چسبیده‌اند و بدورش الکترونها بخاطر نیروی الکتریسیته، قرار گرفته‌اند. کهکشانها از طریق پیدایش سرازیر شدن در ماده اولیه گسترده در فضا، ایجاد شدند. اینها مجتمع ستارگان زیادی هستند که در حال دور شدن از هم تحت تاثیر نیروی جاذبه میباشند. خورشیدها آن دسته از ستارگانند که بدورشان سیاراتی وجود دارد. کهکشان ما - راه شیری - از نظر سرازیر ستارگان در فضا شکل S می‌باشد. قطر آن ۱۰۰ هزار سال نوری بوده و در منطقه بیرونی و بفاصله ۳۰ هزار سال نوری از مرکز آن، خورشید ما، قرار گرفته است که هر ۲۳۰ میلیون سال یکبار بدور آن میگردد.

حدود ۵ میلیارد سال پیش در قسمت بیرونی کهکشان راه شیری، منظومه شمسی در اثر انقباض و دوپاره شدن ماده سازنده خود به ۹ سیاره و هر کدام با اقمار یا حلقه‌های گازی تبدیل شدند که همه بدور خورشید می‌گردند. حدود ۴/۵ میلیارد سال پیش، بخشی از زمین پس از اینکه قشر بیرونی زمین جامد شده بود ولی درون آن پیر از مواد مذاب بود، در قسمت اقیانوس آرام از زمین جدا شد (ماه). حدود یک میلیارد سال پیش سلسله کوهها و کوههای آشفشان روی زمین پیدا شدند. پس از تقلیل حرارت در سطح زمین و پیدایش گازهای متان (CH₄)، آمونیاک (NH₃) هیدروژن (H₂) و همچنین پیدایش آب (H₂O)، مولکولهای پیچیده‌تر بیولوژیک پروتئینها، اسیدهای آمینه و نوکلئیک در

زمین - منظومه شمسی - راه شیری - کهکشانها - انفجار اولیه - حفره سیاه اولیه

اقیانوسها تشکیل شدند. از جمع این مولکولهای مرکب - یا مواد سازنده حیات سرانجام در آنها، تک سلولهای ساده گیاهی و سپس باکتری ها تکیه میتوانستند خود را تکثیر کنند، پیدا شدند. از ۶۰۰ میلیون سال پیش، ماهیان، خزندگان، پرندگان، پستانداران و انسان تماها، ظاهر شدند و سرانجام انسان در یک میلیون سال پیش روی کره زمین پیدا شد. بطور خلاصه شئوری پیدایش جهان بر اساس منشاء مادی و تغییرات پروسه‌ای در اثر قوانین طبیعی فرموله شده است.

۲- جمع بندی

بطور خلاصه سیستم التقاطی آقای رجوی در مورد پیدایش جهان از تلقیق شئوری علمی پیدایش جهان و سفر پیدایش تورات حاصل شده است. جدول ۱، مقایسه سه سیستم علمی، سامی و التقاطی در مورد پیدایش جهان را ارائه میدهد:

جدول ۱ - مقایسه سه سیستم در مورد پیدایش جهان

مقوله	سیستم علمی سامی	سیستم التقاطی مجاهدین
مبدأ	مادی	خدا
تکوین	پروسه‌ای	خلق الساعه
روابط	علمی	مجزا
مکانیسم تغییر	قوانین علمی	ارادی
جهت تغییر	پیچیده شدن	توحید
علت تغییر	تفاد	مشیت الهی

کاملاً مشهود است که سیستم اعتقادی مجاهدین از التقاط دو سیستم علمی و سامی مشتق شده است. برخلاف سیستم علمی که در پروسه تکاملی با شئوری ها و مشاهدات کاملتر میشود، سیستم سامی در زمان ساکن بوده و تنها تعبیر و تفسیر آن در زمانهای مختلف تغییر میکند.

افسانه خلقت دستاورد ابتدائی انسان از طریق تخیل و خاطرات قومی در مورد پیدایش جهان بود که بعدها با پیشرفت علوم و شناخت بهتر انسان از طبیعت، مقبولات "خلق الساعه"، "مطلق"، "ساکن"، تبدیل به "پروسه‌ای"، "نسبی" و "در حال تغییر" شدند. با مقایسه دقیق تر سه سیستم علمی، سامی و التقاطی مجاهدین معلوم میشود که نظرات مجاهدین در مورد مبدأ پیدایش جهان و جهت حرکت آن، هیچگونه تفاوتی با نظرات سامی و اسلام سنتی ندارد. در مورد این مقوله، که در حقیقت جزء اساسی ترین

مقوله‌های فلسفی است. مجاهدین با قبول خدا به عنوان مبدأ و غایت هستی، در کمپ ایده‌آلیسم قرار میگیرند. در مورد توضیح مقوله‌هایی مانند روابط بین پدیده ها و مکانیسم تغییر آنها، مجاهدین به سیستم علمی اتکا میکنند. در مورد مقوله‌های دیگر مانند تکوین پیدایش جهان و علت تغییر آنها با نفی پروسه‌ای بودن تکامل جهان و نفی تفاد و قبول وحدت بمعنای علت تغییرات هستی، به واضح ترین شکل ممکن التقاط فکری خود را به نمایش میگذارند. بنابراین، وقتی ما نظرات آنها در مورد پیدایش جهان را التقاطی نامیدیم، حکم بیهوده‌ای صادر ننمودیم. امروز صحت نظرات ما اثباتی در مورد پیدایش جهان آنچنان روشن شده است که دانشمندان و متفکرین غیر مارکسیست نیز آنها را می‌پذیرند. بقول برتراند راسل، "جهان برخلاف الهیات، آفریده شده، بلکه تکامل یافته است." (۲۰)

بطور خلاصه سیستم التقاطی رجوی ادامه همان کارهای ادبی نهضت آزادی و

مجاهدین سالهای چهل می باشد. اگر در گذشته مجاهدین با نزدیکی و جنابت از مارکسیستها چه در دهگانه ها و چه در جزواتشان، از مارکسیسم برای ایده‌لوزی خود استفاده میکردند. این پروسه همانگونه که رفیق جزئی پیش بینی میکرد به دو جزء خسود، یعنی ایده‌لوزی پرولتری و بورژواشی تجریه شده و آقای رجوی با پشت پا زدن به سنتهای اولیه سازمان خود و اشاعه با بورژوازی، به تعدیل نظرات گذشته سازمان پرداخته است. اگر اسلام "مفوی" صرفاً با خرافات در صدد قبولاندن خلقت جهان به مردم است، اسلام "علمی" آقای رجوی درجده است که بنا سیستم سازی شئوری های علمی را با اساطیر سامی مربوط به آفرینش "سازگار" ساخته او آنها برای روشنفکران خرده بورژوا فرموله کند. انگیزه اصلی آقای رجوی از تشبث به شئوریهای علمی برای ترویج نظرات ایده‌آلیستی خود از کجا ناشی میشود؟ پاسخ

به این سؤال روشن است. عمر ما، عصر آگاهی انسانها و عصر پیشرفتهای عظیم علمی است. امروز کمتر جوان تحصیل کرده‌ای را میتوان یافت که براضی زیر بار خرافات مذهبی برود. برای جذب افراد، ایده‌لوزی خرده بورژواشی اینبار به ناچار ایده‌آلیسم عصر عتیق خود را زیر "عبارات و جملات" بعاریت گرفته شده علمی می‌پوشانند. پیشرفتهای علمی و رشد جهان بینرسانی مارکسیستی ایجاد میکند که امروزه ایده - آلیستها نه در لباس استقف برکلی ها و محمدباقر مجلسی ها، بلکه در لباس کمپوزیرگها و رجوبها ظاهر شوند. سردید مبارزه طبقاتی در ادامه خود رنگ و لعاب "علمی" نظرات آنها را خواهد زدود و جوهر ایده‌آلیستی نظرات آنها را در معرض قضاوت تاریخ خواهد گذاشت.

فهرست منابع

- ۱- رجوی، تبیین جهان، جلد ۵، ص ۱۹
- ۲- همانجا، جلد ۱، ص ۱۲-۱۳
- ۳- ترجمه پاینده، قرآن، ۲۱:۲۲
- ۴- همانجا، ۲:۲۵۵
- ۵- همانجا، ۴:۷۰، ۵:۲۲
- ۶- همانجا، ۲:۱۱۵
- ۷- همانجا، ۲۲:۲۵
- ۸- همانجا، ۲۳:۸۲
- ۹- همانجا، ۱۱:۷، ۱۲:۹-۱۱، ۲۱:۳۰
- ۱۰- همانجا، ۷:۵۲، ۲۵:۵۹، ۱۰:۲
- ۱۱- همانجا، ۳۶:۸۲، ۶:۷۳، ۲۰:۱۱۷
- ۱۲- همانجا، ۱۲:۹-۱۱، ۲۱:۳۰
- ۱۳- همانجا، ۱۲:۹-۱۱، ۲۱:۳۰
- ۱۴- همانجا، ۲۸:۲۷، ۲۹-۳۸، ۲۴:۳۸، ۲۱-۱۶
- ۱۵- همانجا، ۵۱:۵۹، ۲۲:۱۸
- ۱۶- رجوی، همانجا
- ۱۷- همانجا، جلد ۲، ص ۲۴
- ۱۸- همانجا، جلد ۱، ص ۲۶
- ۱۹- نیوزویک، ۲۱ اکتبر ۸۳، ص ۹۰
- ۲۰- راسل، تاریخ فلسفه غرب، ص ۴۷

از خوانندگان

نباید اینرا بمانا به پایان همان تلقی نمود. اتحاد عمیل نیروهای مترقی و انقلابی فقط یک وظیفه مبرم بود ولی این وظیفه مبرم باید در کدامین سو بنا چسبده مضامینی سمت گیری نماید، خود از ویژگی خاصی برخوردار است. این نشریه شامل اخبار مطالبی در مورد سال نومیلادی، کردستان، سالگرد فرار شاه، "چرا پناهنده باید بزنند رود؟" و شعر، تقویم تاریخ و... میباشد.

بازتاب رویدادهای اجتماعی و تاریخی در شعر فارسی شعر دوران مشروطه

وقت خویش را صرف ترویج و حمایت مذهب شیعه نمود. در نتیجه دربار به شعر و شاعری فقط در جنبه‌های مذهبی توجه مینمود. اما در این دوران بسیاری از شعرا از دربار روی برگردانیدند. اما بجای آنکه به توده‌ها و به رئالیسم روی آوردند، سبک هندی را که مفاهیم اخلاقی و دور از ذهن و تصاویر غمانگیز از زندگی را به خواننده تلقین میکرد، اختیار نمودند. سبک هندی مانند سبک امپرسیونیسم از موجودات صراحتاً نام نمیبرد و حتی سمبل و نماد آنها ذکر نمیکند. از اینرو آثار شاعران این دوره مثل مائیس تبریزی، طالب آملی و عرفی شیرازی و... تنها برای عده معدودی اغل فن قابل درک بود. سخنوران این سبک در جستجوی مفاهیم ناگفته و دور از ذهن تا بحدی افراط می‌ورزیدند که کار را به ابتذال و بیهودگی میکشاندند. بقول محمد تقی بهار:

فکرها ست و تخیل‌ها عجیب، شعر پر مضمون ولی دل ناقریب
وز فصاحت بی نصیب

هر سخنور بار مضمون میکشید، رنج افزون میکشید

زان سبب شد سبک هندی مبتذل!

بعد از هرج و مرج‌های اقتصادی و سیاسی اواخر دوران صفویه و نابسامانی‌هایی که پس از آن نصیب طبقات تحتانی جامعه گشت، در اوایل دوران قاجار و مخصوصاً در زمان سلطنت فتحعلی شاه، جامعه ایران از امنیت سیاسی نسبی برخوردار گشت. دربار فتحعلی شاه مجدداً "شاعران شعلق گو و چایلوس را بدور خود جمع کرد تا برای ربودن طبع و جایزه بهترین شاعر و لقب ملک الشعراء از یکدیگر سبقت جویند." (۴) در این دوره فتودالیسم آخرین لحظات حیات تاریخی خویش را می‌گذرانید و برای توجیه وضعیت موجود، دست به سوی شعرا دراز میکرد. اما بعزت مجموعه شرایط موجود، شعرای دربار قاجار که فقط تقلیدی از آثار قدما میکردند، کار ساز نبودند. سبک ادبی که توسط شاعران اوایل دوران قاجار به کار گرفته میشد، به سبک "بازگشت ادبی" مشهور است. این سبک که در آثار هاتف، سروش، مجمر، مینا و... چشم می‌خورد، تلاش داشت با تاسی جستن به شعرای قدیمی مانند فردوسی، عنصری، سعدی و حافظ، به سبک خراسانی و سبک عراقی بازگردد. "بازگشت ادبی" که تلاشی بود برای رهایی از تبااهی و فقر ادبی دوران مظفری و نابسامانی‌های بعد از آن، یک بازگشت کامل و بی قید و شرط و بقول نینما "بازگشتی از روی عجز به طرف سبکهای قدیم بود." (۵) از آنجا که مینای کار هنری نه ابداع و ابتکار، بلکه بر تقلید آثار قدما گذاشته شده بود، سخنوران این دوره بعضی انعکاس بحران دوران زوال فتودالیسم، دردها و رنجهای توده‌های مردم، نفوذ استعمار و تسلیم دربار قاجار، به تصوف و عرفان روی کرده بودند و بی اعتباری دنیا و بدبختی نسبت به مسائل اجتماعی را تبلیغ مینمودند. بقول ارزنت فیشر "درجای معنای که در حال زوال است ادبیات اگر صادقانه باشد، باید خود این زوال را نمایان سازد. ادبیات اگر نخواهد رشته پیوند خود را با نقش ویژه اجتماعش بگسلد، باید جهان را تحول پذیر بنمایاند و به تحول یافتن آن کمک کند." (۶)

از جمله شاعران بدبین این دوران، فتح‌الله خان شیبانی است که در آثار او یاس و نومیدی دوران اضمحلال فتودالیسم

تاثیرات متقابل ادبیات و رویدادهای تاریخی و اجتماعی در دوران مشروطه بر یکدیگر، باید در پیرویه تحولاتی که در آخرین مراحل سلطه فتودالیسم در ایران روی داد، مورد بررسی قرار گیرد. با انحطاط فتودالیسم در ایران در قرن هجدهم و نوزدهم، طبقه نوپای بورژوازی ایران کم‌کم شکل گرفت. (۱) نفوذ سرمایه خارجی و فرهنگ بورژوازی غرب در شکل‌گیری بورژوازی ایران بسیار موثر بود. نفوذ استعمار نه تنها مخالفت بورژوازی نوپای ایران را برانگیخت، بلکه همراه با انحطاط کشاورزی و فشار به زحمتکشان شهری، منجر به رشد ناراضی‌های اقشار پائینی جامعه گشت. (۲) بر بستر چنین ناراضی‌هایی بود که انقلاب مشروطه تکوین یافت.

ادبیات از جمله ابزار بود که بورژوازی نوپای ایران برای رسیدن به قدرت از آن استفاده نمود. ولی مطلب به اینجا ختم نمیشود. زیرا فتودالیسم در حال زوال نیز مذبوحانه به آن چنگ می‌انداخت و طبقات تحتانی جامعه نیز آرزوها و تمایلات فردی و اجتماعی خویش را از طریق آن پاسخ می‌گفتند. مطالبه ادبیات دوران مشروطه این مبارزه بین طبقات و جدال بی‌سین اندیشه‌های کهن و نوین را منعکس می‌سازد. از آنجا که آهنگ بررسی محدوده به ادبیات منظوم است، در این مطالعه با جدت بازتاب رویدادهای تاریخی و اجتماعی دوران مشروطه را در آثار شعرای این دوره مورد ملاحظه قرار میدهم. شعر فارسی دوران مشروطه را میتوان از جهات مختلف مورد مطالعه قرار داد. اما بدلیل محدودیت صفحات این نشریه، ما صرفاً به مسائل زیر (آنها) به اختصار می‌پردازیم:

- ۱- مروری بر ادبیات منظوم در دوران صفویه و اوایل دوران قاجار
- ۲- ناسیونالیسم و ایدئولوژی بورژوازی در شعر دوران مشروطه
- ۳- نوگرایی در فرم و محتوی و مسئله آزادی زنان
- ۴- سلاح انتقاد: طنز و هجو
- ۵- بازتاب اندیشه‌های سوسیالیستی در شعر
- ۶- ضعفهای شعر دوران مشروطه

مروری بر ادبیات منظوم دوران صفویه و اوایل دوران قاجار

در دوران سلطه فتودالیسم در ایران، دهقانان، پیشه‌وران و صنعتگران بخاطر کار سنگین و کم‌درستی که داشتند، عملاً مجالی برای پرداختن به امور دیگر و از آن جمله ادبیات و هنر، نمی‌یافتند. اقشار مرفه ساکن شهرها و فتودالها که با استعمار دیگران، از زندگی آسوده‌ای برخوردار بودند، مجالس تفریحی ترتیب میدادند و گاه شعرا و ادبا و اهل فضل و سیاست در منازل خود یا در کاخ بزرگان مجتمع و برای استعاره علمی و ادبی از یکدیگر بمنظومه و مباحثه مشغول میشدند. گاه امرا و شخصیت‌های متمکن، ارباب علم و ادب را در منزل و بارگاه خود، برای همیشه مستقر می‌ساختند و در هر فرصتی از خرمن علم و دانش آنان خوشه چینی میکردند. (۳)

در دوران صفویه بعزت سیاست خاصی که این سلسله در خصومت با آل عثمان و سنی‌مذہبان در پیش گرفت، قسمت اعظم نیرو و

بخوبی نمایان است :

با من چرا زمانه به کین است این چنین

غم بارد از سپهر و من روید از زمین
من خود کیم چه دارم؟ کاین چرخ دزدوار

برکین من نشسته شب و روز در کسین
بهر حال با فتح الله خان شیبانی و محمود خان ملک الشعرا
که جز آخرین شعری درباری به حساب می آمدند و هر دو قبل از
شروع ناصرالدین شاه درگذشتند، کار شعر درباری نیز به پایان رسید.

ناسیونالیسم و ایدئولوژی بورژوازی در شعر دوران مشروطه

انقلاب مشروطه ایران، انقلابی بورژوازی - دمکراتیک بود که هدف آن ایجاد قانون، مساوات، برادری و برابری بورژوازی بود. همچنین بخاطر سلطه استعمار، ناسیونالیسم یکی دیگر از ویژگی های این انقلاب بود. بورژوازی مرفعی ایران که مبارزه با فئودالیسم و استعمار را در دستور کار خود قرار داده بود، این اهداف را در ادبیات نیز دنبال میکرد. لازمه حیات و رشد بورژوازی نوبیای ایران آزادی فردی و اقتصادی بود، "زیرا نظام فئودالی ایران این آزادی و اختیار را به فرد میدهد که در پی نفع شخصی، هر کالشی را می خواهد آزادانه تولید کند و آزادانه بهر کجا می خواهد ببرد و بهر که خریدار است، بفروشد." (۷)

بنابراین طبقه ای که در حال زایش بود در درجه اول به قانون، نظم و پارلمان احتیاج داشت تا آزادی او را تثبیت کند. اغلب ادبای مدر مشروطیت از قبیل میرزا فتحعلی آخوندزاده، عبدالرحیم طالبوف، حاج زین العابدین مراغه ای، میرزا ملکم خان، راه حل مشکلات را در "قانون" می دیدند. از ایشرو عشقپسوان روزنامه ای بنام "قانون" که زیر نظر میرزا ملکم خان در لندن چاپ میشد، تصادفی نیست. ادیبان ممالک فرانسوی در قلمبه "ملحیه بلد"، بی قانونی، عدم مساوات و فساد دوران قاجار را چنین ترسیم میکنند:

دوش از جفای خصم ستمگر، ظلمه ای

بردم به نزد قاضی طحیه بلد

ولی در آنجا می بیند:

از اخذ و بند و رشوه و کلاشی و طمع

برسیده کسی ننهاده است دست برد ...

با تشدید وابستگی ایران به امپریالیسم، و آلت دست شدن دربار قاجار، ملیت خواهی و ناسیونالیسم در ایران رشد نمود. باید دانست که ناسیونالیسم تنها نتیجه شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران نبود، بلکه فرهنگ بورژوازی غرب در شکل گیری آن تاثیر زیادی داشت. کلمه "ملت" که قبلا در ایران به معنای مفهومی دینی و مذهبی بکار میرفت، اندک اندک از طریق ترکان عثمانی که بر سر راه غرب قرار داشتند، بصورت مفهوم () درآمد.

در قصیده ای از فخر الواعظین کاشانی که در شب نامه چاپ شد، خطاب به اتابک آمده است: (۱۰)

داین عبرت چو شود در کف ملت ظاهر

پاک از لوث وجود تو کند بهستانرا

عارف قزوینی نیز این مفهوم را در تصنیف های خود بکار میبرد:

ملتار بداند شعر آزادی را

بر کند زین ریشه استبدادی را

با محمد تقی بهار در مورد "وطن" می فرماید:

نمیدانم چرا ویرانه گشتی؟ وطن!

مقام لشکر بیگانه گشتی، وطن!

بغیر از ناسیونالیسم مرفعی، ناسیونالیسم افراطی نیز در شعر مشروطه خود را بصورت تاسف بر ایام پر شکوه گذشته و مفاخره از فرهنگ و تمدن پارسی نشان میدهد. قطعه زیر از چکامه ادیبان ممالک فرانسوی، اغلب توسط مشروطه خواهان زمزمه میشد:

ما شیم که از پادشاهان باج گرفتیم

زان پسر که از ایشان کمر و تاج گرفتیم

دیهم و سریر از گهر و عاج گرفتیم

اموال و ذخایرشان ناراج گرفتیم

وز بیکر شان دیبه و دهباج گرفتیم

ما شیم که از دریا امواج گرفتیم

و اندیشه نکریم ز طوفان وز تیار

با اینحال مفاخره نسبت به فرهنگ گذشته که در اشعار بسیاری از اندیشمندان این دوران نیز چشم می خورد، در برانگیختن مردم به مبارزه بسیار موثر بود. میرزا آقاخان کرمانی در تاسف بر ایام گذشته میگوید:

کجا رفت آن اختر کاویان؟ کجا رفت اورنگ فرکیهان؟
که اکنون به پستی نیاز آمدت. چنین اختر بد فراز آمدت (۱۱)

مخالفت با دخالت مذهب در دولت، یکی دیگر از ویژگی های ایدئولوژیک شعر مشروطه است. بهار که متأثر از انقلابات بورژوازی - دمکراتیک زمان خود بود، می نویسد:

شروت و ملک و ناموس و مذهب چار چیز است در ما مرکب

شروت و ملک و ناموس ما را برده این اختلافات مذهب

نوگرایی در فرم و محتوی شعر و مسئله آزادی زنان

نوگرایی در فرم و شکل را نمیتوان از نوگرایی در محتوی و مفهومی آن جدا ساخت. زیرا این دو پویا به موازات هم ادامه داشته و بر یکدیگر اثرات متقابل می گذارند. نوگرایی در شعر فارسی در دوران مشروطیت محدود به یک طبقه خاص نمیشود. در کنار بورژوازی مرفعی که خواهان کسب هویتی طبقاتی خود بود و برای کسب آن، نوآوری اجتماعی را جستجو میکرد، اشراف قاجار نیز از دستاوردهای نوین فرهنگ مادی غرب (بورژوازی) برای رفاه و آسایش بیشتر برخوردار بودند. بنابراین منظور از نوگرایی در اینجا آن نوع نوگرایی است که با تکامل اجتماعی و تاریخی همسو باشد.

نوآوری در فرم و شکل شعر در جامعه سنتی ایران که همیشه چشم به گذشته و به چهره های مثل فردوسی، سعدی و حافظ داشته است، کار سهل و آسانی نیست. در اوایل دوران مشروطه نیز مردم در شعر همانند امور دیگر به گذشته گرایش بیشتری نشان میدادند. "بازگشت ادبی" موبد همین نظر است. ادبای صدر مشروطه در حمله خود به فرهنگ گذشته، سبک ادبی گذشته را نیز مورد انتقاد قرار دادند. مثلا حاج زین العابدین مراغه ای در "سفرنامه ابراهیم بیگ" می نویسد:

"گفتم معلوم است که دیوان حافظ عبارت از اشعار متین در تصوف که خوانندگان کمتر کسی معنی آنها می فهمد. اطفال از خواندن آن که ظاهرا سراپا سخن از باده و محبوب و محبوبه و عشق بازی است چه بهره ای حاصل توانند نمود؟..." (۱۲)

در میان شاعران دوران مشروطه، ایرج میرزا از کسانی است که انقلاب ادبی زمان خویش را نمی پذیرد. وی هر چند بیشتر عمر خود را در فقر مادی زیست، با اینحال دیدگاه اشرافی خود را همچنان حفظ نمود. کشمکش بین اندیشه های نوین و کهنه در اشعار

ایرج میرزا بچشم میخورد. از یک طرف [همانطور که به... اشاره خواهیم کرد] به دفاع از آزادی زنان برمیخیزد، ولی از طرف دیگر فرهنگ مبتذل اشرافی را تبلیغ میکند و "انقلاب ادبی" زمان خود را به مسخره میکشد:

این جوانان که تجدد طلبند راستی دشمن علم و ادبند
شاعری طبع روان می‌خواهد نه معانی نه بیان می‌خواهد
در اینجا ایرج استعداد شاعری را فطری میداند و تاثیر عوامل اجتماعی بر محتوی شعر را اشکار میکند. در مثنوی طنزآمیز "انقلاب ادبی"، وی نوآوری در فرم شعری را رد میکند:

میکنم قافیه‌ها را پس و پیش تا شوم نایب در دوره خویش
منظومه رثالیستی و مفضل "ایده آل" اثر میرزاده عشقی، که برخلاف عنواش بسیار گویا و واقع بینانه است، انقلابی در سبک شعری بشمار میرود. گذشته از ایده‌های خرده‌بورژوازی و آثار رثالیستی که در این اثر وجود دارد، این منظومه که در سه تابلو (پرده) سروده شده است، از جهت سبک نگارش و شیوه بیان و اصالت مضمون بی نظیر است. در این سه تابلو در کنار توصیف اغفال دختری به نام مریم توسط یک اشرافزاده، تاریخچه کوتاهی از انقلاب مشروطه و نتایج آن برای اقشار پائینی جامعه و سرخوردگی آنها ترسیم میشود:

چه گویمت من از این انقلاب بد بنیاد
که شد وسیله‌ای از بهر دسته شیاد
چه مردمان خرابی شدند از آن آباد
گر انقلاب بُد این، زنده باد استبداد
که هرچه بود از این انقلاب بود همین...

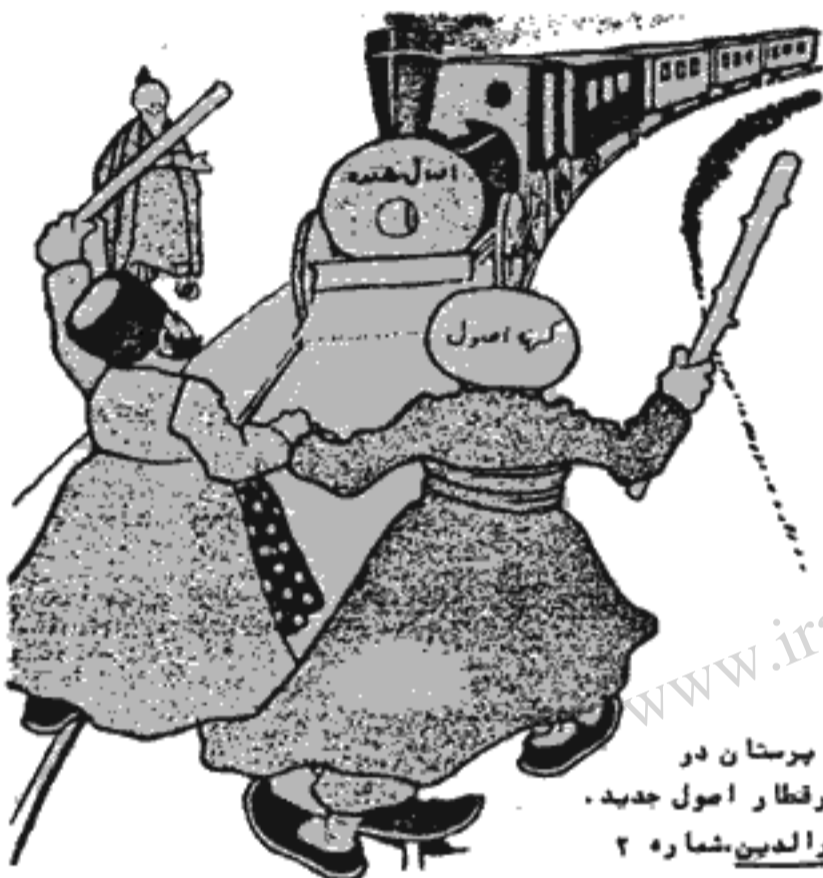
بغیر از عشقی، شاعرانی نظیر دهخدا، عارف لاهیجی و بهار نوآوری بسیاری در سبک شعری بعمل آوردند. کشمکش بین شعر به سبک کهن و شعر به سبک نو بعد از انقلاب مشروطه نیز ادامه یافت. مخالفان تجدد ادبی در جرگه ادبی "دانشکده" و موافقان تجدد ادبی در روزنامه "تجدد" گرد آمدند. "دانشکده" تمایل به حفظ اشعار گذشته داشت و تنها خواهان رفرمهای جزئی ادبی بود. درحالیکه "تجدد" معتقد بود که "تجدد به مثابه انقلاب است و انقلاب را نمی‌شود با "قطره‌شمار" به چشم جماعت ریخت." (۱۲) به غیر از این دو پویش متفاد، مجله "آزادستان" در نوآوری سبک‌های ادبی تاثیر زیادی داشت. در حالیکه بحث و جدل بین کهنه‌پردازان و نوپردازان داغ بود، علی‌اسفندیاری (نیما) به پا خواست، فریاد های تجدد طلبانه پراکنده را متمرکز ساخت و انقلاب واقعی در فرم و محتوی شعر را بنیاد نهاد.

شعر فارسی دوران مشروطه علی‌رغم نوآوری هاشی که در فرم شعری بوجود آورد، نتوانست گریبان خود را از قید قواعد عروضی فارسی خلاص کند. اما باید دانست که آنچه شعر فارسی این دوره را نسبت به گذشته متمایز میسازد، نوگرایی در مضمون و محتوی شعر است. از این لحاظ شعرای متعهد دوران مشروطه تحولی عظیم در شعر فارسی بوجود آوردند. ترقی و تکامل محتوی شعر فارسی بعدی بود که موجب حیرت و شگفتی ایران شناس و ادیبان بزرگی مثل ادوارد براون گشت. وی می‌نویسد: "پس از نیمه قرن نوزدهم میلادی ادبیات فارسی نشرا و نظماً روحی جدید یافت و نه فقط روی به فساد نگذارده بود، بلکه بمرتبه‌ای از تعالی و ترقی رسیده که در چهارمده سال اخیر (۱۹۰۰-۱۸۵۰) به آن نایل نگردیده بود." (۱۳)

آثار شاعران دوران مشروطه عمدتاً از لحاظ محتوی نسو و سنت شکن محسوب میگردد. با اینحال مقامین ایده‌آلیستی و تقدیر گرایانه نیز کمابیش در آنها یافت میشود. این مسئله در

مورد شعرای متاخر دوران مشروطه، مثل بهار و پروین اعتما سی بچشم میخورد. برای مثال پروین، تقدیر گراشی خویش را اینگونه ترسیم میکند:

زادن و کشتن و پنهان کردن دهر را رسم و ره دیرین است
برای نشان دادن نوآوری در محتوی شعر، قطعه طنزآلود زیر را از اشرف‌الدین حسینی که در آن مرتجعان و کسانی را که پدیده‌های شو را نمی‌پذیرند مورد انتقاد قرار میدهد، می‌آوریم:
اشرفا این ناله و فریاد چیست؟ از برای خلق آه و داد چیست؟
میکشی ترغیب و تحریص شدید کودکان را برمگاتیب جدید
طفل باید با دیان سازی کند! طفل باید شبروخط بازی کند!
گر در این دنیا ذلیم ای عمو لیک در محتر جلیلم ای عمو!
اشرفا ترغیب بر صنعت مکن از علوم خارجه صحبت مکن



کهنه پرستان در
برابر قطار اصول جدید.
ملا نصرالدین، شماره ۲

ترسم آخر بشکندت پا... و دست فال بین و مرشدوغاضی پرستان
یکی از مهم‌ترین ویژگی های شعر فارسی دوران مشروطه که بیانگر نوآوری و سنت‌ستیزی در مضمون شعری است، توجه آن به مسئله آزادی زنان است. قبل از دوران مشروطیت در ایران بعطت حدود و قیود گوناگون و از هم‌کسبختگی های اجتماعی زنان از ورود به عرصه‌های اجتماعی و از آمیزش با مردان منع میشدند و تحت شدید ترین نوع ستم جنسی قرار داشتند. بورژوازی نوپای ایران که متأثر از فرهنگ بورژوازی غرب بود و احتیاج مبرمی به نیروی کار زنان در تولید داشت، بالطبع نمی‌توانست این مشکلات را تحمل کند. ایرج میرزا از شاعرانی است که بدبختی زنان را در بی سوادی و حجاب میداند:

مگر در زن تمیز خیر و شر نیست؟
زنان را عصمت و عفت ضرور است
نه چادر لازم نه چاقچور است
چو زن تعلیم دید و دانش آموخت
روان و جان به نور پیش افروخت
به هیچ افسون ز عصمت برنگردد
به دریا گریفتند شو نگردد...

همچین ایرج در جواب امیرالشعرا نادری که از شعرا مخالف کشف حجاب زنان بود و با وی کینه‌ای دیرینه داشت، نوشت: تمام این مفاسد از حجاب است

حجاب است آنچه ایران زان خراب است (۱۵)
البته شاعران بسیاری نیز بودند که از موضع مترقی ستم جنسی زنان را مورد انتقاد قرار می‌دادند. عارف اینگونه با زنان تحت ستم زمان خود همدردی میکند: مرصرا هیچ گنه نیست بجز آنکه زخم

زین گناه است که تا زنده‌ام اندر کفتم بدون تردید هیچکاز شاعران دوران مشروطه به اندازه لاهوتی به مسئله آزادی زنان نمی‌پرداخت. نه تنها ستم جنسی بر زنان در اشعار او بازتاب می‌شود، بلکه وی برخلاف کسانی که زن را صرفاً برای زیبایی و التذاذ جنسی ستایش می‌کنند، زنان را به مبارزه برای رهایی از قید ستم جنسی ترغیب می‌کند. وی نه تنها درد را توصیف می‌کند، بلکه راه علاج را نیز نشان می‌دهد. اگرچه مادر بودن همچنان به مثابه نقش محوری زنان تصویر می‌شود:

چند گویم که رخت‌ماه بود در خوبی
چند گویم که قدمت سرو بود در رفتار
مدح تو بیشتر از هرکه توانم گویم
لیک اینها همه حرف است و ندارد مقدار
من به زیبایی بی علم خریدار نیم
حسن مفروش دگر با من و کردار بهار
و ندر این دور تمدن، صنما لایق نیست
دلبری چون تو ز آرایش دانش بکنسار
ننگ باشد که تو در پرده و خلقی آزاد
شرم باشد که شو در خواب و جهانی بیدار...
سخن از دانش و آزادی و زحمت میگوی
تا که فرزند تو با این سخنان آید بار
بی‌یقین گر تو چنین مادر خوبی باشی
من اقبال وطن از تو شود زر عیار
توجه و کوششی که در ادبیات مشروطه در مورد مسئله عقب ماندگی زن بعمل آمد، در کار شاعران بعدی بسویژه شاعران زن، تاثیر مهمی گذاشت. بطوریکه بسیاری از آنها ستم جنسی زنان را از لحاظ طبقاتی نیز مورد توجه قرار دادند. برای مثال پروین اعتصامی در شعر مشهور خود بنام "شکایت زن" استادانسه تاریکی گوشه‌های زندگی زن پشم ریزی را (که نمونه‌ای از کنار سخت، طاقت فرسای زنان است) که نور دیدگانش را بر اثر کار مفرط از دست داده است، تصویر می‌کند.

سلاح انتقاد: طنز و هجو

شعرا و نویسندگان صدر مشروطه اغلب به انتقاد از وضعیت موجود می‌پرداختند و گاهی نیز از سران قاجار توقع و انتظار "اصلاح شدن" و "سر عقل آمدن" داشتند. با اوج گیری جنبش مشروطه طلبی و توده‌ای شدن آن، انتقاد، خواست اصلاح طلبانه خویش را اندک اندک از دست داد و بصورت طنز و هجو، سلاخی شد برای شفی سیمم اجتماعی غالب. طنز، سبک ادبی ویژه‌ای است که زندگی اجتماعی و معایب و مفاسد آنرا بصورت اغراق آمیز و لسی بدون اغماض تصویر می‌کند. بسیاری از شعرای دوران مشروطیت آثار ارزنده‌ای در طنز فریبند که شاید بتوان آنها را با آثار برنارد شاو مقایسه کرد. در آثار این هزل پردازان خنجرهده پیروزمندانه شاو دیده میشود. آنها می‌خندیدند اما می‌دانستند

که هیچ چیز چنانکه می‌نماید خنده‌دار نیست. ولی شاد و خوشحال بودند، زیرا مرگ نظام فترت موجود را در مقابل خود میدیدند. آنها به مثابه نمایندگان طبقه جدید که در پروسه تکامل تاریخی، جایگاه ویژه‌ای برایشان مشخص شده بود، خنجرهده‌ای زیرکانه و کنایه آمیز سر می‌دادند. طنز و هزل آنها روی بسوی زندگی داشت. بسیاری از طنزنویسان تنها به طبقه متوسط وعده و نوید پیروزی نمیدادند آنها اغلب به رنج و درد اقشار تحتانی جامعه نیز فکر میکردند.

در مطالعه طنز و هزل در دوران مشروطه به چهره درخشانی چون ادیب‌الممالک فراهانی برخورد میکنیم که در آن فساد دربار قاجار، و تزویر روحانیون را به مسخره میگیرد. "حشرات الارض بهارستان"، نامی است که ادیب‌الممالک به مستبدان و اشراف مرتجع قاجار می‌دهد:

هنگام بهار آمد جان ای حشرات الارض!
از لانه بیرون آشید افزوده بطول و عرض
سازید ز یکدیگر نیش و دم و دندان قرغز
و آزار خلایق را دانید همیدون فرض!

وقت است که هر موری سیمرغ نشان گردد
و ز باد بهاری مست چون باد کشان گردد...
اشعار طنزآمیز این دوران بیشتر در روزنامه‌ها چاپ میشد. اشرف‌الدین حسینی و زهدا به عنوان برجسته ترین طنز پردازان این دوره، اشعار خود را به ترتیب در روزنامه "نسیم شمال" و "موراسرافیل" چاپ میکردند. قطعه زیر کسه در روزنامه نسیم شمال چاپ شد، در هجو محمد علیشاه مظلوم در - هنگامی است که وی تمام تلاش را در بدست آوردن تاج و تخت پیبوده و عاقل می‌بیند:

متم بزد مشهور بی ننگ و عار
اگر چه مرا گنجه گشته شکم
اگر سوی تهران نمایم گذر
همه خلق را چون شیش میکشم
ولی بسته دست قفادست من
شکسته است پشت مرا روزگار...
شده رکبسه پول و نه در کله عقل
ناپای گریز و نه راه فرار...
این روزنامه همچنین در وصف بهادرخان که از سرداران محمد علیشاه بود و به انزلی آمده بود تا مردم را با شاه سر مهر آورد، اشعار طنز آلودی دارد. بهادرخان به مردم انزلی گفته بود: "من وقتی قلیان می‌کشم یک فوت و دلوری در من پیدا میشود که به وصف در نمی‌آید" (۱۶)

بهر من قلیان چو غنفل میکند
گوشیا چه چه چو بلبل میکند!
اسب من تقلید دلدل میکند
نشسته قلیان عجب گل میکند!
ای مامد جعفر، تزول قلیان گتور!
میکنم من کله صمام را
می‌نمایم صید خود فرغام را
میکنم ستار شیکو نام را
ای پسر از دوغ پرکن جام را
ای مامد جعفر تزول قلیان گتور!

باید دانست که اشعار انتقادی اشرف‌الدین تا حدودی تحت تاثیر روزنامه فکاهی "ملاتصرالدین" و شاعر آن علی اکبر مابهر بوده است. (۱۷) - مانند این قطعه:

ای فعله تو همداخل آدم شدی امروز
بیچاره چرا میرزا مضمم شدی امروز؟
در مجلس اعیان بخدا راه نداری
زیرا که زر و سیم به همراه نداری
در سینه بی‌کینه بجز آهن نداری!

بازتاب اندیشه‌های سوسیالیستی در شعر

انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه و انقلابات ۱۸۴۸ اروپا، در بیرون آوردن کشورهای آسیائی از تیرگی قرون وسطائی و فئودالیسم نقش مثبتی ایفا نمودند. "از قرن نوزدهم از یک طرف غربی و چرخ‌های ارابه بورژوازی و هیاهوی تجارتنی و نظامی او شرق - خواب‌آلود را بیدار کرد و افکار نو را در این سرزمین پراکنده ساخت و از سوی دیگر نهفت‌اهدائی او بارو بارو مردم شرق در مبارزه بر ضد سرمایه‌داران متجاوز خارجی گردید." (۱۹)

با ظهور سوسیالیست‌های تخیلی در اروپا، روشنفکران ایرانی که به‌غرب می‌رفتند، مخلوطی از ایده‌های نوین بورژوازی را در کنار ایده‌های سوسیالیسم تخیلی فرا میگرفتند. از اینرو مادر آثار بسیاری از شعرای مشرقی دوران مشروطه این التقاط فکری را می‌بینیم. همچنین ما شاهد بروز افکار ماتریالیستی بصورت‌خام در آثار بعضی از شاعران این دوره هستیم. مثلاً غنی‌زاده، شاعر آزادیخواه آذربایجانی در غزلی تحت عنوان "تحمیر" مسئله "آفرینش" جهان را مورد شک‌قرار میدهد.

کم شد رهم به دشت، نشان قدم کجاست؟

فرسوده شد قدم زنگاپو، حرم کجاست؟

تفسیر وحی و باطن تنزیل گو سخوان

ما را بسر مباحث پر پیچ و خم کجاست؟

توریده را که باز نداند سر از قدم

امکا رضی و بحث‌حدوث و قدم کجاست؟

جلوه‌هایی از سوسیالیسم خام در اشعار میرزا آقاخان ل...

کرمانی، اشرف، عشقی، پروین و ... دیده میشود. اشعار میرزا آقاخان کرمانی که باید به حق او را آگاه ترسیم و با فرهنگ‌ترین متفکر صدر مشروطه دانست، سوسیالیسم خام و تخیلی را نشان میدهد. وی از یک طرف مظلومان را به مقابله "از روی دل و جان" برعلیه ظالمان برمی‌انگیزاند، ولی از طرف دیگر راه حل را در "حقوق بشر" (دست‌آورد انقلاب بورژوازی فرانسه) میداند:

برآشید و بپنجد کار شگفت، به‌آسان توانید گیتی گرفت

ولی تا شناسید از غیر و شر، بسا بست خواندن حقوق بشر

جهت‌گیری به طرف زحمتکشان در اشعار اشرف‌الدین حسینی بازتاب خاصی دارد. اشرف در منظومه "آخ عجب سرماست"، محرومیت و رنج زحمتکشان و سرخوردگی آنها را از سازش بورژوازی به‌قدرت رسیده با فئودالها، نشان میدهد:

تو نگفتی میکنم امشب الو، تو نگفتی میخوریم امشب پلو

نه پلو دیدیم امشبانه چلو، سخت افتادیم اندر منگنه

آخ عجب سرماست امشبای ننه!

ما که می‌میریم در هذالسته ...

ما ز سرمای زمستان بی‌قرار، لخت و عریان، مات و مبهوت و نگار

اغصبا در رختخواب زرنگار، خفته‌با جا، و جلال و طنطنه

آخ عجب سرماست امشبای ننه!

ما که می‌میریم در هذالسته!

عشقی از شاعران مردمی دوران مشروطیت است که به‌علت نمایان آثارشینی و سهیل‌بستی خود قادر به درک قانون مندی - های تکامل اجتماعی و انقلاب نیست. سوسیالیسم تخیلی وی اگرچه به طرف زحمتکشان سمت‌گیری دارد، ولی آنقدر آشوب‌گراست که راه حل مشکلات را در "عید خون" میدانده برای نمونه قطعه‌ای از منظومه "ایده‌آل" او را که در آن خود وی به طور تلویحی آشوب‌گراشی خود را می‌پذیرد، می‌آوریم:

ما بر نیز قطعه‌ای مشابه به زبان آذربایجانی دارد. اشرف حسینی مشاجرات ادبی زیادی با علی‌اکبر مایر و جلیل محمد - قلی‌زاده، طنز نویس دیگر روزنامه ملانصرالدین داشت. این مشاجرات جنبه انتقادی داشته و بیشتر برای یادآوری اشکالات و نواقص کار بود.

علی‌اکبر دهخدا در روزنامه "موراسرافیل" ستونی تحت عنوان "چرند و پرند" بخود اختصاص داد. در این ستون وی سبک جدیدی از طنز نویسی را که بیشتر حملاتش متوجه اشراف و حکام فئودال بود، بوجود آورد. کسروی در مورد ستون "چرند و پرند" مینویسد: "خوانندگان پایین بخش بیشتر روی می‌آورند و انگیزه رواج روزنامه پیش از همه این بخش بود." (۱۸)

در سال ۱۹۰۷ دهخدا مسطفی‌کاهی "آکبلی" را در "موراسرافیل" چاپ نمود. منظور از "آکبلی" (کربلائی که یک اصطلاح معاورهای و در عین حال ریشخند آمیزی است) محمد علی‌شاه می‌باشد: مردود خدا، رانده هر بنده، آکبلی

از دلگ معروف نماینده، آکبلی

با شوخی و با مسخره و خنده، آکبلی

نژ مرده‌گذشتی ونه از زنده، آکبلی

هستی توجه یک پهلوی و یک دهنده، آکبلی

از گرسنگی مرد رعیت، به جهنم

ور نیست درین قوم معیبه به جهنم

ترباک برید عرق همت، به جهنم

خوش باش تو با مطرب و سازنده، آکبلی

هستی توجه یک پهلوی و یک دهنده، آکبلی ...

محمد تقی بهار نیز اشعاری طنزآلود و هجو آمیز دارد. قطعه "جهنم" او که در آن فئاتیزم خشک و زاهدانه روحانیون مرزجمعی چون شیخ فضل‌الله نوری، به طنز گرفته میشود، بسیار شنیدنی است:

و آنکس که شد وکیل وز مشروطه حرف زد

دوزخ بود بروز جزا پارلمان او!

آنکس که روزنامه نویسنده است و چیز فهم

آتش فند به دفتر و کلک و بیان او!



تمام مملکت آسروز زبرو رو کرده
 که قهر ملت با زور روبرو گسردد
 به خائنین زمین آسمان اعدو گردد
 زمان کشتی امواج مرده شو گسردد
 بسپت خاک ز خون پلیدنشان رنگین
 وزیر عدلیه‌ها بر فراز دار روند
 رئیس نظمیه‌ها سوی آن دیار روند
 کفیل مالیه‌ها رنده در مزار روند
 وزیر خارجه‌ها از جهان کنار روند
 که تا نماند از ایشان کسی به زوی زمین ...
 در این محیط که بی مرده‌شوی دون دارد
 وزین قبیل عناصر ز حدزون دارد
 عجب مدار اگر شاعری جنون دارد
 بدل همیشه تقاضای "عیدخون" دارد
 چگونه شرح دهم "ایده‌آل" خودبه‌ازاین؟

پروین اعتصامی گوینده‌ای است که محتوی و مضمون اشعارش نمادهاشی از رنج، زحمت و تضادهای طبقاتی است. آثار وی نیز مانند بسیاری از شاعران معاصر خود، بیانگر سوسیالیسم تخیلی است. "مناظره دو قطره خون" اثر ارزنده‌ای است که دید پروین را از تضادهای طبقاتی جامعه نشان میدهد. در این قطعه، هر قطره خون سمبل خون طبقه‌ای خاص است. یکی از دست‌فراذستی به زمین چکیده است و دیگری از دست کارگری. اگرچه پروین عمق تضاد را پخوبی تشخیص میدهد، ولی در یافتن راه حل این تضاد ایده‌آلیسم و تقدیر گرایی پناه می‌برد.
 شنیده‌اید میان دو قطره خون چه گذشت؟

که مناظره یک روز در گسردی
 یکی بگفت بآن دیگری تو خون کهای؟
 من اوفتاده‌ام اینجا ز دست تاجوری
 بگفت من بچکیدم زبای خارکتی
 ز رنج خارکه رفتن بیا جو نیشتری
 جواب داد ز یک چشمه‌ایم هر دو چه غم
 چکیده‌ایم اگر هر یک از تن دگری
 بخنده گفت میان من و تو فرق بیست
 توشی ز دست شهی، من زبای کارگری
 تو از فراغ دل و عشرت آمدی بوجود
 من از خمیدن پشتی و زحمت کمری
 تو از فروغ می تاب سرخ رنگ‌اشدی
 من از نگوش خاری و سوزش جگری
 فضا و حادثه، نقش من از میان نمرد
 کدام قطره خون را بود چنین هنری...
 ز قید بندگی این بستگان شوند آزاد
 اگر بشوق رهائی زنده‌آبال و پیری
 درخت جور و ستم هیچ برگ نداشت
 اگر که دست مجازات، میزدش تیری
 سپهر پیر نمی‌دوخت جامه بیداد

اگر نبود ز صبر و سکونش آستری
 بدون تردید، با زتاب واقعی اندیشه‌های سوسیالیستی در شعر فارسی دوران مشروطه را تنها میتوان در آثار لاهوتی و فرخی یزدی مشاهده کرد. ایندو با الهام از انقلاب ففرنمسون اکتبر، در اشعار خود سمت‌گیری بطرف طبقه کارگر را نشان میدهند. لاهوتی کرمانشاهی انقلابی ترین شاعر دوران مشروطه بشمار میرود. وی در اشعار خود همه‌جا پیام آور نظم نویسن

سوسیالیستی است. نقش تعیین کننده کار در پروسه تکامل اجتماعی، یکی از تم های اصلی اشعار او را تشکیل می‌دهد. وی همچنین نظرات فونکسیونالیستی روحانیون را که وجود پدیده های متضاد (مثل فقر و ثروت، عدل و بیداد) را برای تعادل و توازن اجتماعی لازم می‌شمارند، رد میکند:

شیخ میگوید عدل باید باشد و بیداد هم
 در جهان انصاف هم فرست و استبداد هم
 مطلقا بایست باشد هم کدا هم مالدار
 واجبست از حکمت حق میدهم صیاد هم
 لبک من گویم بدون فعله ویران میشود
 لندن و پاریس، بصره و بغداد هم
 زحمت آن باشد که چسناغمی حاصل کند
 ورنه در کشتار زحمت میکشد، جلد هم
 عاشق زحمت توشی لاهوتی، ایبتان عشق را
 کس ندید از وامق و مجنون و از فرهاد هم

در مورد نقش تعیین کننده کارگران و زحمتکشان و تشکیلشان در رهایی آنها، لاهوتی می‌نویسد:
 گر نیست‌ه و دست‌نامور ما را
 کس می‌نرھاند از جفا ما را
 تا چند برای نفع خود اشراف
 آواره کنند و دربدر ما را ...
 چون جمع شدیم هیچ بازوئشی
 از هم نکنند جدا دگر ما را
 وز هیچ کسی کمک نمی‌خواهیم
 کافیت‌دو دست‌کارگر ما را
 لاهوتی هیچگاه در اشعارش دهقانان را به مثابه متحد کارگران، از قلم نیانداخته است. قطعه زیر که تحت عنوان "ادبیات بابا احمد" در روزنامه "چشمه پا برهنه‌ها" بدون تاریخ چاپ شد، تاسف‌برانگیز است از زبان یک دهقان پربشان که زیر بار مرارت فئودالیسم کمر خم کرده است.

در این منظومه دهقان خطاب به گاو خویش، ولی در واقع به دهقانان دیگر، می‌گوید:
 ای رنجبر سپاه چرده
 تا چند بخواب تنیم مرده ...
 ای رنگ‌پلو بخواب دیده
 ای بوی کباب ناشنیده
 ای گاو من، ای شریک زحمت
 رحمت به تو، مددزار رحمت
 دایم شوبه زحمتی و رنجی
 از رنج تو برده‌اند گنجی
 گاو انبیدی اگر به ایران
 ایران بودی تمام ویران ...
 ای گاو بدان که مدعی کبیت
 این لافری ترا سبب چیست
 ارباب‌بیرده بونجه و گناه
 ما شیم رعیت او بود شاه ...
 ای همدم گاو و مونس‌سوی
 برخیز گذشت موسم دی ! ...
 فرخی یزدی، شاعر و نویسنده آزادیخواه و انقلابی، از شاعرانی است که سمت‌گیری سوسیالیستی را میتوان در اشعارش مشاهده نمود. وی در زندان تحت تاثیر دکتر آرائی، با اندیشه کمونیستی آشنا شد و از آن پس همیشه آنها را در اشعارش بکاربرد آنچه را با کارگر سرمایه‌داری می‌کند

با کبوتر، پنجه‌باز شکاری میکند
 می‌برد از دشرنجش گنج اگر سرمایه‌دار
 بهر قتلش از چه دیگر با فشاری میکند؟
 سال و مه در انتظار قرص‌ناب، شب تا به صبح
 دیده زارع چرا اختر شماری میکنند؟
 پس از سازش نیروهای ارتجاعی و سازشکار که منجر به شکست انقلاب مشروطه گردید، دیدگاه‌های پوپولیستی اشک‌افسک ضعیف‌گشت و ضرورت مبارزه طبقاتی بیشتر روشن شد. فرخی از کسانی بود که گسترش مبارزه طبقاتی (با بقول خودش "جنگ منفی") را ترغیب نمود و جان خود را نیز عاقدانه در این راه نهاد:

توده را با جنگ صنفی آشنا باید نمود

کشمکش را بر سر فقر و غنا باید نمود

ضعفهای شعر فارسی دوران مشروطه

همانگونه که دیدیم شعر فارسی دوران مشروطه تحولی عظیم در ادبیات ایران بشمار میرود. با اینحال شعر فارسی این دوره محدودیتها و ضعفهای خاص خود را که اغلب اجتنابناپذیر بودند، دارا بود. بیشتر شاعران این دوره (بجز لاهوتی و فرخی) را میتوان رئالیست انتقادی شمرد. منظور ما از رئالیسم انتقادی، دیدگاهی است که میخواهد معایب جامعه را از طریق انتقاد برطرف سازد و درک درستی از نظام جدیدی که باید از لحاظ تاریخی جایگزین نظام فعلی شود، ندارد. البته باید در نظر داشت که بسیاری از رئالیستهای انتقادی دوران مشروطه (اشرفالدین حسینی، میرزاده عشقی، پروین اعتصامی) تأکید خاصی بر اقتدار پادشاهی جامعه داشتند. با اینحال آنها درک درستی از مبارزه طبقاتی نداشتند و اصولا برخورد آنها با مشکلات اجتماعی، یک پرخاش فردی و اجتماعی بود. همچنین نقشی برای نیروی بالنده دوران ما، یعنی طبقه کارگر قائل نبودند. ظنم این ضعفها، شعری انتقادی دوران مشروطه منشاء آگاهگری و بیداری نسل جدیدی از شاعران شدند که بعدا راه آنها را ادامه دادند.

قبلا اشاره کردیم که شعر فارسی دوران مشروطه از لحاظ - فرم با شعر کهن سرزبندی کاملی نداشت. حتی شاعران رئالیست - سوسیالیست این دوره مثل لاهوتی و فرخی، برای بیان مضمون خود از کلمات و عباراتی استفاده میکردند که با توجه به شرایط جدید اجتماعی، با واقعیتهای موجود بیگانه بود. عبارات واستعارات آنها اغلب همان عبارات واستعارات شاعران قدیمی بود. همچنین شعر دوران مشروطه از نظم و ترکیب خاصی برخوردار نبود و پراکنده گویی بوضوح در آن دیده میشد. بغیر از لاهوتی که اشعار وی تا حدودی از وحدت موضوعی برخوردار است، در آثار اغلب شعرای این دوره ارتباط دیالکتیکی بین مفاهیم دیده نمیشود. شاعران این دوره، مثل شاعران گذشته همچنان اسیر

محدودیتهایی که وزن و قافیه ایجاد میکرد، بودند. آنها رابطه دیالکتیکی بین شکل و محتوی را درک نمیکردند. فالسب و چارچوب کهن شعر دوران مشروطه، ظرفیت و گنجایش افکار تازه و محتوی نوین را نداشت و از اینرو محکوم به شکست بود. در شماره آینده از انقلابی که نیما در شکستن چارچوب شعر فارسی و تکامل شعر معاصر بعمل آورد، سخن خواهیم گفت.

منابع

- ۱- احمد اشرف، نظام آسایشی یا نظام فئودالی، مجله جهان نو، تهران، سال ۲۲، شماره ۸-۱۰، سال ۱۳۲۴، صفحه ۲۹
- ۲- پاولویچ، ایرانسکی و شریا، انقلاب مشروطیت و ریشههای اجتماعی و اقتصادی آن، ۱۳۳۰، ص ۱۱۹
- ۳- مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، جلد سوم، ص ۶۴۰
- ۴- بحیثی آرمین پور، از صبا تا نیما، جلد اول، تهران، ۱۳۵۰، ص ۱۵
- ۵- همانجا، ص ۲۵
- ۶- ارنست فیشر، ضرورت هنر در روند تکامل اجتماعی، تهران، ۱۳۵۲، ص ۶۶
- ۷- دکتر میترا، رئالیسم و ضد رئالیسم در ادبیات تهران، ۱۳۵۳، ص ۸
- ۸- اسماعیل حاکمی، ادبیات معاصر ایران، تهران، ۱۳۵۳، ص ۳-۷
- ۹- احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، تهران، ۱۳۵۳، ص ۲۶
- ۱۰- همانجا، ص ۲۶
- ۱۱- ادوارد براون، تاریخ مطبوعات و ادبیات فارسی در دوران مشروطیت، جلد دوم، تهران، ۱۳۳۸، ص ۲۹
- ۱۲- حاج زینالعابدین مراغه‌ای، سیاحتنامه ابراهیم بیگ، تهران، ۱۳۵۲، ص ۲۵
- ۱۳- بحیثی آرمین پور، پیشین، جلد دوم، ص ۲۲۸
- ۱۴- ادوارد براون، تاریخ ادبیات ایران از آغاز عهد صفویه تا عصر حاضر، تهران، ۱۳۲۴، ص ۲۰۶
- ۱۵- محسن جمیل او، مسئله آزادی زن در شعر معاصر فارسی، ترجمه صدیق، تهران، ۱۳۵۵، ص ۶۹
- ۱۶- ابراهیم فخرآبی، گیلان در جنبش مشروطیت، تهران، ۱۳۵۳، ص ۱۷۸
- ۱۷- بحیثی آرمین پور، پیشین، ص ۷۰
- ۱۸- احمد کسروی، پیشین، ص ۲۷۷
- ۱۹- لوتسکی، تاریخ عرب در قرون جدید، تهران، ۱۳۵۵، ص ۲۴۶

سالگرد شهادت

است، زیرا آنان همه مشرکات، ویژگیها و معیارهایی را که ممیزه عنصر تاریخی - اجتماعی فدائی است، در خود داشتند. دو ماه پیش از آن طی یک درگیری شهادت اندیشمندی، کوشندگی، سازشناپذیری، تواضع، رسیده بود، اما رژیم برای تضعیف روحیه عشق به زندگی، مسئولیت شناسی و تحرک از عمدهترین عوامل این رفتاری شهید بود. هر یک نقشی بزرگ در بازسازی سازمان و حفظ و تداوم میراث انقلابی آن بعد از انشعاب اکثریت داشتند.

میرزا شهباز مدیر شانه‌چی، عضو دیگر مرکزیت سازمان نیز حدود دو ماه پیش از آن طی یک درگیری شهادت یافته بود، اما رژیم برای تضعیف روحیه عشق به زندگی، مسئولیت شناسی و تحرک از عمدهترین عوامل این رفتاری شهید بود. هر یک نقشی بزرگ در بازسازی سازمان و حفظ و تداوم میراث انقلابی آن بعد از انشعاب اکثریت داشتند.

در آستانه بهار سال ۶۱، در حالیکه شکوفه‌های همرنگ خون انبوه شهیدان بخون می‌نشست، رژیم ددمنش جمهوری اسلامی بار دیگر جنایتی هولناک آفرید. این بار قلب سازمان هدف قرار گرفت و رفقا هادی، نظام و کاظم طی درگیری‌های متفاوت شهادت رسیدند. در این درگیری‌ها پنج فدائی دیگر رفقا جواد، امیر، عباس، حمید، بخشایار نیز شهید شدند. رفیق محسن مدیر شانه‌چی، عضو دیگر مرکزیت سازمان نیز حدود دو ماه پیش از آن طی یک درگیری شهادت یافته بود، اما رژیم برای تضعیف روحیه عشق به زندگی، مسئولیت شناسی و تحرک از عمدهترین عوامل این رفتاری شهید بود. هر یک نقشی بزرگ در بازسازی سازمان و حفظ و تداوم میراث انقلابی آن بعد از انشعاب اکثریت داشتند.

اما، زیبا ترین کوهان، کوهان سنگرند. و روده‌های خاطره انگیز، آوازه خوان بجانب دریا شناورند. تو کوهسار مردان، انسا شکوه، تو رودبار توفان، انسا سرود، اسطوره‌ی طبیعت و انسان، آمیزه‌ی شگفت دو دنیایی، زیبایایی ای دلآور زیبای!

شهادت

با دشان جاودانه است

تجدید قرارداد نیروگاههای اتمی بوشهر خیانتی دیگر به

زحمتکشان ایران و منطقه

این مقاله توسط رفاقی هوادار در
اطرفش تهیه و تنظیم شده است.
"جهان"

از جمله سیاستهای جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی، تداوم قراردادهای اسارتبار امپریالیستی رژیم گذشته میباشد. رژیم با وفا حتی و مفنا پذیر از تجدید قراردادهای امپریالیستی سخن میگوید و با عنوان کردن "طرح جدید سرمایه گذاری خارجی در - ایران بر اساس انتقال تکنولوژی" (اطلاعات ۶۲/۵/۹)، وقیحانه اعلام میدارند که تاکنون ۱۸۰ شرکت امپریالیستی همچنان به فعالیت خود ادامه داده و دسترنج نوده های زحمتکش را به تاراج میبردند. جالب اینجاست که رژیم غارت امپریالیستها را صرفاً "کسب تکنولوژی و دانش فنی آنها" قلمداد میکند! نگاه کوتاهی به سیاست رژیم در مورد چگونگی فعال کردن این شرکتها، خود بیانگر ماهیت رژیم است که جز به استثمار خلق نمیاندیشد. رژیم با تلاشی فراوان و پرداخت غرامتهای گزاف شکن از جیب شده ها، توانست امپریالیستها را متقاعد سازد که فعالیت چهارلنگرانه خود را در ایران هرچه بیشتر گسترش دهند. در همین رابطه، بدنبال خوشرویی رژیم در پائیز سال ۱۳۶۲، عمده های از سرمایه داران آلمانی از طرف سردمداران رژیم جمهوری اسلامی به ایران دعوت شدند. در این دیدار رژیم کوشید تا سرمایه داران آلمانی را متقاعد سازد که از سرمایه های آنها حفاظت خواهند کرد. درماندگی رژیم تا آنجا انجامید که برای جلب اعتماد نمایندگان امپریالیسم، اجازه داد محل خزانه ارزی بانک مرکزی توسط فیلمبرداران آلمانی فیلمبرداری شود. بنا بر گزارش تلویزیونی شبکه ZDF آلمان، که از طرف این هیئت بازدیدکننده تهیه شده بود، سرمایه داران آلمانی که بیش از ۷۰ شرکت مختلف آلمانی را نمایندگی میکردند، موفق شدند زیر چتر حمایت رژیم از اکثر نقاط صنعتی ایران بازدید کنند.

از جمله مناطقی که مورد بازدید این هیئت قرار گرفت، محل نیروگاههای اتمی بوشهر بود.

ساختمان این نیروگاهها در سال ۱۹۷۵ توسط شرکت آلمانی کا- و - او (KVO) (۱) شروع شد و تا مقطع قیام با صرف هزینه ای بیش از ۱۰ میلیارد ماری ادامه داشت.

رژیم جمهوری اسلامی علیرغم هتدارها و افشاگریهای نیروهای مترقی و انقلابی در مورد این طرح امپریالیستی، هیچگاه از لغو قرارداد نیروگاههای اتمی بوشهر نه تنها سخنی بر زبان نیاورد، بلکه طی ۵ سالی که از حکومت آن میگذرد، غرامتهای سنگینی که از طرف شرکت سازنده نیروگاهها مطالبه شده بود، کلاً پرداخت کرده است. رژیم با عنوان کردن اینکه نگهداری ساختمانهای نیمه تمام نیروگاهها برای ایران متحمل هزینه فراوانی است و با اینکه ایران احتیاج مبرمی به تولید الکتریسته دارد، (۲) طی دیدار هیئت آلمانی، رسماً اعلام داشت که حاضر است در بازسازی و تکمیل این نیروگاهها دوباره دستبکار شود.

از آنجا که پروژه نیروگاههای اتمی بوشهر از هر لحاظ برای ایران غیرضروری و غیر اقتصادی میباشد و با شام رساندن این پروژه خیانت دیگری به خلفای تحت استم ایران محسوب میشود، بر آن شدیم تا طی گزارش کوتاهی بکبار دیگر نشان دهیم که چگونه رژیم جمهوری اسلامی مانند اسلاف جنایتکارش فرمانبردار و

اطلاعات پنجشنبه ۵ خردادماه ۱۳۶۲ - شماره ۱۷۰۲۰

انرژی اتمی در ایران

دکتر غفوری در مورد انرژی اتمی در ایران گفت: در برنامه ۲۰ ساله وزارت نیرو استفاده از انرژی اتمی نیز گنجانده شده است که احتمال زیاد در اواخر برنامه دوم نیروگاه بوشهر که ۸۵ درصد بگ برآورد آن ساخته شده است تکمیل خواهد شد. وی در پایان با اشاره به عدم هماهنگی در کارها در گذشته گفت: شورای انرژی در جلسات اخیر خود تصویب کرد کسب انرژی های نو توسط وزارت نیرو انجام گیرد.

اطلاعات چهارشنبه ۱۳ خردادماه ۱۷۰۵۱ شماره

از شرکت ژاپنی طرح شیرین کردن آب دریا در بوشهر رفع توقیف شد

در پی رفع توقیف از شرکت ژاپنی شیرینسازان شرکت در اختیار سازمان انرژی اتمی قرار گرفت. روابط عمومی بنیاد مستضعفان ضمن اعلام این مطلب خاطر نشان ساخت: شرکت شیرینسازان که متشکل از سه کسربومیومی ایندینیز، ساناکورا اینجرینگ کیمای و سویتوموتسوجی کایشا میباشد مجری طرح شیرین کردن آب دریا در بوشهر است که طبق حکم دادستانی انقلاب بوشهر توقیف شده بود. براساس همین گزارش: شرکت مزبور در سال ۱۳۵۶ طی قراردادی با سازمان انرژی اتمی ایران، اجرای طرح شیرین کردن آب را به ظرفیت ۲۰۰ هزار مترمکعب در روز بعهده گرفت اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی توقیف و تحت سرپرستی بنیاد مستضعفان استان بوشهر قرار گرفت که با حکم دادستانی انقلاب و رفع توقیف مجدداً به سازمان انرژی اتمی بازگردانده شد.

Kathwell Ulms AG. - abenroedel, Februar 1977

Das Kernkraftwerk Iran-1 und Iran-2 am Persischen Golf

Entwicklung des Projekts

NUCLEAR ENGINEERING INTERNATIONAL

UKAEA begins waste management research programme for Iran

The UK Atomic Energy Authority has received the go-ahead from the Nuclear Safety Division of the Atomic Energy Organization of Iran for a comprehensive programme of work to be managed by the North...

اکنون که واپسین دم حیات رژیم جمهوری اسلامی نزدیک است، روزی نیست که گوشه و کنار وزق باره های وابسته به رژیم و دیگر مطبوعات خارجی از اخبار هجوم امپریالیست های غارتگر به ایران، مزین نباشد.

عدم تکرار امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا است. برای این منظور ابتدا ضمن مرور سابقه تاریخی شکل گیری این قرارداد تصمیمی، اصل گزارش شرکت KWU که در نشریه "اتیم-ویرتشافت" (۳) در فوریه ۱۹۷۷ بجا برنده را همراه با استناد دیگری که حاوی اطلاعات افشاگرانه است، مورد بررسی قرار خواهیم داد و در پایان به خطرات و زیانهای ناشی از نیروگاههای اتمی اشاره خواهیم کرد.

سابقه تاریخی

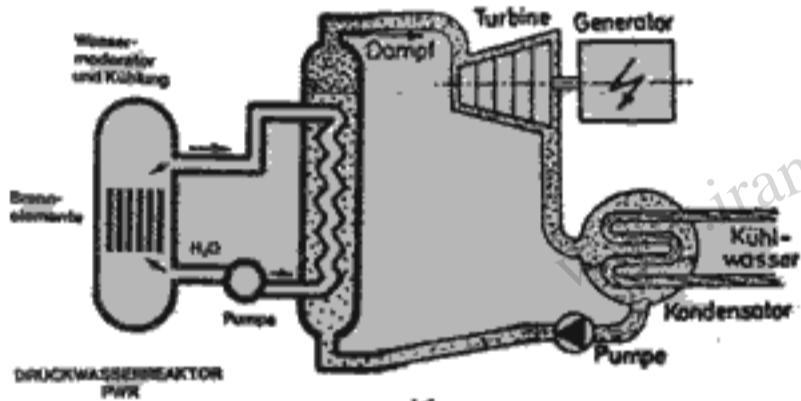
رژیم خاشن شاه با وعده "تمدن بزرگ" و "صنعتی شدن ایران" کوشید تا پایه‌های سرمایه‌داری وابسته را در ایران محکم سازد. از جمله اقدامات و برنامه‌های در دستور کار آن این بود که تا آخر هشتمین برنامه پنج ساله‌اش (یعنی تا آخر سال ۱۹۹۳) قدرت تولید الکتریسیته ایران را ظاهراً تا ۵۶۰۰۰ مگاوات (هر مگاوات برابر یک میلیون وات است) برساند. بر اساس این پیش‌بینی قرار بود که ۲۲۴۰۰ مگاوات از رقم بالا (نزدیک به ۵۰٪) از طریق بکارگیری انرژی اتمی تامین گردد. برای این منظور، ساختمان ۲۰ نیروگاه اتمی در نقاط مختلف ایران طرح ریزی شد. در رابطه با اجرای این طرح، سازمان انرژی اتمی ایران از اول سال ۱۹۷۴ با شرکت‌های تولید کننده نیروگاههای اتمی کشورهای آمریکا، آلمان، فرانسه، انگلیس و ژاپن مذاکره نشست. حاصل این نشستها قراردادی بود که در نوامبر ۱۹۷۴ بین "سازمان انرژی اتمی ایران" و شرکت آلمانی KWU با مفاه رسید.

مجلس بنام "حلیله" تعیین شد. پس از تحقیقات مختصر زمین‌شناسی قرار داد اصلی در تاریخ چهارم اوت ۱۹۷۶ با مفاه رسید. لازم به یادآوری است که علاوه بر شرکت KWU شرکت‌های زیر در اجرای این طرح شرکت داشتند:

- 1- Hoechst AG
 - 2- Bycherhoff & Widmann AG
 - 3- General Mechanic AG (شرکت ایرانی - آمریکایی)
- همزمان با قرارداد بالا، "سازمان انرژی اتمی ایران" قرارداد دیگری نیز با KWU امضا نمود که برطبق آن مصرف سوخت اتمی نیروگاههای اتمی بوشهر برای ۱۰ بار مصرف از طرف این شرکت، به توجه به قیمت روز مواد سوختی تضمین گردید. (۴) هزینه ساختمان نیروگاهها حدود ۱۰ میلیارد مارک برآورد شد که این رقم بزرگترین قراردادی بود که در تاریخ اقتصاد آلمان، یک شرکت آلمانی توانسته بود در خارج از خاک آلمان منعقد سازد. (۵)

نوع نیروگاههای اتمی بوشهر

نوع راکتورهای اتمی بوشهر از نوع DWR (PWR) است که عنصر خنک‌کننده آن آب می باشد. لازم به تذکر است که تمام مقیاسات و سیستم های کنترل راکتورهای مزبور در انحصار شرکت KWU می باشد. شکل ۲ طرز کار این نوع راکتور اتمی را نشان میدهد.



شکل ۲

نیروگاه اتمی بوشهر و عدم رعایت مسائل ایمنی

الف - محل ساختمان نیروگاه ابتدائی ترین مسئله ایمنی در مورد نیروگاههای اتمی می باشد. در این مورد معمولاً مسائل زیر مورد توجه قرار میگیرد:

- ۱ - جنس زمین ۲ - زلزله خیز نبودن منطقه ۳ - آب و هوا و درجه حرارت محیط.

در طرح نیروگاههای اتمی بوشهر، شرکت آمریکایی (Bates & Moore) عهده دار تحقیقات زمین شناسی و دیگر مسائل بساد شده در بالا میشود. این شرکت آمریکایی قبول میکند که هرچند سریعتر نتیجه تحقیقات خود را در اختیار شرکت KWU بگذارد و در این مورد تاکید میشود که این کار باید در اسرع وقت انجام پذیرد. (۶)

جهت اطلاع بیشتر در مورد مشخصات منطقه، قسمتی از اصل گزارش شرکت آمریکایی مذکور در زیر ارائه میگردد:

طبق گزارش نشریه "اتم ویرتشافت"، اگر قرار بود که شرکت KWU چنین نیروگاههایی را در داخل خاک آلمان بکار بیاندازد، مسائل ایمنی خاصی در نظر میگرفت که در مورد ساختمان نیروگاههای اتمی بوشهر این مسائل نادیده گرفته شده است. بررسی



Abb. 1: Lage des Standortes des Kernkraftwerkes Iran-1 und Iran-2 am Persischen Golf.

شکل ۱

بر طبق قرارداد مذکور، KWU متعهد میگردد که فوراً دست بکار ساختن دو نیروگاه بنامهای "ایران - ۱" و "ایران - ۲" هرکدام با قدرت ۱۳۰۰ مگاوات بشود. در همین قرارداد به KWU در مورد انتخاب محل نیروگاهها اختیارات تام داده شد. (۷) بنا بر گزارش این شرکت با توجه به سهولت مسئله حمل و نقل، سواحل خلیج فارس به نظر قرار گرفت. (شکل ۱) در قرارداد مزبور همچنین در مورد تاریخ اتمام نیروگاهها، تاریخ اول دسامبر ۱۹۸۰ برای نیروگاه "ایران - ۱" و اول نوامبر ۱۹۸۱ برای نیروگاه "ایران - ۲" در نظر گرفته شد. بالاخره در ماه مه ۱۹۷۵ تصمیم قطعی جهت تعیین محل نیروگاهها اعلام گردید. محل نیروگاهها در ۱۸ کیلومتری بوشهر در

بود که در مورد "جوشکاری کره اطمینان" (شکل ۲) توسط متخصصین آلمانی اتفاق افتاد.

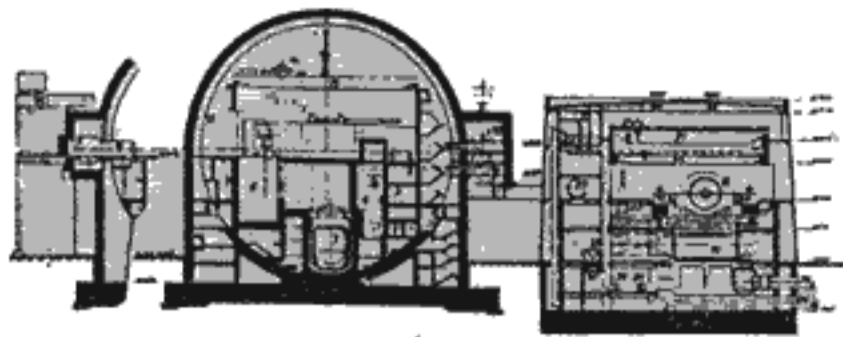


Abb. 7: Schnitt von Reaktorgebäude und Maschinenhaus.

- | | |
|--------------------|--------------------------------|
| 1. Reaktorgebäude | 14. Reaktorgebäude mit Lüftung |
| 2. Druckbehälter | 15. AB-Tank |
| 3. Druckbehälter | 16. Kesselhaus |
| 4. Reaktorgebäude | 17. Reaktorgebäude |
| 5. Reaktorgebäude | 18. Reaktorgebäude |
| 6. Reaktorgebäude | 19. Reaktorgebäude |
| 7. Reaktorgebäude | 20. Reaktorgebäude |
| 8. Reaktorgebäude | 21. Reaktorgebäude |
| 9. Reaktorgebäude | 22. Reaktorgebäude |
| 10. Reaktorgebäude | 23. Reaktorgebäude |
| 11. Reaktorgebäude | 24. Reaktorgebäude |
| 12. Reaktorgebäude | 25. Reaktorgebäude |

شکل ۲

معمولا برای بالا بردن ضریب ایمنی نیروگاه های اتمی متداول است که بر حول مخزن حرارت و مدار نخستین، یک کره اطمینان ساخته شود تا در صورت بروز نقائص فنی از قبیل ترک برداشتن مخزن حرارت و یا لوله های مدار نخستین (شکل ۲) مواد رادیو اکتیو در کره مانده و به محیط زیست اطراف نفوذ نکند. این کره از ۴۶۲ قطعه ضخامت ۳۰ الی ۴۰ میلیمتر تشکیل شده که این قطعات بهم جوش داده میشوند تا کره ای بشعاع ۵۶ متر بوجود آید.

در مورد جوشکاری این کره، شرکت کروب آلمان عهده دار این کار میگردد. پس از اتمام کار، ۵۰ درصد از جوشکارها ترک بر میدارند و شرکت هیزبور بلادرتگ درمدم تعمیر آنها برمیآید. این مسئله که باعث بروز اختلاف بین دو شرکت امپریالیستی گردید، سرومادی زیادی در مطبوعات اروپا بها نمود. (۵) شرکت KWU برای اینکه به کارش جنبه قانونی بدهد و در حقیقت از خود سلب مسئولیت کند، تصمیم گرفت که نمونه هایی از این جوشکاری ها را توسط یک موسسه تحقیقاتی آلمانی دیگر (۱) مورد آزمایش قرار دهد. البته نتیجه این تحقیقات هرگز اعلام نشد. فقط این مسئله برای ما روشن است که دعوی خانوادگی دو شرکت امپریالیستی پایان یافت و ساختمان نیروگاهها ادا به پیدا کرد. مسلم است که چنین سهل انگاری ها و اشکالات خطرناک، در سایر قسمتهای دیگر نیز وجود دارد که "کارکنان سازمان انرژی اتمی ایران" پس از قیام در بمبایه خود به بعضی از آنها اشاره کردند. (۶)

مشکل دیگری که در ساختمان نیروگاهها وجود داشت مسئله بالا بودن درجه حرارت در تابستان بود. کارگزاران امپریالیسم که در مدد تکمیل "تجارب" و پر کردن جیب خود بودند، در این مورد نیز چاره جوشی نموده و پیشنهاد خرید دستگاههای عظیم تهویه هوا و دستگاههای خنک کننده آب را کردند. (آب خلیج در این منطقه در تابستان تا ۲۸ درجه سانتی گراد گرم میشود). لازم به تذکر است که هزینه این تاسیسات اضافی مبرم میباشد. توسط ایران جداگانه تامین گردد.

باید دانست که آب خلیج حاوی ۲/۸٪ نمک میباشد، که برای استفاده در مدار خنک کننده رآکتورها خطرناک و غیر قابل استفاده است. در این مورد نیز برای تصفیه نمک، دو دستگاه

وضعیت زمین شناسی بوشهر نشان میدهد که این منطقه از لحاظ جغرافیایی جزو مناطق زلزله خیز جهان محسوب میگردد و در حال حاضر شدت لرزش زمین بین ۲ الی ۵ متر در ثانیه میباشد. (بطور متوسط لرزش زمین محل نیروگاههای آلمان ۱۰ الی ۱۶ بار کمتر است. اگر با کمی شامل تاریخ منطقه را ورق بزنیم، درمی یابیم که همین چند سال قبل در اثر زلزله مهیبی هزاران زحمتکش ایرانی در منطقه لار که فاصله چندانی هم با "خلیله" ندارد، جان خود را از دست دادند و خانه و کاشانه هزاران نفر نیز نابود گردید. چند سال بعد از آن مجددا فاجعه مشابهی در محل "قبر و کارزین" فارس اتفاق افتاد.

با مرور سطحی این حقایق، هر انسان با شرف و بی غرضی در می یابد که چنین محلی برای ساختن نیروگاههای اتمی مناسب نیست و خطرات وحشتناک و پیش بینی نشده ای برای خلقهای رنج کشیده ایران و منطقه در بردارد.

ب- بررسی ساختمان اصلی نیروگاهها
مجموع ساختمانی نیروگاههای اتمی بوشهر در زمینی به مساحت ۲۰۰ هکتار ساخته شده است. شمای تقریبی قرار گرفتن قسمتهای مختلف نیروگاهها در شکل ۳ ملاحظه میگردد.

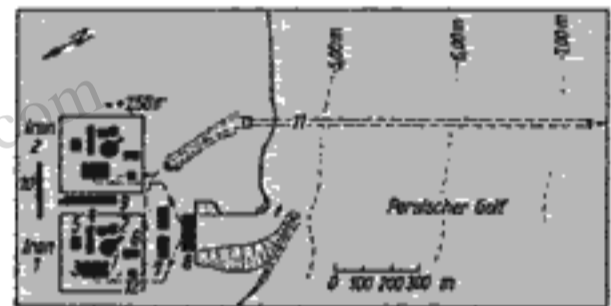


Abb. 5: Lageplan des Kernkraftwerkes Iran-1 und Iran-2.

- | | |
|-------------------------------------|------------------------------|
| 1. Reaktorgebäude | 7. Kältemaschinengebäude |
| 2. Hilfsanlagengebäude | 8. Kühlwasserreinigungswerk |
| 3. Maschinenhaus | 9. Nebenanlagengebäude |
| 4. Schaltanlagengebäude | 10. Netzschaltanlagengebäude |
| 5. Heizungs- und Kühlwasserzentrale | 11. Kühlwasserrücklaufkanal |
| 6. Notstromgebäude | 12. Kesselbehälter |

شکل ۳

پس از ارائه شدن نتیجه تحقیقات عجولانه شرکت آمریکایی Dames & Moore طبق گزارش بعدی KWU (۲)، این شرکت بها مشکلات و مسائل تازه ای روبرو میگردد. طبق اظهار خود شرکت، ساختن نیروگاههای اتمی بوشهر تجربه های جدیدی را برای این شرکت به همراه خواهد داشت. و "این پیشروی در تکنولوژی محسوب میگردد... (۳)

کارشناسان مالی این شرکت نیز به این جمع بندی رسیدند که ایران باید ساختمان نیروگاهها را با هزینه گزافتری پیشبرد! کارشناسان فنی شرکت KWU اعلام داشتند که به علت لسرزش بیش از حد زمین بهتراست کمی به قطر بتونهای بکار رفته در قسمتهای اصلی نیروگاهها اضافه گردد و فاصله کانالهای ارتباطی مربوط به نیروگاهها زیادتر شود. (۴)

از آنجا که این بزرگترین پروژه ساختمانی بود که سرمایه داران آلمانی در خارج از کشورشان بان مشغول میشدند، آنها به هیچ وجه حاضر نبودند از چنین لقمه چرب و نرمی چشم پوشی کنند. (۴) بنا بر این خطرات ایمنی نادیده گرفته شد. در اینجا بد نیست بعنوان نمونه، اشاره به مسئله ای کنیم که در حین ساختمان نیروگاهها بوقوع پیوست و آن افتخاحی

نمک زدایی آب دریا، هر کدام به ظرفیت صد هزار متر مکعب در روز، در ضلع جنوبی ساختمان نیروگاهها طرح ریزی شد. از آنجا که از این جوان بیخما، سرمایه داران ژاپنی هم نمیباشند. بی بهره بمانند. اجرای این طرح به شرکت ژاپنی میتسوبیشی محول گردید.

ج - سیستم خنک کننده

مسئله حیاتی دیگر در مورد ساختمان نیروگاههای اتمی که از اهمیت خاصی برخوردار است، سیستم خنک کننده آن میباشد. حال ببینیم این سیستم در مورد نیروگاههای اتمی بوشهر به چه صورت طرح ریزی شده است.

در طرح نیروگاههای اتمی بوشهر قرار بر این بود که از آب خلیج بعنوان قسمتی از مدار خنک کننده استفاده شود. در این مورد نیز بعلمت فوق العاده بودن شرایط منطقه، راه حل کاملاً غیر عادی و یا بگفته KWU "خارق العاده" ای (۳) بکار گرفته میشود. طبق گزارش این شرکت، ساحل خلیج فارس در این منطقه کاملاً مسطح میباشد بطوریکه عمق دریا در فاصله ۱/۵ کیلومتری حدود ۷ متر است. در نتیجه اختلاف درجه حرارت آب در عمق و سطح دریا تقریباً وجود ندارد. (چنانکه قبلاً توضیح داده شد، در این طرح ابتدا آب دریا را نمک زدایی میکنند و بعلمت بالا بودن درجه حرارت آب خلیج، قبل از اینکه آب به رآکتورها برسد، در مراحل مختلف پله پله خنک میشود و پس از گردش در مدار خنک کننده آب گرم شده، دوباره به دریا برگردانیده میشود) (۳).

کارشناسان آلمانی بتلاش افتادند تا طرح "خارق العاده" ای! پیاده کنند. در این مورد طرحی از طرف موسسای وابسته به دانشکده فنی هانور (۴) ارائه میشود که مورد توجه قرار میگردد. (۳) این طرح خارق العاده باین صورت عملی خواهد شد که ابتدا با ساختن موج شکن هائی در فاصله ۱۲۰۰ متری از ساحل، زیر کف دریا کانال مخصوص بطول ۱۲۰۰ متر احداث خواهد شد و آب گرم برگشتی از رآکتورها توسط این کانال بوسیله دریا هدایت خواهد شد (شکل ۵). در این زمینه KWU در گزارش خود امیدوار است که با این عمل، تغییر درجه حرارت آب دریا حداکثر یک تا دو درجه سانتی گراد بیشتر نباشد. (۳)

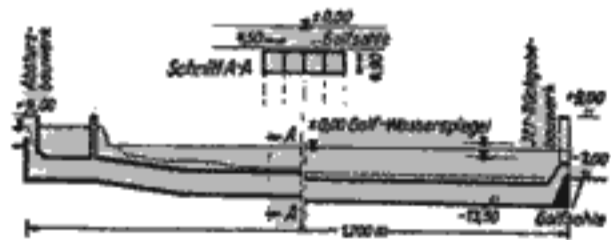


Abb. 8: Längs- und Querschnitt durch den Kühlwasserrücklaufkanal.

شکل ۵

آنچه مسلم است، این است که تغییر ناگهانی درجه حرارت آب دریا در شرایط زندگی موجودات زنده دریائی تاثیر فراوانی دارد و اینکه تغییر تحولات چه زیانهای جبران ناپذیری به محیط زیست وارد میکند، سئوالی است که بی جواب مانده است. (۸) جالب توجه اینجاست که تاکنون هیچگونه اقدام تحقیقاتی در این مورد از طرف شرکت سازنده و با دیگر مقامات مسئول انجام نگرفته است.

هزینه های جانبی

در خاتمه گزارش KWU به این مطلب نیز اشاره شده است که همراه با احداث دو نیروگاه فوق الذکر، به تاسیسات جانبی

مختلفی نیاز است که اهم آنها بصورت زیر است:

- ۱- دو دستگاه تولید آب شیرین جهت آب آشامیدنی مصرفی، هر کدام بطرفیت ۳۴۰۰ مترمکعب در روز.
- ۲- کارخانه دیزل برق بقدرت ۲۳۰۰ کیلو وات.
- ۳- کارخانه دیزل برق بقدرت ۲۲۵۰۰ کیلو وات.
- ۴- احداث تعمیرگاه بزرگ با پارکینگ مخصوص برای کامیونهای سنگین و ماشین های ساختمانی.
- ۵- کارخانه بتون سازی مستقل.
- ۶- طرح شبکه برق محلی.
- ۷- ۲۰ واحد ساختمانی جهت کارهای اداری.
- ۸- ۳۰ واحد ساختمانی جهت انبار.
- ۹- احداث ۶۵ کیلومتر جاده آسفالت.
- ۱۰- مجتمع ساختمانی مسکونی جهت کارکنان نیروگاهها.

در محلی بنام "بندرگاه" مجتمع مسکونی جهت کارکنان خارجی و خانواده آنها ساخته شده که ساختمانهای آن بصورت آپارتمانهای پیش ساخته، مستقیماً از آلمان وارد شده اند و شامل ۶۰۰ واحد مسکونی انفرادی و ۵۴۰ واحد خانوادگی میباشد. همه آپارتمانهای این واحد تمام میله و دارای دستگاه تهویه مرکزی میباشد.

به نسبت اضافه کنیم که علاوه بر هزینه های ۵ میلیارد مارکی جهت هر یک از نیروگاهها، بنا به گزارش نشریه آلمانی دنبسای کار (مورخ ۱۹۷۸/۹/۷) اقلام زیر جهت نیروگاههای اتمی بوشهر پرداخت شده است.

- ۱- بودجه شرکت های حمل و نقل ۴۰۰ میلیون مارک.
 - ۲- تعداد ۲۹۰۰ کامیون برای حمل و نقل ابزار و آلات مورد نیاز بحمل نیروگاهها بارزش ۳۷۰ میلیون مارک.
 - ۳- ۸۰۰۰۰ لاستیک کامیون و اتوموبیل بارزش ۴۰۰ میلیون مارک.
 - ۴- ۱۱۰۰ اتوبوس کوچک و بزرگ بارزش ۲۳ میلیون مارک.
- فقط با تکمیل کردن اقلام بالا به ایران، بنا به گزارش همین نشریه، حدود ۲۱۰۰۰ نفر آلمانی بمدت ۸ سال در آلمان صاحب کار خواهند بود!
- با بکار افتادن مجدد نیروگاههای اتمی بوشهر و آلوده شدن محیط زیست و منطقه، زیانهای جبران ناپذیری ببار خواهد آمد که باختصار به بررسی آنها میپردازیم:

نیروگاههای اتمی و بهداشت محیط زیست

قبل از بررسی زیانها و خسارات حاصله از اشعه های رادیواکتیو، بهتر است ابتدا مختصراً طرز کار نیروگاههای اتمی را توضیح دهیم.

- در اثر بمباران نوترونی، اتمهای اورانیوم داخل محفظه احتراق (شکل ۲) بطور زنجیره ای شکافته میشود (۹) و هر بار مقدار زیادی انرژی حرارتی آزاد میگردد. در اثر حرارت ایجاد شده، آب مجاور محفظه احتراق به بخار تبدیل شده و درجه حرارت آن تا ۲۹۰ درجه سانتی گراد میرسد. در اثر بخار تولید شده در مدار اول، آب داخل مدار دوم نیز به بخار تبدیل شده که باعث گردش درآمدن توربین تولید برق میشود.

- از خواص اورانیوم این است که در حالت عادی و در موقع شکافته شدن از خود اشعه های تولید میکند که به آن اشعه رادیواکتیو میگویند. در اثر شکافته شدن هسته اتم اورانیوم، عناصر دیگر رادیواکتیو نیز تولید میگردند که برخی از آنها مانند کریپتون ۸۵، گازی شکل میباشد. اینگونه عناصر رادیواکتیو

بطور مستقیم و یا غیر مستقیم در ارگانهای مختلف بدن نفوذ خواهند کرد. در صورت آلوده شدن جریان آبهای زیرزمینی در دراز مدت این آلودگی به دریا نیز سرایت خواهد کرد.

۳- در مورد نیروگاههای اتمی بوشهر، خطر آلودگی آب دریا بسیار زیاد است زیرا در اثر بروز سانحه و یا نقائص فنی، مقدار زیادی مواد رادیواکتیو مستقیماً وارد دریا میگردد. در اینصورت خطرناکترین جنبه آن برای انسان عبارت خواهد بود از مصرف گوشت آلوده ماهی و دیگر موجودات زنده دریایی.



گازی شکل میتوانند بزاحتی به محیط زیست اطراف نفوذ کنند و هوای تنفسی موجودات زنده را برای سالهای مدیدی آلوده به مواد رادیواکتیو کنند. این گونه آلودگی میتواند در اثر برخورد نقائص فنی از قبیل سوراخ شدن، ترک برداشتن و ترکیدن لولههای مدار اول راکتورها شدت یابد.

بطور کلی آنچه با ثبات رسیده است این است که وجود مواد رادیواکتیو در محیط زیست موجودات زنده، زیانهای غیر قابل جبرانی به بار میآورد که بطور خلاصه بگونهای از آنها اشاره میکنیم.

تماس اشعههای رادیواکتیو به سلولهای موجودات زنده موجب تجزیه و متلاشی شدن آنها میگردد. بطور کلی میتوان از لحاظ بیولوژیک زیانهای حاصله از مواد اشعههای رادیو-اکتیو بر انسان را به دو گروه مختلف تقسیم بندی کرد:

الف- زیانهای مستقیم: هنگامی که ارگانهای بدن مستقیماً مورد نفوذ مواد رادیواکتیو قرار میگیرد، فرد یا موجود زنده بیمار گشته و در صورت شدید بودن میزان اشعههای رادیو اکتیو، با بروز عوارض سوختگی، سردرد، سرگیجه، تب و اسهال شدید، استفراغ خون، ریزش مو و ظاهر شدن لکههای سرخ روی پوست بدن، بیمار پس از چند روز کاملاً بی حس شده و میمیرد.

در صورت ظاهر نشدن عوارض فوری، اشعههای رادیواکتیو میتواند بیماریهای زیر را باعث گردند:

سرطان خون، سرطان ریه، سرطان غده کواتر، سرطان استخوان، عفیم شدن، پیری زودرس و کم شدن مقاومت بدن در مقابل بیماریهای مختلف.

ب- زیانهای غیر مستقیم: شامل بیماریهایی میباشد که از طریق زنها به نسل های بعدی منتقل میگرددند. علاوه بر ناقص العصبو شدن نوزادان در اثر تخریب در کروموزونها، عوارض زیر بوقوع میپیونددند:

کم خونی، اختلال حواس، مرع و غش عقب ماندگی ذهنی، اگزما، جراحت مفاصل، انواع بیماری های پوستی، نابینائی، سنگ کلیه، کم زندی استخوانها، نرمی استخوان، بیماریهای کبدی و... (۱۰)

پس بر تحقیقات انجام شده، اکثر امراض بالا علاجناپذیرند زیرا معلول انتقال ژنتیک میباشد. در حقیقت هنوز تجربه و تحقیقات کافی در مورد عوارض ژنتیک اشعههای رادیواکتیو وجود ندارد. در این مورد در گزارش "کمیسیون بین المللی حفاظت در مقابل اشعه رادیواکتیو" چنین آمده است:

"... ارزیابی اثرات ژنتیک اشعههای رادیواکتیو بخصوص در حالت میزان کم آن بسیار مشکلتر از ارزیابی اثرات مستقیم آنها میباشد... نسلهای آینده اند که نماینگر این اثرات خواهند بود! ... (نشریه شماره ۸ مورخ ۱۹۶۶)

بطور کلی نفوذ مواد رادیواکتیو به ارگانهای بدن میتواند از راههای مختلف زیر صورت گیرد:

۱- از طریق تنفس هوای آلوده به گازهای رادیواکتیو. این مواد مستقیماً وارد ارگان تنفسی شده و باعث متلاشی شدن و انهدام آنها میگرددند. همین گازها میتوانند بهنگام ریزش باران جذب ارگانهای گیاهی گردند، که در صورت تغذیه این گیاهان توسط انسان، و با حیوانات، عوارض بالاروی میدهند.

۲- در اثر نفوذ مواد رادیواکتیو به جریان آبهای زیرزمینی، آبهای آشامیدنی آلوده گشته که در صورت آشامیدن و یا آبیاری

عواقب اقتصادی پروژه نیروگاه اتمی

آنچه که گذشت مختصری از چگونگی روند شکل گیری و با اجرا درآمدن قرارداد امپریالیستی نیروگاههای اتمی بوشهر و خطرات و زیانهای ناشی از آن بود. با مرور این مختصر میتوانیم بهتر به سیاست نجا و زکا رانه امپریالیسم و عمالشی بی پریم. مسلماً ماهیت و هدفی که رژیم سرسپرده شاه خاشن از بستن چنین قراردادهائی دنبال میگردد، برکسی پوشیده نیست. امپریالیسم در دهه ۷۰ پیوسته تلاش میکرد تا دلارهای نفتی سرازیر شده به کشورهای تولیدکننده نفت را دوباره در مدار سرمایه داری جهانی حفظ کند. و باز هر کسی پوشیده نیست که ایران با داشتن منابع عظیم انرژی نفت و گاز احتیاجی به چنین طرحهایی ندارد. جالب توجه اینجاست که نزدیکی محل نیروگاههای اتمی بوشهر، یکی از بزرگترین منابع انرژی جهان قرار دارد ولی رژیم سرسپرده سلطنتی با عنوان کردن این مطلب که گویا ذخائر نفتی ایران تا ۴۰ سال آینده پایان میپذیرد، سعی داشت با اجرا درآوردن چنین طرح هائی ضمن پنهان داشتن اهداف جنایتکارانه خود، شعار "دروازه های تمدن بزرگ" را تبلیغ کند. رژیم جمهوری اسلامی نیز از همان فردای قیام شکوهمند ۲۲ بهمن مجری سیاستهای خاشنان - برانداز امپریالیستها شد. در روند حکومت کوتاه و نتگین خود همان سیاستی را پیشه کرده که خواست امپریالیسم و اردوگاه سرمایه داری است. اگر رژیم شاه تکنولوژی غرب را برای رسیدن به "دروازه های تمدن بزرگ" میخواست، امروز نیز جمهوری اسلامی با شعار "استفاده از تکنولوژی و دانش آنها"، و به اجرا درآوردن طرحهایی نظیر طرح نیروگاههای اتمی بوشهر، همان راهی را میپیماید که رژیم شاه آغاز کرده بود. برای درک بهتر این مسئله که طرح نیروگاههای اتمی بوشهر چگونه خلفهای رنج کشیده ایران را هرچه بیشتر بسوی وابستگی سوق میدهد، لازم است با کمک گرفتن از اعداد و ارقام این مهم را بیشتر مورد بررسی قرار دهیم. در بین سالهای ۵۴-۱۳۵۲ "سازمان زمین شناسی ایران" به کمک کارشناسان فرانسوی به مدت دو سال دست به اقدامات تجسی زدند و طبق گزارشی که منتشر شد معلوم گشت که ایران از لحاظ منابع اورانیوم بسیار فقیر میباشد. با توجه به این مطلب در صورت بکار افتادن نیروگاههای اتمی بوشهر برای تامین سوخت اتمی آنها، الزاماً میبایستی دستبدمان کارشل هسائی

بین المللی فروشنده اورانیوم غنی شده، شد. کشورهای تولید کننده اورانیوم غنی شده عمدتاً عبارتند از: آمریکا، کانادا، آفریقای جنوبی و استرالیا. با توجه به روند تصاعدی افزایش قیمت اورانیوم طی سالهای اخیر (۱۱) (جدول شماره ۱)، در میابیم که برای تامین هزینه سوخت اتمی راکتورها، ایبران مجبور است با صدور نفت و گاز ارزان به همان کشورهای تولید کننده سوخت اتمی، از آنها اورانیوم را به بهائی گزاف خریداری کند. (۱۱) لازم به یادآوری است که هر یک از نیروگاههای اتمی پوشش احتیاج به ۱۰۲ تن اورانیوم غنی شده دارد که سالیانه حدود یک سوم آن مصرف میگردد. (۲)

سال	بهای هر پوند اورانیوم
۱۹۷۱	۵/۵۲ دلار
۱۹۷۲	۸/۲۵
۱۹۷۵	۱۰/۵۰
۱۹۷۶	۲۰/۰۰
"	"
"	"
"	"

جدول شماره ۱

اگر توجه کنیم که سالیانه بیش از ۲۰ میلیارد مترمکعب گاز (۶) در بیابانهای ایران (که چندان هم از محاسبات نیروگاهها دور نیستند) شب و روز بیهوده و بی مصرف میسوزد، هرچه بیشتر به خاشاک بودن طرح نیروگاههای اتمی پوشش بی میبریم. افزایش وابستگی و محکم شدن پایههای سرمایه داری وابسته به آنچه در فوق به آنها اشاره شد، محدود نمیشود، بلکه دامنه اش بسیار وسیعتر است و در دراز مدت هرچه بیشتر راه را برای غارت سرمایه داران باز میکند. خلاصه اینکه تا زمانیکه این نیروگاهها در ایران وجود دارند، این وابستگی ها نیز وجود دارند. بطور مثال تامین وسائل بدکی و نیروهای متخصص در انحصار شرکت های تولید کننده میباشد. با وجود فقر نیروهای ماهر محلی، دوباره شاهد سرازیر شدن کارشناسان خارجی خواهیم بود.

معمولاً سیاست تولیدکنندگان این نیروگاهها چنین است که همراه با صدور نیروگاهها، متخصصین رده پائین خود را به کشورهای خریدار اعزام میدارند و از جیب خلقهای تحت تسلیم به آنها حقوقهای کلانی میپردازند. بگفته شواهد عینی اغلب افراد متخصص آلمانی با ساختن مدارک جعلی خود را بعنوان مهندسین متخصص معرفی کرده اند. کارکنان سازمان انرژی اتمی ایران در بیانیه خود متذکر میشوند: "(فروشندهان نیروگاهها) همراه با فروش راکتورهای هسته ای، کارشناسان خود را نیز با حقوقهای گزاف به ایران تحویل میکنند..." (۶)

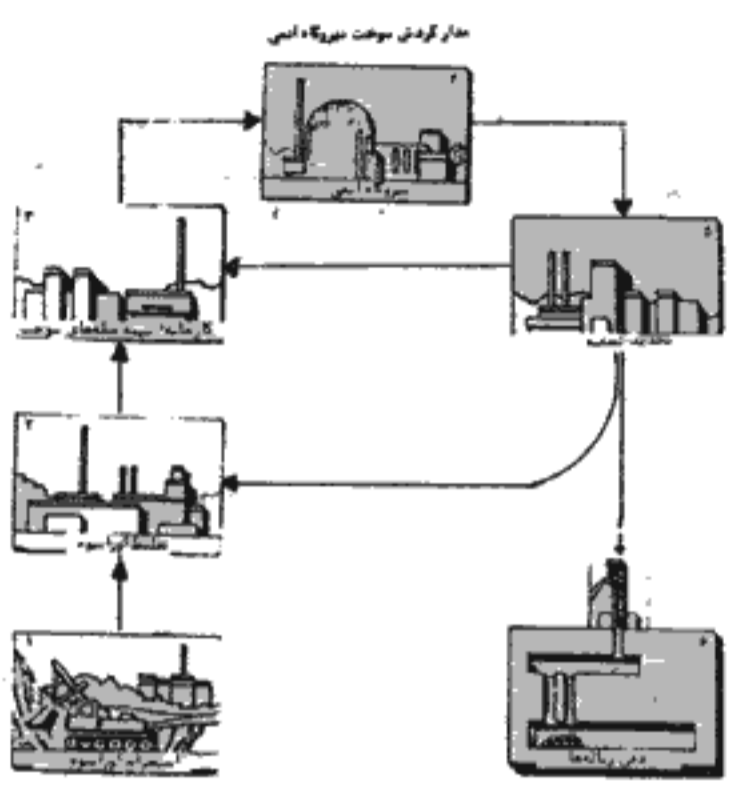
هزینه ها و طرح های اتمی

همانطوریکه اشاره کردیم شدید وابستگی به مسائل گفته شده محدود نمیشود، بلکه نکات زیر را نیز دربر میگیرد:

۱- با گذشت ۵ سال از متوقف شدن طرح نیروگاهها، بعلمت شرایط جوی منطقه، اکثر تاسیسات موجود بعلمت پوسیدگی و زنگ زدگی غیر قابل استفاده میباشند، بنابراین هزینه سنگینی جهت خراب

کردن و بازسازی آنها لازم است.

۲- اگر فرض بر این بگذاریم که ساختمان نیروگاهها با تمام رسیده اند، در اینصورت علاوه بر ساختمان نیروگاهها احتیاج به تاسیسات جانبی دیگری است که در شکل نشان داده شده اند.



شکل ۶

چنانکه ملاحظه میگردد علاوه بر خود نیروگاه اتمی، به پنج تاسیسات دیگر احتیاج است که در حقیقت بدون وجود آنها، بکار انداختن نیروگاه اتمی کار بیهوده ای محسوب میگردد. این تاسیسات عبارتند از: ۱- تاسیسات استخراج اورانیوم، ۲- تاسیسات تغلیظ اورانیوم، ۳- کارخانه تولید میله های سوخت اتمی، ۴- تاسیسات تجدید تعفیه اورانیوم، ۵- تاسیسات دفن زباله های اتمی. احداث هر یک از این تاسیسات متضمن سرمایه گذاری های کمرشکنی است که نه تنها در خدمت منافع زحمتکشان نیست، بلکه هر یک از آنها بتوبه خود موجب بروز زیانها و خطراتی میگردد که قبلاً در مورد آنها توضیح دادیم. برای اینکه از میزان هزینه هنگفت برای احداث هر یک از این تاسیسات تصویری داشته باشیم، کافی است به هزینه ۲۰ میلیارد مارکی احداث تاسیسات تجدید تعفیه اورانیوم که قرار است در آلمان ساخته شود، اشاره کنیم.

به این مطلب نیز اشاره کنیم که در مورد تاسیسات "دفن زباله های اتمی" بین "سازمان انرژی اتمی ایران" و "سازمان انرژی اتمی انگلستان UKAEA" در سال ۱۹۷۸ قراردادی با مضاء رسید که طبق این قرارداد انگلستان موظف میشود که طرح "دفن زباله های اتمی ایران" را با جراف در آورده. محل دفن زباله های اتمی نزدیک شهر اصفهان، در حاشیه کویر در نظر گرفته شد. در این قرارداد انگلستان متعهد میشود که نیروی انسانی و متخصصین لازم را تربیت و با در اختیار ایران بگذارد. (۱۲) بدینگونه سرمایه بالیم انگلیس نیز در این مورد بی کلاه نمی ماند.

بنا بر آنچه در مباحث بالا آمد، میتوانیم حاصل کلام را در نکات زیرین خلاصه کنیم:

منابع

- ۱) کا- و - او KWU (Kraftwerk Union AG) شرکت مختلطی است از شرکت‌های آ- ا - ک (ABB) و شرکت زیمنس "SIEMENS" آلمان
- ۲) گزارش تلویزیونی شبکه ZAF آلمان، دسامبر ۱۹۸۲
- ۳) نشریه "اتم‌ویرتشافت" Atomwirtschaft مورخ فوریه ۱۹۷۷ صفحات ۷۴ الی ۸۰
- ۴) تا اواخر سال ۱۹۷۸ نزدیک به ۲۰۰۰ متخصص و کارشناس آلمانی در نیروگاه‌های اتمی بوشهر اشتغال بکار داشتند. مطابق گزارش مجله "اشرن" (۸ مارس ۱۹۷۹)، اعلام گردید که اگر صادرات آلمان به ایران قطع گردد، بیش از ۲۰۰۰۰ نفر آلمانی کار خود را از دست می‌دهند!
- ۵) نوبه زوریخو سابتوتک، مورخ ۱۹۷۸/۱/۲۱
- ۶) بیانیه "کارکنان سازمان انرژی اتمی ایران" ۱۳۵۷/۱۰/۲
- ۷) Franzius- Institut Fur Wasserbau und Ruesteningenien- Pwissen Der tu Hannover مطابق محاسبات انجام شده فقط ۲۰ الی ۴۰ درصد از گرمای تولید شده صرف تولید برق می‌شود و بقیه از طریق سردار خاک‌کننده و آکسورها به محیط زیست برگشت می‌کند.
- ۹) اگر هسته اتم اورانیوم تحت بمباران شکافته شود، بیوسته در کنار حرارت تولید شده در اثر شکافته شدن هسته اتم اورانیوم تعدادی نوترون نیز آزاد می‌گردد. نوترون‌های آزاد شده نیز در بمباران هسته اتم‌های مجاور شرکت‌جسته و در نتیجه یک‌فعل انفعال زنجیره‌ای حاصل می‌شود که قادر است در مدت زمانی کمتر از یک ثانیه مقدار زیادی حرارت تولید کند.
- ۱۰) نشریه پزشکان اطریش شماره ۲۰، مورخ ۲۵ اکتبر ۱۹۷۵
- ۱۱) هرالده تریبون مورخ ۶ ژوئیه ۱۹۷۶
- ۱۲) نشریه Nuclear Engineering International, Nov. 1977.

۱- رژیم جمهوری اسلامی مانند رژیم شاه خائن سیاست شرکت‌های ورشکسته امپریالیستی را پیشه کرده و با فروش ارزان و بی‌رویه نفت به امپریالیستها و پرداخت غرامت به آنها، با عجز و لایه از آنها می‌خواهد تا هرچه بیشتر به فعالیت استعمار گراشه خود ادامه داده و دسترنج ثوده‌های زحمتکش را بفرات ببرند.

۲- رژیم جمهوری اسلامی طی ۵ سال حکومت سنگین و فاشیستی خود با سرکوب نیروهای انقلابی مدافع کارگران و زحمتکشان و سرکوب خلقهای قهرمان کرد، شرکه بلوچ، ترکمن و عرب‌کوشیده است تا به امپریالیستها ثابت کند که فرمانبردار خوبی برایشان خواهد بود و قادر است از سرمایه و منافع آنان حفاظت کند.

۳- طرح نیروگاه‌های اتمی بوشهر نه تنها در خدمت زحمتکشان ایران نیست، بلکه جز وابستگی هرچه بیشتر ایران به دول امپریالیستی، چیز دیگری همراه ندارد و آنچه نصیب آنها خواهد شد چیزی جز فقر، نابسامانی، بیماری و مرگ نخواهد بود.

۴- بعلافت عدم رعایت فوایط ایمنی در تعیین محل و ساختمان نیروگاه‌ها و وجود نواقص تکنیکی و فنی که نتیجه سهل انگاری و سیاست بهره‌کشی بیشتر سازندگان و طراحان آن می‌باشد، با ادامه ساختمان این نیروگاه‌ها در آینده شاهد سوانح و فجایع جبران ناپذیری خواهیم بود.

۵- نیروگاه‌های اتمی و تاسیسات جانبی آن، عامل آلودگی محیط زیست بمواد رادیواکتیو می‌باشند. این آلودگی‌ها حامل خطرات کشنده‌ای برای نسل حاضر و نسل‌های آینده متعلقه می‌باشد.

۶- در صورت بکار افتادن نیروگاه‌های اتمی بوشهر، احتیاج به تاسیسات جانبی دیگری است که هزینه‌های گمرشکن آن در جهت منافع امپریالیستها بوده و به کارگران و زحمتکشان ایران تحمیل می‌شود.

۷- در صورت بکار افتادن نیروگاه‌های اتمی بوشهر، بعلافت فقر نیروهای متخصص در آینده شاهد سرافزیر شدن سهل کارشناسان

بقیه از صفحه ۳۰

بسیج زنان :

زنان در سخنرانی‌ها پیش‌اغلب پدراسالارانه بود. زنان بعضی‌سواهن "همسران، مادران، دوستان دختر و معشوقه‌های" مبارزین مورد خطاب قرار می‌گرفتند. یعنی کسانی که حمایتشان مورد نیاز بود، اما به‌عنوان اقشار طبقات مختلف که می‌بایست به مبارزه‌ای برای احقاق حق خود دست بزنند. در یک کنفرانس ویژه زنان که در ژوئن سال ۱۹۷۱ توسط حزب کمونیست برگزار گردید، تاکید شد که مسئولیت عمده زنان این است که مطمئن باشند که کارگران کارخانه‌ها و برزگران تولید را افزایش دهند. به آزادی زنان از ستم درون خانواده و با ادغام آنان در نیروی کار اجتماعی، هیچ توجه‌ای نشده. در عوض حمایت آنان از طریق تن در دادن به روابط موجود سلطه مردان، بدون اینکه گامی برای حل نیازهای خاص آنان به‌عنوان اعضای خانواده بدهانته شود (نگهداری بچه، کار منزل، تهیه آذوقه)، طلب می‌شود. بسیج زنان کاری تفرقه افکنانه به نظر می‌آید و به بسیج زنان به‌عنوان بخشی از طبقه نیز توجه نمی‌گردد و برای آن ارزش چندانی قائل نبودند.

آشکار گشتن جذابیت حرف‌های دست‌راستی‌ها، بویژه در مطبوعات خارجی و محافظه‌کارشلی، بحث‌هایی را در مورد اینکه چه برنامه‌ای را باید برای مقابله در پیش گرفت، برانگیخت. سخنرانی "وایا با میبرا" یکسال پس از روی کار آمدن دولت استالنده که در مجله punto final چاپ شد، به برخی از اعمالی که

حکومت می‌توانست به آن دست‌زند، اشاره نمود:

"وظیفه دولت اتحاد خلق است که اگرچه به مقابله با موقعیت حقوقی زنان برخاسته است، اما در این کار بسیار ناآرام و بزدلانه عمل نموده است. از سوی دیگر، اگر دولت اتحاد خلق انقلاب را با سرعت و جورانه به پیش می‌راند، احزاب "مرکز" و دست‌راستی‌ها که از دفاع زنان دم می‌زنند، مقیاس وسیعی توسط زنان حمایت می‌گردانند، ناچار می‌شوند که با چپ‌ها هم جهت‌گردند و با نقاب از چهره بردارند" (1972, 81)

با میبرا معتقد بود که باید "به یک بسیج گسترده زنان حول مسائل آنان دست‌زد و به‌عنوان سرآغاز جستجو برای یافتن راه حل، زنان را سازماندهی نمود"، عملی که با انجام آن "فقط بورژوازی چیزی را از دست خواهد داد" (Bambirra, 1972). اگر در دو سال اول حکومت اتحاد خلق به این راه حل توجه بیشتری می‌شد، ممکن بود که این مسئله به ریشه‌ای سر نمودن مبارزه طبقاتی به نفع طبقه کارگر کمک نماید. اما در وضعیتی کلی که حکومت اتحاد خلق عمل می‌کرد - وضعیتی رفرمینتی، اتحاد بسا رهبران دمکرات - مسیحی‌ها که فعالانه بر علیه اتحاد خلق توطئه می‌کردند و عدم تمایل به گسترش قدرت کارگران برای دستیابی به قدرت دولتی - استراژی دست‌راستی‌ها در مورد زنان با سلاح‌هایی که بورژوازی در اختیار داشت، بسیار موثر واقع شد.

بحران امپریالیسم

و چشم انداز آن

مقدمه

تحولات عظیم سیاسی بین‌المللی در چند دهه اخیر، لزوم یک بررسی همه‌جانبه در مورد نیروهای موجود در عرصه مبارزه طبقاتی را مدجندان میکند. تحلیل دقیق و مشخص از سرمایه‌داری جهانی، کشورها و مجموعه تحت نام کمپ‌سوسیالیسم متحد شده‌اند و همچنین پرولتاریا و نیروهای انقلابی کشورهای تحت سلطه، بصورت عمده‌ترین وظیفه سوسیالیسم علمی در آمده است. در شرایط امروز، بدون داشتن شناخت علمی از این نیروها هیچ استراتژی انقلابی موثر نخواهد بود. از اینرو تلاش برای ارائه تحلیل واقع‌بینانه از هر یک از این نیروها و روابط متقابل آنها، خود محور مبارزه ایدئولوژیک سرمایه‌داری است که هم اکنون شیوه‌ی ابعاد دوسیم جریا ندارد.

نظریه وسعت طلبانه این مقاله تنها قصد بررسی کمپ سرمایه‌داری جهانی، بحران درون آن و ابعاد اتحاد امپریالیستها (بخصوص نقش امپریالیسم آمریکا بحران فعلی آن و چشم انداز حرکت آن تا آخر قرن بیستم) را دارد.



انتخاب ریگان به ریاست جمهوری آمریکا، مارگرت تاچر نخست وزیر انگلستان و هلموت کهل به صدرا عظمی آلمان فدرال، که هر سه نفر از سیاستمداران محافظه کار روست راستی هستند، سئوال مهمی را در اذهان همگان زنده نموده است. آیا سرمایه‌داری بسوی فاشیسم می‌رود؟ در این صورت آینده جهان چه خواهد شد؟ در پاسخ به این سئوال با دوتنوع جواب روبرو می‌شویم.

عده‌ای معتقدند که ظهور مجدد فاشیسم در آمریکا و سایر کشورهای سرمایه‌داری غیرممکن است. به نظر عده‌ای دیگر، هم‌اکنون فاشیسم در این کشورها غالب می‌باشد. بنظر ما هر دو این جوابها ناقص و غیر علمی است. پیش از آنکه به جواب مورد قبولی دست یابیم، بایستی به این نکته چرا و چگونه سرمایه‌داری در گذشته بفاشیسم رسید و اصولا عوامل مهم ظهور فاشیسم را تحلیل کنیم. کلید شناخت این عوامل در بررسی انباشت سرمایه و چرخش تولید و بازتولید در سیستم سرمایه‌داری نهفته است. بحران به معنای عام خود، یعنی اخلال در سیستم تولید، اما معانی خاص بحران را می‌توان در دوره‌های مختلف سرمایه‌داری یافت. مثلا کاراکترهای بحران بزرگ اواخر دهه ۲۰ با کاراکترهای امروزی آن تفاوت محسوس دارند. اگر در آن دوران وجود کالا در بازار، قیمت‌ها را پایین می‌آورد و تولید را کند کرده و بحران می‌آفرید، امروز علیرغم وجود کالاهای بسیار در انبارها، قیمت‌ها نیز هر روز با لافته و تورم Inflation که نشان‌دهنده صعود قیمت‌هاست با رکود Stagnation اقتصادی همراه شده و حالت جدیدی را بشام Stagflation می‌آفریند.

مارکس با کشف قانون تکامل سرمایه‌داری ثابت نمود که بحران جز ذات این حرکت و بطور کلی اجتناب ناپذیر است. مارکس با آوری نمود که بحرانها بصورت دوره‌ای رخ داده و همیشه و هر لحظه بروز نمیکنند. بقول مارکس بحران چیزی نیست مگر اثبات اینکه مراحل مختلف تولید در اتحاد قرار نداشته و بصورت جدا از هم در آمده‌اند.



راشدگان برای نشان دادن همبستگی خود با
راشدگان امتحابی شرکت اتوبوسرانی آمریکا
در خیابانهای فیلادلفیا رژه می‌روند

اودر توضیح تئوری ارزش‌افزایی متذکر شود که بحران نتیجه عدم وجود تناسب بین رشد نیروهای مولده جامعه و مناسبات تولیدی حاکم بر آن است.

سرمایه‌داری سیستم تولید کالایی و تولید برای مبادله است و هدف آن رفع احتیاجات انسانی نیست. در این سیستم نیروی کار نیز کالاست و این خود موجب جدایی نیروهای مولده از تولیدگران می‌شود. تمرکز کنترل نیروهای مولده که انسانها در عین بیگانگی با آن - جزئی از آن هستند، در دست سرمایه‌داران شرایط تاریخی را فراهم میکند که بحران را اجتناب ناپذیر مینماید. تولید در سرمایه‌داری - تنها به خاطر سود انجام میگیرد و آنجا که سودی نیست تولید از حرکت باز می‌ایستد. توقف تولید موجب بیکاری شده و این خود باز تولید سیستم را دچار نقصان میکند. سود در حقیقت چیزی جز مزد نبردناخته شده به کارگر نیست. کاهش نیروی کار در تولید (بیکاری) نرخ سود را پایین خواهد آورد، مگر آنکه با جایگزینی تکنولوژی و اتوماسیون پیرو تولید بتواند بدون انقطاع ادامه پیدا کند. تنها پیرو تولید سرمایه‌داری در یک حالت آنارشی کامل بسر میبرد. سرمایه‌داری نه یک سیستم بر بنا بر بیزی شده تولیدی که اجزای آن در هماهنگی است بلکه سیستمی است که بوسیله افراد جدا از هم (با احتیاجات اما تنها برای کسب سود بیشتر) تشکیل شده و حرکت آنرا بازار تعیین میکند. هماهنگی که ذکر نمودیم، اینها کاراکترهای بحران در حالت عام هستند. در حالت خاص یعنی بحران امروزی سرمایه‌داری کاراکترهای مشخص خود را داراست. سرمایه‌داری امروز در سطح جهانی در بالاترین مرحله انحصاری خود قرار داشته و بنا بر این عواملی نظیر پائین آمدن نرخ سود یا نرخ مصرف تنها در این سطح قابل فهم است. همچنین رقابت با زار تنها در سطح مونوپولی آن قابل بررسی است. بهمین جهت حالت‌های جدیدی مانند Stagflation بوجود می‌آید که دلیل آن فشار سود مونوپولیستی در یک جامعه بسیار متمرکز سرمایه‌داری است. ما بخواهیم این پدیده را در رابطه با بالا رفتن قیمت‌ها دقیقاً زمانی که بازار حالت ایستا و با کند دارد، می‌بینیم. در شرایط رقابت آزاد سرمایه‌داری، هنگامی که بازار حرکتش کند می‌شود، قیمت‌ها

باشین میا مد. در حالیکه در حال حاضر قیمت ها در رابطه با نرخ سود مونتوپولستی تعیین شده و رقابت معمولی شایخ حرکت آن نیست. مونتوپول ها برای کنترل قیمت ها حتی حاضرند که میلیونها دلار مواد مصرفی را نابود کنند. طبق آمار یونسکو در سال ۷۶ بطور تخمینی حدود ۶۰ میلیون دلار مواد مصرفی کتاورزی و تئینیات توسط کمپانیهای امریکایی به اقیانوس ریخته شده است این در حالی است که بخش کتاورزی عموماً بیشتر از بخش صنعتی، از شاخص بازار آزاد پیروی میکند.

مسئله سرمایه انحصاری چه با لایردن میزان تولید، بلکه با لای بردن نرخ سود و باشین آوردن نرخ مازاد تولید و محدود کردن رقابت است هدف سرمایه دار سود بیشتر و اگر لازم باشد تولید کمتر است. یکی دیگر از علل بیکاری در واقع همین است سرمایه دار کارگران را بیکار میکند زیرا وجود کالای بسیار به بازار فریبه میزند. بنا بر این حذف قوانین دست و پا گیر کار، باشین آوردن مالیاتها و باشین آوردن هزینه دولتی برای رفاه عمومی، خواستهای اصلی سرمایه داران است چرا که اینها عواملی است که به بالا رفتن نرخ سود فریبه میزند. البته بین خواست سرمایه داران و آنچه که بحفاظت مبارزات کارگران در مقابل مجبور به قبول آن میشوند، تفاوت وجود دارد.

سیاستهای بورژوازی در مها ر کردن بحران

تا بحال سه سیاست اقتصادی برای مها ر کردن بحران از طرف سرمایه داری عرضه شده است: ۱) سیاست حمایت از عرضه کنندگان Supply Side. ۲) سیاست مونتوپولستی ۳) سیاست کینزگرایی Keynesianism

الف: سیاست Supply Side
منطق این سیاست آنست که عرضه موجد شفافا است و بنا بر این اگر برای آنها که عرضه کننده هستند تسهیلات بیشتر فراهم آید، شفافا خود بخود بهبود خواهد یافت. در نتیجه بیکاری و تورم از بین رفته و مشکلات اقتصادی حل خواهد شد. عرضه کنندگان در جامعه انحصاری یعنی سرمایه داران بزرگ و در حقیقت تعداد کمی کمپانی که کنترل تولید را در دست دارند. بنا بر این با باشین آوردن مالیاتها برای این کمپانیها، حذف قوانین مختلف مربوط به کار و کوفتاه کردن دست دولت از کنترل تولید و توزیع، این کمپانیها فرصت عرضه بیشتر و بنا بر این ایجاد شفافا و در تحلیل نهایی، حل بحران را خواهند داشت. نه تنها مسائل اقتصادی، بلکه مشکلات اجتماعی نیز از بین خواهد رفت. به عقیده طرفداران پروپاقرص این فرمول، تسلط بر زمین از بین رفته و آزادی سیاسی و اجتماعی و فرهنگی برقرار خواهد شد. علاوه بر این از آنجا که فراهم آوردن تسهیلات برای ثروتمندان، آنها را ترغیب به مصرف بیشتر و خرید بیشتر از بازار میکند، این نیز خود به شکوفایی اقتصادی کمک خواهد نمود. بر اساس این فرمول برای بالا بردن قدرت خرید و افزایش ثروت مردم، با باشین آوردن ثروت را بطور کلی وسعت بخشید، با ثروتمندان را وادار به خرید بیشتر کرد. از آنجا که ثروت بطور کلی قابل بسط نیست، بنا بر این باید سیاستی را فراهم آورد که ثروتمندان رغبت بیشتری به مصرف و خرید نشان دهند. دیوید استاکمن وزیر کابینه ریگان نیز این راه حل را بطور فرموله چنین بیان میکند: "... با باشین آوردن مالیات سرمایه داران بزرگ و ثروتمندان، بازار بحران زده رونق گرفته و شکوفایی اقتصادی به همه منتقل خواهد شد. فرمول Supply Side اساس برنامه اقتصادی کابینه ریگان را تشکیل میدهد.

ب- سیاست مونتوپولستی

مونتوپولستی برهبری میلتون فریدمن معتقدند که حجم پول بخودی خود تعیین کننده قیمت است. بنا بر این زیادی پول در -

مقابل کمی تولید، باعث تورم شده و بحران زاست. مونتوپولسم با طرح دانشگاه شیکاگو "شاهت های اساسی فرمول Supply Side دارد. بخصوص این سیاست معتقد است که باید نقش دولت محدودتر شده و آزادی کامل به سرمایه داران در مورد استخدام باخراج، تعیین دستمزد، تعیین شرایط کار و چگونگی تولید و... داده شود. دخالت دولت، بنا به گفته مونتوپولستیها باعث افزایش پول شده و این خود برای سیستم خطرناک است کم کردن نقش دولت بیش از هر چیز به معنای کم کردن مالیاتهاست چرا که قدرت اقتصادی دولت - غیر از اینکه خود نیز صاحب کارخانجات و غیره است - عموماً بستگی به مقدار ثروتی دارد که از راه جمع آوری مالیاتها بدست میآورد.

ب- سیاست کینزگرایی
کنترل هر چه بیشتر دولت و افزایش مالیات سرمایه های بزرگ اساس حرکت این فرمول است. برخلاف فرمول Supply Side این نظر معتقد است که شفافا عرضه را میآفریند، و در مقابل مونتوپولستیها اعتقاد به تعیین کنندگی بازار در شفافا و قیمت کالا دارد.

کینزگرایی نه تنها به اداره امور بوسیله دولت معتقد است بلکه در صحنه بین المللی نیز تسلط یک اقتصاد دیرتر (مثلاً اقتصاد انگلستان قبل از جنگ جهانی دوم و اقتصاد امروز امریکا) را برای ادامه حرکت سرمایه داری ضروری میدانند. این نظریه سالها بر عرصه اقتصاد سرمایه داری حکومت میکرد. مدافعان آن که عاجز از حل بحرانهای کشنده از جمله سقوط و استریته را و آخر دهه ۲۰، بحران سالهای ۵۰، ۶۰، ۷۰ بودند، در مقابل نظری جدید Supply Side و مونتوپولسم عقب نشینی نموده و در حقیقت ناتوانی خود را در حل بحرانهای سرمایه داری نشان دادند.

در بین سیاست مداران کنونی در سطح جهان، کشیدی، پیرو ترو دو (کانادا) و میتران (فرانسه) هنوز هم فرمول کینز یا بینه میباشند. اعلام عدم شرکت کشیدی در انتخابات ریاست جمهوری امریکا نشان میدهد آنست که حتی حزب دمکرات امریکا نیز حداقل برای انتخابات سال ۱۹۸۴، گاندیداشی که معتقد به این فرمول باشد، معرفی نخواهد کرد. نشانه های سیاست جدید اقتصادی Supply Side در اواخر دولت کارتر کاملاً محسوس بود و این نشانه آنست که لیبرالها در صحنه سیاست شکست خورده و مجبور به عقب نشینی شده اند. چرا که آنان اعتقاد دارند که سرمایه داری میتواند با تکیه به رفرمهایی از جمله کوپن های مجانی غذا، حقوق بیکاری و غیره تا رضایتی را کاهش دهد. تمام این سیاستها عملاً نتیجه ای نداده و بقول جمهوریخواهان همین سیاستها باعث بحران اقتصادی امروز شده است. از این روست که امروزه سیاست جدید اقتصادی همراه با شدید نظامیگری و برنامه ریزی جهت همکاری اقتصادی و نظامی دامنه دار بین کشورهای سرمایه داری در دستور کار قرار گرفته است.

کنفرانس ایران کشورهای امپریالیستی در ویلیا مزبورگ با آنکه نتوانست مشور همکارهایی در از مدت بین معالک مختلف امپریالیستی را تهیه کند، اما بر این نکته که امروزه سرمایه ها نمیتوانند تنها در چارچوب ملی عمل کنند صحنه گذاشت. این کنفرانس همچنین به وجود بحران در اقتصاد جهان سرمایه داری - تاکید ورزیده و غیرمغز اختلاف نظر در چگونگی رفع آن، لزوم یک سیاست مشترک را یادآوری نمود.

این خود نشان میدهد که جهان سرمایه داری در موقعیت بسیار ویژه ای بسر برده و به هیچوجه امنیت گذشته را ندارد. از همین روست که سیاست میلیتاریسم و تکیه هر چه بیشتر به نیروی نظامی از جانب سرکرده کشورهای امپریالیستی - امریکا - بیش از پیش مورد نظر قرار گرفته است. خصوصیت جنگ طلبی امپریالیسم نه تنها مربوط



گرانادا پس از تهاجم امپریالیسم آمریکا، نیروهای نظامی آمریکا همچنان جوانان را تحت فشار قرار می‌دهند به اشغال سرزمینهای بیشتر جهان میشود، بلکه برای گریز از بحران نیز صورت می‌گیرد. تاریخ به سرمایه داری آموخته که بدون ایجاد کار، بحران تخفیف نخواهد یافت و در مواقع بحرانی جز با ازدیاد نیروی بخشیدن به تولید نظامی مسئله ایجاد کار حل نخواهد شد. فاکتور دیگر در شنیدن تقلید نظامی در آمریکا، غیر از آنچه که اشاره شد، تقلیل قدرت رهبری سیاسی امپریالیسم آمریکا است. از این جهت تکیه آمریکا بر قدرت نظامی که قدرت تخریب آن بسیار فراتر از کشورهای دیگر سرمایه داری است، شنیده شده است. نظریات غیرمعمول همکاری و اتحاد بین امپریالیستها، اختلاف نظر و تضاد بین آنها هر روز شدت می‌یابد. این تضادها را میتوان در مورد چین و اتحادیه چین، صلح با شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، شطب موشکهای هسته‌ای در اروپا (با آنکه این مسئله بشکلی در کنفرانس اخیر مطالعه شده است) اتخاذ سیاست مشترک در مورد انقلاب فدا امپریالیستی بخصوص در منطقه آمریکای لاتین، مسئله خاورمیانه و بسیاری مسائل دیگر مشاهده نمود. متحدان امپریالیسم آمریکا دیگر مانند سالهای ۵۰ تا ۷۰ به رهبری آن شکنج نکرده و در مورد هر یک از مسائل اشاره شده فرمولبندی خاصی خود را ارائه میدهند. البته این بهیچ عنوان به معنی غلبه جنبه تضاد بر وحدت بین امپریالیستها نیست. امروزه بوضوح روشن است که هدف تمامی کشورهای سرمایه داری بزرگ - سرکوب انقلابات در کشورهای تحت سلطه و همچنین مبارزه با کشورهای سوسیالیستی است و در این مورد تمامی آنها اتفاق نظر داشته و اختلافها تنها بر سر شیوه اجرای این سیاستهاست.

امروز میلیتاریسم آنچنان ابعاد وسیعی بخسوده گرفته است که دیگر بحث بر سر احتمال وقوع جنگ نیست بلکه مسئله آنست که چه موقع و کجا آتش جنگ افروخته خواهد شد. ایشیار بدون شک هدفنا بودی کل بشریت است زیرا مسئله مرگ و زندگی امپریالیسم و سرمایه داری در سطح جهان مطرح است این برای اولین بار در تاریخ است که کلیه کشورهای سرمایه داری بزرگ - بدین شکل با هم متحد شده و هدفنا بودی جهان را دارند. هم اکنون قدرت تخریب امپریالیسم آمریکا تنها به تنهایی برای نابودی تمام انسانهای روی زمین به ۱۵ برابر قدرت لازم میرسد. نصب ۹۰۰ موشک هسته‌ای در خاک اروپا که هدف اعظم آن خاک شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی است ایجاد نیروهای جنگی واکنش سریع Rapid Deployment و اخیرا پروژه های نظامی فغاشی، بعلاوه رشد سرسام آور بودجه نظامی آمریکا، حکایت از آن دارد که امپریالیسم خود را برای رودر روشی نهائی آماده میکند.

حال با توجه به آنچه که در مورد ریشه های بحران و اتخاذ

سیاستهای جدید برای مقابله با آن از جانب امپریالیستها گفته شد، چشم انداز آینده جهان سرمایه داری چگونه خواهد بود؟ بیسک معنا اگر سیاست اقتصادی ریگان Reaganomics که با اختطاد از کینزگراشی شروع و به Supply Side رسید به شکست بینجامد و اگر انقلابات در کشورهای تحت سلطه فروزان نشده و پس از شیکاگو راکوئه، السالوادور و دیگر کشورهای آمریکای لاتین از بیوغ امپریالیسم آزاد شوند (که تجربه روزمره نشان میدهد که این امر اجتناب ناپذیر خواهد بود) و اگر مجموعه این شرایط ناراحتی عمومی در کشورهای سرمایه داری بزرگ را دامن بزند (که بدون شک دامن خواهد زد) آنگاه سرخوشی دمکراسی بورژواشی بکجا خواهد رسید؟ آیا امپریالیستها به این شرایط تسلیم خواهند شد یا لاجرم به سرکوب عربیان، خلقان و فاشیسم متوسل خواهند گردید؟

چشم انداز فاشیسم

فاشیسم با درک عامیانه، به معنای هرنوع اختناق و سروردولشی نژادپرستی، سیاست نظامیگری، جنگ طلبی، فداگمونیستی و ناسیونالیسم افراطی و... بکار میرود. دلیل این درک آنست که اولحاظ تاریخی فاشیسم در هر مرحله تمام یا بخشی از این ویژگیها را دارا بوده است. همین درک عامیانه ریشههای شاه و خمینی و ملک حسین و امثالهم را فاشیستی میدانند. و عموما از این واژه برای نشان دادن بالاترین درجه اعمال زور از جانب یک اقلیت یا حکومت سروردولشی استفاده میکنند. تعریف فاشیسم بطور تاریخی باید با پروژه اصلی بروز و علت وجودی آن در شرایط مشخص خود همراه باشد و آن چیزی نیست جز حالت خاصی از مجموعه صفات یاد شده. بنابراین هرنوع دیکتاتوری نظامی و هرنوع رژیم سرور و زورگویی را نمیتوان فاشیسم نامید.

قابل قبول ترین تعریف از فاشیسم را دیمتروفه رهبر انترناسیونال سوم ارائه میدهد. او فاشیست را سیاست اتخاذ شده از جانب ارتجاعی ترین و راست ترین بخش بورژوازی امپریالیستی و مونوپولیستی دانسته که تحت لوای جنگ و نژادپرستی، ناسیونالیسم و سروردولشی و دیکتاتوری مطلق درمدم نجات سرمایه داری از بحران و فراهم آوردن شکوفاشی اقتصادی است. دیمتروف برای بورژوازی امپریالیستی، بخشهای مختلف قائل شده و فاشیسم را نتیجه غلبه مطلق یکی از بخشها - ارتجاعی ترین و راست ترین و هارترین - بر بخشهای دیگر میدانند. تشکیل جبهه های ضد فاشیستی چه در سطح بین المللی و چه فطری بین احزاب انقلابی و بخشهایی از بورژوازی بر همین درک استوار بود. در مقابل دیمتروف در همان زمان، کودتای رهبر حزب کمونیست انگلستان قرار داشت او معتقد بود که فاشیسم نه بهر روزی جناح ماوراء راست و ارتجاعی سرمایه داری و نه یکی از چندین راه و فرمول حرکت سرمایه داری، بلکه منطقی ترین شکل حکومت سرمایه داری در عصر امپریالیسم است البته هر دو تعریف در مورد سیاست جنگ طلبی مطلق و دیکتاتوری عربیان و سیاست فداگمونیستی ناسیونالیسم و سرور دولتی و غیره متفق القول بوده و این صفات را بوضوح در کشور آلمان هیتلری مشاهده مینمودند. این علائق کلاسیک یعنی ضدیت با یهودیان بعنوان نژاد پست که منجر به قانونی کردن کشت و کشتار آنها شد، انحلال جمهوری و جایگزین کردن آن با رایش سوم به پیشواشی هیتلر، دست زدن به جنگ برای بسط قدرت، قطع قطع علنی کمونیستها و هرچه که بقول فاشیستها غیر آلمانی بود، فراهم آوردن حمایت توده ای از راه تبلیغ ناسیونالیسم و شعار ضد چیز برای آلمان، بیورش به تمام آزادیهای بورژواشی، انحلال تمام احزاب، گروه ها، روزنامه ها، اتحادیه های اقتصادی و جنگی که



تظاهرات دانشجویان ضد جنگ ویتنام در نوامبر ۱۹۶۸

ژنرالهای پر قدرت را بر علیه او برانگیخت و او خود سرانجام مورد غضب قرار گرفت

پایان کابوسی که در نیمه آغاز دورانی دیگر از اختناق - علمی و لگدمال کردن حق اظهار عقیده بود. این دوران که بیش از ۱۰ سال طول کشید، ناشی از تحمیل جنگی نابرابر از طرف امپریالیسم امریکا بر خلق ویتنام است. عکس العمل مردم امریکا، مسجوع تظاهرات ضد جنگ و مبارزه هر روزه در دانشگاهها و خیابانها بر علیه کشت و کشتار در ویتنام، همراه با تقویت دستگاها و سرکوب و اختناق بود. انتخاب نیکسون و اوج گیری جنگ ویتنام به اقدامات شبه فاشیستی دستگاها و دولتی دامن زده تا جایی که بخشی از بورژوازی از این موقعیت علیه بخش دیگر آن استفاده میکرد. جریان واکنش و افتتاح کابینه نیکسون ابعاد وسیع جاسوسی، توطئه و ترور دولتی را نشان داد. نظام درونی طبقه حاکمه آنچنان با لا گرفت که نیکسون مجبور به استعفاء شد و بسیاری از اقدامات شبه فاشیستی دولت او بر ملا گردید. در سال ۱۹۷۵ کمیته مخوف فعالیت غیر امریکائی در سنا منحل شده و خطا این کمیته که بخوبی پتانسیل تبدیل به کشتاپو را داشت، موقنارفع گردید. همچنین کارآئی هیئت کنترل عملیات خرابکاری که مسئول فشا و اختناق و سببی در زمان جنگ بود نیز با کاهش بودجه کاهش یافته پایان جنگ ویتنام، استعفاء نیکسون و جریان واکنش و بر ملا شدن فعالیت های شبه فاشیستی هیئت حاکمه، بار دیگر نشان داد که خطر فاشیسم در جامعه بورژوازی بحران زده همیشه وجود دارد. با آنکه دوران کارشمارهای - حقوق بشر و لیخندهای شرمگینانه بورژوازی از کشتارهای فلی شروع شد، اما بزودی با لا گرفتن بحران اقتصادی و اوج گیری جنبشهای توده ای در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم، سیاستهای قبلی از سر گرفته شد و ادامه فعالیت آن به دولت ریگان واگذار گردید. ظهور دارودسته ریگان همراه با آزادیهای بیشتر برای جاسوسی و سرکوب بود و اختیارات وسیع CIA, FBI, NSA (سازمان امنیت ملی) در پیگیری و تعقیب مخالفین به بالاترین حد خود پس از دوران مک - کارتی رسید. پیشنهاد احیاء کمیته فعالیت های غیر امریکائی در کنگره از جانب ۱۵۸ نماینده داده شده که، برای تصویب آن به ۲۱۸ رای احتیاج است قدرت گیری بی اندازه جریانات مذهبی مانند Moral Majority که دارای بودجه نامحدود بوده و خواهان برگشت به پرنسپهای "امریکائی" و شعارهایی مانند "خدا امریکا ساختاده" هستند و نقش تعیین کننده ای در انتخاب ریگان بریاست جمهوری - داشتند، همه و همه نشان میدهد که امپریالیسم در رابطه با سیاست

موجب رشد بی سابقه اقتصادی به میزان ۱۰۲ درصد بین سالهای ۳۷-۳۳ شد، اعطای امتیازات رفاهی بسیار (پیش از شروع جنگ) به - بخشی از کارگران و تکنوکراتها بومتهم کردن خارجی ها و سرمایه - داران لیبرال و "غیر آلمانیها" به عنوان مشمول مشکلات جنگی و - بسیاری اقدامات دیگر، از جانب هر دو (دیمتروف و مانتیادآوری شده اند. اما تفاوت اصلی بین دو نظر یعنی اینکه آیا این سیاست ها مورد قبول کل بورژوازی است یا بخشی از آن، زمینه اصلی اختلاف - نظر در آن دوره بود. نکته نیست که نتایج جنگ دوم و پیروزی شبهه - های ضد فاشیستی و استفاده از تضاد بین بخشهای مختلف سرمایه - انحصاری جهت شکست فاشیسم، صحت نظرات دیمتروف و کمینترن را - نشان داد. بنا بر این فاشیسم بشکل تاریخی نه با کودتا و توسل به قهر نظامی بلکه با تکیه به برنامه های بسیار دقیق و حساب شده که بورواشناسی توده ای و برنامه اقتصادی منظم استوار بود از طریق قانونی به حکومت رسید. در مورد آلمان، هیتلر با ۱۳ میلیون رای بعنوان مدراعظم انتخاب و بلافاصله تمام ارگانهای قانونی را که او خود بوسیله آن بقدرت رسیده بود منحل کرد. حمایت توده ای از هیتلر تا سالها بعد از بقدرت رسیدن او هنوز با برجا بود.

زمینه های عینی پیدایش فاشیسم، وجود بحران شدید اقتصادی گسترش جنبش کارگری و جنبش کمونیستی و ناتوانی بورژوازی در جلوگیری از رشد جنبش چپ از طریق کانالهای قانونی و پارلمانی است. وقتی که بورژوازی نتواند جنبش روبرو اوج کارگری را سد نماید، چاره ای جز توسل به فاشیسم ندارد.

بنابراین آنچه گفته شد اطلاق فاشیسم به هرگونه اختناق و - دیکتاتوری و ناسیونالیسم و غیره خطای شوریک فاشیستی بوده و بررسی اینکه آیا کشورهای سرمایه داری و بخصوص امریکا امروز بسوی - فاشیسم میروند، باید با توجه باین موضوع صورت گیرد، بطور مثال امکان فشار دستگاها و جاسوسی و سرکوب دولتی مانند سیا، اف - سی، آی و ان. اس. ای (CIA, FBI, NSA) به جریانات مشرقی و کارگری تا سرحد انحلال و نابودی آنان بسیار زیاد است. با اینحال این به معنی غلبه فاشیسم نیست. در سالهای اخیر جمع آوری اطلاعات از - طریق نفوذ در سازمانهای مختلف در سطح امریکا شروع شده است و بدون شک اینگونه اطلاعات تنها موقعی بطور کامل مورد استفاده قرار خواهد گرفت که فعالیت قانونی ضد فاشیسم در چارچوب دموکراسی بورژوازی وجود نداشته باشد. ابعاد اینگونه نفوذها آنچنان است که تنها در شهر شیکاگو بین سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۰، تعداد ۵۱۲۵ مامور جاسوسی و خبرچین FBI بدون سازمانهای سیاسی، اتحادیه ها و سازمانهای کارگری نفوذ کرده بودند.

تجربه قبلی ظهور نوعی از فاشیسم در امریکا آنقدرها هم دور نیست. دهه ۵۰ و موج مکارتیسم، که در نتیجه آن هزاران نفر به اتهام خدا امریکا بودن، کمونیست بودن، کتاب کمونیستی خواندن و ... کشته، زندانی، ناپدید و از کار اخراج شدند، هنوز در ذهن های باقی است تهیه لیست سیاه و ایجاد گروههای ترور شهری بنام "گروه سرخ". استخدام هزاران جاسوس جهت نفوذ در سازمانها و گروههای مختلف - استخدام گروههای ضربت برای برهم زدن میهننگها و تظاهرات و ترور افراد و اعضا، جریانات مورد سوء ظن، تقویت عملیات گروههای - نژادپرست تورپستی مانند KKK نژادنازی، امریکن لژیون و غیره تنها گوشه ای از اقدامات انجام شده در آن زمان است. مک کارتیسم بخوبی پتانسیل تسلط بر جامعه امریکا و تبدیل آن به یک جامعه فاشیستی را دارا بود. بهر حال این دوران بدون تسلط فاشیسم سیری شد و این از یک طرف ناشی از مقاومت پیش از اندازه نیروهای ضد مک کارتیسم و از جانب دیگر ایجاد واکنش در درون خود بورژوازی بود. حمله شدید جوزف مک کارتی به رهبری نظامی ارتش امریکا،

داخلی نیز هر روز ها رتزمیشود. نگاه می برد روز افزون بحران، که ایدئولوژیهای اقتصادی را وادار به قبول همپستی آن بعنوان جزء تفکیک ناپذیر سیستم میکند، نشان میدهد که دوران قدرت گرفتن هارترین بخش بورژوازی با رسالت نجات کل طبقه و حاکمیت آن قسرا رسیده است جهان سرمایه داری به هیچوجه موقعیت گذشته را در مقابل جهان سوسیالیستی و انقلابیات قدامیربالیستی نداشته و هر روز مجبور به عقب نشینی از مواضع گذشته خود میباشد. شک نیست که شرایط ویژه کنونی که خصوصیت اصلی آن تقویت جنبه وحدت امپریالیستها در مقابل کشورهای سوسیالیستی و انقلابیات ضد امپریالیستی برجسته تفاد آنهاست، هرگونه تغییرات تحول در یک کشور سرمایه داری بخصوص در آمریکا، تا ثیرات بسیاری بر دیگر کشورها خواهد گذاشت. اما از جانب دیگر پیروزی روز افزون انقلابیات در کشورهای تحت سلطه، تفاد بین آنان را عمیقتر کرده و هم اکنون در کسب مشخص در اردوگاه سرمایه داری میتوان مشاهده نمود. بخشی زیر پرچم "سوسیالدمکراسی" خواهان سیاستهای لیبرالی و رفرفرم در مقابل انقلاب و استفاده از سرگوب بعنوان آخرین و موثرترین حربه، و بخش دیگری یعنی مجموعه احزاب ماورا راست و محافظه کار که بدون شک خواهان تسلط مطلق قدرت خود بنا بودی هر چه سر راه استه میباشد. این احزاب اخیرا در زمانی بنام "اتحادیه دمکراتیک" متحد شده و منظور آنها حاکی از آن است که باید در مقابل اقدامات لیبرالیستی "سوسیالدمکراسی" ایستادگی کرده و بر بنا معای هماهنگ در مقابل انقلابیات پدید آورده. حزب جمهوریخواه آمریکا به نمایندگی جورج بوش و احزاب محافظه کار انگلستان و آلمان فدرال که حکومت رادر دست دارند، از اعضاء فعال این اتحادیه میباشد. با آنکه وجود این جناح در سرمایه داری خود نشانه تفاد عمیق آنهاست اما آنجا کینه مسئله نجات سیستم جهانی سرمایه داری باشد برنامه یک جناح مورد قبول جناح دیگر قرار نخواهد گرفت.

سوالی که در اینجا مطرح میشود این است که آیا تسلط هارترین جناح امپریالیستی در آمریکا به معنی امکان استقرار فاشیسم در این کشور است؟ برای پاسخ به این سوال باید زمینه های عینی ظهور فاشیسم را که ماقبل به آن اشاره کردیم، در نظر گرفت. اولاً، علیرغم تشدید بحران اقتصادی امپریالیسم آمریکا، ابعاد این بحران به هیچوجه با بحران اقتصادی امپریالیسم در آستانه ظهور فاشیسم در اروپا، قابل مقایسه نیست. ثانیا، جنبش کارگری و کمونیستی در آمریکا بسیار ضعیف بوده و از چنان شکل سازماندهی برخوردار نیست که بتواند مشکلی برای امپریالیسم ایجاد کند. در شرایطی که کارگران آگاه و انقلابی آمریکا حتی یک نماینده واقعی در کنفرانس امپریالیستی آمریکا ندارند و بورژوازی رهبری بزرگتریست اتحادیه های کارگری را در دست دارد، امپریالیسم آمریکا هیچ نیازی برای تسویه فاشیسم ندارد. (برای مقایسه بدگفت که در آلمان در آستانه ظهور فاشیسم، کمونیستها در آستانه کسب اکثریت پارلمانی بودند.) البته این به معنی انکار امکان رشد و تقویت باز هم بیشتر هارترین جناح امپریالیستی نیست. اما نکته اساسی اینجا است که با توجه به ضعف جنبش کارگری و کمونیستی در آمریکا، اکثر جناح های غالب امپریالیسم توسل به فاشیسم عربیان را (با تعریفی که قبلا ارائه دادیم) غیر ضروری و حتی بر علیه منافع دراز مدت امپریالیسم میباشد. هنگامی تدارک عملی فاشیسم در دستور کار امپریالیسم آمریکا قرار میگیرد، که شدت بحران اقتصادی جامعه، زمینه های لازم برای رشد سریع و فزاینده ای جنبش طبقه کارگر فراهم آورد و امپریالیسم شوا لازم را برای مقابله "فانونی" و پارلمانی با جنبش کارگری و جنبش رادر خود نشیند.

بنابراین امروز علیرغم وجود بحران اقتصادی در جامعه آمریکا

و تسلط جناح ماورا راست بورژوازی در حاکمیت چشم انداز تسلط فاشیسم در جامعه آمریکا وجود ندارد. در جوامع امپریالیستی اروپا که در آنجا جنبش کارگری چپ بمراتب قوی تر از آمریکا است نیز جنبش چشم اندازی وجود ندارد. یکی از عوامل عمده ای که ظهور مجدد فاشیسم در اروپا را مشکل میسازد، مخالفت بخشی از بورژوازی حاکم اروپا (سوسیالدمکراسی) است که از قدرت سیاسی قابل ملاحظه ای نیز برخوردار است.

هرچند که امپریالیسم آمریکا در شرایط کنونی در رابطه با سیاست داخلی، نیازی به استقرار فاشیسم ندارد، با اینحال این به معنی ندیدن رشد روز افزون و خطرناک میلیتاریسم آمریکا نیست. در چند سال گذشته، بویژه پس از فیام ایران و پیروزی انقلاب نیکاراگوئه و رشد جنبش های رها شیخ در آمریکا و لاتی، امپریالیسم آمریکا هیچ چاره ای جز توسل به میلیتاریسم برای سد کردن جنبش های رها شیخشی ندارد. در آینده مادر مورد سیاستهای خارجی امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا، شاهد رشدی از هم بیشتر میلیتاریسم خواهد بود.

اما شدت بحران سرمایه داری جهانی به حدی است که راه حلهای میلیتاریستی نیز فاقد رتبت امپریالیسم رادر بحران مزاج اقتصادی و سیاسی نجات بخشد. قانونمندی مبارزه طبقاتی و تکامل اجتماعی چنان است که پیروزی های مقطعی امپریالیسم آمریکا در کرانادا و خارومیانه به شکست تبدیل میشود و امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی که از همونی خود در لیسان سرتت بودند، امروز مجبور میشوند عقب نشینی کنند. با اینحال تا برقراری سوسیالیسم در سراسر جهان و تا بودی کامل امپریالیسم رشد میلیتاریسم و خطر تسلط فاشیسم وجود خواهد داشت. تنها پیروزی انقلاب در کشورهای تحت سلطه و سوسیالیسم پرولتاریا در کشورهای امپریالیستی و سرنگون کردن حاکمیت سرمایه داران و برقراری حکومت سوسیالیستی در این کشورها میتواند خطرفاشیسم را برای همیشه نابود کند.

ج. ش.

- 1) Karl Marx, Theories of surplus Value. Moscow: Progress.
- 2) Karl Marx, Grundrisse
- 3) Karl Marx, Capital, Vol. 1
- 4) Erank, Andre Gunder, "Whence the Demand for Supply-Side Economics?" Cambridge.
- 5) R. Palme Dutt, Fascism and Social Revolution. International Publishers, 1934.
- 6) George Dimitrov, 7th Congress of Comintern and United Front. Proletarian Publishers.
- 7) The Economic Education Project of the Union for Radical Political Economics, US Capitalism in Crisis, Jan. 1978.
- 8) Contemporary Marxism, No. 4, 1982.
- 9) Harry Magdoff, Paul Sweezy: The Deepening Crisis of U.S. Capitalism. Monthly Review, 33, 5, October, 1983.

تیریه

ریگای گهل

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
شاخه کردستان
را بخواب

“چکیده انقلاب” حیدر عمو اوغلی و اندیشه‌های او

توضیح:

تاریخ و تاریخ

۱ - تکلیف پارلمان از آنکس که در مورد رساننداری و توتالیتاریسم انقلابی سخن ببرد.
 ۲ - نظم از انقلاب با انگلیس و اخراج ماسپتینان گروس.
 ۳ - تأیید مشروطیت این پیشنهاد را پذیرفت و استعفاء داد شاه قبول نموده پیشنهاد قبلی را ناموفق تشکیل تأیید و اجراییتهای آن را برپا نمود.



حیدر عمو اوغلی

بالینده گفتی درباره است ۱۰۰ صفحات نامه گنجینه‌های عماره جانین عهد است که می‌گوید. شرح این هم‌زمان و این عوالم مکرر - این زمان پاکتار

پنجم دی ماه معادف بود با سالروز شهادت حیدر عمو اوغلی، شخصیتی که به‌منوای یکی از بنیانگذاران و یکی از رهبران جنبش کمونیستی و انقلابی ایران شناخته شده است. بقول عارف‌فرزینی، “حیدرخان عمو اوغلی شخصی بزرگ و چکیده انقلاب بسود.” در بزرگداشت این چهره درخشان تاریخ جنبش انقلابی و کمونیستی ایران، یکی از رفقای هوادار نوشته‌ای تهیه و برای چاپ در “جهان” ارسال داشته است.

ما ضمن درج قسمت‌های عمده این نوشته جالب، یادآوری چند نکته را ضروری میدانیم. محتوای نوشته زیر عمدتاً جنبه اطلاعاتی و وقایع نگاری دارد و نه تحلیلی. زندگی سیاسی حیدر عمو اوغلی خط مشی و نظرات و نقش‌ها و در جنبش مشروطه و بویژه جنبش کیلان از اهمیت خاصی برخوردار است. پیچیدگی و تناقضات موجود در جنبش کیلان، تضاد تاریخی بین نیروهای درون صف انقلاب در - بش‌دمکراتیک - ضد امپریالیستی که در آن زمان تبلور خود را در تضادها و کشمکش‌های بین طرفداران میرزا کوچک‌خان و نیروهای وابسته به اجتمایون عامیون نشان میداد، شرایط مادی و فرهنگی جامعه و سطح رشد نیروهای مولده و طفولیت جنبش‌چپ و کارگری، عمدگی خواستهای ملی، ضد استعماری و ضد فئودالی، همه و همه عواملی است که می‌باید در ارزیابی فعالیت‌ها و نقش سیاسی و تاریخی ولین کمونیست‌ها و سوسیال دمکرات‌های ایران و در آن میان حیدر عمو اوغلی، مورد مذاقه قرار گیرد.

آنچه در زیر می‌آید پاسخگوی این نیاز نبوده، بلکه تلاشی است برای آشنائی بیشتر خوانندگان “جهان” با اوضاع کلی و زمینه‌های تاریخی زندگی سیاسی حیدر عمو اوغلی. نویسنده این نوشته را اساساً بر پایه کتاب “چکیده انقلاب، حیدرخان عمو اوغلی” اثر رضا زاده ملک‌تهیه و تنظیم کرده است و “جهان” با درج این نوشته خواهان آنست که خوانندگان علاقمند را جهت یک ارزیابی تحقیقی و تحلیلی جدی از وقایع جنبش کیلان، نقش کمونیست‌ها و دمکرات‌ها در آن، نقش حزب کمونیست شوروی و ... ترغیب نماید.

حیدر تحصیلات ابتدائی را در الکتاندرپول و سپس تحصیلات عالی را در مدرسه عالی ایروانی گذراند. پس از چندی در مدرسه صنعتی تغلیس مهندسی برق آموخت.

حیدر در سال ۱۳۲۵ هجری قمری به مشهد آمد و کارخانه برق آن شهر را درست کرد. چگونگی آمدنش به ایران را رضا زاده ملک از قول تحریرات خود حیدرخان چنین آورده است: “در باکو ... مظفرالدین شاه، در سفر اول به فرنگ با میرزا علی اصغر خان اتابک مقتول یک نفر مهندس مسلمانان لازم‌شان شده بود که در مشهد مقدس کارخانه برق دایر کند. چون در آن زمان بیسین مسلمانها مهندس برق بسیار کم بود، لذا مسلمانهای باکو مرا معرفی نموده، ماشین OTTO DUEZ و لوازم چهارصد چرخ را خریداری نموده و به سمت خراسان حرکت کردم. گرچه خرید اشیا به توسط حکیم الملک بود ولی من که بواسطه اتابک معرفی شده بودم، این سمت را قبول کردم.” (۱) او بعد از بازده ماه مشهد را ترک کرده و به تهران عزیمت نمود. حیدر خان در خاطراتش راجع به مشهد از جمله چنین تقریر کرده است: “در پدو ورود من به مشهد خراسان، منظره هولناکی مشاهده

گفتن اینکه دهقان فاقد هرگونه حقوق سیاسی بود، زائد بنظر میرسد. دهقانان ایرانی زیر فشار استثمار فئودالی و امپریالیستی، دچار فقر و خانه خرابی میشدند، صنعتگران به ورشکستگی دچار میگشتند و در کشور قحطی‌های متناوب روی میداد. مثلاً در سالهای ۱۸۶۰-۶۱، ۱۸۶۹-۷۲، ۱۸۷۸-۸۰ و سالهای بعد نیز قحطی روی داده است. بخصوص در سالهای ۱۸۶۹-۷۲ بسیار وحشتناک بود. میگویند که در زمان این قحطی، قریب ده درصد تمام سکنه ایران تلف شدند. دهقانان و بیسه و ران فقیر و خانه خراب، به تعداد کثیری برای کسب و کار به روسیه، به ماورا قفقاز و ماورا خزر فرار میکردند. در اواخر قرن نوزدهم و در آغاز قرن بیستم همه ساله تا دویست هزار نفر، برای کسب و کار، از ایران عازم روسیه میشدند.” (۲)

یکی از خانواده‌هایی که از ارومیه به سال ۱۳۰۸-۹ هجری قمری به شهر الکتاندرپول کوچید، خانواده مشهدی علی اکبر که به شغل طبابت اشتغال داشت، بود.

“حیدر، فرزند مشهدی علی اکبر به مال ۱۹۲۸ هجری قمری (برابر سال ۱۸۸۰ میلادی) در ارومیه زاده شد و هنگام کوچ خانواده - اثر به الکتاندرپول، یازده سال داشت.

آغاز عصر امپریالیسم، شروع دوره جدیدی در تاریخ ایران و سایر کشورهای شرقی و آغاز دوره نوین بردگی و اسارت آنان توسط سرمایه خارجی و تبدیل آنها به کشور نیمه مستعمره بشمار میرفت.

سلط سرمایه مالی و مبارزه بخاطر صدور سرمایه وضعی را در ایران بوجود آورده بود که در دوره‌های قبلی بیسابقه بود - یعنی به پیدایش امتیازات خارجی، وام و تأسیساتی خارجی منجر شد و همچنین از کشاورزی کشور برای تأمین احتیاجات حکومت‌های امپریالیستی استفاده میشد - ایران به زائده کشاورزی و مواد خام مبدل گردید.” (۱)

در کنار استثمار خارجی، عمال و حاکمان ایرانی نیز از هیچگونه خوشخدمتی در مقابل استعمارگران انگلیسی و روسی فروگذار نکرده و تاجائیکه می‌توانستند به استثمار و سرکوب زحمتکشان می‌پرداختند.

در چنین اوضاع و احوالی است که بسیاری از زحمتکشان بخاطر قحطی و گرسنگی و زیر فشار حکمرانان گرگ مفت مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده و برای پیدا کردن لقمه ناشی آواره دیارهای دیگر گردیدند. “استثمار فئودال - سروازی، با استثمار رباخوارانه توأم میشد. البته

شعومد که از آن منظره اهالی خراسان حاکم جدید را تحسین و تمجید کرده و میگفتند که این حاکم خوب، حاکم سفاکی بوده و خواهد توانست حکومت کند، ولی طبع من و قلب من از این منظره بسیار منزجر بود و آن حرکت را برخلاف وجدان و انسانیت یعنی وحشیگری صرف تصور نمودم و آن عبارت بود از اینکه شخصی را شفه کرده یک نطفه بدش را به یک طرف دیگر آورفته بودند و من این منظره وحشیگری را نمی توانستم از سد نظر خود مجوز نام. پس از مدت قلبیلی، اتفاق دیگری که از این سفاک بعرضه شهود رسید، آن بود که با عموم ملاکین متفق شده، گندم را انبار و احتکار کرده بر قیمت آن افزودند، به قسمی که نان را مردم به سختی تحصیل کرده، به قیمت گزاف میخریدند از این احتکار بر قیمت آن خیلی افزوده شد که فقرا و ضعفا از خریدن آن عاجز بودند. نظر به اینکه من با اغلب از اهالی آشنا بودم، همین گرانی ناشی را دست آویز نموده، اهالی را بر علیه حاکم ظالم تحریک و تحریض نموده، آنها را به هيجان آوردم که بر عزل حکومت اجماع و قیام نمایند. رفته رفته هیجان غریبی در مردم ظاهر شده، دفعته ازدحام کرده، عزم حاکم را خواستار شدند. در ضمن هیجان عمومی مردم خراسان چندین خانه هم تاراج شد که یکی از آنها خانه نایب التولیه بود که بیست خم شراب از منزلش بیرون آوردند. (۵)

حیدر بعد از آمدن به تهران در اداره راه آهن تهران - شاه عبدالعظیم و بعد از چندی در تجارتخانه روسی حمل و نقل ایران مشغول به کار شد. بعد از شکست انقلاب ۱۹۰۵ میلادی روسیه، او سفری به اروپا کرده در آنجا تحصیلات خود را کاملتر نمود و سپس به ایران بازگشت. حیدر بعد از یکسال کار در تجارتخانه به کارخانه برق حاج حسین آقا امین الضرب رفته و در آنجا مشغول بکار میشود. اشتغالات متعدد او فرصتهایی برای او فراهم ساخت تا از نزدیک با افرادی از طبقات مختلف جامعه آشنا شود. این آشنایی ها در تکوین نظرات انقلابی حیدر بسیار مفید واقع شدند.

بعد از اعلام مشروطیت، با توجه به رشد نسبی آگاهی سیاسی مردم، زمینه را برای یک حزب سیاسی آماده دیده و با کمک تعدادی از افراد که از سابقه فکریشان با خبر نبود، فرقه اجتماعین عامیون (سوسیال دمکراتها) را در تهران طرح ریخت.

حیدر در تحریراتش راجع به چگونگی تشکیل این فرقه چنین نوشت: "زمان انتخاب وکلا رسید. جهد کاملی داشتیم که اشخاص عالم برای وکالت انتخاب شوند. بیک حوزه غیر منظمی که از خوبان بازار تشکیل داده شده بود، که مواقع لازمه بالضروره جمع شده و شور می نمودند. سعی کردیم که آنها را تحت یک اصولی آورده، منظم نمائیم و به این نقشه موفق شده دو قسم - حوزه تشکیل شد. یکی حوزه خصوصی که عبارت از هفت نفر بود. دیگری حوزه عمومی که اشخاص زیاد از خوبان اهل بازار در آن عضویت داشتند. وکلا انتخاب شدند. رفته رفته انجمن تشکیل شدند که تمام ترشیبات سابقه ما بهم خورد و هر کس در انجمن عضویت پیدا کرده، حوزه عمومی ما هم از هم پاشید. پس از آن من ماندم و همان هفت نفر حوزه خصوصی که با فرقه اجتماعین عامیون کارگری روسیه (سوسیال دمکراتها) نیز ارتباط داشتیم." (۶)

فرقه اجتماعین عامیون برای آگاه کردن مردم و زحمتکشان به حقوق سیاسی شان و در راه افشا حکمرانان وابسته خونخوار بسیار کوشید. آنها برای پیدایش آگاهی مردم برای اولین بار شیوه سرور سیاسی و عملیات نظامی را در جامعه پیاده کردند. از آن جمله میتوان از ترور اناک و همچنین انداختن بمب در خانه علاء الدوله نام برد. حیدر خود بمب را در خانه علاء الدوله انداخت. او در تحریراتش در این مورد چنین نقل کرد: "در یک جلسه، پس از شور زیاد، قرار بر آن شد که برای تریاندن مستبدین که در آن زمان به اسم "انجمن خدمت" حوزه ای تشکیل داده و بسا محمد علی میرزا ارتباط باطنی داشتند و برای تحریک باطن مشروطیت کار میکردند، یک بمبی به خانه وزیر مخصوص انداخته شود. چند نفر از فدائیه های باکو که در شهران بودند ما مور این خدمت شدند. اما از عهده اجرای آن برنیامده، بمب را در خانه وزیر مخصوص گذاشته، فرار کرده بودند. چون مستبدین از مشاهده آن متنبه نشده، باز مشغول قساد و شرارت بودند. لذا رای داده شد که شب بمبی به خانه علاء الدوله انداخته شود که صدای آن به گوش اهالی برسد. مقصود از این مسئله فقط ترسانیدن مستبدین بود و بس به این جهت شب ۱۵ جمادی الاول ۱۳۲۵ من تنها در پی این ما موربتمبرخاسته و... طرفمصرکه اجتماع متفرق شد با حاجی خان به طرف خیابان لاله زار آمدم که ببینیم واقعه دیشب چه تأثیراتی در افکار مردم داده است. بلی، این مسئله

تأثیرات فوق العاده در مردم داده است. حتی اروپائیهای مقیم تهران نیز عقیده پیدا کرده، میگفتند که: ایران دیگر ایران سابق نیست، دیگر ملت به حقوق خود واقف شده، حق گرفته شده از دولت را بخواهی نگاهداری خواهند کرد." (۷)

بعد از کشتن اناک وزیر داخله که بدست عباس آقای تبریزی انجام شد، فرقه اجتماعین عامیون، دست به یکسری افشاگری پیرامون اقدامات محمد علیشاه در تهیه مقدمات انهدام مشروطه زد. در اول آنها فکر میکردند که با این افشاگریها محمد علیشاه از تحریکاتش بر علیه مشروطه دست برخواهد داشت، ولی واقعیت این چنین نبود و محمد علیشاه کماکان در تلاش برپاشی استبداد بود. فرقه که بر پایه طفولیت جنبش سوسیال دمکراسی در ایران و خامی اندیشه و تجربه حرکت میکرد، در جلسه حوزه مغفی خود قتل محمد علیشاه را در دستور کار خود قرار داد که حیدر عمو اوغلی رئیس کمیته اجرائیه آن اعلام گردید. حیدر و هم دستاوتش که ما مور اجرای عمل بودند تعدادی بمب تهیه کردند و در روز موعود آنها را در جلوی کالسه محمد علیشاه منفجر نمودند. البته در عملیات انفجار آسیبی به محمد علیشاه نرسید. بعد از آن واقعه حیدر عمو اوغلی به اتفاق میر - اسماعیل قفقازی، ضیا السلطان چراغ برقی و مدیرالطنایع را بعنوان مجریان طرح دستگیر کردند که بعداً همه آنها در دادگاه صبره شدند.

بعد از به توپ بسته شدن مجلس و دستگیری آزادبخواهان، حیدر به باکو رفت. در آنجا او با همکاری مجامع انقلابی گرجستان، تعداد زیادی داوطلب برای کمک به انقلابیون تبریز گرد آورده و با مقدار زیادی اسلحه به تبریز فرستاد و سپس خود نیز به آنجا رفت و به همکاری با انقلابیون تبریز پرداخت. او در آنجا نیز به کمک دیگر انقلابیون از جمله علی میو، فرقه اجتماعین عامیون را بازسازی کرد.

"نظمی که در روابط اعضا فرقه حکومت میکرد، آنچنان حساب شده و دقیق بود که هیچ فرد نامحرم نمیتوانست به سولهای فرقه رسوخ کند، و همین امر موجب بود که فرقه اجتماعین عامیون تبریز به "مرکز فیمی" معروف شود." (۸)

در آن دوران سیاه نیروهای ترقی خواه آذربایجان به رهبری فرقه اجتماعین عامیون جنگ بی امان خود را برعلیه استبداد ادامه میدادند. نقش حیدر عمو

اوغلی در آن مقاومتها بسیار بود طوری که ستارخان شیفته رهبری و خردمندی او شده بود که در موردش میگفت: "هرچشمه عمو اوغلی بگوید، همان است".

بعد از گشوده شدن مرند و خوی که در آنجا حیدر عمو اوغلی یکبار دیگر ارادتش به آزادی و کاردانش را در اداره امور نشان داد، شده ستمدیده خوی در تجلیلش شعر سرودند و تصنیف ساختند.

"عمو اوغلی گلدی خوبا

غومبولارا قرار قویا
بیشلمترین قارنی دویا

باشاسین کوزل عمو اوغلی
عمو اوغلی مینیب فایتونا
توتار وریب اوز آتونا
چورک پینیب یوز آلتینا

باشاسین کوزل عمو اوغلی
راستا بازارلار راستاسی
گلیر مجاهد دسته
عمو اوغلی دور سر کرده سی

باشاسین کوزل عمو اوغلی
باقال بازار چراغ قویدی
کاسیب باغدی قارنی دویدی
هر بیر ایشه قانون قویدی

باشاسین کوزل عمو اوغلی

(ترجمه تحت اللفظی)

عمو اوغلی (پسر عمو) آمدیه خوی
تا نظم و قانون برقرار کنسد
تا شکم پیمان سیر شود
زنده یاد عمو اوغلی دوست داشتنی
عمو اوغلی سوار در شگه شده
ایش را شومار زده
قیمت نان را به حداقل رسانده

زنده یاد عمو اوغلی دوست داشتنی
از وسط راسته بازار
دسته های مجاهد میباید
که سردسته نان عمو اوغلی است

زنده یاد عمو اوغلی دوست داشتنی
دکان ها و بازار چراغانی شده
فقیرا بین وضع را دید و شکمش سیر شده
هر کاری نظم و قانون یافته
زنده یاد عمو اوغلی دوست داشتنی

بعد از فتح تهران و فرار محمدعلیشاه اکثر وزارتخانهها باز از نمایندگان فتوادالها و شجار بازار پر شد و بسیاری از سردمداران قاجار تحت السوای آزادیخواهی و مشروطه خواهی خود را در صف مشروطه خواهان جا زدند. این مسائل خود باعث شد که انقلابیون واقعی بیشتر صفوف خود را متشکل کنند. "کسانی که بنام انقلابیون معروف شده بودند، دسته دسته حزب دمکرات زدند و مراعاته و نظمانه جامعه که مناسب با روحیات یک ملت مترقی بود نوشته و به طبع رساندند... مرام حزب دمکرات از مرام حزب سوسیال دمکرات - فرقه اجتماع مینون عامیون اقتباس شده بود ولی چون در آن زمان هنوز مسلک سوسیالیستی توسعه پیدا نکرده و عالمگیر نشده بود مردم از آن اسم بیم داشتند و کلمه سوسیالیست را در ردیف کلمه اشتراکی می پنداشتند به ناچار زعمای حزب از اختیار لفظ سوسیال دمکرات اجتناب کردند و به کلمه

دمکرات قناعت کردند. مرام این حزب که در آن زمان تاحدی انقلابی بود، روی چند اصل مهم استوار گشته بود که یکی مبارزه با فتوادالیم یا ملوک الطوائفی و دیگری انگفکاک قوه سیاسی از قوه روحانی بود. (۱۰)

بعد از قتل سید عبدالله بهبهانسی، اعضای حزب اعتدالیون که اکثرا از روحانیون، رجال مستبد و ارتجاعی بودند، در مدد بهره برداری از آن واقعه افتادند و چند تن از مجاهدین دسته سردار بحیی که که از اعضای حزب اعتدال بود، به از میان برداشتن حیدرخان عمو اوغلی مامور شدند. البته آنها موفق به آن عمل نشدند ولی زیر فشار محبتفوذان حزب اعتدال، از ظرف نظمی حیدر را توقیف کردند. حیدر بعد از چندین جلسه با زبیرسی با کمک و فعالیت سایر اعضای حزب دمکرات از توقیف رهائی یافت و به یک ماموریت مخفی میان ایلی بختیاری رفت. بعد از چندی او باز به تهران بازگشت ولی از آنجا شیکه دولت وقت از بودنش در تهران خوشنود نبود، حیدر مجبور شد که ایران را به قصد اروپا ترک گوید.

در اروپا حیدر عمو اوغلی به همکاران لنین، پیشتوای کبیر انقلاب اکتر پیوست. او در اروپا در ضمن فعالیت در حزب سوسیال دمکرات روسیه، به ایرانیان مقیم خارجه نیز کمک میکرد و سعی در آگاه نمودن آنها مینمود. بعدها در سال ۱۹۱۶ از برلین به دانمارک و از آنجا به روسیه رفت و عملا در پیروزی انقلاب اکتر کوشید.

قیام جنگل در اثر ظلم و ستم حکمرانان و همچنین اشغال ایران بوسیله نیروهای استعمارگر شکل گرفت. پس از شروع جنگ جهانی اول، با توجه به اعلام بیطرفی دولت ایران، نیروهای روسیه شمال، نیروهای انگلیس جنوب و نیروهای عثمانی غرب کشور را مورد تجاوز قرار داده و داخل مرزها شدند. در این بحبوحه بود که آتش مبارزات و مقاومتها از گوشه و کنار کشور بپا خاست و از آن جمله بود جنبش جنگل. جنبش جنگل مانند بسیاری از خیزشهای آن دوره بر علیه ظلم و ستم و بیرون راندن اجانب ستمگری داشت و تمام طبقات و اقشار مردم را در بر گرفته بود. رهبری جنبش با شخصی مذهبی بنام میرزا کوچک بود که منافع تاریخی خرده بوروازی را نمایندگی میکرد.

"یونس معروف به میرزا کوچک فرزند میرزا بزرگ اهل رشت، ساکن استاد سرا، در

سال ۱۲۹۸ هجری قمری در خانواده متوسطی چشم به جهان گشود. سنین اول عمر را در - مدرسه حاجی حسن واقع در صالح آباد رشت و مدرسه جامع به آموختن صرف و نحو و تحصیلات دینی گذرانید. چند وقتی هم در تهران در مدرسه محمودیه بهمین منظور اقامت گزید... میرزا کوچک هنگام بیماریان مجلس شورای ملی از طرف محمد علیشاه، در قفقاز بود و اقامتش در تفلیس و باکو تا حدی وی را به مقتضیات دنیای نوین آشنا ساخت. (۱۱)

در اوایل جنگلیها فاقد برنامهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مشخصی بوده، فقط دارای شجاعت و احساسات مینون دوستی بودند و از همین زاویه نیز از صمیم قلب سعی در بیرون راندن روسها و انگلیسیها میکردند. اما در اولین کنفرانس که در سال ۱۲۹۹ شمسی برگزار کردند، برنامههای را به تصویب رساندند که شبیه به اندیشههای سوسیالیستی بوده و در آن از روشهای اجتماع مینون عامیون پیروی شده بود. این مسئله خود نشان دهنده تاثیر فعالیت های عناصر سوسیالیست در گروه جنگل است.

در این اوضاع و احوال در روسیه انقلاب کبیر اکتر پیوق پیوست و یکی از پیامدهای آن در ایران باز پس خوانیدن ارتش روسیه به شوروی بود. پس از خروج ارتش شوروی، انگلیس سعی کرد که جای آنها را بگیرد و از این رو ارتش خود را به شمال ایران تا مرزهای باکو فرستاد. در ضمن بخشی از ارتش سوریه به سرکردگی دنیکن که با دولت شوروی در حال جنگ بود به ایران عقب نشینی نمود و در انزلی اقامت گزید. در این هنگام انقلابیون شوروی سعی در تماس گرفتن با جنگلیها نمودند و از طریق کمیته انقلاب در کنگران برای جنگلیان و میرزا پیام فرستادند. این سرآغاز یک دوره روابط بین جنگلیها و شوروی بود. بعد از آن نیروی ارتش سرخ حدود پانصد پیاده و دوست سواره نظام به بندر انزلی آمدند که فرماندهی آنها با شخصی به نام راسکو لنینکوف بود. در آن مدت بین میرزا کوچک خان و راسکو لنینکوف در منطقه ای از انزلی جلسه ای تشکیل شد. در این جلسه افراد زیر حضور داشتند: راسکو لنینکوف، فرمانده تجهیزات جنگی بحر خزر، سرگوارژ نیکیده، کمیسر عالی قفقاز، اعضای کمیته عدالت باکو، میرزا کوچک خان آلیانی (معین الراعی)، کاشوک آلمانی (هوشنگ)، سعدالله درویش میرمالج مظفر - زاده و اسماعیل جنگلی.

پس از مذاکرات فراوان، حضار در جلسه مطالب زیر را همگی قبول کرده و توافق نمودند که آنها را عملی کنند:

۱- عدم اجرای اصول کمونیزم از حیثت مصادر اموال و انقاع مالکیت و ممنوع بودن تبلیغات،

۲- تاسیس حکومت جمهوری انقلابی موقت،

۳- پس از ورود به تهران و تاسیس مجلس مبعوثان هر نوع حکومتی را که نمایندگان ملت بپذیرند،

۴- سپردن مقدرات انقلاب به دست این حکومت و عدم مداخله شوروی ها در ایران، ۵- هیچ قشونی بدون اجازه و تصویب حکومت انقلابی ایران زاید بر قوای موجود (دو هزار نفر) از شوروی به ایران وارد نشود،

۶- مخارج این قشون به عهده جمهوری ایران است،

۷- هر مقدار مهمات و اسلحه که از شوروی خواسته شود، در مقابل پرداخت قیمت تسلیم نمایند،

۸- کالای بازرگانان ایرانی که در باکسو ضبط شده، تحویل این حکومت شود،

۹- واگذاری کلیه موسسات تجارتي روسیه در ایران به حکومت جمهوری (۱۲)

میرزا کوچک بعداً به دعوت فرماندار گیلان که خود حکومت گیلان را واگذار کرد، به رشت رفت. چند روز بعد از ورود جنگلیان به رشت از طرف آنها اعلامیه‌ای در رشت منتشر شد که بخشهایی از آن را ذیلاً نقل میکنیم:

"هوالحق"

فریاد ملت مظلوم ایران از حلقوم فدائیان جنگل گیلان هیچ قومی از اقوام بشر به آسایش و سعادت نایل نمیکرد و به سیر در شاهراه شرقی و تعالی موفق نمیشود، مگر آنکه به حقوق خویش واقف گشته، ادراک کند که خداوند متعال همه آنها را آزاد آفریده و بنده یکدیگر نیستند و طوق بندگی را نباید به گردن نهاد... تا سال ۱۳۲۲ قمری عده‌ای از متفکرین و عناصر حساس مطلع و دلسوز که از حقوق ملت و خصوصیات خلقت خود و دیگران آگاه بوده، بنای مطالبه حقوق گذاشتند و آزادی را که حق مشروع همه بود خواستار شدند. بتدریج انقلاب مشروطیت شروع گردید... متأسفانه بعلمت عدم تفکر و تعمق پیشقدمان آزادی، همان مرا و خوانین ستمگر مجدداً زمام امور را به لطایف الحیل بدست گرفته و انقلاب را به نفع خود سوق دادند، نتیجه آن که

نهضت مقدس و فداکاری ملت بجای منفعت، مضرت بخشید... قوه ملی جنگل به استظهار کمک و مساعدت عموم شوهروران دینا و استعانت از اصول حقه سوسالیم داخل در مرحله انقلاب سرخ شد و خود را بنام "جمعیت انقلاب سرخ ایران" معرفی می‌نماید و آماده است که در سایه فداکاری و از خودگذشتگی همه قوای را که در ایران برای اسارت این قوم و جامعه انسانیت بکار افتاده‌اند، درهم بشکند و اصول عدالت و برادری را نه تنها در ایران، بلکه در جامعه اسلامی توسط و تعمیم بخشد. مطابق این بیانیه، عموم رنجبران و زحمتکشان ایرانی را متوجه سازد که جمعیت انقلاب سرخ ایران نظریاتش را تحت مواد زیر که در تبعیت از آن بوجه ملزمی وفادار خواهد بود، به اطلاع عموم میرساند:

۱- جمعیت سرخ ایران اصول سلطنت را منسوخ کرده، جمهوری را رسماً اعلام می‌نماید.

۲- حکومت موقت جمهوری حفاظت جان و مال عموم اهالی را بعهده می‌گیرد.

۳- هر نوع معاهده و قراردادی که به ضرر ایران قدیم و جدیداً با هر دولت شده، لغو و باطل می‌شاند.

۴- حکومت موقت جمهوری همه اقوام بشر را یکی دانسته، تساوی حقوق در باره آنتان قابل و حفظ شعائر اسلامی را از فراموشی میداند. ۱۸ رمضان ۱۳۲۸ (۱۲)

بعد از انتشار اطلاعیه فوق، کمیته‌ای مرکب از اعضای جنگلیان و اعضای از شوروی به اسم "روکم" یعنی کمیته انقلاب تشکیل شده و زمام کار و پیشبرد انقلاب را بعهده گرفت و بدنبال آن اعضای هیئت دولت انقلابی نیز معرفی گردیدند.

در آن هنگام روزنامه‌های نیز از طرف جنگلیها منتشر میشد که از آنجمله "ایران سرخ و انقلاب سرخ به مدیریت سعید ابوالقاسم ذره، فریاد جوانان و بیداری به سردبیری حسین جودت و کامونیت به سردبیری سید جعفر پیشه‌وری را میتوان نام برد.

حکومت وقت جمهوری با ترکیب طبقاتی ناهماهنگ اش مشغول ارتق و فتن امور شد و سعی میکرد که استحکام بیشتر پیدا کند. اما اختلافات درونی اندک اندک تشدید شد. چپ‌روی و آناشگری عناصر سوسالیمست و تنگ نظری های کوچک خان نیز به این اختلافات دامن میزد. بخاطر این اختلافات روز جمعه ۲۲ شوال ۱۳۲۸ میرزا کوچک رشت را ترک کرده به فومن رفت و از آن ببعده گروه جنگل به دو دسته تقسیم شدند. یک بخش خود را "انقلابیون" و دسته دیگر "جنگلیان" نامیدند. جنگلیان به میرزا

کوچک اعتماد داشته و انقلابیون پیرامون احسان الله خان و خالو قربان بودند. بهر حال بعد از یک ماهی بلاتکلیفی، گروه انقلابیون در رشت اداره امور را بدست گرفته و هیئت دولتی به شرح ذیل تشکیل دادند:

"احسان الله خان: سر کمیسر و کمیسر خارجه، خالو قربان: کمیسر جنگه سید جعفر محسنی: کمیسر پست و تلگراف، سید جعفر جوادزاده پیشه‌وری: کمیسر کشاور، آقا زاده: کمیسر دادگستری، بهرام آقایی: کمیسر فواید عامه، حاجی محمد جعفر کنگاوری: کمیسر فرهنگ.

و برنامه دولت جدید بشرح زیر اعلام گردید:

۱- تشکیلات ارتش ایران مانند تشکیلات ارتش سرخ روسیه و حمله به ایران.

۲- لغو اختیارات مالکین و امحاء اصول ملوک الطوائفی.

۳- رفع احتیاجات اصلی کارگران شهر و دهات. (۱۲)

اما پای حیدر عمو اوغلی چگونسه به جنبش گیلان کشیده شد. در سال ۱۹۲۵ درکنگره ملل شرق که در باکو برگزار شد، حیدر خان نیز شرکت کرد، او در آنجا علاوه بر عقوبت در شورای تبلیغات کنگره شرق، به عضویت هیئت رئیسه نمایندگان ایران نیز انتخاب شد. در حین این کنگره بود که او از جریان جنبش گیلان و اختلافات انقلابیون و جنگلیان مطلع شد. حیدر خان به انقلابیون توصیه نمود که با جنگلیان آشتی نمایند. بدین لحاظ از طرف انقلابیون به میرزا نامه فرستاده شد و بعداً احسان الله خان و خالو قربان به دیدن میرزا کوچک خان به فومن رفتند. بعد از این دیدار بود که دو گروه دوباره دست دوستی بهم داده و با هم توافق کردند که حیدر خان عمو اوغلی به گیلان آمده و آنها را در اداره امور جمهوری کمک کند. بدینسان بود که حیدر خان یکبار دیگر و برای همیشه به ایران آمد. بعد از آمدن او کمیته انقلاب جدیدی تشکیل شد و حکومتی به اسم جمهوری شوروی اعلام گشت. اعضای جدید حکومتی به شرح زیر بودند:

"میرزا کوچک: سر کمیسر و کمیسر مالیه حیدر عمو اوغلی: کمیسر خارجه، خالو قربان: کمیسر جنگ، میرزا محمدی: کمیسر داخله سرخوش: کمیسر فحاشی." (۱۵)

در این هیئت دولت جدید برای احسان الله خان هیچگونه مسئولیتی تعیین نشده بود و این موضوع بسیار به او ناخوش آیند آمده، سعی کرد که به نوعی در مقابل کمیته

انقلاب خودنمایی کند. بدین لحاظ بسدودن اطلاع حکومت جدید، با تعدادی از افسران نظامی، به قصد اشغال تهران، به آنجا حمله ور شد. این حمله با شکست روبرو گردید حرکت خودسرانه او باعث از بین رفتن تعداد زیادی از مبارزان جنگل شد.

حرکت احسان الله خان و حمله بیسی - موقعتش به سوی تهران باز باعث شعله ور شدن آتش مداومت های دیرینه شد. و نیروهای رفرمیت و سازشکار نیز سعی کردند که از این موقعیت سوء استفاده کرده در جهت منافع طبقاتی شان، از عمیق جنبش جلوگیری کنند. در این میان حیدر عمو اوغلی مسئول قریباتی این کشمکش های طبقاتی گردید.

"دشمنان کمیته انقلاب به میرزا کوچک چنان واضع نمودند که بر غرض وی کودتایی در شرف انجام است. وجود حیدر خان عمو اوغلی در کمیته جدید انقلاب چگونگی پیش خاری چشم کوتاه بین بران دست دوم انقلاب را آزار میداد... سروری و برتری حیدر خان، بیش از همه برای میرزا کوچک گران میانه زیرا طول مدت انقلاب (شش سال) و ریاضت میرزا کوچک در این مدت نشان داده بود که وی قادر به یکسره کردن کار و به پیروزی رسانیدن نهائی انقلاب نیست. هرچ و سرچ ها و کشت و کشتارهای متعدده و تلف شدن جان و مال مردم در این مجادله ها، عامه را از میرزا کوچک ناامید کرده بود و حال که حیدر خان عمو اوغلی به جنگل آمده بود، با آگاهی کسبه به خصوصیات وی داشتند، همه چشم امید به وی دوخته بودند. میرزا کوچک این را متبذیر و از این بابت سخت دل آزرده بود.

در یک جلسه خصوصی که میرزا کوچک به اتفاق معین الرعایا (حسن آلبانیسی) و اسمعیل جنگلی و گاشوک آلمانی و عبدالحمین شفقینی حضور داشته اند، مذاکره و رای - اشفاقان بر این قرار میگردد که اعضای کمیته انقلاب را دستگیر کرده، محاکمه کنند. روز ۲۶ محرم ۱۳۴۰ هجری قمری (برابر ۲۷ تپانماه ۱۳۰۰ هجری شمسی و ۲۹ اکتبر ۱۹۲۱ میلادی) خاتونریان و سرخوش و حیدر خان عمو اوغلی در ملاسرا حضور می یابند. محمد علی ختایی و میرزا محمود کردمخله - ای (گارتیه) و کاس آقا حسام (خیاط) برای تجدید دیدار با میرزا کوچک به ملاسرا رفته، منتظر ورود دشمن میگردند. سعید محمد کرد و صدرخالو قربان و چند نفر دیگر از کزها از راه رسیده، همسراه اقزاد مصلح دیگر مشغول صحبت میشوند که ناگهان واقعه ای که هیچ کسی انتظارش را نداشت، به ظهور میرسد. قریب بیایسی

شلیک تفنگ و مسلسل از اطراف بر می خیزد و عمارت کمیته را زیر آتش میگیرد. از این واقعه غیر مترقبه همه به بیعت فرو رفته و سیدانند چه کنند. مهمذا شلیک مهاجمین را به تیراندازی متقابل پاسخ میدهند. خطر کم کم نزدیک و معلوم میشود که هدف مهاجمین تنها همین خانه، محل کمیته است. معین الرعایا و اسمعیل جنگلی و گاشوک آلمانی مأمور دستگیری کسانی هستند که امروز باید به ملاسرا بیایند.

اما چرا به این طرز شروع کرده اند؟ آیا راه آسانتر برای دستگیری چند شخص معدود وجود نداشت که به این روش افتتاج آمیز متوسل نشوند؟ از چهره جنگلی و حیدر و تعجب می یابید و علت این مهاجمه هتسوز به تحقیق نپیوسته بود. فشار رفته رفته روز به افزایش شهاد و مهاجمین نزدیک تر شدند و انتقار بمب و نارنجک های تپسی ناشئه قتال را گرمتر کرد. عمارت ملاسرا آتش زده شد و مهاجمین با تعدادی دست به یقه شدند. گاشوک آلمانی مشغول سعید محمد کرد را با شانه از پای درآورد و چند کرد دیگر به دنبالش نقش بز زمین شدند. کاسه چشم همه جنگندگان حرکتی بر از خون بود و در آن لحظه های سخت به جز شیخ مرگ هیچ چیز دیگر نمی دیدند.

خالو قربان خود را از بالای عمارت پرت کرد و با اسلحه ای که داشت (سوز) دفاع می نمود و بعد از مقابله مختصر به درختان جنگل پناه برد و ناپدید شد و شبانه روز خود را در جنگلها پنهان کرد و عاقبت به رشت رسید. کاس آقا حسام و محمود

"تو میکوشی که این کشور به چنگال بلا افتد؟ تو میخواهی که این گشتی به گرداب فنا افتد؟ وطن در زیر پای کارگرهای گدا افتد؟ امور مملکت در دست مشتی اشقیاء افتد؟ پس هر خاندان آبروفشده ز پا افتد؟ بود هر آدم با استخوانی، بینوا افتد؟ نکوتر آن که سر از جنم اشغال شما افتد! ..."

خطا به هر ملیون به صدر اجتماع بیون به او "حیدر عمو اوغلی" داد پاسخ با لبی خندان که: "نیود این چنین افکار پستی لایق انسان ز رنج فعله و دهقان جهان گردیده آبادان نه ملت هست و نی ایران بدون فعله و دهقان از این بگذشته، ما امروز در جنگیم با سلطان چو دشمن رو به رو باشد عنان زمین قعه برگردان وگرنه شاه خواهد گشت فاتح اندرین میدان! ..."

میان آن دو تن این گفتگوها بود تا شب شد.

کرد محله ای و محمدعلی ختایی نیز خود را از بالای عمارت انداختند. سرخوش که کمی از پا عاجز بود، شواست فرار کند و در میان شعله های آتش سوخت. شمشیر سبزه شده یک تن دیگر از کردها نیز بعد از پایان حریق بدست آمد. از مهاجمین هم چند نفر کشته شدند. حیدر خان عمو اوغلی که از این وقایع بسیار دیده بود، خود را نجات و در حال فرار تا پسیخان دوید و حتی به آن طرف رودخانه نیز رسید، لکن در آنجا شناخته شده، دستگیرش کردند.

حیدر خان عمو اوغلی را همراه یکی از جنگلیان بنام حسن رفائی به کما فرستادند و چند روزی در کما نگاهش داشتند. در این هنگام داداش بیگ ... کسبه همراه ابراهیم بیگ برای مذاکره با میرزا کوچک از طرف شورای جمهوری قفقاز، شریمان نریمانف، به جنگل آمده بودند به کما آمده، تقاضای ملاقات حیدر خان عمو اوغلی را کرد. لیکن طی نامه ای به وی نوشتند:

"ملاقات حیدر خان عمو اوغلی مقدور نیست. زیرا حیدر خان عمو اوغلی، بعد از واقعه ملاسرا، در موقعی که قصد فرار کتد، به دست قراول کشته شد." (۱۶)

چگونگی جزئیات قتل حیدر عمو اوغلی دقیقاً معلوم نیست اما آنچه مسلم است این است که عنال میرزا کوچک در قتل وی دست داشتند. ابوالقاسم لاهوتی در شعر مفصل خود که به یاد حیدر عمو اوغلی سرود، به قتل این چهره ارزنده جنبش کمونیستی و کارگری ایران اشاره میکند که با بختی از آنرا در اینجا نقل میکنیم:

چونگونی جزئیات قتل حیدر عمو اوغلی دقیقاً معلوم نیست اما آنچه مسلم است این است که عنال میرزا کوچک در قتل وی دست داشتند. ابوالقاسم لاهوتی در شعر مفصل خود که به یاد حیدر عمو اوغلی سرود، به قتل این چهره ارزنده جنبش کمونیستی و کارگری ایران اشاره میکند که با بختی از آنرا در اینجا نقل میکنیم:

میرزا کوچک
حیدر عمو اوغلی

از انبارهای شهرداری این شهر نگاهداری میشود. در این انبار، ماشین های حمل زباله و تخلیه چاه و دیگر ماشین آلات - شهرداری نیز پارک میشود! بدون اینکه ماشینی بین این دو قسمت وجود داشته باشد.

خوشحالی زودگذر

بنا بر گزارش روزنامه اطلاعات، دو سال پیش کار لوله کشی آب آشامیدنی روستای رضامله گلچای پایان رسید و مردم این روستا از اینکه بزودی دارای آب آشامیدنی سالم و بهداشتی خواهند شد، خیلی خوشحال شدند. اما این خوشحالی دیری نپایید، زیرا آنها هرچه انتظار کشیدند آب در لوله ها جاری نشد! اهالی می پرسند: آب چنان ۲ سال وقت برای تکمیل پروژه آبرسانی یک روستا کافی نیست؟

برخی زقیمتها در ایران

(مندرج در کیهان)

قفل خانه	۶۵۰ تومان
سیگار بسته ای	۲۰ تومان
سیگار دانه ای	۲ تومان
موز دانه ای	۵۰ تومان
برنج کیلویی	۸۰ - ۱۰۰ تومان
شامپو سر	۲۵ تومان
خمیر دندان	۲۰۰ - ۲۰۰ تومان
پودر رختشویی	۱۰۰ تومان
لاستیک بیگان	۳ هزار تومان

روابط تجاری ایران با آمریکا

طبق آمار دفتر تجارت آمریکا، مبادلات تجاری میان ایران و آمریکا در سال ۸۴ به دو برابر میزان سال قبل افزایش یافته است. آمریکا در سال ۱۹۸۳ حدود ۱ میلیارد دلار - کالاهای ایرانی خریداری کرده است که بخش عمده آن شامل خرید نفت بوده است که البته بطور غیرمستقیم خریداری شده و از طرف دیگر رژیم جمهوری اسلامی نیز در سال ۸۳ حدود ۱۷۰ میلیون دلار اجناس آمریکایی خریداری کرده است.

پرداخت غرامت

لوموند - سه شنبه ۷ فوریه: دولت ایران مبلغ ۱۵ میلیون دلار به شرکت لیلویدر پول داده است. شرکت سعه انگلیسی لیلویدر این مبلغ را به یک شرکت آمریکایی که اموال آن توسط رژیم ایران بمانده شده بود، پس خواهد داد.

ز حسن پیشوای خود قوای اجتماعیهون
بیرشان بود و دشمن شاد از این کردار ناموزون
از این رو طالع اردوی دولت گشت روز افزون
سپاه شاه رو در حمله از کهار و از هامون

شبى شاریک و باد و سردی و بوران ز حد بیرون
به زندان حال "حیدر" زین هیا هو بود دیگرگون
دلش پیش رفیقان، چشمش از زور غضب پر خون
که دستش محکم از پس بسته و زنجیر در گردن
در آن شب، هیختی وارد به زندان شد
سپس برقی بزد کبریتی و شمعی فروزان شد
به پیش اهل زندان مدر ملیون نمایان شد
سخن کوتاه، "حیدر" با رفیقان تیرباران شد
چو در خون جسم او در راه صف فله نلطان شد
غم جانش بنده، در غمه مزدور و دهقان شد
بغیر از رنگ خون از چشم او هر رنگ پنهان شد
زمین خون، آسمان خون، دشت و کوه و شهر و جنگل خون

منابع

- ۱- انقلاب مشروطیت ایران - نوشته ابوانف ترجمه کاظم انصاری - ص ۶
- ۲- انقلاب مشروطیت ایران - نوشته ابوانف ص ۱۷
- ۳- چکیده انقلاب حیدر خان عمواوغلی - رضا زاده ملک ص ۱۸-۱۷
- ۴- همان منبع - ص ۲۷
- ۵- همان منبع - ص ۲۹-۲۵
- ۶- همان منبع - ص ۲۹-۲۵
- ۷- همان منبع - ص ۲۹-۲۵
- ۸- همان منبع - ص ۱۴۶
- ۹- همان منبع - ص ۱۶۲
- ۱۰- همان منبع - ص
- ۱۱- همان منبع - ص ۲۲۲
- ۱۲- همان منبع - ص ۲۳۱
- ۱۳- همان منبع - ص ۲۴۱
- ۱۴- همان منبع - ص ۲۴۹
- ۱۵- همان منبع - ص ۲۴۹-۲۵۰
- ۱۶- همان منبع - ص ۲۵۰-۲۵۱
- ۱۷- دیوان اشعار لاهوتی ص ۸۰ - ۷۶

پیام کمیته مرکزی

بقیه از صفحه ۷

کارگران و زحمتکشان وفادار مانده اند. افتخار به کلیه مبارزین و انقلابیونی که علیه رژیم بیکار می کنند! زنده باد انقلاب! زنده باد سوسیالیسم! مرگ بر سرمایه داران و کلیه مرتجعین! مرگ بر فاشیستین و سازشکاران!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۶۲/۱۱/۱۸

باز نکشید از:

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
(کمیته خارج از کشور)

چگونه ...

بقیه از صفحه ۳۳
زنان و ... تشکیل میداد و از لحاظ وسعت و بود تبلیغی در تاریخ جنبش زنان ایران بی سابقه بود. این تظاهرات اگرچه با تهاجم و تبلیغات مسموم فدائیانقلاب سازه بقدرت رسیده مواجه گردید، ولی توانست با وسعت و قاطعیت و تداوم چند روزه خود، رژیم

را موقتاً وادار به عقب نشینی نماید. بدنبال استقرار رژیم بغایت ارتجاعی و مردسالارانه جمهوری اسلامی و سرکوب و انحلال تمامی نهادهای دموکراتیک و مسلط شدن جو ترور و اختناق، دیگر امکان برگزاری مراسم روز جهانی زن بدست نیامده است. رژیم جمهوری اسلامی تلاش دارد بسا

سه آلترناتیو حکومتی در مقابل رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی

کارگران آگاه و مبارز
(کمونیستها) چه میخواهند؟
جمهوری دمکراتیک خلق

بورژوازی لیبرال (بنی صدر و
شرکا) بخلاف خرده بورژوازی -
(اگتلاف شورای ملی مقاومت)
چه میخواهند؟
جمهوری دمکراتیک اسلامی

بورژوازی بزرگ، سلطنت -
طلبان و باندهای فسراری
ارتش، ساواکیها و عمال رژیم
سابق شاه چه میخواهند؟
سلطنت ("مروطه")

بورژوازی متوسط تجاری و
فشر فوقانی خرده بورژوازی
سنتی، روحانیت، پاسنداران
کمیته‌چی‌ها ...
جمهوری اسلامی

ترکیب طبقاتی این سیستم‌های حکومتی منافع چه طبقاتی را نمایند می‌کند؟

کارگران و خرده بورژوازی شهر
و روستا (افشار متوسط و پائینی)
دیکتاتوری دمکراتیک انقلابی
کارگران و زحمتکشان
آزادی برای کارگران و
زحمتکشان، دیکتاتوری علیه
سرمایه‌داران و همه استثمارگران

خرده بورژوازی و بورژوازی
لیبرال
دیکتاتوری سرمایه‌داران با
شعار آزادی دروغین و مذهب
علیه کارگران و زحمتکشان

بورژوازی بزرگ و کلیه
استثمارگران
دیکتاتوری مریان سرمایه‌داران
علیه کارگران و زحمتکشان

بورژوازی متوسط و افشار
فوقانی خرده بورژوازی سنتی
حکومت سرمایه‌داران با پوشش
مذهبی
دیکتاتوری علیه کارگران و
زحمتکشان

شیوه تصرف قدرت در هر یک از این آلترناتیوها

غارت‌دهی جنبش انقلابی
کارگران و زحمتکشان
کمیته‌های مخفی اعصاب و
مقاومت
اعصاب عمومی سیاسی و
قیام مسلحانه توده‌ای

ترور فردی و حرکت‌های جدا از
توده‌ها و تصرف قدرت از بالا
(بشد و بست احتمالی با ارتش)
خزیدن بقدرت در خلا آلترناتیو
پرولتاری و سوار کردن بر
موج جنبش و استفاده از
ناآگاهی آنها

عمدتاً کودتا یا نفوذ در
قدرت و استحاله تدریجی آن
به اشکال نیروهای مسلح

سوار شدن بر موج جنبش با
سوا استفاده از ناآگاهی و
عدم تشکل توده‌ها، بند و بست
با امرای ارتش و امپریالیسم

بالا ترین ارکان تصمیم گیرنده

کنگره شوراهای کارگران و
زحمتکشان در راس مقامات
انتخابی و قابل عزل از سوی
توده‌ها و بدون هرگونه امتیاز
ویژه

مجلس با انتخابات نیمه
دمکراتیک ولی بورژوازی و
دولت لیبرال دمکراتیک و مقامات
انتخابی و با امتیازات ویژه

شاه و هیئت دولت و مقامات
انتخابی با امتیازات ویژه
مجلس سنای انتخابی
مجلس شورای تقلبی

ولی فقیه، مجلس خبرگان
انتخابی (با امتیازات
دروغین)
رئیس جمهور و مجلس شورای
اسلامی با انتخابات تقلبی
هیئت دولت انتخابی

مشخصه های بارز هر یک از این سیستم های حکومتی و نقطه اتکا آنها

حفظ ارتش کلاسیک و بوروکراسی
ایجاد سپاه و کمیته و ...

ارتش کلاسیک و بوروکراسی

ارتش کلاسیک و بوروکراسی با
یک سری تعدیلات و تغییرات
بوروکراتیک

انحلال ارتش کلاسیک و
بوروکراسی، انحلال سپاه،
کمیته و ...

حفظ سیستم سرمایه داری وابسته

سیستم سرمایه داری وابسته

حفظ سیستم سرمایه داری وابسته
با یکسری رفرمهای بوروکراتیک
و سطحی

ارتش توده ای در تسلیم عمومی
خلق

تغییرات اساسی در سیستم
اقتصادی بود کارگران و
زحمتکشان

شوراها و انجمن های اسلامی
وابسته به رژیم

سندیکاها ی زرد وابسته به رژیم

شورای فرمایشی و بی اراده و
مشورتی

سمت گیری سوسیالیستی و
برقراری کنترل کارگری

شوراها ی کارگران و زحمتکشان
بعنوان ارگانهای مقننه و
مجریه و سایر ارگانهای
توده ای

دادگاه های شرع

دادگاه های نظامی و عسادی
بورژوازی منفع سرمایه داران

دادگاه های عادی با هیئت منصفه

دادگاه خلق

نهی هرگونه دمکراسی برای
زحمتکشان

نهی هرگونه دمکراسی برای
زحمتکشان

دمکراسی بورژوازی سر و دم
بریده و موقتی

آزادی برای کارگران و
زحمتکشان

حرکت در مقابل و علیه حقوق
زحمتکشان

حرکت در مقابل و علیه حقوق
زحمتکشان

انجام پاره ای رفرمها و
خواستهای نیم بند از طریق
بوروکراتیک

اجرای رادیکال ترین مطالبات
دمکراتیک توده ها از طریق
شوراها و کمیته های کارگران
و زحمتکشان

نهی هرگونه خودمختاری برای
خلقها

نهی هرگونه خودمختاری برای
خلقها

خودمختاری نیم بند

خودمختاری کامل تا سرحد
جدایی و ترجیحاً یکپارچگی
داوطلبانه برای ملیت ها

نهی هرگونه حقی برای زنان
و اقلیتهای مذهبی
بیشترین استفاده از مذهب
برای تحمیل توده ها و برقراری
حکومت مذهبی

حقوق محدود برای زنان و
اقلیتهای مذهبی
استفاده محدود از مذهب برای
تحمیل، ولی جدایی دین از
دولت

برابری و آزادی نسبی برای
زنان و اقلیتهای مذهبی و ملی
ارجحیت با اسلام
استفاده از مذهب علیه
کمونیستها و رشد آزادانه
آگاهی توده ها

لغو هرگونه تبعیضی بر اساس
جنسیت، ملیت، نژاد و مذهب
جدایی کامل مذهب از دولت

این سیستم های حکومتی چه اهدافی را دنبال میکنند؟

آزادی برای مقامات روحانیت
پاسداران، کمیته چپها، نیروهای
نظامی و اشتهایی و حکام شرع
و ... برای دست زدن به هر
عملی

مقامات و پلیس وابسته به
بورژوازی بزرگ
استثمار کارگران و زحمتکشان -
مردم بدون کوچکترین آزادی و
حقی

مقامات و پلیس وابسته به
بورژوازی و خرده بورژوازی
آزادی استثمار کارگران و
ستم بر زحمتکشان

برقراری بیشترین آزادیها
برای کارگران و زحمتکشان
و تضمین تفکر و حرکت مستقل
سیاسی آنها در جهت رشد آگاهی
و شکلشان از طریق شوراها و
اتحادیه های کارگران و
زحمتکشان و اینکه طبقه کارگر
آزادانه و مستمر در راهی -
فقیرترین زحمتکشان برای
سوسیالیسم مبارزه کند، برای
سیستمی که نه فقیر و نه
ثروتمند خواهد بود و کلیه
وسائل تولید در کارخانه ها
به تمامی مردم زحمتکش متعلق
خواهد گشت.

فارت کارگران و زحمتکشان
توسط سرمایه داران و
زمینداران و مردم بدون
کوچکترین آزادی و حقی

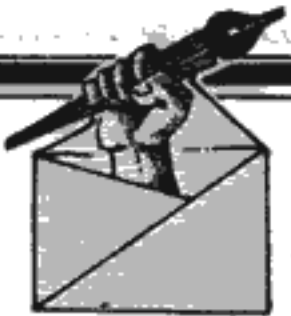
دیکتا توری عربان سرمایه داران

غیرقابل تثبیت مگر بصورت
دیکتا توری عربان سرمایه داران

دیکتا توری عربان سرمایه داران

دیکتا توری عربان سرمایه داران

غیرقابل تثبیت مگر بصورت
دیکتا توری عربان سرمایه داران



از خوانندگان

● فرانسه - پاریس رفقای مبارز کمیته اخبار: با تشکر فراوان از زحمات شما در مورد تهیه و ارسال خبر، بدینوسیله دریافت هرتب آنرا اعلام میداریم.

● فرانسه - پاریس، رفقا با تشکر، سند مربوط به نقل و انتقالات "اداره کسل خدمات شعبه" دریافت گردید.

● فرانسه - پاریس رفیق م. م: قطعه شعری از یک مادر داغدیده که برای دختر اعدام شده اش سروده است، برای ما فرستاده است. طبق توضیح رفیق م. م، این مادر خواسته است که شعرش در جایی چاپ شود. ما با تاسف از اینکه نمیتوانیم همه شعر را چاپ کنیم، چند بیت از آن را در همین بخش درج می - نمائیم. این مادر داغدیده شعرش را اینطور آغاز میکند:

جمعه است امروز، روز وعده گاه یار و یاران
بخترم، ای شیر زن، ای نازنین، برگرد بخانه
بچام، فرزند دلیندم، تو از روزی که رفتی
من شدم بی یار و یاور، خانه ام بی آب و دانه
و سرانجام پس از توصیف از غاسطرات
خود و آرزوهای تحقق نییوسته اش، مرتباً
خود را اینطور خاتمه میدهد:

آن زمان، آن غاسطرات و آن خوشبها
وای مادر، من چه گویم، این زمان، از این زمانه
روزهای خوب و خوش راه رچه بود، از خوشرو ناخوش
یک به یک را بر شمرده ام از برایت عارفانه
شک و نفرت، مرگ و ذلت بر تمام قاتلینت
مرگ آنها را بکیرم جشن های شادمانه ...

● فرانسه - رفیق ف. ج: نامه شما همراه با اشعار شمیم بدست ما رسید. در حد امکان این ستون، به نکاتی از نامه تان پاسخ داده میشود. قبل از هر چیز از توجه مسئولانه شما نسبت به "جهان" تشکر میکنیم. (۱) در مورد استفاده از اصطلاحات و واژه های لاتین حق با شماست. سعی میشود که این مسئله رعایت گردد. (۲) انتشار گشتاب واژه نامه سیاسی در حال حاضر برای ما ممکن نیست، لیکن در عدد هستیم که ستونی بدین منظور در نشریه جهان بدان اختصاص دهیم. (۳) در مورد سئوالات شما در باره، شوروی و رویزیونیسم، شما میتوانید بخشهایی از پاسخ خود را در سری مقالات "نقدی بر تئوری سوسیال امپریالیسم" بیابید. در مورد رویزیونیسم نیز مقاله ای در دست تهیه است که بزودی در "جهان" انتشار خواهد یافت. برخورد به مسئله سوسیالیسم و انحرافات موجود در سطح جهان مسئله ساده ای نیست که

پاسخ گفتن بدان در این ستون ممکن باشد. انتقاد دیگر شما به ما در مورد رفیق استالین بود که در "جهان" شماره ۹ مطرح کرده بودیم که رفیق استالین علیرغم داشتن انحرافات، رهبر پرولتاریا بوده است. بنظر شما این مد و نقیض است که وی هم رهبر پرولتاریا باشد و هم دارای انحرافات در پاسخ باید بگوئیم که پدیده های اجتماعی و شخصیت ها دارای وجوه مثبت و منفی هستند و تنها شیوه برخورد اصولی به پدیده ها، برخورد به وجوه مثبت و منفی آنهاست این شیوه برخورد، شیوه برخورد دیالکتیکی است. بنظر ما انتقاد شما در این مورد، وارد نیست.

شما گذشته از طرح چند سؤال که نیازمند بحث طولانیتری است (و همانطوریکه وعده داده شد منملا در "جهان" های شماره آینده بحث خواهد شد)، سئوالاتی در باره نیاز به یک سازمان پلیسی مخفی در یک کشور سوسیالیستی نموده اید که بدان مختصراً پاسخ میدهیم.

شما پرسیده اید:
"اگر روزی یک قدرت و گروه انقلابی بر سر کار بیاید آیا باید یک سازمان امنیت مثل "ساواما"، "ساواک" و "سیا" و یا بهتر بگوئیم "ک. گ. ب" داشته باشد؟"
نه هرگز یک قدرت انقلابی که بر سر کار بیاید، نباید یک سازمان مخفی مثل "ساواک" و "ساواما" داشته باشد. چرا که اینگونه سازمانها نه در خدمت مردم، گنه برعکس دقیقاً برای سرکوب مردم بوجود آمده اند. عناصر و تشکیلات اینگونه سازمانها مانند سایر نهادهای رژیمشان ضد خلقی و ارتجاعی اند. ولی آیا وجود سازمانهای مخفی چون "ساواما" و غیره بدین معناست که یک حکومت مردمی نباید تشکیلات پلیس مخفی داشته باشد؟ نه چنین نیست. اگر یک حکومت واقعا انقلابی و مردمی بر سر کار بیاید همانگونه که نهادهای دیگر حکومت در خدمت مردم قرار میگیرند، تشکیلات مخفی برای کشف توطئه های ضد مردمی (که تا نظام طبقاتی و کشورهای امپریالیستی که دائماً در حال توطئه علیه خلق ها هستند، وجود دارد) ضرورت دارد. بنا بر این نکته اساسی نه نفسی تشکیلات مخفی و پلیس، بلکه تشکیلات مخفی و پلیسی ضد انقلابی و ضد مردمی است. مگر یک حکومت انقلابی به ارزش نیاز ندارد؟ آیا این بدین معناست که ما با وجود ارتش های ضد خلقی کشورهای ارتجاعی موافقیم آ هرگز.

● سوئد - آ: نامه دوم شما رسید. متشکریم در مورد درخواست شما اقدام لازم بعمل آمد.

● سوئد - گوتنبرگ: رفقای هوا دار نامه پیر از صمیمیت و محبت و بسیار مسئولانه شما بدستمان رسید. تشویقها و قدرشناسی های رفیقانه شما و نیز کمک مالی که برای بهبود کار "جهان" اختصاص داده اید، نه تنها خستگی کارهای شبانه روزی دست اندرکاران "جهان" را رفع میکند بلکه

انرژی بخش و شور آفرین میباشد. ما خود را تا بسته این همه تشویق و تشویق و قدردانی نمیدانیم ولی محبت ها و تشویقهای شما ما به دلگرمی و بهیگیری و جدیت بیشتر ما در قبال وظیفه ای است که انجام میدهیم. در مورد مشکل مربوط به تاخیر در توزیع "جهان" در کشورهای اروپائی، نگرانیهای شما را کاملاً ملاحظا میدانیم و تا بحال رفقای دیگری نیز از کشورهای مختلف در این مورد اشتقاد کرده اند. ما بطور جدی در عهد پیدا کردن راه حل اساسی برای این مشکل وضع بزرگ بر آمده ایم و امیدواریم در آینده نزدیکی فاصله توزیع "جهان" در اروپا و آمریکا را به حداقل ممکن برسانیم. باز هم به سهم خود از صمیمیت و بر خوردهای مسئولانه شما قدردانی و تشکر میکنیم و مشتاقانه منتظر همکاریهای شما هستیم.

● آلمان - ع. شاهد: رفیق همبر شرمناسا بمناسبت سالگرد سیاهگل خیلی دیر یعنی پس از چاپ شماره بیستم ماه "جهان" بدستما برسید. ضمن تشکر از بخش هایی از آن در فرصت مناسب استفاده خواهد شد.

● ایتالیا - رفیق فریدون م: متن ترجمه خبر روزنامه "کالینو" دریافت گردید. ستا تشکر فراوان از شما، بدلیل دیر رسیدن خبر بدست ما و نامطمئن بودن منابع، از درج آن خودداری میکنیم.

● اطریش - سازمان دانشجویان ایرانی در وین - اطریش: مطالب ارسالی شما بسیار مناسب و مفید است و با دقت و انطباق لازم تهیه گردیده است. و منملا مورد استفاده "جهان" قرار خواهد گرفت. از همکاریهای شما بسیار ممنونیم در مورد انتقاد و نگرانیهای شما در زمینه تاخیر در توزیع "جهان" در اطریش به شما حق میدهیم و چنانکه در سطور فوق اشاره رفت در عدد رفیق این مشکل هستیم.

● هلند - احمد: رفیق، شعر شما بزبان آذری و ترجمه فارسی آن رسید. از آن استفاده خواهد شد. متشکریم.

اسپانیا - ما درید، رفیق ک. ج: درخواست شما رسید. اقدام لازم بعمل آمد. متشکریم.

● کانادا - حیدر عموا و فلی: اشعار با احساس و پر شور شما رسید. ضمن تشکر در فرصت مناسب و با اطلاعاتی از آنها استفاده خواهد شد.

توضیح: بارها دوستان و رفقای به ما نامه نوشته‌اند و ما را به نوشته و پیام قبلی خود رجوع داده‌اند. ولی پرونده‌های موجود "جهان" اثری از نامه و یا نوشته دیگری از آنها نشان نمی‌دهد. ما دریافت هرگونه نامه، نشریه، مقاله، شعر و پیام و ... را از جانب خوانندگان "جهان" در این ستون اعلام می‌داریم و یا آنها عیناً یا بخش چاپ می‌نماییم. عدم اعلام و یا عدم استفاده آن در نشریه جهان به معنای عدم دریافت آن از جانب ماست. اگر خواننده‌ای غیر دریافت مطالب ارسالی خود را در این ستون دریافت، این به معنای عدم دریافت آن، به دلایل مختلفی، از جانب ماست. لطفاً با ذکر عبارت "باز ارسال شده" بار دیگر مطلب یا پیام خود را برای ما نفرستید.

● هند - پونا، رفقا: عکس ارسالی شما همراه با یادداشت ضمیمه بدست ما رسید. بسیار متشکریم. سعی می‌کنیم که بموقع از آن استفاده نماییم. همچنین از توضیحات شما در باره اخبار مربوط به خلق بلوچ نیز سپاسگزاریم. سعی می‌کنیم بنحوی آنرا به اطلاع رفقا برسانیم.

● هند - م. د. نامه محبت میزودولی که تهیه کرده بودید بدستمان رسید. متشکریم. در مورد سئوالتان راجع به مجاهدین به مقاله‌ای تحت عنوان "پاسخ به مجاهدین" در "جهان" شماره ۱۷ مراجعه کنید.

● هند - حیدرآباد، ع. شروین: نامه شما حاوی نکات انتقادی تان دریافت گردید. همانطوریکه خودتان در نامه اشاره کرده‌اید، مقالات "جنگ ... و "مترک ... برای نشان دادن همه مسائل نبوده است و در آن تنها بخشی از حقایق عمده گردیده است. اشکالی که نسبت به مقاله "درک مادی از تاریخ" مبنی بر فشرده بودن و مبهم بودن آن گرفته‌اید، درست است. سعی میشود این مسئله در آینده رعایت گردد.

● هند - حیدرآباد، رفیق حمید: مطلب ارسالی شما رسید. بسیار متشکریم. از آن استفاده خواهد شد.

● تایلند - بانکوک، رفقای مبارز: - بریده‌های روزنامه مربوط به سفر مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به تایلند برای عقد قراردادهای اقتصادی بدستمان رسید. با تشکر از رفقا، باید بگوئیم که مسئله همکاری رژیم جمهوری اسلامی با رژیم های ارتجاعی دنیا دیگر از حد چند قرارداد اقتصادی و تجاری گذشته است. این رژیم حتی برای خرید اسلحه از دولت صهیونیستی و فاشیستی اسرائیل، که نه تنها مردم جهان، بلکه

مخالف بورژوازی بین المللی مثل سازمان ملل نیز آنرا بارها و بارها محکوم کرده‌اند ابایی ندارد. بنابراین درج اینگونه خبرها در مقایسه با قراردادهای بزرگ خرید اسلحه و غیره، مثل قرارداد ۵ بیلیون مارکی رژیم با دولت امپریالیستی آلمان، بسیار ناچیز است.

● آمریکا - بتن روز، م. ج: نامه محبت - آمیز شما رسید. انتقاد شما در مورد بند ۴، بخش مقاله "معیارهای سیاسی حداقل برای اتحاد عمل" مندرج در "جهان" ۱۵ وارد است.

● آمریکا - مریلند، ج. ک. و لیست کتب درخواستی شما رسید. ضمن تشکر اقدام میشود.

● آمریکا - فلوریدا، ع. ج. ک. و درخواست شما رسید. ضمن تشکر، اقدام میشود.

● آمریکا - کالیفرنیا، رفیق ف. ب. تشکر مقاله "سیری در هنر و ادبیات بالنده (نیما یوشیج)" بدست ما رسید. بموقع از آن استفاده میشود.

● آمریکا - لوئیزیانا، رفیق ش. طرح - های جالب شما در دو نوبت رسید. با تشکر سعی میشود که از آنها در "جهان" استفاده شود.

● آمریکا - ایلینوی، دوست عزیز ک. م. درخواست شما رسید. اقدام لازم بعمل آمد. متشکریم.

● آمریکا - واشنگتن دی. سی، دوست عزیز ع. ط. شماره "جهان" درخواستی شما ارسال گردید. لطفاً نسبت به هزینه آن اقدام فرمائید. متشکریم.

● آمریکا - اورلاندو، دوستان عزیز: چک شما دریافت گردید. متشکریم. نسبت به درخواست شما اقدام لازم بعمل آمد.

● آمریکا - ویرجینیا، م. ج. ک. شما رسید. متشکریم. نسبت به درخواست شما اقدام - کردید.

● آمریکا - لس آنجلس، دوست عزیز امید - من دفتر طرح شما رسید. با تشکر فراوان، سعی میشود که از آنها در نشریه جهان استفاده شود.

● آمریکا - سات لیک، آقای ا. ب. ب. تشکر چک شما دریافت شد و نسبت به درخواست شما اقدام گردید.

● آمریکا - لوئیزیانا، رفیق ف. درخواست شما رسید. نسبت به آن اقدام شد. متشکریم.

● آمریکا - لس آنجلس، دوست عزیز ب. م. درخواست شما رسید. اقدام لازم بعمل آمد. متشکریم.

● آمریکا - میلوکی، آقای م. ا. درخواست شما رسید. نسبت به آن اقدام لازم بعمل آمد. متشکریم.

● آمریکا - نیویورک، ب. ب. ب. چک شما رسید. با تشکر نسبت به درخواست شما اقدام گردید.

● آمریکا - اوکلاهما، رفیق ج. م. چک شما رسید. با تشکر نسبت به درخواست شما اقدام گردید.

نشريات رسیده

● سوئد - گوتنبرگ: اولین شماره "اخبار" هواداران سازمان در گوتنبرگ بدستمان رسید.

این شماره با فرم و محتوای جالب شامل مطالبی است درباره "سالگرد انقلاب کوبا، عملیات قهرمانانه پیشمرگان کرد، کتابخانه، السالوادور، نیکاراگوئه، ازخون شهدای دانشگاه شرم کنید"، "یادداشت‌های سیاسی" سالروز مرگ لنین، سالگرد شهادت رفیق شاهرخ میثاقی و ... میباشد. مابه نوبه خود انتشار این نشریه خوب را که بصورت ماهنامه مختصر میشود به رفقای مبارزان درسود تبریک - میگوئیم. این رفقا قبلاً نشریه‌ای تحت عنوان "خبر" منتشر می‌نمودند.

● کانادا - انجمن دانشجویان ایرانی هوادار سففا: هفته نامه خبری، شماره ۲۲ بدستمان رسید. این شماره حاوی مطالبی در مورد ضرورت طرح مسئله زنان در جنبش انقلابی، اخبار، شعر و ... میباشد.

● هند - سازمان دانشجویان ایرانی در هند هوادار سففا: خبرنامه شماره ۹ که حاوی اخبار مبارزات مردم - گزارشاتی از کردستان و مطالبی تحت عنوان "پاسخ به یک سئوال" به نقل از ریگای گل شماره ۱۱ میباشد.

● تایلند - خبرنامه ویژه درگذشت لنین حاوی مطالب جالبی درباره زندگی و خصوصیات سیاسی و انقلابی لنین میباشد. همراه شانزدهمین شماره خبرنامه کمیته، سیاهکل بدستمان رسید. این شماره از جمله شامل مقاله‌ای است درباره "آوارگان ایرانی و پناهندگان سیاسی، در بخشی از این مقاله آمده است که ... در شرایطی که تشکل آوارگان ایرانی در سراسر دنیا یک وظیفه برای نیروهای مرفقی و انقلابی مصوب میگردد، در بانکوک هواداران سازمان مجاهدین خلق و هواداران سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران گامهای موثری را برای تشکل پناهندگان مبارز تدارک دیده اند.

تشکیل هیئت موقت برای تدوین اساسنامه از طرف نیروهای مرفقی و انقلابی گامی است که تاکنون توانسته بر اتحاد نیروهای مرفقی و انقلابی باشوده پناهنده بیفزاید و ... ولی بقیه در صفحه ۲۴



بهاری سرخ در پیش است

بهاری سرخ در پیش است
در آغاز سالی که هیچ‌س به سالیان نمی‌ماند،
شعار ما اینست:
"تالها نه بدین سالیان"
گفتیم دستی برآریم و مدافعی،
گزد آمدیم... ما شدیم و خود را رها کردیم
سنگ‌شایمان از خونهای ریخته رنگین شد،
میزانمان...
تک تک، گروه گروه، به تاریخ پیوستند.
تاریخ ما، تاریخ خون شد.
در گبرو دار رزم،
بهر گفتار تاریخ کهنه ارتجاع،
با واژه‌های تفرقه و نفاق،
ندای رسالت برآورد.
خون را به جای نان، فقر را بنام آزادی،
قسمت کرد.

اینک در هر بهار،

مردم در خانه به جای سبز، کینه می‌کارند.
در هر نوروز،
به جای شمع، در سفره‌ها خنجر می‌نشانند.
هرخانه اگر در عزای شهیدی نیست، آشیانه
گفتاری است.

در تمامی وسعت ایران
خون شهیدان به هم پیوسته است،
و می‌پیوندد و می‌پیوندد و می‌پیوندد.
موج در موج،
رود در رود،
اینک، رودخانه‌های خون،

رودخانه خشم توده‌هاست،
کز وسعت خونی ایران میگذرد.
میدانم قیام نزدیک است،
قیامی دیگر.
میدانم تاریخ ما دوباره ورق خواهد خورد،
میدانم نوروزی در راه است
با "بهاری سرخ"
و ما میتوانیم دوباره بگوئیم
"مد سال بسه این سالها"

پ - لک



نظام

برای یاد گرفتن هیچ وقت دیر نیست
این حرف شوست نظام
که بر شارک مغزم نقشه است
* * *

نظام

رفیق جوان من
نظیر اتحاد و سوسیالیسم
توان با زوان و فکر ما
چه خوب بود
با تو بودن و با تو زیستن
چه خوب بود تقسیم کار و محبت
و چه خوب تو دانستی راه را
آنزمان که قلم برگزفتی و
کاخ ظلم را با طوفان نکرهت
در مرصه مبارزات ما
لرزه انداختی
بر تمام ظلم

* * *

نظام

مظهر کار و رفاقت
دیری نمی‌پاید که طوفان خلق
پتک بزرگ تو را
در مسیر رهائی ما
بر فرق ظلم
فرود می‌آوردند
رفیقان تو
در کارخانه‌ها
در کارگاه‌ها

* * *

نظام

هنوز بادم هست
عشق تو را
به رهائی کار
هنوز بادم هست
زمنه گرم تو را
که چه شب‌ها
با صبر بسیار
مرور میکردی
دقتر سرخ آکارخانه را

* * *

نظام

برای یاد گرفتن هیچ وقت دیر نیست
این حرف شوست
و کنون که رایحه گلنهای بهاری
سرمست میکند حیاط کارخانه را
تو را می‌بینم که می‌گویی
به پیش رفقا
فردا از آن ماست
با هم بگوئیم ظلم را

بیاد خاطره تابناک فدائی خلق، رفیق شهید،
نظام، خون جوشنده فدائی در کارخانه‌ها!

زن بودن

زن بودن چه غم انگیز است
در زمین چیزی باین کم بهائی نیست
پسران بدر شکبه میزنند
مانند خدایانی از آسمان افتاده
قلب‌های آنان چهار اقیانوس
و باد و غبار هزار فرسنگ را به مبارزه
میخواند
وقتی دختری بدلبا می‌آید کسی شاد نمیشود
خانواده بر او ارجی نمی‌دهد
چون بزرگ شود در اتاقتن‌پنهان مساند
شریان که چشم‌سیر چهره مردی افتد
هیچ کس زاری نمی‌کند چون او خانه خود را
ترک گوید
مانند ابرها که پس از باران ناگهان دور
میشوند
سرفرود می‌آورد و قیافه خود را مرتب میکند
دندانهایش لبهای سرخش را میفشارد
تعظیم‌های بی‌شمار میکند و زانو میزند
فوشوان - شاعره چینی

تافتح کنیم فردا را

ما میرویم چون رود
از این ده به آن ده
از این شهر به آن شهر
ما میرویم چون طوفان سهمگین
از این دشت به آن دشت
از این جنگل به آن جنگل
ما میرویم چون اندیشه سرخ
از این مرز به آن مرز
از این قاره به آن قاره
ما میگوئیم چکش خود را
بر این پیکر فرسوده سرمایه
بر این دژ غم‌و آن ضحاک
ما همچون خون در رگهای جوشان
از این نسل به آن نسل
ما میرویم با اندیشه سرخ
تافتح کنیم فردا را
"اسماعیل"

دل‌برای باغچه میسوزد

دل‌برای باغچه میسوزد
 کسی بفکر گلها نیست
 کسی بفکر ماهیها نیست
 کسی نمی‌خواهد
 باور کند که باغچه دارد میمیرد
 که قلب باغچه در زیر آفتاب ورم کرده است
 که ذهن باغچه دارد آرام آرام
 از خاطرات سبز تهی میشود
 و حس باغچه انگار
 چیزی مجرد است که در آن‌روای باغچه پوسیده است
 حیاط خانه ما تنهاست
 حیاط خانه ما
 در انتظار بارش یک ابرناشناس
 خمیازه میکشد
 و حوض خانه ما غالی است
 ستاره‌های کوچک بی تجربه
 از ارتفاع درختان به خاک می‌افتند
 و از میان پنجره‌های پریده رنگ خانه ماهی‌ها
 شبها صدای سرفه می‌آید
 حیاط خانه ما تنهاست
 پدر میگوید:
 "از من گذشته است
 من با خود را بردم
 و کار خود را کردم"
 و در اتاقش از صبح تا غروب
 با شاهنامه میخواند
 یا ناسخ التواریخ
 پدر به مادر میگوید:
 "لعلت به هرچه ماهی و هرچه مرغ
 وقتی که من بمیرم دیگر
 چه فرق میکند که باغچه باشد
 یا باغچه نباشد
 برای من حقوق شفاعت کافی است."



چرا توقف کنم! چرا
 پرندهای که مرده بود بزمین پند داد
 که پرواز را بخاطر سپارم

و از جنازه ماهیها
 که زیر پوست بیمار آب
 به ذره‌های فاسد تبدیل می‌شوند
 شماره برمیدارد
 برادرم به فلسفه معتاد است
 برادرم شقای باغچه را
 در انهدام باغچه میداند
 اوست میکند
 و مشت میزند به در و دیوار
 و سعی میکند که بگوید
 بسیار دردمند و خسته و مایوس است
 او تا امیدش را هم
 مثل شناسنامه و تقویم و دستمال و فن‌دک و خودکارش
 همراه خود به کوچه و بازار می‌برد
 و ناامیدش
 آنقدر کوچک است که هر شب
 درازدام میکند کم میشود

و خواهر که دوست گلها بود

و حرفهای ساده قلبش را
 وقتی که مادر او را می‌زد
 به جمع مهربان و ساکت آنها میبرد
 و گاه گاه خانواده ماهیها را
 به آفتاب و شیرینی مسمان میکرد...
 او خانه اش در آنسوی شهر است
 او در میان خانه مصنوعیش
 با ماهیان قرمز مصنوعیش
 و درپناه عشق همسر مصنوعیش
 و زیر شاخه‌های درختان سبب مصنوعی
 آوازه‌های مصنوعی می‌خواند
 و بچه‌های طبیعی میسازد
 او
 هر وقت که بدیدن ما می‌آید
 و گوشه‌های دامنش از قریب باغچه آلوده میشود
 حمام ادکلن میگیرد
 او
 هر وقت که به دیدن ما می‌آید
 آستن است

حیاط خانه ما تنهاست
 حیاط خانه ما تنهاست
 تمام روز
 از پشت در صدای تکه تکه شدن می‌آید
 و منفجر شدن
 همسایه‌های ماهمه در خاک باغچه‌هاشان بجای گل
 خمیازه و مسلسل میکارتند
 همسایه‌های ماهمه بر روی حوض کاشیشان
 سرپوش میگذارند
 و حوض‌های کاشی
 بی آنکه خود بخوانند
 انبارهای مخفی باروتند
 و بچه‌های کوچک ما کیف‌های مدرسه شان را
 از بمب‌های کوچک
 پُر کرده اند

حیاط خانه ما کج است

من از زمانی
 که قلب خود را کم کرده‌ام میترسم
 من از تصویر بی‌بودگی این همه دست
 و از جسم بیگانگی این همه صورت میترسم
 من مثل دانش‌آموزی
 که درس‌هنده‌اش را
 دیوانه‌وار دوست دارد تشنه‌ام
 و فکر میکنم که باغچه را میشود به بیمارستان برد
 من فکر میکنم ...
 من فکر میکنم ...
 من فکر میکنم ...
 و قلب باغچه در زیر آفتاب ورم کرده است
 و ذهن باغچه دارد آرام آرام
 از خاطرات سبز تهی میشود.

برادرم به باغچه میگوید قبرستان
 برادرم به اغتشاش قلبها می‌خندد

معلم روستائی میگفت سال گذشته بدلیل بند آمدن راه، ۱۵ کودک روستائی که مریض بودند، مردند.

عمده سوخت اهالی از چوب درختستان جنگل تا مین میشود، که این امر موجب نابودی جنگل های منطقه شده است. در این روستا چیزی به اسم مدرسه وجود ندارد. - مدرسه و کلاس در محیط باز تشکیل میشود. دانش آموزان با لباس پاره و مندرس در سر کلاس حاضر میشوند. بدلیل فقر فرهنگی هنوز از درس خواندن دختران جلوگیری میشود. یک سیم بکسل تنها راه ارتباطی ۱۵۰ هزار تن اهالی ساکنین شمال شرقی استان کهگیلویه و بویراحمد از استان چهارمحال و بختیاری است که به روی رودخانه خرمان، مرز این دو استان بسته شده است. مردم این منطقه مجبورند برای انتقال بیمارانشان، کالاهای دامها و حتی کشته شدگانشان به آن سوی رودخانه، از روی این سیم بکسل عبور کنند. بدیهی است که هر سال چند نفری از روی آن به داخل رودخانه می افتند و



آب آشامیدنی اهالی روستای موشی در ۲ ماه از فصل بهار از چشمه‌ها تامین می‌شود، لیکن همین آب به دلیل وجود منابع گچ در گورها همواره با گچ همراه است که آشامیدنش موجب بیماری سنگ کلیه می‌شود.

مانند سایر زحمتکشان ایران، در فقر و بدبختی بسر خواهند برد. خلاصی از این وضعیت مشقت بار، تنها از طریق پیروزی جمهوری دمکراتیک خلق میسر است.

غرق میشوند. میلجا تا زمانی که رژیم‌های ضد مردمی مانند رژیم جمهوری اسلامی سر کار هستند، زحمتکشان روستاهای کهگیلویه و بویراحمدی

۸ مارس ... پیاپی از صفحه ۲۱

کشد که دموکراسی پرولتری پیشروترین و واقعی ترین و همه جانبه ترین دموکراسی ها است، باید چه در شعوری و چه در عمل برای این مسئله مهم انقلاب ایران، بهای لازم را قائل گردند. در این مورد وظیفه زنان کمونیست و پیشرو بسیار سنگین تر است. آنها در همین حال که بعنوان یک انسان کمونیست بر علیه نظام سرمایه داری و طبقاتی و در جهت بسیج زحمتکشان و کارگران مرد و زن در جهت یک انقلاب دموکراتیک - توده‌ای و بنا نهادن نظام نوین سوسیالیستی مبارزه میکنند، موظف هستند همراه با آن، علیه نظام دیرین، دیرپا و سخت جان مردسالاری (Patriarchy) نیز به مبارزه‌ای همه جانبه برخاسته و مردان هم‌رزم خود را با به پای خود به تغییر بینش‌ها و سنن و عادات کهن برهنمون گردانند. از طرف دیگر زنان کمونیست وظیفه دارند بخشی از نیروی خود را در - خدمت جنبش دموکراتیک و مستقل زنان قرار دهند و در بسیج و سازماندهی توده‌ای اقشار مختلف زنان در یک تشکیلات دموکراتیک و مستقل، شلانی نمایند. در این مورد که جای سخن بسیار است، باز خواهیم نوشت.

توجه به این حقیقت که نابودی تمامی ستم‌ها در وهله اول در گرو نابودی ستم طبقاتی و بهره‌کشی انسان از انسان، یعنی نظام سرمایه داری کنونی میباشد، نباید

باعث شود که این واقعیت مهم را فراموش کنیم که هر نوع ستمی طبیعتا مبارزه خاص علیه همان نوع ستم توسط خود ستمدیدگان را بوجود آورده است. از همین روستا که امروز ما با جنبش‌هایی علیه ستم نژادی، ستم ملی و ستم جنسی روبرو هستیم گستره در عین پیوند دیالکتیکی با مبارزات طبقاتی، از ویژگی‌های خاصی در وجه نژادی، ملی و جنسی برخوردار هستند. شوالی که در اینجا مطرح است این است که برخورد کمونیست‌ها به این نوع جنبش‌ها چگونه باید باشد؟ اگر مثلا در مورد مسئله خلق‌ها و مسئله ملی، شعوری مارکسیستی مدون و فرمول‌های شکل گرفته است، شعوری ما در مورد مسئله زن و جنبش زنان چیست؟ ما معتقد هستیم که در این زمینه جنبش کمونیستی و از جمله جنبش کمونیستی ایران دارای ضعف و عقب ماندگی است. ما به سهم خود، هر چند که جزئی کوچک از هواداران جنبش کمونیستی ایران و سخما سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران هستیم، وظیفه خود میدانیم که در این راه گام برداریم. در این رابطه با توجه به نکات فوق و پیش‌فرض‌های طرح شده (که خود میتواند مورد بحث و اختلاف نظر واقع شوند)، بتدریج بحث بر سر چند مبحث را آغاز میکنیم:

- ۱- ستم معاف یعنی چه؟ رابطه ستم جنسی با استثمار و ستم طبقاتی چگونه است؟
- ۲- جنبش مساوات طلبانه و دموکراتیک

زنان چه ارتباطی با مبارزات زحمتکشان و کارگران دارد و باید داشته باشد؟

۲- رابطه سازمانها و احزاب کمونیست با مبارزات تساوی خواهانه زنان و جنبش‌های فمینیستی (Feminist) چگونه باید باشد؟ آیا در کنار احزاب و سازمانهای پیشاهنگ پرولتری نیازی به سازمانهای مستقل زنان وجود دارد؟

- ۱- کتاب جمعه، شماره ۳۰، ۱۳۵۸
- ۲- "مردم"، دوره اول، شماره ۷، اردیبهشت ۱۳۵۹ (ضمیمه - مباحثه با مریم فیروز)

پیاپی از صفحه ۵۹
جایگزینی روز تولد فاطمه، دختر بیغمسیر، روز جهانی زن را تبدیل به روز اسلامی زن نماید و از این طریق الگوئی از زن را که هم‌اکنون زن با معیارهای فرهنگ پدرسالارانه فرون وسطاشی است همراه با چند چاشنی به عاریه گرفته‌شده از ستم سرمایه داری، به جامعه ارائه دهد.

با استفاده از "کتاب جمعه" شماره ۳۰، اسفند ۱۳۵۸

گرامی باد خاطره شهدای
اسفندماه

هموطن! نشریه جهان را برای خود و دوستان خود مشترک شوید!

شما میتوانید نشریات "کار"، "ریکای گدل" و
"جهان" را از طریق آدرس های زیر تهیه نمایید.

اتریش
ISV
IRANISCHER STUDENTENVERBAND
PF 370-1061
WIEN, AUSTRIA
۱۲۵ شیلینگ برای ۶ شماره
۲۳۵ شیلینگ برای ۱۲ شماره

آلمان غربی
POSTFACH 3653
7500 KARLSRHE, W.GERMANY
۱۵ مارک برای ۶ شماره
۲۵ مارک برای ۱۲ شماره

آمریکا
JAHAN
P.O. BOX 540
N.Y., N.Y. 10185
U.S.A.
۸ دلار برای ۶ شماره
۱۵ دلار برای ۱۲ شماره

انگلستان
OIS
BM KAR
LONDON, WC IN3XX
ENGLAND
۵ پوند برای ۶ شماره
۹ پوند برای ۱۲ شماره

ایتالیا
M.C.P. 6329
ROMA PRATI
ITALI
۹۰۰۰ لیر برای ۶ شماره
۱۷۰۰۰ لیر برای ۱۲ شماره

بلژیک
E.I.
B.P. 8
1050 BRUXELLES 5
BELGIQUE
۵۰۰ فرانک برای ۶ شماره
۹۰۰ فرانک برای ۱۲ شماره

سوئد
ISS
BOX 50057
10405 STOCKHOLM
SWEDEN
۸۰ کرون برای ۶ شماره
۱۲۰ کرون برای ۱۲ شماره

فرانسه
A.C.P.
B.P. 54
75261 PARIS CEDEX 06
FRANCE
۷۰ فرانک برای ۶ شماره
۱۲۰ فرانک برای ۱۲ شماره

کانادا
ISS
P.O. BOX 101, STATION H
MONTREAL,
QUEBEC H3G2K5
CANADA
۱۰ دلار برای ۶ شماره
۱۸ دلار برای ۱۲ شماره

پاکستان، هند، ایران، افغانستان
فدائی خلق ایران
۵ دلار برای ۶ شماره برای ۱۲ شماره

۵۰	شاهرخ میثاقی
۲۵	رفیق اسکندر
۶۵	انقلاب اکثر
۲۵	ع- ۱۰۲
۲۵	سیاهکل
شیلینگ	ا طربش
۲۷۰۰۰	۲۷۰۰۰ اکسون رفیق هادی - هواداران بچغا
۱۱۰۰۰	اینسبورگ
۲۰۰۰	لین
۱۵۰۰	گرانس
	رفیق از وین - آمانتی شما رسید
	اسپانیا
	۵۰۰۰ رفقای مادرید
	ایتالیا
	۱۰۰۰۰۰۰ واحد بلونیا
	۲۱۰۰۰۰ واحد جنوا
	واحد رم - رفیق محمد علی قصابی ۱۰۰۰۰۰۰
	کانادا
۲۰	ستیز ۲
۱۰	لاله F-B
۲۰	غلا
۱۰	فریاد
۵۳	رفقای مونترال
۱۱۰	به پیش رفقا - مونترال
	هندوستان
۲۴۰۰	یونا
	سوئد
۵۰	رفیق همه کس
۲۰	رفیق حمید شرف
۳۰	بامی استار
۵۰۰	هواداران Vasteras
۲۰۰	هواداران Skoved
	کوتنبرگ - کمک مالی به "جهان" هواداران - کوتنبرگ
۵۰۰	کوتنبرگ
	(م) برگشتی از رفقای فیلمین ۱۲۲ دلار
	هواداران بچغا واحد کوتنبرگ ۷۰ دلار
	بعلت کمبود جا میقیه کدها در شماره آینده

گدهای کمکهای مالی ارسال شده		دلار	آمریکا
به سازمان جنبشهای فدائی خلق ایران			
۱۵	رفیق رسولی	۲۰	۱۰۰۰۰
۵	رفیق مادر	۱۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰	سینا کارگر	۲۶۰	دالاس
۲۰	سکو	۲۰	هوسن - میثاقی
۵۰	رفیق ماجان	۱۸۰	کلمبوس - رفیق نوروری
هدیه	کار دین	۲۰	بهرز - ر
هدیه	احمد - م	۲۰	شهرام - ر
هدیه	جهان ۲	۲۰	فرزاد - ر
هدیه	حزنی	۱۲۵	ج- ۹۱۲
هدیه	سعید	۱۹۰	حین میناتی
هدیه	هادی	۶۰	میدیا پولیس
هدیه	رفیق سینا کارگر	۲۵	م- یوتا
۶	ک- د	۶۷/۵۰	ن- ب
۴۰	سوازی	۴۲/۲۵	پ- ک
۲۰	سارا	۱۲۱	رفیق مومنی
۲۰	گلبرخی - میدلزبورو	۴۰	م. ۱ برکلی
۲۰	میدلزبورو	۹۰	یوشن ۷
۵۰	میدلزبورو		آلترناتیو پرولتاریا و مسئله صرف قدرت
۲۰	مباستریا	۱۰۰	بشن روز
۲۰	سوکا بل		یوشن - حمید مومنی
۲۵	سجینو	۲۳۴/۷۵	کلمبوس - ه
۵۰	بزرگداشت - اسکا نلد	۵۲	رفیق محمد کزازی ۱۴۰
۲۴/۲۸	اسکندر	۷۰۰	یوشن - اراسی
۵	مارکس	۴۰	امریکا تل
۲۰	رفیق اسکندر سب	۲۰	امپوریا
۷۵	سژن - م	۱۲۶	سک کار
۲۵	آرش - م	۲۰	رفیق وارطان
۵۰	رفیق سعید بربری		رفیق مارتیک قازاریان ۳
۱۵	رفیق حمید شرف	۱۰۰	رفیق داود نوری
۴۵	انور اعظمی		رفیق احمد طهماسبی
۵۵	کتیرانی	۶۰	رفیق مهران محمدی
۵۰	حیدر عموانلی	۱۰۰	نمام ۲۲ سهم
۳۰	اراسی	۵۰	رفیق جزنی
۱۰۰	رفیق هادی	۵۰	یلدا - آریزون
۲۵	روزبه	۲۰۰	ستاره سرخ - آریزون
۴۰	رفیق رسولی		۱۶ آذر
۲۵	رفیق نظام	۲۰	سان دیا گوالف
۲۴	رفیق سعید	۵۰	دالاس ۲
۱۰	رحمتی	۲۲۰	آرلینگتون ۱۰۲
۱۰	پیشمرگان فدائی	۱۰۰	ن
۱۰	صد بهرنگی	۳۰	رفیق سژن
۶۰	خسرو گلبرخی	۱۰۰	ج ۹۱۴
۵۰	رفیق هادی	۱۰۰	لافایت هادل
۴۰	سعید سلطانپور	۱۰۰۰	Wheels
۲۵	رفیق انور اعظمی	۸۱۰	Wheels
۳۰	حمید شرف	۱۹۲	Wheels
۵۰	کمون پارس		
۴۰	شایسته آذر		



آزادی زن،
آزادی جهان،
۱۷ اسفند روز جهانی زن
۱۳۵۷

جمهوری موقت ایران
روز جهانی زن

روز جهانی زنان

۸ مارس روز جهانی زن گرامی باد